

قيام حسيني تا اربعين حسيني و حضور متعهدانه معلولان

به كوشش: دفتر فرهنگ معلولين





دفتر فرهنگ معلولین
دارالثقافة للمعوقين
Handicap Cultural Center

قیام حسینی تا ربیعین حسینی و حضور متعهدانه معلولان

به کوشش: دفتر فرهنگ معلولین

پدیدآورندگان: محمد نوری، اعظم قاسمی، مسعود باقری، مریم قاسمی، اباذر نصر اصفهانی

تاریخ: زمستان ۱۳۹۵

ناشر: دفتر فرهنگ معلولین

قم، بلوار محمدامین، خیابان گلستان، کوچه ۱۱، پلاک ۴ تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۴۵۲ فکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۵۲

همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵ , info@handicapcenter.com , www.HandicapCenter.com

- هرگونه اخذ و اقتباس با اجازه کتبی از ناشر ممکن است.

فهرست

۷.....	مقدمه
۱۱.....	بخش نخست: معلولیت و معلولان از نگاه امام حسین علیه السلام
۱۳.....	فصل نخست: سیره امام حسین علیه السلام
۱۳.....	سخنرانی برای نخبگان
۱۴.....	متن سخنرانی: قسمت اول
۱۶.....	قسمت دوم و سوم سخنرانی
۱۷.....	ترجمه قسمت نخست سخنرانی
۱۹.....	ترجمه قسمت دوم و سوم
۲۱.....	توضیح و شرح
۲۴.....	معرفی راویان
۲۵.....	آسیب شناسی اجتماعی - فرهنگی
۲۶.....	دیگر توصیه‌ها و سفارش‌ها
۳۱.....	فصل دوم: احیای سنت‌ها و پیمان‌ها
۳۲.....	سنت‌های نبوی
۴۱.....	سنت‌های علوی
۴۲.....	جامعه علوی و وظایف امام
۴۵.....	تعهدات دولت
۵۰.....	تأمین زندگی ناینیان
۵۳.....	بخش دوم: همراهی و مساعدت با امام حسین علیه السلام
۵۵.....	فصل اول: معلولان شهید
۵۵.....	مسلم اعرج
۶۰.....	عبدالله بن عقیف ازدی
۶۱.....	اسلم بن کثیر
۶۱.....	اسلم ترکی
۶۱.....	جایگاه تابعین
۶۲.....	نقش قبیله ازد در تاریخ تحولات
۶۵.....	فصل دوم: عدم همراهی در قیام حسینی
۶۵.....	عبدالله بن جعفر
۶۸.....	عبدالله بن عباس مشهور به ابن عباس
۷۰.....	محمد بن حنفیه
۷۱.....	ابوسعید خدری

عقیل بن ابی طالب (درگذشت ۶۰ق/۶۸۰م)..... ۷۲

مَعْن بن اَوْس (درگذشت ۶۴ق/۶۸۳م) (نابینا)..... ۷۲

عبدالله بن عَمَر (۱۰هـ.ق - ۷۳ق)..... ۷۲

عبدالله بن حارث (درگذشت ۸۶ق/۷۰۵م) (نابینا)..... ۷۳

اسماء بن عبدالله..... ۷۳

جابر بن عبدالله انصاری..... ۷۴

همراهی در امور دیگر..... ۷۷

فصل سوم: تداوم خط حمایت و شهادت..... ۷۹

سعید اعرج..... ۷۹

ابوالاحوص..... ۸۰

سلیمان بن خالد..... ۸۰

سلیمان بن مهران أعمش..... ۸۰

اعرجی ها..... ۸۱

بخش سوم: زیارت معلولین از قرون نخست تا دوره جدید..... ۸۵

فصل اول: اولین زائران..... ۸۷

جابر انصاری..... ۸۷

راهپیمایی جابر در اربعین حسینی..... ۸۸

فصل دوم: دوره جدید..... ۹۱

حضور معلولین..... ۹۱

پیاده روی زائران معلول..... ۹۲

اقدامات سازمان بهزیستی..... ۹۳

بسیج عمومی..... ۹۴

معلولان عراقی..... ۹۵

حوادث ویژه..... ۹۷

جلوه‌هایی از حضور..... ۹۸

بخش چهارم: حضور خادمان..... ۱۱۷

فصل اول: خدمات رسانی..... ۱۱۹

ناشنوایان در لباس خدمت..... ۱۱۹

موكب احباب الحسين عليه السلام..... ۱۲۰

جایگاه بهزیستی..... ۱۲۰

هنرمندان خادم..... ۱۲۱

تشکل های مردمی..... ۱۲۱

فصل دوم: مشارکت فرهیختگان و متخصصان..... ۱۲۷

فعالیت تلگرام..... ۱۲۷

کانال‌ها و گروه‌های تلگرامی..... ۱۲۸

۱۲۹.....	نرم افزارهای راهنما.....
۱۳۲.....	امکانات مدرن.....
۱۳۳.....	مکان یابی و تشخیص مسیر.....
۱۳۳.....	پیدا کردن همراه.....
۱۳۴.....	زیارت نیابتی.....
۱۳۷.....	بخش پنجم: چشم انداز آینده.....
۱۳۹.....	فصل اول: ظرفیت ها.....
۱۳۹.....	توریسم معنویت گرا.....
۱۳۹.....	تعامل بین معلولان.....
۱۳۹.....	زیارت تراپی.....
۱۴۱.....	فصل دوم: آسیب شناسی.....
۱۴۱.....	حوزه فعالیت ها.....
۱۴۱.....	فعالیت فرهنگی.....
۱۴۲.....	فعالیت ترویجی.....
۱۴۲.....	دیالوگ جهانی.....
۱۴۳.....	بخش ششم: اطلاع رسانی.....
۱۴۵.....	فصل اول: فعالیت های علمی.....
۱۴۵.....	گزارشی از کتاب بررسی آماری راهپیمایان اربعین.....
۱۵۵.....	گزارشی از پایان نامه ثبت پیاده روی اربعین.....
۱۶۰.....	گزارش نشست ابعاد فرهنگی و اجتماعی پیاده روی اربعین.....
۱۶۳.....	گزارش همایش اربعین.....
۱۶۸.....	گزارش نشست اربعینیات.....
۱۷۱.....	فصل دوم: مآخذشناسی اربعین حسینی.....
۱۷۲.....	کتاب فارسی.....
۱۷۷.....	کتاب عربی.....
۱۷۹.....	مقالات فارسی.....
۱۸۵.....	مقالات عربی.....
۱۸۶.....	مقالات همایش ها.....
۱۸۶.....	پایان نامه ها.....
۱۸۷.....	کتاب انگلیسی.....
۱۸۹.....	منابع.....

مقدمه

بعضی از جریان‌ها مثل وهابیت تبلیغاتی به راه انداخته که فرقی بین داعش و اربعینیون شیعه نیست و هر دو با بسیج توده‌های مردم، آنها را در راه اهداف مورد نظر به کار می‌گیرند. و به گونه‌ای تبلیغ می‌کنند که هر دو جریان برای صلح جهانی و برای منطقه خطرناک هستند. تلاش می‌کنند دولت‌های منطقه و مردم کشورهای اسلامی را بترسانند. در شبکه‌های تحت نفوذ عربستان سعودی اینگونه تحلیل‌ها فراوان به چشم می‌خورد. برای اثبات مدعای خود پرچم‌ها و حرکت‌های جمعی همراه با پرچم داعشی‌ها را نشان می‌دهند، سپس جمعیت همراه با پرچم و بیرق اربعینیون را نشان می‌دهند. گاه اسلحه‌ها و تیراندازی‌هایی هم به تصویر می‌کشند.

برای خنثی شدن اینگونه تبلیغات‌ها، وظیفه نویسندگان، خبرنگاران، گزارشگران، فیلم‌سازان و اصحاب رسانه‌ها سنگین است و لازم است تفاوت‌های داعشی‌ها و عزاداران اربعین را نشان دهند و به جهان اعلام کنند داعش یک گروه سیاسی و خشن و ضد حقوق انسانی و در پی هدف سلطه بر سرزمین‌های مسلمان به قیمت کشتار و نابودی آنان حتی تجاوز به زن و فرزندان است. اما جریان اربعین، به تبعیت از امام حسین علیه السلام طرفدار عدالت، مخالف ظلم، رعایت کننده حقوق انسانی، مروج فرهنگ تعاون و کمک به یکدیگر و ایثارگری و مبلغ اخلاقیات نیکوی انسانی می‌باشند. و خلاصه جریانی معتقد به کرامت انسان و تلاشگر برای اقشار آسیب‌مند مثل پیران، اطفال و معلولان است.

برای عینیت بخشیدن به نیک بودن تفکر و اخلاق جریان اربعینی‌ها، روی حضور زنان و کودکان، حضور پیران و سالخورده‌گان و به ویژه حضور و مشارکت معلولان باید تبلیغ کرد. جلوه و تبلور انسانی این رخداد را به خوبی می‌توان در مشارکت معلولین از شهرها و روستاها و از کشورهای مختلف مشاهده کرد. نابینایان، کم بینایان، ناشنویان و کم شنوایان، آسیب‌مندان جسمی - حرکتی و حتی ذهنی به صورت وسیع در جاهای مختلف و پست‌های گوناگون اربعین می‌توان دید.

بنابراین اربعینیون در این دوره از تاریخ، مکتب اخلاقی و انسانی جدیدی را مطرح کرد و نه در تئوری و نظریه پردازی بلکه در عمل رویکرد انسان‌گرایانه از ایثار، تعاون و مددکاری را در منظر و مرآی جهانیان به نمایش گذاشته‌اند. در شرایطی که انسان‌ها به همه مسائل نگاه اقتصادی و مادی دارند، اینان، هر آنچه در طول سال پس‌انداز کرده و جمع‌آوری نموده‌اند، در طبق اخلاص به انسان‌هایی که مبلغ مکتب ظلم ستیزی و عدالت خواهی حسینی‌اند، اهداء می‌کنند.

اینها کجا و داعشی‌ها کجا؟ فاصله بین اربعینی‌ها و داعشی‌ها به اندازه‌ای است که قابل تصور نیست. آنها در چمبره خودخواهی، تنگ نظری، سیاست بازی و حکومت غاصبانه و جبارانه، بدترین مکتب ضد انسانی را عرضه کرده و در جهان هیچ موافقی ندارند. اما اصحاب اربعین، مکتب تماماً انسانی و مبتنی بر عشق و محبت انسان‌ها به یکدیگر را به جهان نشان داده و جهانیان را به رغم تبلیغات سوء فراوان شیفته این جریان کرده است.

غیر از معرفی تمایزها و تفاوت‌های «جریان اربعینیه» و جریان‌های انحرافی، هدف دوم ما، شناخت ماهیت عناصر ساختاری این حرکت است. در چند سال اخیر، مراکز پژوهشی مهم در امریکا و اروپا، تحقیقات دامنه‌دار و گسترده درباره جریان راهپیمایی اربعین آغاز کرده و تا کنون چند کتاب مهم علمی و پژوهشی منتشر کرده‌اند. این آثار را در همین کتاب بررسی و معرفی خواهیم کرد. اما شیعیان بسیار عقب هستند و تا کنون فقط چند مقاله علمی تألیف و عرضه شده؛ همچنین چند نشست بوده است. اگر خدا قبول کند این کتاب اولین اثر درباره جریان اربعین از منظر معلولیت و معلولان است و گروه‌های آسیب‌مند و نقش افشار معلولین و نکات برجسته آنها می‌پردازد.

سومین انگیزه در تألیف این کتاب، اهتمام به معلولان است. چون معلولان بخشی از این رخداد تاریخی می‌باشند و فعالانه و عاشقانه حضور و مشارکت دارند، امسال با جمع‌آوری اطلاعات از شهرهای مبدأ ایران تا شهرهای عراق تا کربلا و اعزام افرادی برای تهیه گزارش درصدد بر آمدیم، به عنوان دفتر فرهنگ معلولین، بخش معلولیتی این رخداد را در یک جلد کتاب نشان دهیم.

به فکر هستیم، در سال‌های آینده بتوانیم تیم گسترده‌تری تجهیز کنیم و بتوانیم دو تا پنج جلد تدوین و عرضه کنیم. بلکه با این روش، ابعاد این جریان را به جهان و نیز به نسل‌های آینده معرفی کنیم. در سال ۱۳۹۵ برای تأمین مالی چند نفر محقق جهت اعزام در راهپیمایی بسیار تلاش کردم. متأسفانه تأمین بودجه برای برپایی موکب و چایی و خوراکی راحت‌تر است. خوراکی و مخارج یک بار مصرف بیش از پژوهشی که در تاریخ ماندگار است، مورد توجه است. نتیجه اینکه نتوانستم تیم دلخواهی اعزام کنم. بعداً شنیدم دانشگاهی از امریکا یک گروه پنج نفره فرستاده با همه نوع امکانات و با بودجه کلان. و حدود بیست نفر پژوهشگر محلی استخدام کرده بود. کتاب آنها هم زودتر از دیگران چاپ شده است. چنین آثاری اگر سموم نداشته باشد حداقل خوب مطرح نکرده و متأسفانه برای خنثی کردن تأثیر چنین آثاری باید سال‌ها تلاش کنیم. اما اگر از سال ۹۰ تا ۹۳ به درخواست ما توجه می‌شد و اولین آثار را به بازار می‌ریختیم، آثار بعدی هم تأثیر زیاد نداشت. صدها موکب توسط شهرداری‌ها، مراجع و غیره هزینه شده ولی یک بار کسی نگفت این جمعیت فقط خوراک بدنی نمی‌خواهد خوراک معنوی و ذهنی و فکری هم می‌خواهد.

اما درباره این کتاب، یکی دو ماه قبل از شروع رخداد اربعین، خانم اعظم قاسمی شروع به مطالعه و گردآوری اطلاعات کرد و با اینکه خودش آسیب جسمی دارد و در عمل با مشکلاتی مواجه است ولی با تلاش‌های مستمر او این کتاب آماده شد. البته دیگران مثل آقای ابادر نصر و آقای علی نوری و خانم مریم قاسمی همه به او کمک کردند. امیدواریم اجر ایشان از ناحیه خود امام حسین علیه السلام برسد.

با اینکه اصل حرکت اربعین که گاه به آن «اربعینیه» یا «حرکت اربعینیه» گفته می‌شود مطلوب و دارای تأثیرات خوب است، اما به دلیل فقدان اطلاع‌رسانی مناسب؛ توجیه نشدن مردم؛ سکوت رهبران فکری جامعه؛ کنار بودن جریان مدنی جامعه و بالاخره عدم فعالیت رسانه‌ها، هر اقدام مثبت و مطلوب را مردم به زیاده‌روی و افراط می‌کشاند. یعنی عموم مردم فکر می‌کنند هر کار خوب و مطلوب حد و محدودیت ندارد و باید تا بی‌نهایت جلو رفت. در حالی که هر کار خوب و ممدوح با زیاده‌روی در آن تبدیل به فعل مذموم می‌گردد.

حضور متعهدانه معلولان در کنار سالخوردگان و زنان در این کتاب مورد نظر است و از اقدامات افراطی و تفریطی، اسراف و تبذیرها دفاع نمی‌شود. بلکه جریان اربعینی‌ها یا حرکت اربعینیه نیاز به آسیب‌شناسی هم دارد.

در شرایطی که جوامع عقب مانده به ویژه جوامع شیعی باید تمام امکانات نیروی انسانی و توانایی‌های اقتصادی خود را برای تقویت شالوده‌ها و زیرساخت‌های خود به کار گیرند؛ در شرایطی که معلولان نیاز مبرم به امکانات برای توانبخشی و اشتغال دارند، کارهای پر خرج و یک بار مصرف و غیر ماندگار حتماً در تضعیف‌های مالی مردم و به تبع در استضعاف بیشتر جامعه مؤثر است. از این رو لازم است حد و حدودی برای حرکت اربعینیه تعریف کرد تا از اسراف و به هدر رفتن سرمایه‌ها جلوگیری شود.

در حالی که کشورهای مثل قطر، عربستان مشغول تجمع بیشتر ثروت و تقویت صندوق‌های مالی و افزایش خزانه و نهایتاً تقویت بنیان‌های زیربنایی خود هستند، مخارج بی‌حد و حصر؛ ریخت و پاش‌های بی‌حساب را باید ممانعت کرد.

به نظر می‌رسد مخارجی که یک سال در جریان اربعین اسراف می‌شود مثل غذاهایی که به دلیل اشباع افراد و از فرط سیری دور ریخته می‌شود، بطری‌های آب که معمولاً یک سوم آنها مصرف شده، اگر تجمع گردد و برای حل مشکل ریزگردها مصرف شود، مردم دو کشور ایران و عراق در طول سال به دلیل آلودگی هوا و ریزگردها دچار انواع امراض نخواهند شد.

خلاصه اینکه اصل حرکت اربعین مطلوب است ولی لازم است با تدبیر و حساب شده اجرا گردد. یکی از جلوه‌های خوب این حرکت، حضور و مشارکت معلولان است. لازم است حضور آنان از نگاه جامعه‌شناسی، توانبخشی، روانشناسی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی تجزیه و تحلیل گردد. این کتاب متعهد است که این رخداد تاریخی را از این منظرها بررسی کند.

این اثر با راهنمایی حجت الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی زیدعزه که هر سال حمایت و پشتیبانی همه جانبه از این رخداد و عوامل اجرایی آن دارد آغاز شد. همچنین از همه عزیزانی که راهنمایی، نقد یا نکته‌ای به نظرشان می‌رسد خواهشمندیم ما را بی‌نسیب نگذارند و در تکمیل و تصحیح این اثر مآجور باشند.

محمد نوری

بخش نخست:
معلولیت و معلولان از نگاه
امام حسین علیه السلام

معلولان بسیار به رغم مشکلات فراوان جسمی با زحمت و مشقت در راهپیمایی اربعین به طرف کربلا شرکت می‌کنند. معلولانی با ویلچر یا به صورت چهار دست و پا و یا با عصا و خلاصه به روش‌های غیر متعارف مشارکت دارند. همه اینها به خاطر عشق به امام حسین علیه السلام است. برای نشان دادن میزان علاقه و عشق معلولان به امام حسین علیه السلام و فعالیت‌های آنان در تبلیغ مکتب حسینی در دوره‌های مختلف نخست باید زمینه‌های تاریخ را شناخت و چگونگی به وقوع پیوستن نهضت حسینی را دانست.

مشارکت معلولان در قیام حسینی دلایل مختلف دارد. اما مهم‌ترین دلیل آن دیدگاه‌ها و سیره خود امام حسین علیه السلام است. مهم‌ترین هدف امام حسین علیه السلام، قیام علیه ظلم و بی‌عدالتی بود.

معلولین تشنه عدالت، هدف امام را با تمام وجود درک کردند. چون خود قربانی بی‌عدالتی و تبعیض بوده‌اند. علاوه بر آن حضرت در جاهایی به صراحت از وضعیت کنونی معلولین گلایه می‌کند و خواستار زندگی و معیشت مطلوب‌تر برای آنان شده است. در واقع سخنان حضرت، نوعی همدلی و هم‌زبانی با معلولین است.

معلولین در طول تاریخ متوجه شدند، امام حسین علیه السلام بدون هیچ مماشات با حاکمیت با تمام وجود از هویت معلولان دفاع کرده و آنچه در ذهن و قلب داشتند، حضرت با بانگ رسا بیان کرده است.

با توجه به اینکه دوستی و محبت طرفینی است؛ یک طرف یعنی امام حسین علیه السلام به نقد بی‌عدالتی‌ها و ظلم‌های علیه معلولین پرداخت و طرف دیگر یعنی معلولین هم در طول تاریخ با عزاداری و برپایی مراسم نوحه و مرثیه سرایی به تبیین و ترویج سخنان حضرت پرداخته‌اند. به ویژه در سال‌های اخیر در جریان اربعین، سنگ تمام گذاشته و به عنوان زائر یا به عنوان خادم تلاش‌های گسترده داشته‌اند.

این فصل فقط به بیان دیدگاه‌ها و سیره امام حسین علیه السلام درباره معلولین می‌پردازد و احادیثی که از امام درباره معلولان مأثور است و نیز گزارش‌های تاریخی درباره رفتارها و اقدامات آن حضرت را معرفی می‌کنیم. همچنین امام در مواردی از سنت متعارف نبوی و علوی یاد کرده و می‌فرماید در عهد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و علی علیه السلام معلولین شرایط مطلوب‌تری داشتند؛ اما سنت‌های نبوی و علوی توسط حاکمیت اموی و به ویژه معاویه و یزید منسوخ و ارزش‌ها و سنت‌های جاهلی جای آن را گرفت. امام حسین برای احیاء این سنت‌ها و وظایف قیام کرد. این سنت‌ها و شرایط مطلوب در عهد نبوی و علوی در این فصل تبیین و معرفی می‌گردد.

فصل نخست: سیره امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام در سال چهارم قمری در مدینه متولد و در سال شصت و یکم قمری در کربلا به شهادت رسید. در سال ۵۰ق با درگذشت امام حسن مجتبی علیه السلام به امامت و رهبری شیعیان تعیین گرد. امام حسین علیه السلام شش سال از دوره کودکی خود را در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گذراند. پس از رحلت پیامبر در دوره خلفا به امور فرهنگی و آموزش مشغول شد و در دوره خلافت پدرش، حضوری فعال اجتماعی داشت. در جنگ جمل فرماندهی جناح چپ سپاه امام علی علیه السلام بر عهده وی بود. در جنگ صفین به امور تبلیغی و تشویق سپاه و روحیه دادن به آنها اهتمام داشت. در جریان حکمیت به عنوان یکی از شهود از طرف حضرت علی علیه السلام حضور داشت. پس از شهادت امام علی علیه السلام، ده سال در کنار برادرش، حضور اجتماعی داشت تا اینکه خودش به امامت رسید. چنین فردی که از خردسالی در کوران حوادث بزرگ شده و در متن رخدادها تجربه دیده، قطعاً شناخت دقیق از جامعه دارد، گروه‌ها و جریان‌ها را به خوبی می‌شناسد، عوامل و علل حوادث اجتماعی را می‌داند.

اکنون با تجزیه و تحلیل یکی از سخنرانی‌های امام علی علیه السلام می‌خواهیم ببینیم چه دیدگاهی درباره جامعه معلولان و مشکلات و تحولات و تطورات این جامعه داشته است.

سخنرانی برای نخبگان

خطبه‌ای از امام حسین علیه السلام در چند منبع معتبر وارد شده و جملاتی از آن ویژه معلولان است هر چند کل آن هم مرتبط به شرایط و وضعیت این قشر می‌باشد. متنی که در تحف العقول و بحارالانوار و کتاب سلیم بن قیس هلالی آمده به نظر بسیار یک سخنرانی بوده که قسمت اولش در کتاب سلیم و قسمت دوم و سوم آن در کتاب تحف العقول آمده و اینها در اصل سخنرانی بوده که حضرت در سال ۵۸ق در منا برای نخبگان جامعه و فرهیختگان بنی هاشم بیان کرده است. یعنی دو سال قبل از فوت معاویه پسر ابوسفیان این سخنرانی را اجرا کرده و به مشکلات جامعه و بدبختی‌های مسلمانان و مفاسد بنی امیه و معاویه پرداخته است. در چنین جامعه ظلم زده بیش از همه معلولین و آسیب دیدگان جامعه در معرض خطر هستند و حضرت این خطرات را متذکر شده است.

نخست متن سخنرانی را به تمامی از کتاب‌های سلیم بن قیس و تحف العقول نقل می‌کنم سپس ترجمه سخنان را می‌آورم و در ادامه به تجزیه و تحلیل می‌پردازم. اما لازم است خود سلیم بن قیس را هم به اجمال معرفی کنم:

سلیم بن قدس هلالی (۲ سال قبل از هجرت - ۷۶ق) از اصحاب امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و امام سجاد علیه السلام و امام باقر علیه السلام از رجال نامدار شیعه است. او تلاش کرده، آسیب شناسی جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر را به دست آورد و علل و عوامل واقعی انحراف جامعه مسلمانان را کشف نماید. وی یافته‌های خود را در کتابی جمع‌آوری کرد و آن را مستند به شواهد عینی نمود.^۱ این کتاب به نام کتاب سلیم بن قیس هلالی

۱. دایرةالمعارف تشیع، ج ۹، ص ۲۸۰-۲۸۱.

معروف است و بارها در ایران و عراق تجدید چاپ شده است. چایی که با اتکالی به آن سخنرانی امام حسین را استخراج کرده‌ام، تحقیق محمدباقر انصاری زنجانی خوئینی است و در لبنان توسط دار الحوراء در ۱۴۳۰ق منتشر شده است. وی تحقیق گسترده‌ای درباره سلیم و کتابش انجام داده و استدراک جامعی بر آن نوشته است.

متن سخنرانی: قسمت اول

اما سخنرانی امام حسین علیه السلام با عنوان «مناشدات و احتجاجات امام حسین علیه السلام در مکه» توسط سلیم بن قیس هلالی نقل شده است. در طلایعه آن نوشته است: یک سال قبل از مرگ معاویه، امام حسین علیه السلام به قصد حج عازم مکه شد در حالی که عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر همراهش بودند. او بنی هاشم، زنان و مردان، شیعیان و موالی شیعه و اهل بیتش و کسانی که امام را می‌شناختند جمع کرد. سپس نمایندگانی به جاهای مختلف فرستاد تا هر کس را می‌شناختند دعوت کنند. بالاخره جمعیتی حاضر شدند که شامل هفتصد مرد یا به نوشته الاحتجاج هزار مرد و تقریباً دویست تن از اصحاب پیامبر بود. حضرت به پا خواست و به سخنرانی پرداخت.^۱

این سخنرانی که قسمت نخست آن در کتاب سلیم بن قیس هلالی آمده به شرح زیر است. سلیم در طلایعه به معرفی این خطبه و چگونه اجرای آن و شیوه دعوت مردم و شکل گیری این اجتماع پرداخته و در ادامه و در ادامه به انگیزه امام می‌پردازد. کلام امام را اینگونه آغاز می‌کند: این طاغوت‌ها در جامعه و در مورد شیعیان کارهایی انجام داده‌اند که می‌بینید و اطلاع دارید. من چون از نابودی اساس مذهب و از بین رفتن حق و غلبه باطل می‌ترسم می‌خواهم با طرح پرسش‌ها و پاسخ دادن شما، واقعیت‌هایی را متذکر شوم. پس از این شروع به برشمردن مناقب امام علی علیه السلام و تلاش حاکمیت و برای از بین بردن فرهنگ علوی در جامعه می‌نماید.

مناشدات و احتجاجات الإمام الحسين عليه السلام بمكة: فلما كان قبل موت معاوية بسنة حج الحسين بن علي عليه السلام، و عبدالله بن عباس، و عبدالله بن جعفر معه، فجمع الحسين عليه السلام بنی هاشم، رجالهم و نسائهم و مواليهم و شيعتهم من حج منهم، و من الأنصار ممن يعرفه الحسين عليه السلام و أهل بيته.

ثم أرسل رسلاً: «لا تدعوا أحداً ممن حج العالم من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم المعروفين بالصلاح و النسك إلا أجمعوهم لي».

فاجتمع إليه بمنى أكثر من سبعمائة رجل و هم فى سرادقه، عامتهم من التابعين و نحو من مائتى رجل من أصحاب النبى صلى الله عليه وآله وسلم و غيرهم.

فقام فيهم الحسين عليه السلام خطيباً فحمد الله و أتنى عليه، ثم قال: أما بعد، فإن هذا الطاغية قد فعل بنا و بشيعتنا ما قد رأيتم و علمتم و شهدتم، و إنى أريد أن أسالكم عن شىء، فإن صدقت فصدقونى و إن كذبت فكذبونى. أسالكم بحق الله عليكم و حق رسول الله و حق قرابتي من نبيكم، لما سيرتم مقامى هذا و وصفتم مقاتلى و دعوتهم أجمعين فى أنصاركم من قبائلكم من آمنتم من الناس و وثقتهم به، فادعوههم إلى ما تعلمون من حقنا، فإنى أتخوف أن يدرس هذا الأمر و يذهب الحق و يغلب، و الله متم نوره ولو كره الكافرون.

۱. کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۳۲۰.

مناقب أمير المؤمنين عليه السلام على لسان الإمام الحسين عليه السلام: وما ترك شيئاً مما أنزل الله فيهم من القرآن إلا تلاه وفسره، ولا شيئاً مما قاله رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في أبيه وأخيه وأمه وفي نفسه وأهل بيته إلا رواه، وكل ذلك يقول الصحابة: «اللهم نعم، قد سمعنا وشهدنا»، ويقول التابعي: «اللهم قد حدثني به من أصدقته وأتمنه من الصحابة». فقال: أنشدكم الله إلا حدثتم به من تتقون به وبدينه.

قال سليم: فكان فيما ناشدهم الحسين عليه السلام وذكرهم أن قال: أنشدكم الله أتعلمون أن علي بن أبي طالب كان أخا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم حين أخى بين أصحابه، فأخى بينه وبين نفسه وقال: «أنت أخي وأنا أخوك في الدنيا والآخرة»؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أنشدكم الله، هل تعلمون أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم اشترى موضع مسجده و منازل فابتناه، ثم ابنتي فيه عشرة منازل، تسعة له وجعل عاشرها في وسطها لأبي.

ثم سد كل باب شارع إلى المسجد غير بابه، فتكلم في ذلك من تكلم، فقال صلى الله عليه وآله وسلم: «ما أنا سددت أبوابكم وفتحت بابه، ولكن الله أمرني بسد أبوابكم وفتح بابه». ثم نهى الناس أن يناموا في المسجد غيره، وكان يجنب في المسجد ومنزله في منزل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، فولد لرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وله فيه أولاد؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أفتعلمون أن عمر بن الخطاب حرص على كوة قدر عينه يدعها من منزله إلى المسجد، فأبى عليه. ثم خطب صلى الله عليه وآله وسلم فقال: إن الله أمر موسى أن يبني مسجداً طاهراً لا يسكنه غيره وغير هارون وابنيه وإن الله أمرني أن أبني مسجداً طاهراً لا يسكنه غير وغير أخي وابنيه؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أنشدكم الله، أتعلمون أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم نصبه يوم غدیر خم فنادى له بالولاية وقال: «ليبلغ الشاهد الغائب»؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أنشدكم الله أتعلمون أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال له في غزوة تبوك: «أنت مني بمنزلة هارون من موسى وأنت ولي كل مؤمن بعدي»؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أنشدكم الله، أتعلمون أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم حين دعا النصاري من أهل نجران إلى المباهلة لم يأت إلا به وبصاحبته وابنيه؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أنشدكم الله، أتعلمون أنه دفع إليه اللواء يوم خيبر، ثم قال: «لأدفعه إلي رجل يحبه الله ورسوله ويحب الله ورسوله، كزار غير فزار يفتحها الله علي يديه»؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أتعلمون أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بعثه ببراءة وقال: «لا يبلغ عني إلا أنا أو رجل مني»؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أتعلمون أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لم تنزل به شدة قط إلا قَدَّمه لها ثقة به، وأنه لم يدعه باسمه قط إلا أن يقول: «يا أخي» و«ادعوا لي أخي»؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أتعلمون أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قضى بينه وبين جعفر وزيد، فقال له: «يا علي، أنت مني وأنا منك، وأنت ولي كل مؤمن ومؤمنة بعدي»؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أتعلمون أنه كانت له من رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم كل يوم خلوة وكل ليلة دخلة، إذا سأله أعطاه، وإذا سكت أبداه؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أتعلمون أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فضله علي جعفر و حمزة حين قال لفاطمة عليها السلام: «زوّجتك خير أهل بيتي، أقدمهم سلماً، وأعظمهم حِلماً، وأكثرهم علماً»؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أتعلمون أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: «أنا سيد ولد آدم وأخي علي سيد العرب، وفاطمة سيدة نساء أهل الجنة، وابناي الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة»؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أتعلمون أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم امره بغسله وأخبره أن جبرئيل يعينه عليه؟ قالوا: اللهم نعم.

قال: أتعلمون أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال في آخر خطبة خطبها: «أيها الناس، إني تركت فيكم الثقلين كتاب الله وأهل بيتي، فتمسكوا بهما لن تضلوا»؟ قالوا: اللهم نعم. فلم يدع شيئاً أنزله الله في علي بن ابي طالب عليه السلام خاصة وفي أهل بيته من القرآن ولا علي لسان نبيه صلى الله عليه وآله وسلم إلا ناشدهم فيه، فيقول الصحابة: «اللهم نعم، قد سمعنا»، و يقول التابعي: «اللهم قد حدثني من أتق به، فلان وفلان».

ثم ناشدهم أنهم قد سمعوه صلى الله عليه وآله وسلم يقول: «من زعم أنه يحييني ويبغض علياً فقد كذب، ليس يحييني وهو يبغض علياً» فقال له قائل: يا رسول الله، وكيف ذلك؟ قال: لأنه مني وأنا منه، من أحبه فقد أحبني ومن أحبني فقد أحب الله، ومن أبغضه فقد أبغضني ومن أبغضني فقد أبغض الله؟

فقالوا: «اللهم نعم، قد سمعنا». و تفرقوا على ذلك.^١

قسمت دوم و سوم سخنرانی

اما قسمت دوم و سوم سخنرانی امام حسین در کتاب تحف العقول زیر عنوان «من كلامه عفي الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر» آمده است. ابن شعبه حرانی می گوید این روایت به امام علی علیه السلام هم منسوب است و از ایشان هم نقل شده است. مترجم احمد جنتی در پاورقی می نویسد: این خطبه برای جمعی از دانشمندان ایراد شده که در آخرین دیدار امام از مکه از آنان خواسته بود تجمع کنند تا مسئولیتها و وظایف آنان را در شرایط جدید افشاء کند و تکلیف آنان را یادآور شود.

من كلامه عليه السلام في الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر و يروى عن أمير المؤمنين عليه السلام: اعتبروا أيها الناس بما وعظ الله به أولياءه من سوء ثنائه على الأخبار إذ يقول: «لولا ينهيه الربانيون والأخبار عن قولهم الإثم» و قال: «لعن الذين كفروا من بني إسرائيل - إلى قوله - لبئس ما كانوا يفعلون» وإنما عاب الله ذلك عليهم لأنهم كانوا يرون من الظلمة الذين بين أظهرهم المنكر والفساد فلا ينهونهم عن ذلك رغبة فيما كانوا ينالون منهم ورهبة مما يحذرون و الله يقول: «فلا تخشوا الناس واخشون» وقال: «المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر» فبدأ الله بالأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فريضة منه، لعلمه بأنها إذا اديت و أقيمت

١. همان ص ٣٢٠-٣٢٣؛ همین روایت در کتاب الاحتجاج طبرسی هم آمده است.

استقامت الفرائض كلها هينها وضعبها و ذلك أن الامر بالمعروف و النهي عن المنكر دعاء إلى الاسلام مع رد المظالم و مخالفة الظالم وقسمة الفيء و الغنائم وأخذ الصدقات من مواضعها ووضعتها في حقها. ثم أنتم أيتها العصابة عصابة بالعلم مشهورة وبالخير مذكورة وبالنصيحة معروفة وباللّه في أنفس الناس مهابة. يهابكم الشريف ويكرمكم الضعيف ويؤثركم من لا فضل لكم عليه ولا يد لكم عنده، تشفعون في الحوائج إذا امتنعت من طلابها وتمشون في الطريق بهيبة الملوك وكرامة الأكابر، أليس كل ذلك إنما نلتموه بما يرجي عندكم من القيام بحق اللّه و إن كنتم عن أكثر حقه تقصرون فاستخففتكم بحق الأئمة، فأما حق الضعفاء فضيعتم وأما حقكم بزعمكم فطلبتهم. فلا مالا بذلتموه ولا نفسا خاطرتم بها للذي خلقها ولا عشيرة عاديتموها في ذات اللّه. انتم تتمنون على اللّه جنته ومجاورة رسله وأمانا من عذابه. لقد خشيت عليكم أيها المتمنون على اللّه أن تحل بكم نقمة من نعماته لأنكم بلغتكم من كرامة اللّه منزلة فضلتم بها ومن يعرف باللّه لا تكرمون وأنتم باللّه في عباده تكرمون وقد ترون عهود اللّه منقوضة فلا تفزعون وأنتم لبعض ذمم آبائكم تفزعون وذمة رسول اللّه صلى اللّه عليه وآله محقورة والعمى والبكم والزمنى في المدائن مهملة لا ترحمون ولا في منزلتكم تعملون ولا من عمل فيها تعينون وبالادهان والمصانعة عند الظلمة تأمنون، كل ذلك مما أمركم اللّه به من النهي والتناهي وأنتم عنه غافلون. وأنتم أعظم الناس مصيبة لما غلبتم عليه من منازل العلماء لو كنتم تشعرون. ذلك بأن مجاري الأمور والأحكام على أيدي العلماء باللّه الأمانة على حلاله وحرامه فأنتم المسلوبون تلك المنزلة وما سلبتم ذلك إلا بتفرقكم عن الحق واختلافكم في السنة بعد البينة الواضحة. ولو صبرتم على الأذى وتحملتكم المؤمنة في ذات اللّه كانت أمور اللّه عليكم ترد وعنكم تصدر وإليكم ترجع ولكنكم مكنتم الظلمة من منزلتكم واستسلمتم أمور اللّه في أيديهم، يعملون بالشبهات ويسبرون في الشهوات. سلطهم على ذلك فراركم من الموت وإعجابكم بالحياة التي هي مفارقتكم، فأسلمتم الضعفاء في أيديهم فمن بين مستبعد مقهور وبين مستضعف على معيشتهم مغلوب، يتقلبون في الملك بأرائهم ويستشعرون الخزي بأهوائهم إقتداء بالأشرار وجرأة على الجبار، في كل بلد منهم على منبره خطيب يصقع، فالأرض لهم شاعرة وأيديهم فيها مبسوطة والناس لهم خول لا يدفعون يد لأمس، فمن بين جبار عنيد وذو سطوة على الضعفة شديد، مطاع لا يعرف المبدئ المعيد فيا عجباً ومالي [لا] أعجب والأرض من غاش غشوم ومتصدق ظلوم وعامل على المؤمنين بهم غير رحيم، فاللّه الحاكم فيما فيه تنازعنا والقاضي بحكمه فيما شجر بيننا.

اللّهم إنك تعلم أنه لم يكن ما كان منا تنافسا في سلطان ولا التماسا من فضول الحطام ولكن لنري المعالم من دينك ونظهر الاصلاح في بلادك وبأمن المظلومون من عبادك ويعمل بفرائضك وسننك وأحكامك، فإن لم تنصرونا وتنصفونا قوي الظلمة عليكم وعملوا في إطفاء نور نبيكم. وحسبنا اللّه وعليه توكلنا وإليه أنبنا وإليه المصير.^۱

ترجمه قسمت نخست سخنرانی

یک سال قبل از وفات معاویه بن سفیان، حسین بن علی علیه السلام همراه عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر به حج مشرف شدند. امام بنی هاشم، اعم از مردان و زنان، نزدیکان و پیروان آنها، نیز

۱. تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، ص ۵۱۸-۵۲۴؛ نیز در کتب جدید هم آمده است، مثل اهل بیت در قرآن و سنت،

محمدی ری شهری، قم، دارالحدیث، ج ۱، ص ۴۹۸-۵۰۰.

اهل بیت خودش و کسانی که امام حسین علیه السلام را می‌شناختند، جمع کرد. نیز بیک‌هایی به جاهایی فرستاد تا اصحاب رسول خدا که معروف به صلاح و عبادت بودند هم دعوت شوند و در این تجمع حضور داشته باشند.

در منی جمعیتی بیش از هفتصد مرد (طبری در الاحتجاج، هزار مرد نوشته است)، دو بیست تن از آنان از اصحاب رسول خدا ولی بیشتر آنان از تابعین بودند و جمعیتی از دیگران حضور یافتند. امام حسین علیه السلام بپا خواست و سخنرانی را با حمد و ثنای کوتاه اینگونه آغاز کرد: سپاس خداوند و ثنا بر او باد، آنگاه گفت: می‌خواهم از شما چیزهایی بپرسم، اگر راست گفتم، تصدیق کنید و اگر دروغ گفتم تکذیب کنید. از شما درباره حق الهی و حق رسول خدا و خاندان که بر گردن شما است می‌پرسم. این وضعیت من است، با اینکه شما و همه مؤمنان ثقه سخنان درباره شأن مرا شنیده‌اند. آیا شما نسبت به حق ما آگاه هستید؟ همانا برای از بین رفتن حق و منسوخ شدن حقایق اسلام بیم دارم البته خداوند نورش را پاسداری کرده ولو اینکه کافران ناخوش باشند.

مناقب امیرالمؤمنین: همه دستورات قرآنی فراموش و ترک شده مگر تلاوت و تفسیر قرآن، مطالبی که رسول خدا درباره پدرش، برادرش، مادرش، خودش و اهل بیتش گفت، همه اینها فقط روایت می‌شود و عمل و التزام ندارید. همه این مطالب را صحابه گفتند شنیده‌ایم و شهادت می‌دهیم. همه این نکات را تابعین هم تأیید کردند و گفتند بله رسول خدا همین طور گفت و ما تصدیق می‌کنیم و اطمینان داریم.

آیا می‌دانید علی بن ابیطالب برادر رسول خدا بود. هنگامی که مسلمانان بین همدیگر عقد برادری می‌بستند، پیامبر هم علی را برادر خودش ساخت و فرمود: تو برادر من هستی و من برادر تو در دنیا و آخرت هستم؟

جمعیت حاضر گفتند: خدایا بله درست است.

حضرت ادامه داد شما را به خداوند قسم می‌دهم آیا می‌دانید رسول خدا زمین مسجدش و منازلش را خرید. ده بنا ساخت، نه بنا برای خودش و دهمین ساختمان را به پدرم اختصاص داد. آنگاه همه راه‌ها و درهای آن ساختمان‌ها را به مسجد مسدود کرد مگر در خانه پدرم؟ اما پس از اعتراضی که شد، رسول خدا گفت: درهای شما را من مسدود نکردم و در خانه علی را من باز نکرده‌ام لکن خدا فرمان داد چنین کنم.

سپس دستور داد هیچ کسی در مسجد نخواند مگر علی بن ابیطالب؟ حاضران گفتند: بله خدا را گواه می‌گیرم، آیا می‌دانید در روز غدیر خم، رسول خدا علی را روری دست گرفت و حدیث ولایت را خواند. و فرمود حاضران به غائبان خبر دهند؟ گفتند به خدا می‌دانیم.

آیا می‌دانید رسول خدا در غزوه تبوک در مورد علی گفت: تو نسبت به من به منزله هارون از موسی هستی و تو بر همه مؤمنان پس از من ولایت داری؟ حاضران تأکید کردند و گفتند می‌دانیم. آیا می‌دانید که رسول خدا به هنگامی که نصارای نجران را برای مباحله خواند، هیچکس جز علی، همسرش و دو فرزندش نیامدند؟ گفتند بله

آیا می‌دانید روز جنگ خیبر، وقتی پرچم را به علی می‌سپرد گفت: پرچم را به کسی می‌سپارم که خدا و رسول خدا او را دوست می‌دارند و او هم خدا و رسولش را دوست دارد؛ کزار (شجاع حمله کننده به دشمن) و غیر فزار است که خداوند پیروزی را به دستانش نزدیک می‌نماید؟ گفتند بله

آیا می‌دانید وقتی رسول خدا، علی را به منظور براثت فرستاد، فرمود: از جانب من کسی نمی‌آید مگر خودم یا کسی از خودم؟ گفتند بله
آیا می‌دانید: رسول خدا هر گاه مشکل شدیدی برایش رخ می‌داد، علی را به نام ای برادرم صدا می‌زد؟ گفتند بله.

آیا می‌دانید هنگامی که رسول خدا بین علی و جعفر و زید داوری کرد، فرمود یا علی تو از من هستی و من از تو هستم و تو ولی همه مردان و زنان مؤمن بعد از من هستی؟ حاضران پاسخ دادند بله.
آیا می‌دانید علی هنگام شب و خلوت رسول خدا در کنارش وارد می‌شد، وقتی از او چیزی می‌خواست، برآورده می‌کرد و به هنگام سکوت، شروع می‌نمود؟ پاسخ گفتند بله.

آیا می‌دانید، رسول خدا علی را بر جعفر و حمزه برتری دارد در وقتی که به فاطمه سلام الله علیها گفت: همسرت بهترین کسی از اهل بیت من است و در سلامت مقدم بر آنها، در صبر و حلم بزرگترین آنها و در علم بیشتر آنها است؟ گفتند بله.

آیا می‌دانید رسول خدا گفت: من آقای فرزندان آدم و برادرم علی آقای عرب و فاطمه بزرگ زنان بهشت و فرزندان حسن و حسین آقای جوانان اهل بهشت؟ گفتند بله.

آیا می‌دانید، رسول خدا علی را مأمور کرد تا غسل و کفن و دفنش را انجام دهد، در حالی که جبرئیل هم مساعد و کمک او است؟ گفتند بله.

آیا می‌دانید، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین سخنرانی‌اش فرمود: ای مردم من در میان شما، دو چیز گرانبها را یعنی کتاب خدا و اهل بیتم را به یادگار می‌گذارم پس به آنها تسمک کنید تا گمراه نشوید؟ گفتند بله.

هر آنچه در قرآن و حدیث درباره علی بن ابیطالب علیه السلام و به ویژه درباره اهل بیتش وارد شده، مورد توجه و اهمیت است؟ صحابه گفتند بله ما هم شنیده ایم. و تابعین گفتند از موثق‌هایی مثل فلانی نقل شد.

امام حسین علیه السلام سپس حاضران را سوگند داد آیا این رخداد را درباره رسول خدا شنیده‌اند: رسول خدا فرمود هر کس گمان نماید مرا دوست دارد ولی با علی دشمنی ورزد، کاذب است. ممکن است مرا دوست داشته باشد و نسبت به علی دشمنی نماید. کسی پرسید چگونه؟ رسول خدا پاسخ گفت: زیرا علی از من و من از علی هستم لذا هر کس مرا دوست بدارد، علی را دوست داشته و هر کس علی را دوست داشته باشد در واقع مرا دوست می‌دارد. نیز هر کس با من دشمنی نماید، در واقع با علی دشمنی کرده و هر کس با علی دشمنی ورزد با من دشمنی نموده است. همگی گفتند بله شنیده ایم. آنگاه متفرق شدند.

ترجمه قسمت دوم و سوم

سخنان امام حسین علیه السلام در بیان «امر به معروف» و «نهی از منکر» که از امیرمؤمنان علیه السلام نیز نقل شده است:

ای مردم از پند و اندرزی که خداوند دوستان خود را به خاطر سخن ملامت باری که بر دانشمندان یهود فرموده؛ عبرت بگیرید، آنجا که [در قرآن] فرماید:

لَوْ لَا يَنْهَاهُمْ رَبِّيُنِونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمُ، یعنی «چرا مربیان خداپرست و دانشمندان، آنان را از گفتار گناه آلودشان باز نمی دارند؟- مائده: ۶۳»، و [در آیه‌ای دیگر] فرماید: لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ - إِلَى قَوْلِهِ: لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ یعنی: «کسانی از فرزندان اسرائیل (یعقوب) که کافر شدند لعنت شدند- تا آنجا که فرماید: - آری، بد بوده است آنچه را که انجام می دادند- مائده: ۷۸»، و تنها دلیل انتقاد و بدگویی خداوند از ایشان این بود که آن افراد با اینکه اعمال منکر و ناپسند ستمکاران را مشاهده می کردند، ولی به جهت بهره‌ای که از آنان می بردند و هراسی که از آن بر حذر بودند، در منع و بازداشتن ایشان هیچ قدمی بر نمی داشتند. در حالی که خداوند می فرماید: فَلَا تَحْسَبُوا النَّاسَ وَ الْخُسُوفَ يَعْنِي:

«شما از مردم مترسید، و از من بترسید- مائده: ۴۴» و نیز فرماید: الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ یعنی: «و مردان و زنان مؤمن دوستان و یاوران یک دیگرند، به کار نیک و پسندیده فرمان می دهند، و از کار زشت و ناپسند باز می دارند- توبه: ۷۱»، بنابراین خداوند به «امر به معروف» و «نهی از منکر» به عنوان فریضه‌ای از جانب خود سخن آغاز فرمود، چه او بر این مطلب واقف بود که اگر حق این دو مطلب ادا شده و تحقق پذیرد و بر پا ماند، تمامی واجبات چه آسان و چه مشکلش پایدار و استوار می گردد.

چرا که آن دو فراخوان و دعوتی است به اسلام، همراه با دفع ستمگری‌ها، و مخالفت با ستمگران، و تقسیم کردن بیت‌المال، و پخش غنائم، و دریافت زکات از جای خود، و پرداخت آن به محل مصرفش. سپس شما ای مردمان پرنفوذ، جماعتی هستی معروف به دانش و خوبی و خیرخواهی، و به واسطه خدا در دل دیگران مهابتی پیدا نموده‌اید، شرافتمند از شما حساب می برد، و ناتوان و ضعیف شما را گرامی می دارد، و آنان که با شما هم درجه و هم پایه‌اند و بر آنان حق نعمتی ندارید شما را بر خود مقدم می دارند. هر گاه نیازهای مردم از ایشان دریغ شود شما به شفاعت برمی خیزید چونان هیبت پادشاهان و ملوک، و عزت بزرگان و سروران در کوی و برزن گذر می کنید، آیا جز این است که تمام اینها را تنها به جهت امیدی که مردم به بر پایی حقوق الهی به شما دارند نائل شده‌اید؟! هر چند که شما از ادای غالب حقوق خدایی در تقصیر و کوتاهی به سر می بردید و حق امامان را ناچیز و بی اهمیت می شمردید، اما حق افراد ناتوان را پس پایمال ساختید، ولی حق خود را- بنا بر ادعایتان- طلب کردید. نه مالی را بخشش نمودید، و نه جانی را برای آفریننده‌اش به مخاطره انداختید، و نه با خویشاوندی برای رضای خدا به ستیز پرداختید، [و با این حال] شما بر خدا آرزوی بهشت می کشید؛ و هم جواری با پیامبران؛ و امان از عذابش را خواهانید!! من بر شما جماعت آرزومند از خداوند؛ بیمناکم و در هراس، که مبادا گرفتار عذابی از عذاب‌های الهی؛ و مشمول عقوبت خداوند گردید، زیرا شما به یک مقامی از بزرگی رسیده‌اید که بدان بر دیگران برتری و ترجیح یافته‌اید- در حالی که افراد مشهور به خداپرستی احترام نشوند- و شما به خاطر خدا در میان مردم ازجمند شده‌اید، با چشم خود می بینید و ناظرید که پیمان‌های الهی شکسته شده؛ و هراس ندارید؟! با آنکه از شکستن پیمان پدرانتان در هراسید! عهد و پیمان رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ خوار و بی‌مقدار گشته، و کورها و لال‌ها و زمین گیرها در همه شهرها بی‌سرپرست و بی‌پناه مانده‌اند، و بر آنان رحم نمی شود، با این حال شما در حدّ مسئولیت خود نیز کار نمی کنید، و آن کس را که در این راه وظیفه‌اش را انجام می دهد یاری نمی کنید! به مسامحه و سازش با ستمگران خود را آسوده می دارید، و تمام اینها از جهت آن است که خداوند فرمان جلوگیری از منکرات و بازداشتن مردم را از آنها داده، و شما از آن

غافلید و بدان بی توجه! و شما از این لحاظ گرفتارترین مردمید! و سهم بیشتری از این مصیبت را دارید، زیرا شما در حفظ مقام رفیع علمی دانشمندان، مقلوب و دچار شکست شدید، و ای کاش می‌دانستید، یا کوشش و تلاشی داشتید.

این بدین خاطر است که زمام امور به دست افرادی است، که عالم به احکام خدا، و حلال و حرامند، و شما باید که دارای این مقام بودید و از دستتان گرفتند، و آن را تنها بدین سبب از شما به تراج بردند که از حق پراکنده شدید، و در سنت [پیامبر] - با وجود دلیل روشن - اختلاف کردید، در حالی که اگر بر آزار و گرفتاری‌ها شکیبایی کرده بودید، و در راه خدا مخارج را تحمل می‌نمودید، زمام امور الهی به شما برمی‌گشت، و از جانب شما به اجرا در می‌آمد، و به شما ارجاع می‌شد، اما [افسوس!] که در حفظ مقام خود پایه‌های ظلم و ستم را استوار ساختید، و زمام امور خداوندی را به دست ایشان سپردید، تا با شبهه و تردید کار کنند، و در شهوت و دلخواه خود پیش رفته و در آن غوطه‌ور باشند، و آنچه موجب سلطه اینان بر این مقام شد؛ گریز و ترس شما از مرگ؛ و خشنودیتان به زندگی این سرا بود، که چند روزه و ناپایدار است. افراد ناتوان را زیر دست ایشان ساختید، تا برخی را برده و مقهور کنند، و برخی را برای لقمه نانی بیچاره! و مملکت اسلامی را با نظرات [فاسد] خود دستخوش تغییر و تحوّل قرار بدهند، و در جهت پیروی از اشرار؛ و دلیری و جرأت بر جبار، رسوایی و هوسرانی را برای خود هموار و صاف سازند، در هر شهری گوینده‌ای از ایشان بر فراز منبر داد سخن می‌دهد، و همه جا در تصرف و تحت نفوذ ایشان است، و دستشان در همه جا باز می‌باشد، و مردمان بی هیچ دفاعی بوده آنان و در اختیار ایشانند، و عاجز از هرگونه دفاع از خود در بین زورگویی معاند، و فرمانروایی سختگیر بر ناتوان - که هیچ اعتقادی به خدا و معاد ندارد - گرفتارند، شگفتا! و چرا در شگفت نباشم، در حالی که زمین در تصرف خائنی است بیدادگر، و باجگیری نابکار، و تحت نفوذ مردی است نامهربان و بی ترحم بر مؤمنان. و خدا در آنچه ما در کشمکش آنیم حاکم باشد، و همو به حکم خود در بین ما داوری نماید.

خداوندا! تو خود آگاهی که آنچه از ما گفته شد نه به جهت چشم داشت در سلطه‌گری بود، و نه به آرزوی مال دنیا، لیکن برای آن بود تا نشانه‌ها و آثار دینت را نمایان سازیم، و در شهرهای اصلاح کنیم، باشد که بندگان ستم دیده‌ات آسوده خاطر گردند، و در پرتو آن امنیت به واجبات و آداب و دستورات عمل کنند، پس چون شما یاریمان نکردید و درباره ما انصاف نداشتید بنابراین ستم پیشگان بر شما قدرت یافتند، و در خاموش ساختن نور پیامبران کوشیدند، و خدا ما را کافی است، بر او توکل کرده‌ایم، و به سوی او بازگشتیم، و بازگشت [همه] به سوی اوست.

توضیح و شرح

سخنرانی امام حسین علیه السلام برای نخبگان جهان اسلام در سال ۵۸ق (و بنا بر یک قول در سال ۶۱ق) یعنی در شرایطی که معاویه در اوج قدرت است، گویای وضعیت معلولان در آن زمان است. نظر به اینکه خود سلیم در متن قضایا و حوادث جهان اسلام بوده و واقف بر امور است، از این رو این روایت اهمیت خاصی دارد. ویژگی‌های متن سلیم را بعداً بیشتر معرفی می‌کنم.

امام حسین علیه السلام در این متن تلاش نموده جامعه را آسیب شناسی کند، سنت‌های نبوی و علوی و ارزش‌های حاکم بر جامعه نبوی را معرفی نموده، سپس به مردم بگوید معاویه و خاندان سفیانی درصدداند این سنت‌ها را از بین ببرند و طرز فکر خودشان را مسلط کنند. از این‌رو متن این سخنرانی در شناخت جامعه آن دوره و شناخت برنامه‌های امام حسین علیه السلام بسیار اهمیت دارد.

قبلاً گفته شده سخنرانی حضرت تقطیع و پاره پاره شده است. مهم‌ترین منابعی که این سخنرانی را آورده‌اند عبارت‌اند از:

۱. سلیم بن قیس هلالی (درگذشت ۹۰ق) به تناسب بحثی که دارد فقط بخش اول خطبه را ذکر می‌کند و تاریخ و محل ایراد خطبه را نیز مشخص می‌نماید.^۱

۲- حسن بن شعبه حرّانی از محدثان قرن چهارم در تحف العقول^۲ به نقل بخش دوم و سوم خطبه اکتفا کرده است. علامه مجلسی نیز در بحارالانوار^۳ به نقل از تحف العقول، این دو بخش را آورده است.

۳- احمد بن علی طبرسی (درگذشت ۵۸۸ق) ضمن اشاره به انگیزه ایراد این خطبه - که ظلم و فشار بیش از حد معاویه بوده - خلاصه‌ای از آن را در چند سطر نقل و تصریح می‌کند این خطبه دو سال قبل از مرگ معاویه و در منا و در حضور بیش از هزار نفر از شخصیت‌های مذهبی آن روز ایراد گردیده است.^۴

علت چند پاره شدن آن، منوط به هدف علما است. آنان به تناسب بخشی از خطبه را نقل کرده‌اند و هر یک از مورخان و محدثان و علما و محققان به نقل بخشی از آن که ارتباط به بحث‌شان داشته بسنده نموده و از نقل بقیه خطبه صرف نظر کرده‌اند و حتی گاهی تنها به نقل یک جمله از آن اکتفا و گاهی نیز به محتوای مجموع خطبه اشاره نموده‌اند.

البته برخی بر این باورند خطبه‌ای که در تحف العقول نقل شده خطبه مجزایی است که امام حسین علیه السلام در سالی دیگر قرائت کرده است. شاهد بر این مطلب را نیز محتوای دو خطبه و مخاطبان مختلف آن دو ذکر کرده‌اند.^۵

اما شواهد و قرائن گویاست که، امام حسین علیه السلام این خطبه مهیج و اعتراضی را در سال ۵۸ق، یعنی دو سال قبل از مرگ معاویه علیه انحرافات حکومت اموی بیان کرده است. اهمیت این خطبه در منا و در ایام حج، افشاگری امام علیه حکومت معاویه بود. برخی تحلیل‌گران این خطبه را که در حضور صحابه و تابعین قرائت شد نشانه برنامه امام حسین علیه السلام برای قیام کربلا می‌دانند.

سلیم بن قیس در طلّیعه خطبه می‌گوید: یک سال قبل از مرگ معاویه، حسین به علی علیه السلام با عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر به حج رفتند. امام حسین علیه السلام مردان و زنان و یاران بنی هاشم و آن عده از انصار را که او و خاندانش را می‌شناختند جمع کرد. سپس چند نفر را

۱. کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۳۲۰-۳۲۳.

۲. تحف العقول، ص ۵۱۸-۵۲۴.

۳. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۷۹، ح ۱۷.

۴. الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۱۷.

۵. تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء، گروهی از تاریخ پژوهان، ج ۱، ص ۳۹۲.

فرستاد و فرمود: همه کسانی را که امسال از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معروف به صلاح و عبادت اند و به حج آمده اند، نزد من جمع کنید.

در پی این دعوت بیش از هفتصد نفر که بیشتر آنان از تابعین و حدود دویست نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند در منا در خیمه آن حضرت گرد آمدند. امام در میان آنان برای ایراد خطبه برخاست و پس از حمد و ثنای الهی فرمود:

درباره اهمیت این خطبه نوشته اند: یکی از نکات مهم در این خطبه شریفه قبل از بیان محتوای آن، انتخاب زمان حساس و مکان مناسب و دعوت از شخصیت های اسلامی و شرکت دادن زنان و مردان نخبه بنی هاشم و اصحاب مهاجر و انصار رسول خداست که دویست نفر از حضار مجلس را کسانی تشکیل می دادند که افتخار صحابگی و درک فیض حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را داشتند و بیش از هشتصد نفر دیگر نیز از فرزندان صحابه (تابعین) بودند.^۱

این خطبه افشاگری علیه حکومت معاویه و مقدمه ای برای واقعه کربلا بود. امام علی علیه السلام با این تدبیر و با توجه به امکانات آن روز، در میان حاضران موج و حرکتی ایجاد کرد تا حاضران پیام امام را در بازگشت به سرزمین هایشان به دیگران منتقل کنند و زمینه بیداری آنان را فراهم آورند.^۲ به ویژه مظلومیت و آسیب مندی معلولان را نشان داد تا بی عدالتی جامعه عیان تر و شفاف تر معرفی گردد.

از نظر ساختاری این خطبه سه قسمت مهم دارد:

۱- جایگاه و اهمیت امیرمؤمنان و خاندان عصمت و بیان آیات و روایاتی که در شأن، منزلت و فضیلت اهل بیت مخصوصاً امام علی علیه السلام نازل و بیان شده است؛ از جمله به معرفی تأثیر و اهمیت امام علی علیه السلام در وقایع سرنوشت ساز مثل واقعه غدیر خم، مباحله، فتح خیبر به دست امیرالمؤمنین و یا جایگاه امام علی علیه السلام در مباحث فکری و نظری و خط مشی اعتقادی مثل انکاب بر قرآن و عترت در کنار هم.

۲- دعوت به امر معروف و نهی از منکر و تأکید بر اهمیت این وظیفه اسلامی.

۳- یادآوری وظیفه علما و لزوم قیام آنان در مقابل ستمگران و مفاسد و نیز گوشزد کردن مضرات سکوت عالمان در مقابل زورگویان و آثار زیانبار و خطرناک سهل انگاری آنان از انجام این وظیفه بزرگ الهی. امام علیه السلام در پایان خطبه می فرماید: خدایا! تو می دانی که آنچه از ما سر زد، برای رقابت در فرمانروایی و نیز دسترسی به مال بی ارزش دنیا نبود، بلکه از آن روست که نشانه های آیین تو را بنمایانیم و سر و سامان بخشی را در سرزمین هایت آشکار سازیم تا بندگان ستم دیده تو آسوده گردند و به فرایض و سنن و احکام تو عمل کنند.

اما از نظر پیام رسانی، این خطبه دو قسمت مهم دارد:

۱- بخش نخست درصدد آسیب شناسی است. یعنی مبانی و وضعیت مقبول را معرفی کرده، سپس تحول از وضع مطلوب به وضع نامطلوب را توضیح می دهد.

۱. سخنان حسین بن علی علیه السلام، به کوشش نجمی، ص ۴۶۸.

۲. تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء، ج ۱، ص ۳۹۴.

۲- در بخش دوم به تحلیل وضعیت عینی آسیب‌مندان می‌پردازد و شرایط آنان در چنین جامعه‌ای را گزارش می‌دهد.

چون امام حسین علیه السلام این خطبه را در سال ۵۸ق، دو سال قبل از مرگ معاویه و در منا خواند. در این زمان فشار معاویه بر شیعیان به اوج رسیده بود و در فضای اجتماعی سیاسی خفقان حاکم بود. چنان که سلیم بن قیس برای نشان دادن انگیزه امام حسین علیه السلام از خواندن این خطبه و توضیح شرایط محیطی آن روزگار، پیش از نقل خطبه، چهار بخشنامه معاویه به کارگزارانش را می‌آورد و درباره پیامدهای آنها سخن می‌گوید.

به گفته سلیم بن قیس معاویه در بخشنامه اول از کسانی که درباره امام علی علیه السلام و خاندانش فضیلتی نقل کنند، تبری می‌جوید و حمایتش را از آنان برمی‌دارد. او همچنین دستور می‌دهد شهادت شیعیان را نپذیرند و هر کس که برای عثمان فضیلتی نقل کرد، حقوق و مزایا معین کنند. همچنین معاویه در بخشنامه دوم دستور داد درباره فضائل صحابه و دو خلیفه (عمر و ابوبکر) حدیث نقل کنند و مشابه فضایل امام علی علیه السلام را برای صحابه بیاورند و این کار را باعث چشم روشنی خودش و کوبیدن ابو تراب خواند.

بنا به نقل سلیم بن قیس او در بخشنامه سوم نوشت مراقب مردم باشند و هر کس متهم به دوستی با علی علیه السلام و خاندانش بود، اسمش را از دیوان و دفتر حقوق و مزایا محو کنند و سهمیه‌اش را از بیت‌المال قطع کنند. در بخشنامه چهارم آمده بود: هر کسی را که متهم به دوستی خاندان علی باشد تحت فشار شدید قرار بدهید و خانه او را بر سرش خراب کنید تا برای دیگران عبرت باشد.

معرفی راویان

دو تن از راویان قدیمی این حدیث یعنی سلیم بن قیس هلالی و ابن شُعبه حرانی را لازم است معرفی کنیم تا به صحت و اهمیت این روایت بیشتر آگاه شویم.

سلیم بن قیس هلالی دو سال قبل از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه چشم به جهان گشود. نام کامل او ابو صادق سلیم بن قیس هلالی عامری کوفی است. از یاران خاص امیرالمؤمنین علیه السلام است. به هنگام رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دوازده ساله بود. در زمان حیات رسول خدا و در عهد خلافت ابابکر به مدینه نیامد و در سال ۱۶ق در عهد خلافت عمر به مدینه مهاجرت کرد و اقامت گزید.

سلیم در جنگ جمل در سال ۳۵ق؛ در جنگ صفین در سال ۳۶ق، در جنگ نهروان در سال ۳۹ق حضور جدی داشت و حوادث بسیار را گزارش کرده است. بعد از شهادت امام علی علیه السلام، سلیم در کوفه اقامت داشت. اما بعد از انتقال امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام به مدینه همراه آنان به مدینه رفت.

وقتی امام حسین علیه السلام نخبگان را در منا جمع کرد و خطبه ایراد کرد، سلیم حضور داشت. اما وضع زندگی او از سال ۶۰ تا ۷۵ق معلوم نیست. ولی همراهی و ملاقات‌هایش با امام سجاد علیه السلام و امام باقر علیه السلام گزارش شده است.

در سال ۷۵ق، سلیم در کوفه بود و حجاج از والی کوفه خواست تا سلیم را به قتل برساند. سلیم با خبر شد و به بصره گریخت. سپس به ایران و به شهر نوبندجان فرار کرد. و در این شهر بیمار شد و درگذشت.^۱

سُلیم توسط چند امام علیه السلام تأیید شده و اعتدال و عدالتش را همواره بزرگان تشیع بر عدالت او صحه گذاشته‌اند.

اما کتابش را نخستین اثر پس از قرآن و آثار امامان علیهم السلام دانسته‌اند^۲ و به چندین زبان مثل انگلیسی، فارسی وارد و ترجمه شده است.

ابو محمد حسن بن علی معروف به ابن شعبه حرانی از فقهاء و محدثین و دانشمندان شیعه در سده چهارم قمری بود. او در بغداد سکونت و حوزه درس و تدریس داشت. او استاد شیخ مفید (درگذشت ۴۱۳ق) بوده است. گلچینی از روایات معصومین را گردآوری و کتاب تحف العقول عن اخبار الرسول را تألیف کرد.^۳

آسیب شناسی اجتماعی - فرهنگی

سیره حسینی عبارت بود از: آگاه کردن جامعه و اطلاع‌رسانی نسبت به سنت‌ها و ارزش‌های جامعه اسلامی در دوره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام و معرفی تلاش‌های امویان در از بین بردن این سنت‌ها و ارزش‌ها و بازگرداندن جامعه به دوره جاهلیت. بهترین منبع در شناخت این سیره، کتاب سلیم بن قیس است. زیرا او اساساً با همین نگاه برای اولین بار شروع به پژوهش، جمع‌آوری اسناد تاریخی و روایات و تألیف نمود. سلیم بر خلاف همه مورخان نخست اسلامی، رویکرد و گرایش دیگر داشت. او می‌خواست به آسیب شناسی جامعه اسلامی در قرون نخست بپردازد و در پی یافتن ریشه‌ها و علل و عوامل مسیر و حرکت جامعه بود. رویکرد او متخذ و ناشی از باورهای شیعی هم بود و با تکیه بر آموزه‌ها و باورهای شیعه به آسیب شناسی فرهنگی و اجتماعی روی آورد. بر این اساس کتابی در ۴۸ بخش و متکی بر ۴۸ حدیث محوری ساخت. البته بعدها کسان دیگر چند مستدرک به آن افزودند و کتابش را به ۹۸ بخش توسعه دادند. ولی ساختار اولیه آن، ۴۸ بخش دارد.

سلیم تلاش کرده ۴۸ موضوع محوری و زیربنایی را کشف کند و انحراف اجتماعی و فرهنگی و جامعه اسلامی در قرون اول را بر اساس این محورها تجزیه و تحلیل نماید. برخی از این موضوعات عبارت‌اند از: سقیفه؛ سخن پیامبر در لحظات پایانی عمرش؛ اختلاف امت و تشکیل فرق؛ اسلام و ایمان؛ فعالیت‌های فرهنگی و اعتقادی علی علیه السلام در دوره خلفا؛ بدعت‌ها در دوره خلفا؛ محبت رسول خدا نسبت به حسن و حسین علیه السلام؛ خطمشی و اهداف معاویه؛ غدیر خم.

۱. مقدمه کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۶۹-۷۲.

۲. مقدمه آقای زنجانی بر کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۷۲-۷۹.

۳. دایرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۳۳۷.

سلیم در بخش ۲۶ کتابش، پنج سند در شناخت اهداف و خط‌مشی معاویه آورده است. سلیقه سلیم در گزینش این اسناد و کنار هم آوردن آنها بسیار ستودنی است و به خوبی توانسته بر اساس اسناد دست اول و مؤثر چهره معاویه و اقداماتش در ایجاد انحرافات فرهنگی و اجتماعی را بشناساند. اولین سند متنی از قیس بن سعد در نقد و ردّ معاویه به نام «احتجاجات قیس بن سعد علی معاویه»؛ سند دوم بخشنامه معاویه به همه بلاد و تمام عمالش جهت لعن علی بن ابیطالب در منابر و خطبه‌ها و برائت از حضرت و نفی مناقب مشهور از خاندان اهل بیت علیهم السلام است؛ سند سوم ردّیه و نقد ابن عباس با عنوان «احتجاجات ابن عباس علی معاویه»؛ سند چهارم خط‌مشی معاویه در شدت گرفتن بر شیعیان و تقویت دیدگاه‌های مخالفان شیعه است. این خط‌مشی دارای چهار فصل بود: تقویت پیروان عثمان و ترویج مناقب او؛ احیای اسم ابی بکر و عمر؛ آموزش مناقب کاذب به کودکان و زنان و ترویج فرهنگ مداحی و فضیلت سرایی برای ابوسفیان و اهل بیت او؛ افزایش فشارهای اجتماعی و اقتصادی بر طرفداران علی علیه اسلام و شیعیان مثل تهمت زدن به آنها؛ پاک کردن اسم آنان از دفاتر بیت المال و نپرداختن حقوق مالی آنها و بر کنار کردن آنها از مدیریت‌ها و پست‌ها؛ بالاخره آخرین سند با عنوان «مناشدات و احتجاجات الامام الحسین علیه السلام بمکه» است. استدلال امام حسین علیه السلام به مقبولات تاریخی و اسناد مشهور و اخذ تأیید از صحابه و تابعین در مشروعیت خط‌مشی و باورها و اهداف امام علی علیه السلام و خاندانش و عدم مشروعیت اقدامات معاویه. این سند بخشی از سخنرانی امام حسین علی السلام در مکه است که سلیم در کتابش آورده است.

امام حسین علیه السلام پانزده تأییدیه از نخبگان بسیار حاضر در محل می‌گیرد. این پانزده فقره به صورت قال و نعم است. یعنی امام حسین علیه السلام فرمود مثلاً رسول خدا، علی را بر جعفر و حمزه برتری دارد و حضار می‌گفتند بله شنیده ایم و قبول داریم. سه فقره هم با عبارت‌های دیگر تأیید می‌گیرد و در مجموع هجده تأیید مهم تاریخی از صحابه و تابعین حاضر در آنجا گرفته است. اینها اسناد مهم تاریخی در نقد خط‌مشی معاویه و حقانیت خط‌مشی امام علی علیه السلام است.^۱

دیگر توصیه‌ها و سفارش‌ها

امام حسین علیه السلام دیدگاه‌ها و راه کارهای دیگر برای اصلاح وضع جامعه بیان کرده است. این دیدگاه‌ها عام و برای همه اقشار جامعه و از جمله معلولین است.

۱. و قَالَ عِنْدَهُ رَجُلٌ: إِنَّ الْمَعْرُوفَ إِذَا أُسْدِيَ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ ضَاعَ. فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ كَذَلِكَ، وَلَكِنْ تَكُونُ الصَّنِيعَةُ مِثْلَ وَاِبِلِ الْمَطَرِ تُصِيبُ الْبَيْرَ وَالْفَاجِرَ.

مردی در محضر آن حضرت گفت: محبت و احسان به نااهل به هدر رود، حضرت فرمود: چنین نیست، نیکی همانند باران است که بر نیک و بد می‌بارد.^۲

۱. کتاب سلیم بن قیس، ص ۳۱۱-۳۲۳.

۲. تحف العقول، ص ۵۳۰-۵۳۱.

حضرت توصیه می‌فرماید نیک ورز و نیکی کننده نباید به منافع آن نگاه کند و نباید داوری کند فلانی اهلیت دارد، پس باید به او کمک کنم و فلانی، صلاحیت ندارد و نباید به او مساعدت کنم. در ضرب المثل فارسی هست که «تو نیکی کن و در دجله انداز، که ایزد در بیابانت دهد باز» یا «در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست».

حضرت می‌فرماید نیکی مثل باران بر همه می‌بارد ولی به هر کس به گونه‌ای نفع می‌رساند و برای همه سودمند است.

امام حسین علیه السلام از این طریق خواسته، احسان و نیکوکاری در جامعه گسترش پیدا کند. ۲. و قال علیه السلام: ما أخذ الله طاقة أحد إلا وضع عنه طاعته ولا أخذ قدرته إلا وضع عنه كلفته. خدا طاعت هر کس را بگیرد طاعت از او نخواهد، و قدرت هر کس را بستاند بار تکلیف از دوشش بردارد.^۱

امام حسین علیه السلام در این روایت رابطه معکوس قدرت و طاعت یا قدرت و تکلیف را توضیح می‌دهد. اسلام برای هر کس به اندازه توانایی‌ها و توانمندی‌هایی که دارد تکلیف و وظایف مشخص کرده است. کسی که نمی‌تواند ایستاده نماز بخواند، نشسته و حتی خوابیده نماز می‌خواند. این روایت قاعده کلی را برای آسیب‌مندان و معلولین مشخص کرده است. بر این اساس نهادهای دولتی می‌توانند با افزایش توانایی‌های معلولان، حضور اجتماعی و وظایف اجتماعی آنها را هم بیشتر نمایند. بنابراین مفهوم این حدیث، دستور عملی برای حاکمیت است و امام به حاکمیت و مدیران توصیه می‌کند انسان‌هایی که توانایی فکری مثل سواد یا فرهنگی مثل معلومات و دانش یا توانمندی‌های جسمی ندارند، وظیفه‌ای هم به گردن آنها نیست ولی در روایات دیگر توصیه شده انسان‌ها مسئولیت دارند و حداقل باید در سرنوشت خود سهیم باشند، از این‌رو لازم است به افزایش توانمندی‌ها و مهارت‌های آنان افزود.

۳. و كتب إلى عبدالله بن العباس حين سيرة عبدالله بن الزبير إلى اليمن: أما بعد بلغني أنّ ابن الزبير سيرك إلى الطائف فرفع الله لك بذلك ذكرا وحطّ به عنك وزرا وإِنما يبتلى الصالحون. ولولم تؤجر إلا فيما تحبّ لقلّ الأجر، عزم الله لنا ولك بالصبر عند البلوى والشكر عند التعمى ولا أشتت بنا ولا بك عدواً حاسداً أبداً والسلام.

آنگاه که عبدالله زبیر، عبدالله بن عباس را به یمن تبعید کرده بود، حضرت این نامه را برای ابن عباس نگاشت: اما بعد، خبر یافتم پسر زبیر تو را به طائف تبعید کرده، خداوند بدین وسیله نام تو را بالا برده و گناهت را فرو نهاده، این شایستگانند که گرفتار می‌شوند، اگر پاداش (الهی) تنها برای (کارهای مطلوب) و باب طبع بود اجر، اندک می‌شد، خداوند برای ما و تو صبر در مصیبت و شکر در نعمت را مقدر فرماید، و دشمن حسود را به ما شاد نفرماید والسلام.^۲

حضرت در این روایت رابطه پاداش با سختی‌ها و محنت‌ها را بیان فرموده است. زندگی بدون سختی وجود ندارد ولی هر مقدار سختی‌ها بیشتر باشد، پاداش افراد هم بیشتر است.

۱. همان

۲. همان، ص ۵۳۴-۵۳۵.

۴. و قال علیه السلام: الإخوان أربعة: فأخ لك وله. وأخ لك. وأخ عليك. وأخ لالك و لاله، فسئل عن معنى ذلك؟ فقال عليه السلام: الأخ الذي هو لك وله فهو الأخ الذي يطلب بإخائه بقاء الإخاء، و لا يطلب بإخائه موت الإخاء، فهذا لك وله لأنه إذا تمَّ الإخاء طابت حياتهما جميعاً وإذا دخل الإخاء في حال التناقض بطل جميعاً. و الأخ الذي هو لك فهو الأخ الذي قد خرج بنفسه عن حال الطمع إلى حال الرغبة فلم يطمع في الدنيا إذا رغب في الإخاء فهذا موفر عليك بكليته. و الأخ الذي هو عليك فهو الأخ الذي يتربص بك الدوائر و يغشى السرائر و يكذب عليك بين العشائر و ينظر في وجهك نظر الحاسد فعليه لعنة الواحد. و الأخ الذي لالك و لاله فهو الذي قد ملأه الله حمقاً فأبعده سحفاً فتراه يؤثر نفسه عليك و يطلب سخاً ما لديك.

برادران چهار گونه‌اند: ۱. به نفع تو و خود ۲. به نفع تو ۳. به ضرر تو ۴. نه به نفع تو و نه به نفع خود، پرسیدند: مقصود چیست؟ فرمود: نخست برادری است که از پیوند برادری پایداری آن را خواهد نه مرگش را (به دوام دوستی علاقه‌مند است) این به سود هر دو است، زیرا اگر برادری ادامه یابد زندگی هر دو شیرین شود، و اگر درهم ریزد یکسره باطل شود (و هر دو زیان ببینند). دوم برادری است که طمع در طرح دوستی نداشته، بلکه شیفته و علاقه‌مند شخص رفیق است، و منظور دنیوی ندارد، این برادر تمام وجودش را به تو سپارد. سوم برادری که پیوسته چشم به راه گرفتاری و محنت توست، اسرار را فاش کند (کلمه «یغشی» ظاهراً «یغشی» بوده و همین‌طور ترجمه شد) در قبیله‌ها دروغ بر تو بندد و به رؤیت چون حسودان بنگرد، لعنت خدای یکتا بر این رفیق. چهارم برادری است که خدا سراپای وجودش را از حماقت انباشته، و (از رحمت خود) دورش ساخته، خود را بر تو مقدم دارد و از سر بخل چشم طمع به مال تو دوزد.^۱

این روایت به معرفی انواع انسان‌ها و بیان روابط انسان‌ها در جامعه می‌پردازد. هر کس تلاش کند از انسان‌های احق یعنی دسته چهارم به طرف دسته اول و دوم برود به خوشبختی نزدیک شده است. ۵. و قال علیه السلام: من دلائل علامات القبول: الجلوس إلى أهل العقول. و من علامات أسباب الجهل المماراة لغير أهل الكفر، و من دلائل العالم انتقاده لحديثه و علمه بحقائق فنون النظر. همنشینی خردمندان نشان پسندیده بودن است، ستیزه با غیر کافر علامت جهل است. نقادی از گفتار خود، و علم به حقایق اقسام نظر (و مسائل علمی) دلیل علم و دانش است. حضرت چهار علامت (علت) برای موفقیت می‌شمارد: همنشینی با عقلاء، ستیزه با غیر کافران؛ خود انتقادی و علم به دانش‌های نظری و حرفه‌های عملی.

این روایت در دوره‌ای بیان شده که مسلمانان در تلاش بودند با ارتباط با تمدن‌های آن دوره یعنی ایران و روم، وضع عقب مانده حجاز را تغییر دهند. هر چهار عاملی که می‌شمارد گویای این است که تعاملات و ارتباطات با جهان متمدن مقبول است. همنشینی با آنان، تساهل و تسامح و عدم ستیز با کسانی که توطئه‌گر نیستند، در هر مرحله بازکاوی و نقد خود و بالاخره افزایش دانش‌های نظری و عملی و کاربردی در این دوره هم اهمیت دارد.

۶. و قال علیه السلام: إن المؤمن اتَّخذ الله عصمته، و قوله مرآته، فمَرَّةٌ ينظر في نعت المؤمنین و تارةً ينظر في وصف المتجبرين، فهو منه في لطائف، و من نفسه في تعارفٍ، و من فطنته في يقين، و من قدسه على تمكين.

۱. همان، ص ۵۴۴-۵۴۵.

مؤمن خدا را پناه خود گیرد، و گفتار او را آئینه خود سازد، گاه در صفاتی که از برای مؤمنان فرموده بنگرد و گاه در اوصاف متکبران، لطیفه‌ها از آن برگیرد، خود را درست بشناسد، با زیرکی به مقام یقین رسد، و بر تزکیه و تهذیب نفس توانا باشد.

۷. و قال علیه السلام: إِيَّاكَ وَمَا تَعْتَذِرُ مِنْهُ، فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَسِيءُ وَلَا يَعْتَذِرُ وَالْمُنَافِقُ كُلُّ يَوْمٍ يَسِيءُ وَيَعْتَذِرُ.

از کاری که باید از آن پوزش خواست حذر کن که مؤمن نه بد کند و نه عذر خواهد، و منافق هر روز بد کند و معذرت طلبد.^۱

این هفت دستور العمل از امام حسین علیه السلام گویای خط‌مشی ایشان در جامعه‌سازی است. یعنی برنامه‌های عملی برای ساختن جامعه ایده‌آل و مطلوب را در این روایات بیان کرده است.

فصل دوم: احیای سنت‌ها و پیمان‌ها

امام حسین علیه السلام بارها متذکر شده که هدفش از قیام علیه نظام حاکم، احیای سنت‌های اجتماعی گذشته و استقرار سنت‌های الهی گذشته است. حتی وقتی درباره معلولین سخن می‌گوید به این سنت‌ها اشاره نموده و می‌فرماید:

قَدْ تَرَوْنَ عُهْدَ اللَّهِ مَنْقُوضَةً فَلَا تَفْرَعُونَ ، وَأَنْتُمْ لِبَعْضِ ذِمِّهِ أَبَائِكُمْ تَفْرَعُونَ ، وَذِمَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَحْقُورَةٌ.^۱

همانا می‌بینید که پیمان‌های الهی نقض شده و در حالی که بعضی قراردادهای نقض شده و سنت الهی تحقیر شده ولی شما عکس‌العملی نشان نمی‌دهید.

اما این سنت‌ها چیست؟ چه پیمان‌هایی است که مردم در دوره امام حسین علیه السلام نقض می‌کردند و به چه پیمان‌هایی عمل می‌کردند. امام حسین علیه السلام می‌فرماید: عهدهایی که بین مردم و خدا بسته شده بود، باطل و نقض شده و سنت‌ها و پیمان‌هایی هست که منسوب به آباد و اجداد مردم است و اگر نقض شوند، مردم اظهار ناراحتی می‌کنند. امام حسین علیه السلام از دو واژه عهد و عهود، ذمه و ذمم استفاده کرده است.

ذمه به معنای عهد و پیمان است. در قرآن آمده: (كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ) (سوره توبه آیه ۸). یعنی درباره هیچ مؤمن، قرابت و پیمانی را مراعات نمی‌کنند.^۲

عهد، در اصطلاح فقهی عبارت از پیمانی است که بنده با خدای خود جهت انجام یا ترک عملی می‌بندد و صیغه آن عبارت از: «عاهدت الله» و «علی عهد الله». شرایط عهد، مثل شرایط نذر است. آیات ۳۴ سوره اسراء: «اوفوا بالعهد» و ۱۵۲ سوره انعام: «بعهد الله اوفوا» و ۹۱ سوره نحل: «اوفوا بعهد الله» - تصریح به مشروعیت عهد و لزوم عمل به آن را دارد و در آیه ۲۷ سوره بقره: «الَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ» - عدم عمل به آن نکوهش شده است، لذا بنا به سنت نبوی ترک عهد موجب کفاره می‌باشد.

در قرآن تأکید بسیار شده است بر این که مؤمنین بر عهد و پیمان خود وفا کنند. در آیه ۱۷۷ سوره بقره یکی از کارهای نیک وفای به عهد عنوان شده است «وَلِكِنَّ الْأَبْرَارَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ ... وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا»، (بلکه نیکی آن است که به خداوند ایمان داشته باشد و ... وفا کنندگان به پیمان‌شان چون پیمان بندهند...). همچنین در آیات (مائده، ۱۰؛ انفال، ۵۶؛ مؤمنون، ۸؛ مریم، ۵۴؛ صف، ۲-۳؛ معارج، ۳۲ و نحل ۹۱) به این مسأله اشاره شده است. عهد دیگری که در قرآن از آن نام به میان آمده عهد الهی با انسان است که انسان شیطان را پرستش نکند. (یس، ۶۰؛ طه، ۱۱۵). در روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده است که کسی که به عهد و پیمان وفا نکند دین ندارد. و

۱. تحف العقول، ص ۵۲۰.

۲. قاموس قرآن، ج ۳، ص ۲۳-۲۴.

عبارت «والمسلمون عند شروطهم» از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بسیار مشهور است. یعنی مسلمانان هنگام عهد و پیمان شناخته می‌شوند. «أوفود بالعقود». (به پیمان‌ها وفا کنید). (مائده، ۱) نیز از توصیه‌های مهم قرآنی است و قاعده برای بسیاری از معاهدات در اسلام می‌باشد.^۱ بالاخره در قرآن و هم در روایات بر پیمان و معاهده و میثاق مسلمانان تأکید فراوان شده است. اما با سیطره حاکمان فاسد در صدر اسلام به تدریج مردم وظایف و تعهدات اصیل خود را فراموش کردند. امام حسین علیه السلام بارها بر پیمان شکنی و عهد شکنی مردم و نخبگان اشاره کرد و آن را مذمت نمود.

در بعضی روایات نبوی و علوی وضعیت‌های عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و زمان امام علی علیه السلام تبیین شده است و وضع معلولان توصیف شده است. در اینجا چند سخن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام می‌آوریم.

سنت‌های نبوی

امام حسین علیه السلام وظایف مردم را بعضاً به صورت تعهدات مردم با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مطرح می‌کند. این تعهدات و پیمان‌ها که خود را موظف به اجرای آنها می‌دانند، در واقع همان التزام و تعهدهایی است که به صورت سنت‌ها و قوانین در قرآن و روایات به آنها اشاره شده است. در قرآن کریم آمده که از بنی اسرائیل میثاق گرفتیم که شرک نوزند و به پدر و مادر، یتیمان و مستمندان نیکی کنند.^۲

نیز عقد ازدواج و عدالت و نفی ظلم^۳ به عنوان میثاق‌هایی است که به عنوان سنت تاریخی و اجتماعی مطرح و معرفی شده‌اند.^۴ سنت‌ها در حوادث تاریخی و اجتماعی، اجرای نظام اسباب و مسببات یا عمل و معلولات است. عالم جمادات، عالم نباتات، عالم جانوران و جهان انسان‌ها دارای نظام خاص است و حوادث تصادفی و بدون علت و دلیل اتفاق نمی‌افتد.^۵

تعهداتی که بر عهده مردم الزام آور است، در صورت عمل به آنها، نتایج مطلوب به دست می‌آید و اگر انجام ندهند، نتایج منفی به دست می‌آید. به عنوان نمونه قرآن می‌فرماید ان تتقوا الله يجعل لكم فرقاناً.^۶ یعنی اگر پرهیزگار باشید خداوند برای شما قدرت تمایز خوبی از بدی قرار می‌دهد. در مورد معلولین هم تعهدات و وظایف الزام آور وجود دارد که می‌توانند اسباب و مسببات یا سنت‌ها و قوانین جامعه دارای معلولیت باشند. اکنون به برخی از اینها در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌کنم.

۱. معجم مفردات الفاظ قرآن، ص ۳۶۳؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ص ۱۴۹۹-۱۵۰۰.

۲. سوره بقره، آیه ۸۳.

۳. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۴. سوره انفال، آیه ۲۹.

۵. دانشنامه قرآن کریم، لیمن، ص ۵۶۶-۵۶۷؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ص ۱۲۲۱-۱۲۲۲.

۶. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ص ۱۲۲۱-۱۲۲۲.

* حضرت در تعریف و نقش نابینایی می فرماید:

ليس الأعمى من يُعمى بصره، إنما الأعمى من نُعمى بصيرته^۱

حضرت در این روایت می خواهد تعریف و کارکرد اجتماعی نابینا را در نظام مورد نظرش مطرح کند. می فرماید نابینا فقدان بینایی و چشم به عنوان یک عضو جسم نیست بلکه نابینا کسی است که فاقد بینش و آگاهی به عنوان عضو از عقل و ذهن باشد. بنابراین هر کس چنین نقشی را در جامعه ایفا کند و موجب نا آگاهی گردد، نابینا است.

حضرت در این سخن تأکید دارد که مشکل اصلی انسان‌ها برای پیشرفت ندیدن چشمان نیست بلکه نداشتن قدرت تفکر و درک حقایق و تمیز خوبی‌ها از زشتی‌ها است. چه بسا انسان‌هایی هستند که از نظر چشم، حس دیدن آنها به هر دلیل از بین رفته است ولی با ممارست و تلاش تحصیل نموده و به مدارج بالایی علمی دست یافته است. نیز با تلاش و مجاهدت در تربیت نفس هم موفق شده و به مدارج معنوی رسیده است. این فرد بصیر را نمی توان نابینا دانست.

* حضرت در سخن دیگری زبان اشاره را قبول کرده و بر آن صحنه می گذارد نیز رنج و مشکلات و مصائبی که معلولین در دوران زندگی متحمل می شوند از طرف خداوند بی اجر و پاداش گذاشته نمی شود. متن این روایت چنین است:

أقبل رجل أصمّ أخرس حتى وقف على رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فأشار بيده، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أعطوه صحيفة حتى يكتب فيها ما يريد.
فكتب: إني أشهد أن لا إله إلا الله وأنّ محمداً رسول الله.

فقال رسول الله: اكتبوا له كتاباً تبشرونه بالجنة، فإنه ليس من مسلم يفجع بكريمته أو بلسانه أو بسمعه أو برجله أو بيده، فيحمد الله على ما أصابه، و يحاسب عند الله ذلك إلا نجاه الله من النار، وأدخله الجنة^۲

یعنی شخص کر و لال (اصم و اخرس) نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و با اشاره نکاتی را به حضرت تفهیم نمود. آنگاه حضرت فرود دفتری به او بدهید تا آنچه می خواهد بنویسد.

او نوشت: همانا من شهادت می دهم خدایی به جز خداوند یکتا نیست و محمد رسول خدا است. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت: برایش بنویسید و او را به بهشت بشارت دهید. چون هر مسلمانی چشم، زبان، گوش، پا و دستش آسیب ببیند و ستایش خداوند را نسبت به آنچه به او رسیده به جای آورد، خداوند به گونه‌ای برایش محاسبه می کند که او از دوزخ نجات یافته و داخل بهشت می گردد.

نکات مهمی در این روایت هست و نشانگر وضعیت ناشنوایان و معلولین در آن دوره می باشد. اولاً ناشنوا یعنی کسی که توان سخن گفتن و شنوایی ندارد وقتی با زبان اشاره با رسول خدا صلی الله

۱. نهج الفصاحه، ص ۴۵۵.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۶.

علیه و آله و سلم مطالبی را بیان کرد، حضرت ناراحت نشد و او را نهی نکرد. این نشانگر مشروعیت زبان اشاره است.

ولی برای اینکه به ناشنوایان یاد دهد با نوشتن و کتابت هم می‌توانید تفهیم و تفاهم داشته باشید، از ناشنوا می‌خواهد، مطالبش را بنویسد. دوم اینکه ناشنوا مطلب را می‌نویسد. یعنی در آن زمان ناشنوایان، توانایی نوشتن و خواندن داشته‌اند. و حتماً از طریق آموزش خواندن و نوشتن به دست آورده بودند. و غیر از فراگیری اشاره، خواندن و نوشتن به معلولین هم وجود داشته است. حضرت ضمناً ناشنوایان را ملزم به زبان اشاره و کتابت نموده است و به آنان یاد داده عامل پیشرفت آنان در یادگیری این دو شیوه است.

سوم اینکه حضرت آسیب‌های مختلف جسمی را نام برده و بشارت داده که خداوند مصائب و رنج‌هایی که آسیب‌مندان تحمل می‌کنند، بدون اجر و پاداش نمی‌گذارد و بهشت پاداش زحمات آنان است.

چهارمین نکته این است که همه انواع معلولیت‌های جسمی در این روایت معرفی شده‌اند. یعنی نابینایی، ناشنوایی و فقدان تحرک دست و پا سه نوع معلولیت شایع جسمی است که در این روایت معرفی شده است. نکته پنجم اینکه پاداش خداوند مشروط به شکر و سپاسگزاری خداوند (فی‌حمد الله علی ما اصابه) است. اما اگر معلولی به جای شکرگزاری، وضع موجود را نپذیرد و انرژی‌های خود را مصروف داد و فریاد علیه وضع موجود نماید و دائم به شکایت و گلایه بپردازد، معلوم نیست این فرد در محاسبه الهی موفق شود.

بنابراین این روایت معاهده‌ای مطرح می‌کند: هر معلولی از آسیب‌هایی که به او رسیده و مشکلاتی که دارد، ناراحتی نکند و شکرگزاری کند، بهشت و رهایی از دوزخ برایش حتمی می‌گردد.

* حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روایت دیگری می‌فرماید:

لیس من نفس ابن آدم الا علیها صدقه فی کل یوم طلعت فیه الشمس. قیل یا رسول الله و من ابن لنا صدقه؟

قال: ان ابواب الخیر کثیر: التسبیح و التحمید و التکبیر و التهلیل و الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و تمسیط الاذی عن الطرق و تسمع الاصم و تهدی الاعمی و تدل المستدل علی حاجته و تسعی بشده ساقیک مع اللّه فان المستغیث و تحمل بشده ذراعیک مع الضعیف. فهذا کله صدقه منک علی نفسک.^۱

هر روز که خورشید طلوع می‌کند، انسان نفسی ندارد مگر اینکه صدقه‌ای بدهد و زنده بودن آدمی منوط به صدقه دادن دانی.

پرسیده شد: ای رسول خدا این صدقه‌ها را چگونه بپردازیم؟

حضرت پاسخ فرمود: راه‌های نیکی بسیار زیاد است و به ده نمونه از آنها اشاره می‌کند: تسبیح، تهلیل، تحمید، امر به معروف و نهی از منکر، برداشتن موانع راه‌ها، تفهیم مطالب به ناشنوایان،

۱. کنز العمال، ج ۶، ص ۴۳۶.

راهنمایی نابینا، مشاوره دادن به فردی که نیازمند مشورت و راهنمایی است، مساعدت و یاری به ستمدیده مضطر، برداشتن بار از دوش انسان ضعیف.

حضرت به صراحت می‌فرماید، هر جامعه و آحاد جامعه نیاز به همیاری و تعاون دارد و بدون کمک به یکدیگر و یاری همدیگر، حیات و زندگی مختل خواهد شد. این نکته را مطابق فرهنگ آن دوره اینگونه بیان فرموده است: نَفْسِ ابْنِ آدَمَ دَرِ هَرِ رَوْزٍ مَتَكِي وَ مَنُوطٌ بِهٖ صَدَقَةٌ (صداقت و دوستی یکدیگر و مساعدت همدیگر) است.

اما صدقه فقط مالی نیست بلکه شیوه‌های بسیار دارد که به عنوان نمونه ده شیوه آن را بیان کرده‌اند:

بعضی از مردم نیازمند مساعدت فرهنگی و معنوی هستند. مثلاً دارای افسردگی می‌باشند یا از درون به هم ریخته‌اند و لازم است با تلقین تجربه‌های معنوی، اعتماد به نفس آنها را تقویت کرد. تجربه نشان داده اگر به اینگونه آدم‌ها ذکرهایی مثل سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله آموخته شود و آنان با تکرار این اذکار، معنویت و نورانیت درونی آنها افزایش یافته و مشکلات روانی آنها کاهش می‌یابد.

به همین دلیل حضرت می‌فرماید صدقه معنوی مثل تهلیل و تحمید و تسبیح هم مهم است و این سه را در ابتدا بیان کرده است.

چهارمین نوع صدقه امر به معروف و نهی از منکر است. با ترویج و توسعه خوبی‌ها و هنجارها و کاهش ناهنجاری‌ها در جامعه، فضای فرهنگی جامعه و ارتباطات اجتماعی مردم سالم خواهد شد و آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابند. آسیب‌مندان و معلولانی هستند که تحت فشارهای تبعیض‌ها، بی‌قانونی‌ها، ظلم‌های اجتماعی‌اند. اشتغال و درآمد ندارند چون فرصت‌های اجتماعی درست و عادلانه تقسیم نمی‌شود. اما اگر عدالت، مساوات و انواع دیگر معروف‌ها ترویج و گسترانده شوند، بار مصائب از دوش معلولین برداشته خواهد شد.

پنجمین نوع صدقه مناسب سازی شوارع و امکانه عمومی است. اگر موانع در مسیر عبور معلولین برداشته شود و راه‌های عبور و مرور آنان مناسب‌سازی گردد، آنان می‌توانند حضور اجتماعی افزون‌تر داشته باشند. جوان نابینا یا ویلچری نمی‌تواند تحصیل کند چون دبیرستان یا دانشگاه در طبقه دهم یک ساختمان است و آسانسور هم ندارد. چند ماه دوستانش ویلچر او را ده طبقه بالا می‌بردند و دوباره پایین می‌آوردند. اما پس از چند ماه خود آن شخص معلول احساس شرمندگی کرد و از رفتن به دانشگاه صرف نظر نمود. سرنوشت این فرد تا آخر عمر به خاطر یک آسانسور تغییر خواهد کرد.

آمارها نشان می‌دهد بیش از پنجاه درصد از مشکلات معلولین ناشی از عدم مناسب سازی است. اما در کشورهای اروپایی زودتر از ما به این فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جامه عمل پوشاند و هر معلول روز اول در هر جا مستقر شود تمامی مسیرهای او مناسب سازی خواهد شد.

حضرت مناسب سازی را با این عبارت بیان کرده است «تمسيط الأذى عن الطرق» یعنی زدودن موانعی که موجب آزار و اذیت انسان‌ها در راه‌ها.

صدقه ششم، هزینه کردن برای امکانات و اجرای روش‌هایی که ناشنوایان بتوانند مطالب را بفهمند. تجربه می‌گوید امکانات آموزش ناشنوایان گران‌تر و پرهزینه‌تر نسبت به امکانات آموزشی

نابینایان یا معلولین ذهنی و حرکتی است. چون یاد دادن یک مطلب به یک ناشنوا به طور میانگین بسیار مشکل تر از یاد دادن همان مطلب به یک فرد نابینا یا معلول حرکتی است. متأسفانه نیکوکاران و ثروتمندان دارای اموال اولویت‌های وقف اموال یا صدقه و بخشش اموالشان را نمی‌شناسند و مثلاً نمی‌دانند برای ناشنوایان چگونه و در چه موارد مورد نیاز هزینه کنند. از این رو بیشتر وقف‌ها و نیکوکاری‌ها تکراری شده است.

حضرت می‌فرماید یکی از شیوه‌های صدقه، تسمع الاصم است یعنی تجهیز مکان‌های آموزشی برای ناشنوایان تا آنان بتوانند به خوبی خواندن و نوشتن را یاد گرفته و در یک رشته تجربه و تبحر لازم را پیدا کنند.

معمولاً ناشنوایان از چهار طریق می‌توانند یادگیری و آموزش داشته باشند:

- زبان اشاره

- لب خوانی

- اقدامات پزشکی مثل کاشت حلزون جهت به دست آوردن شنوایی

- شیوه‌های ترکیبی

تجربه نشان داده توجه به همه این روش‌ها اهمیت دارد و نباید کودکان و نوجوانان را از یک روش مثل زبان اشاره محروم کرد. اما همه این شیوه‌ها دارای مشکلات خاص خود است.

صدقه دیگر راهنمایی نابینایان و یاد دادن دانش و سواد به آنان و هزینه کردن برای یادگیری آنها است.

صدقه دیگر مشاوره و راه‌اندازی مراکز مشاوره جهت پیشگیری و غیره است. اگر در هر شهر و روستا مراکزی باشد که جوانانی که می‌توانند ازدواج کنند، راهنمایی کند و اگر ازدواجشان موجب بچه‌های معلول می‌شود به آنان تذکر دهند، این روش‌ها موجب کاهش معلولیت‌ها خواهد شد. اما تأسیس و راه‌اندازی مراکز مشاوره نیاز به مخارج فراوان دارد.

مشاوره ابعاد بسیار دارد مثل مشاوره جهت کاریابی، مشاوره ژنتیک و غیره.

صدقه نهم مساعدت و کمک به نیازمند مضطر است. معلولانی که از نظر پزشکی، معیشت روزانه، داروهای ضروری، تغذیه روزانه، پوشاک فرزندان مشکل دارند. اگر توانایی کار کردن نداشته باشند، باید تحت تأمین اجتماعی قرار گیرند و اگر با مهارت آموزی می‌توانند سرکار بروند، باید به آنان کار آموخته شود. یعنی مراکزی برای مهارت آموزی تجهیز گردد و با تبرعات و نیکوکاری‌ها راه‌اندازی گردد. بالاخره آخرین نوع صدقه برداشتن بار از روی دوش ضعیفان و کاهش فشار بر آنان است. برداشتن بار از دوش ضعیفاً فقط برداشتن یک کیسه چهل کیلویی از دوش یک نفر نیست، هر چند، این هم یک مصداق است. بلکه کاستن فشار بر ضعیفاً انواع و اقسام دارد. خانواده‌ای هست، سه فرزند معلول دارد، همه آنها تحصیل کرده و بیکار هستند، کاهش فشار این است که برای این فرزندان کار پیدا کرد و آنها بر سر کار بروند.

رابطه بین حیات و صدقه به ویژه برای معلولین در این روایت مطرح شده و آن را به صورت یک سنت و قانون الزام آور مطرح کرده است.

* همچنین حضرت فرمود: من قاد ضرباً أربعين خطوة على أرض سهلة لا يفي بقدر ابرة من جميعه طلاع الارض ذهباً.

هر کس، نابینایی را در زمین هموار چهل گام راهنمایی کند، ذره‌ای از این عملش با کوه‌های طلا برابری نمی‌کند.^۱
چند نکته در این روایت جلب توجه می‌کند:

۱. دستگیری افراد نابینا در زمین هموار و در شرایط عادی، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بنیان‌گذار اسلام ارج و پاداش بی‌انتهایی دارد، چه رسد به راهنما و مساعدت روشن‌دلان در شرایط سخت و پر از موانع. واژه‌های چهل قدم (حدود ۳۰ متر) و زمین هموار (ارض سهله) بر این نکته دلالت دارند.

از این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، می‌توان این نکته را استفاده کرد: مساعدت به این قشر، در شرایط سخت اقتصادی و رفع مشکلات آنها، ارج و پاداش بسیار در انتظار مساعدت‌کننده است.

۲. راهنمایی یک روش‌دَل در چهل گام، تماماً و همه این عمل با همه کوه‌های طلا در کره زمین برابر و مساوی دانسته نشده بلکه اندکی و سرسوزنی از این عمل با همه کوه‌های طلای روی زمین مقایسه شده؛ ولی حضرت می‌فرماید برابر نیست یعنی ثواب و ارزش معنوی سرسوزن از این عمل بیشتر از تمامی کوه‌های طلای روی زمین است. از این‌رو مؤمنین و نیکوکاران چه اقدام و چه کاری بالاتر و بهتر از مساعدت و یاری به آحاد معلولین سراغ دارند؟ در واقع بهترین عمل و سودآورترین معامله با خداوند است.

۳. حضرت روی موضوع راهنمایی تأکید فرموده است. و راهنمایی روش‌دَل را با کوه طلا مقایسه کرده است. اما آیا هر خدمتی چنین ارزشی دارد؟ یا فقط خدمت راهنمایی چنین است؟ آیا راهنمایی در راهی مثل کوچه و خیابان که در روایت آمده، را می‌توان گسترش داد و هر نوع راهنمایی حتی اطلاع‌رسانی و راهنمایی علمی و فرهنگی را هم مشمول این روایت دانست؟ اگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در دوره ما می‌زیست، گسترش اطلاع‌رسانی در جامعه روشن‌دلان و توسعه ابزارهای راهنمایی آنان مثل کامپیوتر و انواع برنامه‌های کامپیوتری را به عنوان راهنمایی روشن‌دلان با کوه‌های طلا مقایسه می‌فرمود؟ در این دوره، کارشناسان اهمیت اطلاع‌رسانی و راهنمایی فرهنگی و تلاش برای رهایی روشن‌دلان از تأخر فرهنگی و به روز شدن آنان را به اندازه‌ای زیاد می‌دانند که فقط مقایسه مزبور گویای آن است.

خلاصه اینکه وقتی اندکی از راهنمایی چهل قدمی روش‌دَلی به اندازه کوه‌های طلا پاداش داشته باشد به طریق اولی راهنمایی آنان توسط مجله، کتاب و پایگاه اینترنتی اجری مضاعف خواهد داشت. حضرت نکات و احادیث دیگر دارد از جمله در چند روایت به مشکلات اقتصادی معلولین اشاره کرده است.

۱. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۵.

همه انسان‌ها با واقعیت‌های اقتصادی دست به گریبان هستند و معیشت و اقتصاد را نمی‌توان از زندگی آدمی حذف کرد. اما موفقیت در زمینه اقتصاد و فائق آمدن بر مشکلات و سختی‌های معیشتی تنها با تجربه آموزی از گذشتگان و دوم سخت کوشی و تلاش امکان‌پذیر است. نتیجه اینکه حضرت بین راهنمایی و دستگیری یک نابینا با پاداش رابطه برقرار کرده و خداوند را متعهد می‌داند که چنین پاداشی را بپردازد.

* معصومین علیهم السلام چون دانش فراگیری داشته‌اند، توصیه‌ها و نکات سودمندی در زمینه اقتصاد بیان کرده‌اند. این توصیه‌ها تأثیر شایان و مؤثر در زندگی معلولان می‌تواند داشته باشد. اینجا به برخی از سخنان گهربار رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌شود: آن حضرت درباره مسکین و نیازمند واقعی فرمود:

ليس المسكين الذي يطوف على الناس فترده اللقمة و اللقمتان و التمرة و التمرتان لكن المسكين الذي لا يجد غني لغنيه و لا يعطى له فيصدق عليه و لا يقوم فيسأل. (نهج الفصاحة)

نیازمند واقعی برای به دست آوردن یکی دو لقمه یا یکی دو خرما در میان مردم گدایی نمی‌کند. اما نیازمند واقعی کسی است که به طرف ثروتمند به خاطر ثروتش نمی‌رود و دستش را به طرف او برای دریافت صدقه دراز نمی‌کند و به پا نمی‌خیزد تا گدایی کند.

خلاصه اینکه مسکین و تردد در مردم برای گدایی، رابطه‌اش منفی است؛ ولی مسکین و به طرف ثروتمندان نرفتن، دست دراز نکردن و اقدام برای گدایی نکردن رابطه دارد.

از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با طرح معیارهایی و آگاه سازی مردم، بین حاجت‌مند آبرومند و حاجت‌مندی که شغلش گدایی و تکدی‌گری است تمایز و تفاوت می‌گذارد. قشر گدا مضر برای جامعه و قشر نیازمند واقعی مفید برای جامعه است.

از طرف دیگر حضرت وظیفه افراد ثروتمند را مشخص فرموده است:

خير الناس انفهم للناس.

بهترین مردم کسی است که فایده او بیشتر از همه به مردم برسد. کسی که منفعت مردمی و به قول امروزیان منافع ملی را بیش از همه در عمل مراعات کند، او خود از بهترین مردمان است. بنابراین بین خوبی و نفع رابطه برقرار کرده است.

نیز حضرت فرمود:

الخلق عيال الله، احب الخلق عند الله من نفع الی عياله او انفعهم الی عياله.

مردم خانواده خدا هستند دوست داشتنی‌ترین و محبوب‌ترین آدم‌ها نزد خداوند کسی است که به خانواده خدا سود می‌رساند و خدمت می‌کند. خدمت‌گزارترین و سود رسان‌ترین آدم‌ها به اهل بیت خداوند، همو، محبوب‌ترین آدم‌ها در چشم و دل خدا است.

به این ترتیب بود که پیامبر اسلام توانست میان خدا و خلق رابطه و پیوندی عمیق برقرار کند. البته رابطه و پیوند منحصر به این طریق نیست و تنها به این ترتیب نیست که «خدایی بودن خدمت به خلق» توجیه پیدا می‌کند.

چند بیت شعر بسیار زیبا منسوب به شیخ بهایی از دانشمندان دوره صفوی هست:

همه روز روزه بودن، همه شب نماز کردن
 ز مدینه تا به کعبه، سر و پا برهنه رفتن
 به مساجد و معابد، همه اعتکاف جستن
 چو قمر به شب نخفتن به خدای راز گفتن
 که خدا که هیچ کس را ثمر آنقدر نباشد
 همه ساله حج نمودن سفر حجاز کردن
 دو لب از برای لبیک همواره باز کردن
 ز ملاهی و مناهی همه احتراز کردن
 ز وجود بی نیازش طلب نیاز کردن
 که به روی ناامیدی در بسته باز کردن

مصرع «که به روی ناامیدی در بسته باز کردن» گویای نکته‌های فراوان است و نفع رساندن به خلق خدا را به خوبی بیان می‌کند.

همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مصداق خدمت به خلق و منفعت رساندن به مردم را ترویج عدالت و توسعه ارزانی یا مبارزه با ظلم و تورم می‌شمارد و می‌فرماید:

علامه رضا الله تعالی فی خلقه؟ عدل سلطانیهم، و رخص أسعارهم.

نشانه خشنودی خداوند در میان بندگانش چیست؟ دادگری سلطانانشان و ارزانی نرخ‌هایشان. و برعکس آن، را فرموده است:

علامه غصب الله تبارک و تعالی علی خلقه؟ جور سلطانیهم، و غلاء أسعارهم (کافی)

نشانه ناخشنودی خداوند در میان بندگانش چیست؟ بیدادگری سلطانانشان و گرانی نرخ‌هایشان. «رخص» هم ریشه با واژه‌های رخصت و ترخص و ترخص، به معنای ارزانی، گشایش و رفاه و نظایر آن است.

مقابل ارزانی، گرانی یا تورم است.

خوشنودی و رضایت خداوند از مردم در این روایت به ارزانی قیمت‌های کالاها و عدالت سیاسی پیوند زده شده است. چرا؟

امام صادق علیه السلام پاسخ این پرسش را در روایت زیر فرموده است:

غلاء السعر یسبب الخلق، و یدهب الأمانة، و یضجر المرء المسلم. (کافی)

گرانی (تورم)، اخلاق عمومی را خراب می‌کند، روحیه امین بودن را نابود می‌کند و موجب تخریب روحیه افراد مسلمان و معتقد می‌گردد.

امام صادق علیه السلام سه پیامد برای تورم بر شمرده است:

۱- اخلاقیات مذموم و فساد اخلاقی را گسترش می‌دهد.

۲- امانت و اعتماد عمومی را نابود می‌سازد.

۳- افسردگی و ناراحتی‌های روحی و روانی را موجب می‌شود.

بنابراین چنین جامعه‌ای مغضوب خداوند است و خدا از چنین مردمی خوشنود نیست. تنها راه چاره برای تصحیح چنین جامعه‌ای، گسترش روحیه مساعدت به یکدیگر، نفع رساندن به هموعان است؛ اما برخی فکر می‌کنند کثرت نماز، حج، اعتکاف زیاد و روزه بسیار موجب رستگاری و سعادت است، اما باید آنان متوجه باشند که مساعدت و در بسته به روی ناامیدان گشودن تنها راه چاره و تنها راه ایجاد جامعه مطلوب است.

* رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روایت‌های دیگر می‌فرماید:

اگر کسی نابینایی را گمراه کند مورد لعن خداوند قرار می‌گیرد.
 أربعة لعنوا في الدنيا والآخرة: رجل جعله الله ذكراً فأنت نفسه وتشبه بالنساء، وامرأة جعلها الله أنثى فتذكرت وتشبهت بالرجال، والذي يضل الأعمى، ورجل حصور.^۱
 یعنی چهار دسته را خداوند لعنت کرده: مردی که خود را شبیه زنان درآورد، زنی که خود را شبیه مردان درآورده، کسی که نابینایان را گمراه کند و مرد مجرد.
 فقط به مورد سوم می‌پردازیم. حضرت بین گمراه سازی نابینا و لعنت خداوند ارتباط برقرار کرده است. اما گمراهی انواع و اقسامی تواند داشته باشد:
 ۱- روحانیون با قرائت احادیث جعلی می‌توانند به گمراهی آنان اقدام کنند. لذا مدیریت حوزه لازم است به مبلغین آموزش دهد تا طلاب اطلاعات و تجارب کافی داشته باشند.
 ۲- ثروتمندی که می‌تواند مدرسه یا مرکز آموزشی بسازد ولی اقدام نمی‌کند در واقع به راهنمایی آنها اقدام کند.
 ۳- نابینایی که مشاوره می‌خواهد ولی به او درست مشاوره داده نشود و موجب گمراهی او گردد.
 ۴- آموزش استثنایی می‌تواند مصداقی از این روایت باشد، چون اگر برای نابینایان تعلیم و تربیت صحیح را اجرا نکنند در واقع آنها را گمراه کرده‌اند.
 ۵- تدوین و نشر کتاب، نشریه و کلاً محصولات فرهنگی برای آنان ضروری است. بنابراین بین همه اینها و لعنت الهی ارتباط هست.

* نگاه کردن و خیره شدن به معلولین موجب رنجش خاطر و ناراحتی آنان می‌گردد؛ به ویژه معلولینی که ظاهر خوبی مثل جذامی‌ها ندارند.
 لا تديموا النظر إلى أهل البلاء و المجذومين فإنه تحزنهم^۲
 یعنی نگاه مداوم و خیره به آسیب‌مندان معلول و جذامی‌ها نداشته باشید چون موجب ناراحتی آنها می‌گردد.
 به تجربه ثابت شده نگاه مداوم و خیره شدن به معلولین موجب تکدر خاطر و رنجش آنان می‌شود. از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این روایت مسلمانان را از این عمل نهی کرده است. خلاصه اینکه بین ناراحتی و حزن معلولین با خیره نگاه کردن به آنها ارتباط برقرار کرده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در دوره خودش تلاش کرده معلولین به زندگی آبرومند و کسب و کار شرافتمندانه برسند و با دیگر مردم تفاوت و تبعیض نداشته باشند و برای هر قشر، مجموعه ارزش‌ها و قوانین و سنت‌هایی را مطرح کرده بود. اما در دوره امام حسین علیه السلام بسیاری از سنت‌ها منسوخ شده بود.
 از این رو در دوره امام حسین علیه السلام و دوره معاویه و دوره یزید، تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها گسترش یافته بود و سیره عدالت طلبانه خلفاء را کنار گذاشته و زندگی اشرافی و پرهزینه داشتند. انواع ظلم‌ها گسترش یافته بود و سنت‌ها منهدم و منسوخ شده بود.

۱. معلولیت از دیدگاه معصومین، ص ۴۴.

۲. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۵.

امام حسین علیه السلام در صدد بود این وضع را اصلاح و شرایط دوره نبوی را بازگرداند. به همین دلیل شناخت دوره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم لازم است دانسته شود همچنین شرایط دوره امام علی علیه السلام و امام حسن مجتبی علیه السلام. دوره نبوی را به اجمال بیان کردیم و اکنون به دوره امام علی علیه السلام می‌پردازیم.

سنت‌های علوی

امام حسین علیه السلام بارها اعلام کرد که من برای احیای دین جدم و پدرم اقدام به قیام کردم؛ مخالفت و جنگ با یزید نیز به این دلیل بود که یزید سنت‌ها و تعهداتی که باید عمل می‌کرد، منسوخ کرده و کنار گذاشته بود و برعکس سنت‌های جاهلی را احیاء و ترویج می‌کرد. اما اگر حسین مروج سنت‌ها و تعهدات علوی و نبوی است، آن سنت‌ها کدام‌اند. سنت‌های نبوی را در گذشته معرفی کردیم و اکنون می‌پردازیم به سنت‌های علوی. اما قبل از معرفی خود سنت‌ها، در باب ورود امام حسین به سنن علوی و چرایی آن مقدمه‌ای داشته باشیم. روایتی از امام باقر علیه السلام نقل است که در واقع متنی است که مؤمنان به هنگام زیارت قبر امام حسین علیه السلام می‌خوانند. در جایی از آن آمده:

یا سیدی یا ابا عبد الله انی اتقرب الی الله و الی رسوله و الی امیر المؤمنین و الی فاطمة و الی الحسن و الیک.^۱

یعنی آقای ای ابا عبد الله الحسین علیه السلام من (با قرائت این متن و توجه به تو) به خداوند و رسولش و امیر المؤمنین و فاطمه و امام حسن علیه السلام و نیز به سوی تو، تقرب و نزدیکی می‌جویم. نزدیک شدن به خداوند و به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام در واقع درک و اجرای وظایف و معاهدات سنت‌های منسوب به آنان است. زائران با مطالعه و قرائت زیارت‌نامه به ارزش‌ها و وظایف خود آشنا شده و اهتمام برای اجرای آنها پیدا می‌کنند. در زیارت لیلۃ الفطر و مشهور به زیارت وارث هست: السلام علیک یا وارث محمد سید رسل الله، السلام علیک یا وارث علی امیر المؤمنین و خیر الوصیین.^۲ سلام بر تو (حسین) وارث محمد آقای رسولان خداوند، درود بر تو ای وارث علی امیر المؤمنین بهترین وصی.

امام حسین علیه السلام به عنوان وارث پیامبر و علی علیه السلام چه چیزی را وارث است؟ آیا خانه و ثروت مادی را وارث می‌کند یا وارثت او معنوی و میراث‌بان و نگهبان سنت‌ها و ارزش‌ها و دستور العمل‌ها است.

در روایتی از ابوالحسن علیه السلام خطاب به امام حسین علیه السلام می‌فرماید: اشهد انک قد اقمت الصلاة و آتیت الزکاة و أمرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و دعوت الی سبیل ربک بالحکمه و اعو عظمة الحسنه.^۱

۱. مسند الامام الشہید، به کوشش عزیز الله عطاردی، ج ۲، ص ۳۷۳.

۲. همان، ص ۴۰۵.

مجموعه‌ای از کارها و اقداماتی که امام حسین علیه السلام به عنوان میراث‌بانی و نگهبانی انجام داده، در این روایت و نیز مردم را به حکمت و موعظه حسنه نه مجادله بی حاصل دعوت کرده‌ای. اینها همان سنت‌های نبوی و علوی است که امام حسین علیه السلام خود را وارث آنها می‌داند. در پایان همین روایت آمده که مردم پس از قرائت متن می‌گویند: الکتب لی عندک عهداً و میثاقاً و آیتک مجدداً الميثاق.^۲

یعنی خدایا نام من را جزء متعهدان و ملتزمان به میثاق حسینی ثبت کن چون در التزام به میثاق تلاش جدید نموده‌ام.

در جای دیگر امام حسین علیه السلام را به نام‌هایی مثل الدلیل علی الله و الداعی الی الله می‌خواند.^۳ یعنی راهنمای قوانین، ارزش‌ها، تعهدات و سنت‌های الهی و دعوت کننده به طرف آنها است و مردم عاشق و طرفدار حسینی هم خود را پیرو و یاور امام حسین علیه السلام می‌دانند چون او مروج ارزش‌های نبوی و علوی بوده است.

اللهم اجعلنا له شیعة و انصاراً و اعواناً علی طاعتک و طاعة رسولک و ولیک و ما وکلته به.^۴
خدایا مرا برای پیرو و یاور امام حسین علیه السلام در اطاعت از تو و رسول تو و ولی تو در مواردی که او داده‌ای قرار بده.

معنای این جمله بسیار عمیق است و می‌خواهد بگوید امام حسین علیه السلام تعهدات و التزاماتی را که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام آورده بودند، ترویج می‌کرده است و زائران حسینی از خداوند خواستار پیروی و یابوری امام حسین هستند. البته در اطاعت از همین تعهدات و التزامات. اکنون بخشی از میثاق‌ها تعهدات و سنت‌های علوی در عرصه معلولین را مطرح و معرفی می‌کنیم.

جامعه علوی و وظایف امام

بخشی از عهدنامه مالک اشتر (به نام فرمان امام علی علیه السلام به مالک اشتر؛ میثاق امام و مالک هم معروف است) به معلولین اختصاص دارد. فارغ از جنبه‌های ادبی و فصاحت و بلاغت آن، از متون مهم حقوقی است که به تبیین حقوق اساسی و قواعد حاکم بر روابط مردم و حاکمیت می‌پردازد. امام وظایف متقابل و دو سویه حاکمیت و هر یک از گروه‌های اجتماعی از جمله معلولین را توضیح می‌دهد.

علی بن ابیطالب علیه السلام به دلیل دیدگاه‌های عالمانه‌اش نه فقط بین شیعیان، بلکه بین همه مذاهب اسلامی و نه فقط بین مسلمانان، بلکه بین همه ملل مثل یهودیان و مسیحیان هم به عنوان اسوه عدالت، مظهر انسانیت، مقتدای محاسن اخلاقی و کرامت انسانی و انسان‌شناسی آگاه به علل موفقیت، مشهور است. وقتی مردم با او به عنوان رهبر بیعت کردند و با رأی مردم بر منصب خلافت

۱. همان، ص ۴۲۱.

۲. همان، ص ۴۲۲.

۳. همان، ص ۴۲۳ و ۴۲۶.

۴. همان، ص ۴۳۷.

تکیه زد، شیوه و رفتار معدلت آمیز و ضد تبعیض پیشه کرد، و در سال‌های حکومت علوی، به رغم موانع و مشکلات قاسطین، مارقین و ناکثین جامعه اسلامی به درجه‌ای از ترقی و عدالت رسید که تاریخ هیچ مانندی برای او سراغ ندارد.

حضرت انسان‌های شایسته‌ای را بر استان‌ها گمارد؛ از جمله مالک اشتر را فرمان داد تا استاندار مصر شود. اما تعیین مسئولین را به شیوه مشروط انجام می‌داد و می‌فرمود باید در چارچوب ضوابط و قوانین فعالیت کنی و از خودرأیی و استبداد و خودکامگی بپرهیزی.

وظایف مالک را بند به بند نوشت و آیین‌نامه‌ای دقیق و جامع به دست او داد. وظایف مالک نسبت به همه طبقات و قشرها را معین کرد؛ از جمله به معلولین هم پرداخت و حقوق آنان را چون حقوق دانی مجرب و نظریه‌پرداز تبیین کرده است.

از این رو نهج البلاغه چون دیگر متون اسلامی دارای مضامین و آموزه‌های انسانی بسیار به ویژه درباره افراد دارای معلولیت است. متأسفانه این میراث عظیم به جهان معرفی نشده و نخبگان دیگر ادیان و ملل کمتر از این متون اطلاع دارند. از این رو درصدد برآمدیم با انتشار بخش معلولیتی این عهدنامه، زمینه‌ای فراهم گردد تا آحاد مردم عزیز بیش از پیش، دل به این میراث بسپارند.

حضرت برای مددجویان حقوق خاصی قائل است، البته می‌فرماید این حقوق منتسب به خداوند است: و احفظ لله ما استحفظک من حقه فیهم؛ یعنی به خاطر خدا، پاسدار حقوقی باش که خداوند برای مددجویان تعیین کرده؛ نیز از تو خواسته حافظ این حقوق باشی.

حضرت در این جمله به چند نکته کلیدی اشاره می‌فرماید:

۱- حافظ حقوق معلولین باش (احفظ). دولت اسلامی و متولی جامعه اسلامی مشمول دستور و فرمان حضرت و موظف به حراست و نگاهبانی از حقوق آنان است.

۲- این حق و حقوق تعلق به خداوند دارد و خدا این حقوق را به مددجویان داده است (من حقه فیهم). از طرف دیگر مددجویان صاحب حق از دولت خواهان حفاظت از حقوق‌شان هستند (استحفظک). سهم مددجویان از بیت‌المال، حقی است که در اصل متعلق به خداوند است؛ چون خداوند مالک همه ثروت‌ها است؛ ولی خداوند این حق را به معلولین واگذار کرده؛ نیز متولی جامعه موظف حفاظت یعنی تأمین این خواسته معلولین است. بنابراین حضرت برای معلولین، نوعی حقوق الهی قائل است که به عنوان حق الناس برای آنان معین شده است. این دیدگاه اگر به حقوق فطری تعبیر شود، اشکالی ندارد؛ زیرا به موجب آیه فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا (سوره رم آیه ۳۰) گویای الهی بودن فطرت انسان است.

۳- خداوند از متولی جامعه (دولت) درخواست حفاظت این حقوق را کرده است (استحفظک). بنابراین متولی جامعه، تنها مقامی است که رسماً از طرف خداوند برای پاسداری و حفاظت از حقوق معلولین انتخاب و تعیین شده است. اکنون بر اساس قوانین ایران این وظیفه به هیئت دولت و سازمان بهزیستی سپرده شده است.

۴- حضرت کلمه «لله» را استفاده کرده است. یعنی حافظ حقوق معلولین باید با انگیزه خدایی و اخلاقی به اجرای این وظیفه اقدام کند. تأمین حقوق مددجویان نباید از سر سود مادی، منافع دنیوی، برای پُست و مقام و امثال این‌ها باشد، بلکه صرفاً از سر انجام وظایف معنوی است. از این رو کسانی که با انگیزه‌های غیر الهی در زمینه حقوق معلولین فعالیت دارند، عمل‌شان مقبول نیست.

حضرت علی علیه السلام پس از توضیح درباره ضرورت تقوا و عدالت حاکم، راه‌های موفقیت، قواعد و قوانین جنگ و لزوم صلح، به کار گرفتن افراد متقی و صلاحیت‌دار، پرهیز از عیب‌جویی مردم و لزوم گذشت و تساهل به تقسیم جامعه به دو طبقه حاکمان و مردم و مردم را به هفت طبقه زیر تقسیم می‌نماید:

- نظامی‌ها و سربازان

- نویسندگان عمومی و منشیان خصوصی (دیوانیان)

- قاضیان

- کارگزاران دولتی

- اهل ذمه و پیروان دیگر ادیان

- بازرگانان و صنعت پیشگان

- طبقه آسیب‌پذیر و افراد تحت پوشش تأمین اجتماعی

حضرت می‌فرماید این هفت طبقه حق و حقوقی دارند که در قرآن و سنت نبوی بیان شده است و متولی و حاکم مسئول اجرای حقوق این طبقات است. اما به نظر امام این طبقات تغییرپذیر و قابل جایجایی می‌باشند. بر خلاف نظام پادشاهی در ایران باستان و روم باستان که افراد هر طبقه نمی‌توانستند به طبقه دیگر راه پیدا کنند و مادام‌العمر و به صورت جبری در طبقه خودشان می‌ماندند. حضرت می‌فرماید افراد آزاد هستند از طبقه‌ای به طبقه دیگر بروند. حتی قشر آسیب‌پذیر می‌توانند با تلاش و کوشش به طبقه عالی و رهبری جامعه راه پیدا کنند. افراد آسیب‌پذیر با رسیدگی به امور آن‌ها ارتقاء یافته و می‌توانند صاحب شغل و رفاه شده و زندگی آبرومندی داشته و به مقامات و پست‌های مدیریتی کلان برسند.

حضرت وضعیت و حقوق هر یک از طبقات را توضیح می‌دهد تا به طبقه آسیب‌پذیر می‌رسد. سپس مثل یک جامعه شناس تحلیل‌گر، ویژگی‌های جامعه مددجویان را این‌گونه معرفی کرده است:

اللّٰهُ اللهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لِاحِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُحْتَاجِينَ وَ اَهْلِ الْبُؤْسَى وَ الزَّمْنَى 'فَانَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَ مُعْتَرًا.

به تو هشدار می‌دهم در مورد جامعه‌ای که مشکلات روزگار آنان را فرودست نموده است. اینان شامل چهار گروه فاقد نیروی حرکتی (معلول حرکتی یا زَمْنَى)، پریشان‌خاطر (معلول ذهنی یا بُؤْسَى)، افراد دارای احتیاجات خاص به دلیل فقدان حس شنوایی و گویایی (محتاجین) و بالاخره افراد نابینای دارای سکون و فاقد حرکت و تحرک کافی (مساکین) می‌باشند.

در دوره جدید هم معلولین را به چهار گروه اصلی، معلولین حرکتی، معلولین ذهنی، ناشنواییان و نابینایان تقسیم می‌کنند. حضرت هم از چهار گروه با الفاظ مستعمل و متداول در فرهنگ آن دوره یاد کرده است.

از نظر امام این جامعه شامل چهار گروه است: مساکین (کسانی که به دلیل فقدان حس بینایی، سکون داشته و مستقلاً نمی‌توانند حرکت کنند)؛ محتاجین (کسانی که به دلیل فقدان حس شنوایی و گویایی نیازمند رابط و مترجم‌اند تا خواسته‌های آنان را به مخاطبان تفهیم کند)؛ اهل البؤسی (کسانی که فکر و خاطر معیوب داشته و به نام معلول ذهنی مشهوراند)؛ و بالاخره زَمْنَى (افرادی که به دلیل ضایعات نخاعی یا فلج اعضاء و جوارح زمین‌گیر بوده و اکنون به نام معلول حرکتی شناخته می‌شوند).

تعهدات دولت

حضرت علی علیه السلام پس از معرفی جامعه معلولین و تقسیمات آن، به حقوق آنان و مشروعیت و اثبات این حقوق می‌پردازد و در مجموع سی ماده حقوقی برای معلولین بر می‌شمارد. با شمردن و تجزیه و تحلیل این حقوق درصدد آگاه کردن معلولان نسبت به حقوق‌شان و وادار کردن استانداری‌ها مالک اشتر برای این حقوق است. اکنون به بررسی این حقوق می‌پردازیم:

تعیین حقوق مالی مشخص برای معلولین

و اجعل لهم قسماً من بیت مالک. بخشی از بیت‌المال را برای آنان قرار بده.

تأمین خوراک معلولین

و اجعل قسماً من غلات صوافی الاسلام فی کل بلد. بخشی از غله‌ها (گندم و جو و برنج) از سرزمین‌های خالصه و غنیمتی مسلمانان در همه جهان اسلام را به معلولین اختصاص بده. صوافی یعنی خالص‌ها، زمین صوافی یعنی زمین‌های خالص پادشاه و دربار اما غلات صوافی الاسلام یعنی غلاتی که از زمین‌های خالصه فتح شده به روش صلح به حکومت واصل می‌شود. امام می‌فرماید قسمتی از این غلات به مددجویان تعلق دارد.

ضرورت مساوات و اجرای عدالت بین همه معلولان

فان للاقصى منهم مثل الذی للادنی. تبعیض ممنوع است و با آنان به مساوات رفتار کن؛ زیرا دورترین آن‌ها مثل نزدیک‌ترین آن‌ها است.

هر آنچه به آنان تعلق می‌گیرد و حقوقی که به آنان می‌خواهی بدهی، دور و نزدیک، خودی و غیرخودی ندارد. در ادامه حضرت خواستار رعایت حقوق همگان شده است.

رعایت حقوق تمامی مددجویان بدون تبعیض

و کلاً قد استرعیت حقه. حقوق همه مددجویان باید مراعات گردد.

حضرت از واژه استرعیت در باب استفعال استفاده کرده و گویا درصدد بیان این نکته است که ای مالک تو به عنوان مدیر ارشد جامعه باید از همه مدیران تحت فرمانت رعایت حقوق مددجویان را مطالبه کنی و پیگیری نمایی. صرفاً یک دستور نباشد بلکه پیگیری و مطالبه جزء برنامه رعایت حقوق است. مهم این است که در این بند، حضرت کل و تمامی مددجویان را مشمول رعایت حق دانسته است. یعنی نفرموده فقط مسلمانان یا فقط طرفداران امامت یا فقط کسانی که فلان خصوصیت را دارند. بلکه فرمود کل و همه مددجویان بدون تبعیض باید حقوق‌شان مراعات گردد.

ممنوعیت غفلت از مددجویان

فلا یسغنونک عنهم بطر. رفاه و خوشی موجب غفلت از معلولین نشود.

به نظر بعضی جامعه‌شناسان، جوامع در حال پیشرفت، توسعه و رفاه اجتماعی، گاه موجب فراموشی اقشار آسیب‌پذیر می‌شود. از این رو تأکید می‌کنند، حقوق اولیه این قشرها اقتضا می‌کند دولت به آن‌ها توجه نماید و مانع نابودی آنان زیر چرخ‌های توسعه شود.

برخی متون به جای بطر، نظر دارد. یعنی هیچ فکری تو را از رسیدگی به آنان مشغول نکند.

ممنوعیت تزیین حقوق مددجویان به بهانه اجرای کارهای اولویت‌دار

فَأَنَّكَ لَا تُعَذِّرُ الصَّغِيرَ لِاحْكَامِكَ الْكَثِيرِ الْمَهْمِ، انجام کارهای زیاد و مهم عذر برای ضایع کردن حقوق بیچارگان نمی‌تواند باشد.

مدیران نپرداختن به امور مددجویان متعلق به ا فشار پایین جامعه را این‌گونه توجیه می‌کنند: کار زیاد یا کار مهم و اولویت‌دار، مانع از رسیدگی به امور آنان بود و معذور هستیم. اما حضرت می‌فرماید این استدلال پذیرفته نیست و اجرای کارهای کثیر و مهم عذرآور نمی‌باشد و از مسئولیت استاندار برای رسیدگی به امور مددجویان دون پایه نمی‌کاهد. زیرا موجب تضییع حق آنان و کرامت انسان‌های مددخواه و نیازمند مساعدت می‌گردد. حضرت نمی‌فرماید تضییع مال یا تضییع آبرو یا تضییع زندگی آن‌ها می‌شود؛ بلکه می‌فرماید «تضییع الصغیر» یعنی عدم رسیدگی به بهانه رسیدگی به امور مهم و زیاد، موجب از هستی ساقط شدن قشر صغیر است و همه چیز خود را از دست می‌دهند.

همت و اهتمام به امور آنان

فَلَا تُشْخِصْ هَمَّكَ عَنْهُمْ. اهتمام خود را از آنان دریغ مکن.

رسیدگی متولیان جامعه به وضع زندگی معلولین و اهتمام به امور آنان از دیگر حقوق اجتماعی معلولین است. مسئولین به دلائل گوناگون ممکن است، اهتمام خود را از معلولین دریغ کنند. از جمله با این توجیه که طرح حقوق آنان موجب توقع و بالا رفتن سطح مطالبات آنان شود، به امور آنان همت ننمایند. امام به طور کلی از هر گونه همت نکردن در جهت امور آنان را نهی کرده است.

عدم رفتار با غرور و نخوت با معلولین و تعامل انسانی با آنان

و لَا تُصْعِرْ حَذَّكَ لَهُمْ. به معلولین فخر نفروش و از سر کبر و نخوت، از آنان روی بر مگردان. یکی از حقوق معلولین این است که جامعه، به ویژه مسئولین رفتار عادی و انسانی با آنان داشته باشند. به دلیل نداشتن بینایی یا فلج بودن آنان را تحقیر نکنند و با آنان با کبر و نخوت برخورد نمایند.

ضرورت احترام متواضعانه نسبت به مددجویان

و تَوَاضَعْ لِلَّهِ يَرْفَعَكَ اللَّهُ. به خاطر خدا تواضع کن تا خداوند تو را رفعت دهد.

امکانات و فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی را در اختیار مددجویان گذاشتن

و أَخْفِضْ جِنَاحَكَ لِلضَّعْفَاءِ. بال‌های خود را برای ضعیفان پهن کن.

بال پهن کردن به دو جور تفسیر شده است:

استعاره از فروتنی در برابر ناتوانان توان‌خواه است. این کاربرد اخلاقی است. در تفسیر دوم، بال کنایه از رشد و توسعه و ترقی است. یعنی امکانات و ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی که در اختیار حاکم است، نباید آن‌ها را به اقویاء، پولدارها و ثروتمندان بدهد بلکه حاکم باید فرصت‌ها و امکانات اقتصادی و اجتماعی را به مددجویان ضعیف بسپارد. پهن کردن بال، کنایه از اعطای امکانات و فرصت‌ها آن‌هم با تواضع و فروتنی است. این کاربرد حقوقی است.

نیاز جامعه به حضور اجتماعی و مساعدت آنان

و أَرْبِهِمُ الی ذَلِكْ مِنْكَ حَاجَةٌ. به مددجویان نشان بده به این برنامه نیازمندی.

به نظر حضرت، حاکم با تواضع و سپردن امکانات و فرصت‌ها به مددجویان کارش تمام نمی‌شود بلکه باید برنامه فرهنگ‌سازی اقناعی و اطلاع‌رسانی هم داشته باشد. باید به مددجویان تفهیم کند حکومت به مددجویان نیاز دارد؛ چون آنان سرمایه اجتماعی هستند و با مشارکت در جامعه موجب پیشرفت و ترقی خواهند شد.

رسیدگی به امور معلولین منزوی و دور از دسترس

و تَفَقَّدُ اموز من لا يصل اليك منهم ممن تَفْتَحُمُه العيون و تَخْفِرُه الرجال. امور معلولینی را که درخواست‌های آن‌ها به تو نمی‌رسد، رسیدگی کن؛ زیرا اینان از چشمان پنهان‌اند یا به دلیل تحقیر، کنار رفته‌اند.

تعیین مددکارهای متواضع و دارای محاسن اخلاقی به عنوان معتمدین حکومت
فَقَرِّعْ لاولئك ثقتك من اهل الخشية و التواضع فليرفع اليك امورهم و ذلك على الولاة ثقيل. معتمد خداترس و متواضع بر معلولین بگمار تا امور آنان را نزد تو آورد، اگر چه اجرای این دستور برای والیان سنگین است.

اجرا کردن منصفانه امور مددجویان تا رسیدن به معافیت در دادگاه عدل الهی
ثُمَّ اِعْمَلْ فِيهِم بِالاعذار الى الله يومَ تَلْقَاهُ، فَإِنَّ هَوْلَاءِ اِحْوَجُ الى الانصاف من غيرهم و كُلُّ فَاَعْدِزْ الى الله في تَأْدِيَةِ حَقِّهِ اليه. به گونه‌ای با مددجویان رفتار کن که در قیامت نزد خداوند رو سفید باشی، اینان نسبت به دیگر اقشار جامعه به دادرسی نیازمندتراند؛ بنابراین با ادای حقوق همگانی نزد خداوند مأجور و معذور خواهی شد.

رسیدگی ویژه به افراد دارای معلولیت شدید
و تَعَهَّدْ اهل اليُثمِ و الزَّمانَةِ و الرِّقَّةِ في السِّنِّ ممن لا حيلة له و لا يَنْصِبُ للمسألةِ نَفْسَه. نسبت به افراد دارای معلولیت‌های شدید یعنی زمین‌گیرها، کهنسالان و آسیب‌مندان درمانده متعهد باش. چون آنان بیچارگانی هستند که خواسته‌های شخصی خود را هم نمی‌توانند برآورده سازند. وظیفه‌شناسی، تعهد و قبول مسئولیت در منطق حضرت جایگاه خاص دارد. وقتی به افراد دارای معلولیت شدید می‌رسد، می‌فرماید متولی جامعه حتماً باید وظیفه شناس باشد. اهل اليُثم یعنی افرادی که به دلیل حادثه و قطع عضو یا نابینا شدن یا از دست دادن پدر و مادر جزء «طبقه آسیب‌مند» جامعه شده‌اند.

اجرای طرح ارزاق و رهاسازی از مشکلات برای افراد دارای معلولیت شدید
فَأَجْرِ لَهُم ارزاقاً فَأَنْهَمُ عبادالله فَتَقَرَّبَ الى الله بِتَخْلُصِهِمْ. برای آنان ارزاق بفرست؛ چون آنان بندگان خدا هستند و با رهایی آنان از مشکلات و زندگی فلاکت بار، نزد خداوند تقرب پیدا کن.

ضرورت استقرار آنان در جایگاه مناسب حالشان با حقوق مکفی
و وَضَعَهُم مواضِعَهُم في أقواتِهِم و حقوقِهِم، فَإِنَّ الاعمالَ تُخَلِّصُ بصدق النيات. با تأمین نیازهای ضروری و حقوق اولیه مددجویان، وضعیت آنان را تثبیت کن؛ خلوص این اعمال بستگی به صداقت و نیت پاک تو دارد.

معلولان با تأمین نیازها و حقوق‌شان در جایگاه و مواضع واقعی‌شان قرار می‌گیرند؛ به شرط اینکه مددکاران، اندیشه و نیت صادقانه داشته باشند. اما اگر نیت استفاده ابزاری از معلولان در میان باشد، نمی‌توان آن را در جایگاه درست نشانند؛ چون اموال و امکاناتی که حق معلولان است به آن‌ها صحیح داده نمی‌شود.

پرهیز از مخفی کاری و ادای حقوق با شفافیت
إِنَّهُ لَا تَسْكُنُ نفوس الناس أو بَعْضُهُم الى اَنَّكَ قد قضيتَ حقوقَهُم بِظَهْرِ الغيب دون مشافهتكَ بالحاجات و ذلك على الولاة ثقيل و الحقُّ كُلُّهُ ثقيل. مردم یا بعضی از آنان به صرف ادای حقوق‌شان به روش مخفیانه راضی نخواهند شد و خواستار حضور در جریان امور و شفافیت هستند.

ضرورت تدبیر و برنامه، درخواست برای شکیبایی همگانی در برابر ناملایمات و اطمینان به

آینده

وقد يُحْفَظُهُ اللَّهُ عَلَى أَقْوَامٍ طَلَبُوا الْعَاقِبَةَ فَصَبَرُوا نَفْسَهُمْ وَتَثَقُّوا بِصَدَقِ مَوْعِدِ اللَّهِ لِمَنْ صَبَرَ
واحتساب فکن منهم واستعن بالله. خداوند سنگینی حق را بر برخی اقوامی آسان می‌گرداند که با
تدبیر و هدفمند کار می‌کنند، با خودسازی آحاد جامعه را وادار به شکیبایی کرده و به وعده‌های الهی
در مورد صابرين و محتسبين اعتماد دارند. از اينرو از اين گروه باش و از خداوند استعانت بخواه.

تأسیس اداره‌ای برای مددجویان زیر نظر حاکم

و اجعل لذوی الحاجات منك قسماً تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ. برای افراد دارای معلولیت (ذوی
الحاجات) یک بخش اداری دایر کن و شخصی را از جانب خودت بر آن منصوب کن.

به نظر حضرت، حق معلولین است که در ساختار اداری، دیوانی و اجرایی کشور، یک سازمان ویژه
معلولین تأسیس شود و نماینده عالی‌ترین مقام در رأس این سازمان حضور داشته باشد. مالک اشتر به
عنوان عالی‌ترین مقام در مصر باید چنین سازمانی را تأسیس و شخصی از معتمدین خودش را در رأس
آن بگمارد. این فرمان دلالت دارد به اینکه، سخنان امام صرفاً اخلاقی نیست و حتماً باید اجرایی شود.
و برای اجرایی کردن آن باید ساز و کارهای لازم را فراهم آورد.

تشکیل جلسات عمومی گفت‌وگو و مناظره

و تجلس لهم مجلساً عاماً. نشست عمومی با آن‌ها داشته باش.

فروتنی در مجلس عمومی مددجویان و سپردن جلسه به آنان

فتتواضع فيه لله الذي خلقك. در مجلس معلولین به خاطر خدایی که تو را آفریده، تواضع کن.

دسترسی آسان مددجویان به مسئولین دولتی با حذف نگهبانان

و تَقْعِدْ عَنْهُمْ جَنْدَكَ وَعَوَانِكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَشُرَطِكَ. پاسداران، پاسبان‌ها، سربازان، نزدیکان و
یاران خود را از سر راه آنها دور کن.

حق معلولین است تا با متولی و مدیران ارشد جامعه بدون ترس و لرز ارتباط داشته باشند. معلولین
که توانایی آسیب رساندن به کسی را ندارند، از این‌رو به هنگام ارتباط با مقامات نیازی به نیروهای
امنیتی و انتظامی نیست. از این‌رو معلولین باید بتوانند با مقامات ارتباط ساده و سازنده داشته باشند
و مسئولین هم باید شرایط مناسبات پویا را فراهم آورند.

لزوم برپایی جلسات آبرومند جهت مراجعات مددجویان یا مواجهه رئیس با آنان با آغوش باز

تَخَفُضْ لَهُمْ فِي مَجْلَسِكَ ذَلِكَ جَنَاحَكَ وَ تَلِينُ لَهُمْ كَنْفَكَ فِي مِرَاجِعَتِكَ وَ وَجْهَكَ. جلسه‌ای
فاخر برای آنان تشکیل می‌دهی و به هنگام مواجهه با آنان یا مراجعه به تو، با نرم‌خویی آنان را در
آغوش می‌کشی.

تخفض لهم جناحک مثل آیه اخفض لهما جناح، اصطلاح و به معنی اقدام و عملی همراه با
فروتنی است. تلین لهم کنفک نیز اصطلاح و به معنای برخورد با مخاطب با نرمی است. یعنی وقتی
مددجویان به تو مراجعه کردند و با آنان مواجهه پیدا کردی، در گفتار و رفتار خشونت نخواهی داشت
بلکه مدارا، تواضع و نرمی خواهی داشت.

ارتباط و مناسبات تنگاتنگ و انسانی مددجو و مددکار

حتى يَكَلِّمَكَ متكلمهم غير مُتَعَتِّعٍ. تا اینکه سخنگوی مددجویان بدون اضطراب با تو سخن بگوید.

همه مددجویان نمی‌توانند با متولی جامعه سخن بگویند، از اینرو باید سخنگویی به عنوان نماینده انتخاب کنند. سخنگویی که امین آنان است باید بتواند نیازها و خواسته‌های آنان را به گوش متولی جامعه برساند.

تحمل رفتار غیر متعارف مددجویان و عدم برخورد امنیتی و قضایی با آنان
ثُمَّ احْتَمَلِ الْخُرْقَ مِنْهُمْ وَ الْعِيَّ. درشتی و سخنان غیرمطلوب معلولین را تحمل کن.

روابط مددجویان و مددکاران بدون خشونت و استبداد
وَ نَحَّ عَنْهُمْ الضِّيقَ وَالْأَنْفَ. دور کن از معلولین استبداد و خشونت را.

سرویس‌دهی و خدمات‌رسانی به شیوه انسانی و کریمانه
فَأَعْطِ مَا أُعْطِيََتْ هَنِيئاً. آن چه می‌دهی، با بزرگ‌منشی اعطا کن.

حضرت خطاب به مالک اشتر می‌فرماید تو به عنوان استاندار مصر، به مددجویان، اموال از خوراکی، پوشاکی و دیگر مایحتاج زندگی اعطا خواهی کرد، این‌ها را با چهره عبوس و با غرغر کردن و با سختی اعطا نکن بلکه هر آن چه اعطا می‌کنی باید به شیوه کریمانه و بزرگوارانه اعطا نمایی. امام شیوه ایده‌آل خدمات‌رسانی به معلولین را در این بند بیان کرده است. امام قبلاً وظایفی مثل پرداخت حقوق از بیت‌المال، سرویس‌دهی ارزاق و خوراک و غیره را به دوش متولی جامعه گذاشت. اکنون می‌فرماید این‌ها را باید بدون تحقیر کردن و به روش کاملاً بزرگوارانه و کرامت انسانی مددجویان انجام بدهی.

تعطیلی خدمات‌رسانی به مددجویان همراه با بیان موانع و اطلاع‌رسانی و معذرت خواهی
وَأَمِّنْ فِي أَجْمَالٍ وَأَعْذَارٍ. خدمات‌رسانی را به دلیل کمبودها ممنوع کن البته همراه با معذرت خواهی. حضرت در فرمان پیش فرمود عطا کن و خدمات‌رسانی داشته باش البته با بزرگواری و به روش انسانی و اینجا می‌فرماید اگر در اجمال بودی و وضعیت طوری بود که توانایی خدمات‌رسانی نداشتی، خدمات را تعطیل کن اما همراه با اعذار و بیان موانع.

تعیین معاونان و مدیران شایسته با اخلاقیات انسانی عالی و تجربیات کارآمد
و تَوَاضَعْ هُنَاكَ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَاضِعِينَ وَلِيَكُنْ أَكْرَمُ أَعْوَانِكَ عَلَيْكَ الْيَنْهَمُ جَانِباً وَأَحْسَنُهُمْ مِرَاجِعَةً وَالطَّفْهَمُ بِالضَّعْفَاءِ. در مقابل مددجویان تواضع کن چون خداوند متواضعان را دوست دارد. لیکن فروتنی منحصر به خودت نیست و دستیاران و معاونان هم باید کریم‌تر، نرم‌خوتر، خوش‌برخوردتر و ضعیف‌نوازتر باشند.^۱

این آخرین بند از مجموعه توصیه‌ها و حقوقی است که حضرت برای مددجویان بر شمرده است. مالک را از تکبر و خود بزرگ بینی نهی کرده و در عوض به فروتنی و تواضع فرمان داده است. نیز در مورد مدیران و عوامل زیر دست حاکم نیز شایسته سالاری را توصیه می‌کند، نه اینکه افرادی را به دلیل روابط و مناسبات به سر کار بگماری؛ بلکه کسانی که کریم‌تر، نرم‌خوتر، خوش‌رفتارتر و دارای لطف و مرحمت بیشتر نسبت به ضعیفان هستند به کار می‌گماری.

تشکیلات معلولین اگر مدیرانی با این چهار ویژگی داشته باشد، تمامی مشکلات و معضلات مرتفع خواهد شد. این چهار ویژگی عبارت‌اند از: معاونان حاکم دارای کرامت بیشتر؛ لین و نرم‌خوترین افراد نسبت به مخالفین و نافرمانان؛ دارای زیباترین صفات اخلاقی و رفتار انسانی نسبت به ارباب رجوع و

۱. جهت توضیح بیشتر سخنان امام علی علیه السلام به کتاب منشور حقوق معلولان مراجعه گردد.

بالاخره لطیف‌ترین و با لطف و مرحمت‌ترین کسان نسبت به ضعفا. اگر چنین افرادی در رأس سازمان معلولین قرار گیرند، کارآمدترین نهاد خواهد شد. امام حسین علیه السلام وقتی از احیای سنت‌های دوره پدرش یاد می‌کند، وقتی خواستار موالات و اطاعت از نصایح پدرش شده، در زمینه معلولین چنین دستورات و تعهداتی منظور است.

تأمین زندگی نایبانیان

روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده که مربوط به حادثه‌ای در دوره خلافتش است و گویای تصویب تأمین اجتماعی به عنوان یکی از ارکان جامعه می‌باشد. متن روایت اینگونه است:
 الامام علی علیه السلام: مَرَّ شَيْخٌ مَكْفُوفٌ كَبِيرٌ يَسْأَلُ: فَقَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: مَا هَذَا؟
 قالوا: يا امير المؤمنين: نصرانيٌّ
 فقال: امير المؤمنين: اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبُرَ وَ عَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ!^۱
 أَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ
 نایبانی سالخورده از کنار علی علیه السلام عبور می‌کرد و گدایی می‌نمود. امام پرسید این چه وضعی است؟!
 اطرافیان گفتند ای امیرالمؤمنین، مسیحی است.
 حضرت گفت: وقتی سالم بود از او کار کشیدید، و حالا که ناتوان شده او را رها کرده‌اید، از بیت المال هزینه‌ها و مخارج او را بدهید.

توضیح: این سخن حضرت گویای چند نکته مهم است:

۱- همه افراد جامعه که در زیر سایه حکومت زندگی می‌کنند از هر دین و مذهبی که باشند از حقوق و امکانات برخوردار می‌باشند. احتمالاً در ذهن اطرافیان بوده که چون این نایبنا پیرو مسیحیت است بنابراین حقوقی به او تعلق نمی‌گیرد. اما حضرت علی علیه السلام به عنوان رئیس و رهبر جامعه گفت اندیشه شما درست نیست و باید مخارج او را پرداخت کنید.
 ۲- پیرمرد نایبانی مسیحی از نظر حضرت علی علیه السلام به عنوان رهبر جامعه اسلامی، حق و حقوق دارد و باید زندگی او تأمین گردد، چه برسد به جوانان نایبنا و افراد ناتوانی که اول زندگی‌شان است و آبرومند می‌باشند، اینان قطعاً اولویت داشته و حتماً باید مخارج زندگی آنان توسط حکومت پرداخت گردد.

۳- از نظر حضرت هزینه‌های زندگی را نباید از راه‌هایی مثل گدایی به دست آورد ولو مسیحی باشد و چنین روش‌هایی که مخالف شأن انسان است، ممنوع می‌باشد. دولت اسلامی باید هزینه‌های اینان را تأمین کند تا دست به این اعمال نزنند.

۴- رها کردن ناتوانان و معلولان از نظر حضرت درست نیست و لازم است اینان شناسایی شده و در دیوانی ثبت نام شوند و ماهانه بدون اینکه مراجعه کنند حقوقشان پرداخت گردد.

۵- حضرت می‌فرماید منت بر آنها نیست چون که عمر خود را برای جامعه تلاش کرده‌اند، وقتی نیرو و توانایی داشتند، می‌کوشیدند و پاداش آن کوشش‌ها در ایام پیری باید پرداخت گردد.

۶- حضرت علی علیه السلام نسبت به جامعه‌ای که اختلاف طبقاتی باشد، عده‌ای به گدایی زندگی کنند و عده‌ای سفره رنگین داشته باشند متعرض است و با تعبیر «ما هذا؟» یعنی «این چه وضعی است؟» نسبت به شرایط اجتماعی اینچنین اعتراض می‌کند.

۷- امام علی علیه السلام به عنوان مسئول و متصدی امور جامعه خود را مسئول و موظف به امور معلولان و نابینایان هم می‌داند، به همین دلیل در مورد امور آنها اقدام می‌کند و دستور می‌دهد. این درسی است برای رهبران جهان اسلام که آنان اگر از علی علیه السلام تأسی و پیروی می‌کنند، مسئولیت معلولان و رفع مشکلات اینان بر عهده آنان است.

۸- در این روایت، حضرت فقط اعتراض نمی‌کند و فقط سخنی در این باره نمی‌فرماید بلکه در اصلاح وضع این پیرمرد نابینا دستور می‌دهد. چنانکه در فرمان به مالک اشتر (استاندار مصر) سی دستور در اصلاح امور معلولان بیان کرده است.

خلاصه اینکه توجه و اهتمام به مردم فلاکت دیده و آسیب‌مند به عنوان یک وظیفه باید اجرایی گردد و جزء وظایف و تعهدات دولت اسلامی است.

بنابراین امام حسین علیه السلام تلاش نمود سنت جدش و پدرش را احیاء کند و تعهدات، ارزش‌ها که منسوخ و مندرس شده، مجدداً به مردم معرفی نماید.

حضرت علی علیه السلام در پنج سالی که خلافت جامعه اسلامی را بر عهده داشت درباره اصلاح امور معلولان فراوان کوشیده است. متأسفانه در این باره هیچ اثری تاکنون تألیف نشده است. لازم است سیره حضرت در موضوع معلولیت و معلولان تجزیه و تحلیل گردد و یک کتاب در این باره عرضه شود.

بخش دوم:
همراهی و مساعدت با
امام حسین علیه السلام

دوره امامت امام حسین علیه السلام (متولد در مدینه در سال ۴ق و شهادت در کربلا در ۶۱ق) از سال ۵۰ آغاز شد و با شهادتش در ۶۱ خاتمه یافت. معلولان در این دوره، با ایشان، روابط مهمی داشتند. اما اسناد و مدارک در این زمینه به سخترانی حضرت در منا باز می‌گردد. که از حقوق این قشر دفاع کرد.

اما در جریان قیام حسینی و حوادث پس از آن معلولانی به امام پیوستند و به شهادت رسیدند. و کسانی هم به دلایل مختلف به قیام امام نپیوستند و به زندگی عادی خود ادامه دادند. این بخش شامل سه فصل است: معلولانی که به امام پیوستند و به شهادت رسیدند، کسانی که به هر دلیل به امام نپیوستند و بالاخره تداوم خط شهادت در معلولین.

فصل اول: معلولان شهید

چند تن از شخصیت‌های دارای معلولیت به فیض همراهی با امام حسین علیه السلام و شهادت در جریان قیام حسینی نایل آمدند. تا جایی که منابع یاری می‌کنند و اسناد در اختیار داریم. این افراد را معرفی می‌کنیم.

مسلم اعرج

یکی از یاران مشهور امام حسین علیه السلام در قیام عاشورا پیرمردی لنگ و معلولی به نام مسلم اعرج است. این پیر پرهیزگار و پاکباز پارسا، در هفتاد سالگی به شوق و شور جوانان عزم کربلا و یاری اباعبدالله الحسین علیه السلام کرد.

پدرش از اصحاب پیامبر بود و مسلم در نزد پدر بسیار نکته‌ها و درس‌ها از سیرت پیامبر آموخت. مسلم از تابعین بود و از یاوران امیرمؤمنان علی علیه السلام. راوی حدیث بود و قرآن شناس، شجاع بود و رزم دیده و درخشش او در صحنه‌های نبرد در یاد و خاطر بسیاری نقش بسته بود. در جنگ جمل، مولایش علی را یاری کرد. در آن هنگام ۴۷ ساله بود و چونان شیر می‌خروشید و شمشیر می‌زد در صحنه نبرد بر اثر اصابت تیر عمروبن ضبه تمیمی به پایش آسیب دید و پس از آن به اعرج یعنی «لنگ» شهرت یافت.

در کوفه وقتی خانه سلیمان بن صرد خزاعی کانون مبارزه و مبارزان شد او نیز جزء نامه‌نگاران برای اباعبدالله بود. در قیام مسلم بن عقیل نیز یاور وی بود.

با شنیدن خبر حرکت اباعبدالله الحسین علیه السلام، مسلم از کوفه خارج شد تا خود را به مولایش برساند. پیری و از آن مهم‌تر پای لنگ او را از جهاد معاف می‌داشت اما عشق و شور، پیری و شکستگی و لنگی نمی‌شناسد. مسلم اعرج نزدیک کربلا به کاروان حسینی رسید و همسفر با او به کربلا آمد.

مسلم که برخی کتب او را از اسلم و سلیمان نیز نوشته‌اند، در حمله اولی (نبرد نخستین) و تیرباران صبح عاشورا با رخساره‌ای روشن و محاسنی سپید و گلگون و تنی سرشار از چوبه‌های تیر، با گام‌هایی از جنس ایمان به محبوب پیوست.

در زیارت ناحیه با عنوان اسلم بن کثیر و در زیارت رجبیه، با عنوان سلیمان بن کثیر به او سلام داده شده است. برخی او را یار پیامبر دانسته و نوشته‌اند که در فتح مصر شرکت کرد اما این توصیفات مربوط به پدر اوست.^۱

نام و لقب: نام کامل او مسلم بن کثیر اعرج ازدی کوفی است. مسلم بن کثیر ازدی از شهدای کربلا از طایفه ازد، و از تابعین بود. بعضی هم او را از اصحاب شمرده‌اند. در برخی جنگ‌ها در رکاب علی علیه السلام مجروح شده و از ناحیه پا آسیب دیده بود. در حادثه عاشورا، از کسانی بود که به قصد حسین بن علی علیه السلام از کوفه بیرون آمد و نزدیکی‌های کربلا به آن حضرت پیوست و روز

۱. تسمیه من قتل مع الحسین علیه السلام، ش ۸۹؛ ابصار العین، ص ۱۶۵ مقصد ۱۰.

عاشورا در حمله نخستین به شهادت رسید.^۱ نام او را اسلم بن کثیر و سلیمان بن کثیر هم نقل کرده‌اند.^۲ در زیارت ناحیه مقدسه نیز از او یاد شده است.^۳ البته نام او در زیارت منسوب به ناحیه مقدسه امام علیه السلام، اسلم و در زیارت رجبیه، سلیمان ذکر شده است.^۴

مسلم بن کثیر از تابعین کوفه و از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام بود و در یکی از جنگ‌ها یک پای او آسیب دید و معلول شد، و شاید به همین جهت او را «اعرج» می‌گفتند. هنگامی که امام حسین علیه السلام به کربلا وارد شد، از کوفه به سوی آن حضرت حرکت کرد و در کنار او به شهادت رسید.

سماوی درباره او نوشته است:

مسلم بن کثیر، از طایفه اُزد است. نام او در زیارت منسوب به ناحیه مقدسه (غیر معروفه)، اسلم (السَّلامُ عَلَیْ اَسْلَمَ بَنِ کَثِیرِ الْأَزْدِ) و در زیارت رجبیه امام حسین علیه السلام، سلیمان ذکر شده است (السَّلامُ عَلَی سُلَیْمَانَ بَنِ کَثِیرِ). به گفته برخی معاصران به نقل از کتاب الاصابه، وی فرزند کثیر بن قلیب صدفی ازدی اعرج کوفی بوده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را درک کرد، در فتح مصر نیز حاضر شد. ولی بر اساس پژوهش‌های انجام شده، این مطالب مربوط به پدر او، کثیر اعرج است؛ نه مسلم.

گفته شده وی از تابعین و از یاران امام علی علیه السلام بود. در جنگ جمل حضور یافت و چون در این جنگ توسط عمرو بن ضبه تمیمی از ناحیه پا آسیب دید و فلج شد «اعرج» لقب گرفت.^۵

به گفته برخی معاصران به نقل از الاصابه، وی فرزند کثیر بن قلیب صدفی ازدی اعرج کوفی می‌باشد. او محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را درک کرد و در فتح مصر حاضر شد ولی بر اساس پژوهش‌های انجام شده این مطالب مربوط به پدر او، کثیر اعرج است نه مسلم او تابعی و از یاران امام علی علیه السلام بود. در جنگ جمل حضور یافت و چون در این جنگ توسط عمرو بن ضبه تمیمی از ناحیه پا آسیب دید و فلج شد «اعرج» لقب گرفت.^۶

او از یاران امام علی علیه السلام و در جنگ جمل حضور یافت و در این جنگ توسط عمرو بن ضبه تمیمی از ناحیه پا آسیب دید و فلج شد «اعرج» لقب گرفت.^۷

شهادت: «مسلم» فرزند «کثیر» از قبیل «ازد»^۸ و از دلاوران کوفه بود. گفته‌اند او از یاران (تابعین) امام علی علیه السلام بود و در رکاب آن حضرت، در یکی از جنگ‌ها زخمی به پای او رسیده و آسیب دیده بود.^۱

۱. عنصر شجاعت، ج ۱، ص ۳۵۵، مناقب، ج ۴، ص ۱۱۳؛ تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۱۵.

۲. انصار الحسین علیه السلام، ص ۹۴.

۳. دانشنامه عاشورا و امام حسین علیه السلام، ص ۹۹۰ تا ۹۹۱.

۴. الاقبال بالاعمال الحسنه، علی بن موسی مشهور به ابن طاووس، ج ۳، ص ۷۹ و ۳۴۶.

۵. ابصار العین، سماوی، محمد بن طاهر، ج ۱، ص ۱۸۵؛ فرسان الهیجاء، محلاتی، ذبیح الله، ج ۱، ص ۴۶؛ تسمیه من قتل مع

الحسین علیه السلام، حسینی جلالی، محمدرضا، ص ۳۰؛ الاقبال بالاعمال الحسنه، ابن طاووس، علی بن موسی، ج ۳، ص ۷۹؛

تنقیح المقال، مامقانی، عبدالله، ج ۳، ص ۲۱۵؛ الاصابه، عسقلانی، ابن حجر، ج ۵، ص ۴۷۵؛ ابصار العین، ۱۰۸.

۶. یاران خورشید، ص ۱۵۳؛ پژوهشی پیرامون شهدای کربلا، ص ۳۵۷.

۷. ابصار العین، ج ۱، ص ۱۸۵؛ فرسان الهیجاء، ج ۱، ص ۲۶؛ تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۱۵.

۸. تسمیه من قتل الحسین علیه السلام، ش ۸۹.

تاریخ نویسان گفته‌اند «مسلم بن کثیر» برای یاری حضرت اباعبدالله الحسین خود را از کوفه به کربلا رسانید؛ اما در مدخل کربلا دستگیر شد و به شهادت رسید.^۲ این شهر آشوب بر این باور است که مسلم در حمله نخستین به شهادت رسیده است.^۳ در زیارت ناحیه آمده: «السلام علی مسلم بن کثیر الازدی؛ سلام بر مسلم بن کثیر ازدی». شیخ طوسی رضی الله عنه مسلم بن کثیر را از یاران حضرت اباعبدالله الحسین به شمار آورده است.^۴ بسیاری از منابع تأکید دارند که در حمله نخست به شهادت رسید. مثل علامه مجلسی در بحارالانوار، ابن شهر آشوب و در منابع جدید.

تاریخ نویسان گفته‌اند: «مسلم بن کثیر» برای یاری اباعبدالله الحسین علیه السلام خود را از کوفه به کربلا رسانید؛ اما در ورودی کربلا دستگیر شد و به شهادت رسید. ابن شهر آشوب بر این باور است که مسلم در حمله نخستین به شهادت رسیده است. در زیارت ناحیه آمده است: «السلام علی مسلم بن کثیر الازدی؛ سلام بر مسلم بن کثیر ازدی» شیخ طوسی، مسلم بن کثیر را از یاران حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به شمار آورده است.^۵

مسلم از کسانی است که به امام علیه السلام نامه نوشت و او را به کوفه دعوت کرد. او مسلم به عقیل را در کوفه یاری کرد و پس از تنها ماندن مسلم بن عقیل، از کوفه خارج شد. برخی معتقدند وی در ورودی کربلا دستگیر شد و به شهادت رسید. اما عده‌ای دیگر می‌گویند وی در نزدیکی‌های کربلا به سیدالشهداء پیوست و در حمله نخست روز عاشورا به شهادت رسید.^۶

دیدگاه‌ها: ابن شهر آشوب بر این باور است که مسلم در حمله نخستین به شهادت رسیده است. در زیارت ناحیه آمده: «السلام علی مسلم بن کثیر الازدی؛ سلام بر مسلم بن کثیر ازدی». شیخ طوسی رضی الله عنه مسلم بن کثیر را از یاران حضرت اباعبدالله الحسین به شمار آورده است.

رهبران بزرگ - در راه حق یا باطل - همواره یارانی داشته‌اند که آنها را در تحقق بخشیدن به اهدافشان یاری می‌کرده‌اند. اکنون سخن از یاران بزرگ مجاهدی است که عقل بشری از درک مقامش عاجز است. او امام به حقی است که همواره به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرمؤمنان علیه السلام راه می‌پیموده است. همان گونه که شناخت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم میسر نیست، کمال حسین علیه السلام هم مانع درک واقعیت آن خلیفه الله است. هر کس که از انسانیت، مردانگی و غیرت دینی سخن می‌گوید، اگر با تاریخ اسلام آشنا باشد، ناخودآگاه نام حسین علیه السلام به ذهن او پای می‌نهد.

۱. ابصار العین، ص ۱۶۵، مقصد ۱۰.

۲. ابصار العین، ص ۱۶۵، مقصد ۱۰.

۳. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۳؛ منتهی الآمال، ج ۱، ص ۶۵۴.

۴. رجال شیخ طوسی، ص ۸۰؛ سایت هدایتگر www.hedayatgar.ir

۵. ابصار العین، ص ۱۶۵؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۳؛ منتهی الآمال، ج ۱، ص ۶۵۴؛ رجال شیخ طوسی، ص ۸۰؛ یاران

تشیبای حسین بن علی علیهما السلام، استاد مرتضی آقا تهرانی؛ سایت تبیان www.tebyan.net

۶. مدینه الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۶۰؛ ابصار العین، سماوی، محمد بن طاهر، ج ۱، ص ۱۸۵ و ۱۶۵؛ مناقب آل ابی طالب

علیهم السلام، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۶۰؛ پژوهشی پیرامون شهادت کربلا، ص ۳۵۷.

هر یک از یاران امام در کربلا به گونه‌ای جلوه‌گر شدند تا آینه‌ای از یک یا چند ویژگی امام خود باشند. همان یارانی که وقتی بزرگ مرد تاریخ اسلام، حسین بن علی علیه السلام، از همراهان خود بیعت برداشت و فرمود راه بر شما باز است، آنها در پاسخ گفتند: «الحمد لله الذی شرفنا بالقتل معک و لو کانت الدنيا باقیة و کنا فیها مخلصین الاثرنا النهوض معک علی الاقامة فیها؛ خدا را سپاس که این شرافت را به ما نصیب کرد که در کنار شما به شهادت رسیدیم و اگر دنیا باقی باشد و ما در جاودان باشیم، قیام با شما را بر ماندن در این دنیا ترجیح می‌دهیم» و البته امام عشاق نیز در تمجید از این سخن یاران باوفایش حجت را تمام کردند و فرمودند: من یارانی باوفا تر و بهتر از اصحاب خود نمی‌شناسم، و اهل بیته نیکوکارتر و وابسته‌تر از اهل بیت خویش سراغ ندارم، پس خداوند همه شما را جزای خیر عطا کند.^۱

کتاب یاران خورشید درباره ایشان می‌نویسد: با شنیدن اخبار امام، مسلم از کوفه خارج و در کربلا به امام پیوست. مسلم بن کثیر، در نخستین حمله به درجه شهادت نایل آمد.^۲

کتاب پژوهشی پیرامون شهدای کربلا درباره شخصیت شناسی این شهید بزرگوار می‌نویسد: مسلم بن کثیر اعرج، از طایفه اژد و از یاران امام حسین علیه السلام است. نام او در زیارت منسوب به ناحیه مقدسه امام علیه السلام، اسلم و در زیارت رجبیه، سلیمان ذکر شده است.^۳

به گفته برخی معاصران به نقل از الاصابه، وی فرزند کثیر بن قلیب صدفی ازدی اعرج کوفی می‌باشد. او محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را درک کرد و در فتح مصر حاضر شد ولی بر اساس پژوهش‌های انجام شده این مطالب مربوط به پدر او، کثیر اعرج است نه مسلم او تابعی و از یاران امام علی علیه السلام بود. در جنگ جمل حضور یافت و چون در این جنگ توسط عمرو بن ضبه تمیمی از ناحیه پا آسیب دید و فلج شد «اعرج» لقب گرفت.

مسلم، از کسانی است که برای امام حسین علیه السلام نامه نوشت و مسلم بن عقیل علیه السلام را در کوفه یاری کرد. وی پس از تنها ماندن سفیر امام علیه السلام، از کوفه خارج شد؛ و در نزدیکی‌های کربلا به سیدالشهدا علیه السلام پیوست و در روز عاشورا در نبرد نخست به فیض شهادت نایل گشت.^۴

مسلم یا اسلم یا سلیمان: در ضبط نامش اختلاف است. مسلم اعرج به نام اسلم و سلیمان هم ضبط شده است. لذا سلیمان بن کثیر را به قولی او همان مسلم بن کثیر ازدی، از شهدای کربلا است. بعضی احتمال داده‌اند اسلم بن کثیر ازدی در زیارت ناحیه و سلیمان بن کثیر در رجبیه همان مسلم بن کثیر باشد. در زیارت رجبیه بدین گونه از او یاد شده است: «السلام علی سلیمان بن کثیر...»

۱. سایت هدایتگر.

۲. یاران خورشید (سلحشوران نهضت امام حسین علیه السلام)، ص ۱۵۳.

۳. پژوهشی پیرامون شهدای کربلا، ص ۳۵۷.

۴. همان.

سلیمان بن سلیمان ازدی نیز از شهدای نهضت و قیام کربلا است. مرحوم سید بن طاووس در زیارت رجبیه او را از شهدای کربلا آورده است. در زیارت رجبیه از او بدین گونه یاد شده است: «السلام علی سلیمان بن سلیمان الازدی...»^۱

مسلم بن کثیر الازدی غلامی به نام رافع بن عبدالله داشت که از صالحان و رزم آوران و از شیعیان کوفه که پس از شنیدن خبر ورود امام به کربلا خود را به امام رسانید و آن حضرت را در روز عاشورا یاری نمود و بعد از اقامه نماز ظهر در روز عاشورا پس از مسلم بن کثیر به شهادت رسید.^۲ لذا نام مسلم اعرجی را به صورت سلیمان بن کثیر در فهرست شهدای کربلا آورده اند، نیز در زیارت رجبیه هم آمده است. احتمال داده اند که او، همان مسلم بن کثیر ازدی باشد.^۳ مسلم بن کثیر بن قلیب الصدفی الازدی ازد شنوئه الاعرج بوده و قبیله ازد به سه تیره تقسیم می شوند: ۱- ازد شنوئه ۲- ازد عمان ۳- ازد السراه

مرحوم محدث قمی می نویسد: ازدیان بیست و هفت قبیله هستند. مسلم از تیره اول و دارای اصالت یمنی و اهل کوفه بوده است و هنگام شهادت تقریباً هفتاد سال داشته است. او حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دیده و از تابعین، و از اصحاب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت امام حسین علیه السلام و از مجاهدین در جنگ جمل بوده و در این جنگ بود که تیری به پایش اصابت کرد و جراحی برداشته و بعدها پایش می لنگید و لذا به او اعرج می گفتند.

او نرسیده به کربلا به سپاه امام علیه السلام ملحق شد. و در حمله نخست در روز عاشورا به شهادت رسید. و بعضی احتمال داده اند اسلم بن کثیر ازدی در زیارت ناحیه و سلیمان بن کثیر در رجبیه همان مسلم بن کثیر باشد.

در زیارت ناحیه مقدسه نام او نیز از جمله شهدای کربلا است: «السلام علی مسلم بن کثیر الازدی».

مسلم بن کثیر اعرج، از طایفه اژد و از یاران امام حسین علیه السلام است. نام او در زیارت منسوب به ناحیه مقدسه امام علیه السلام، اسلم و در زیارت رجبیه، سلیمان ذکر شده است. دایرة المعارف تشیع از شخصیتی به نام سلیمان بن سلیمان ازدی یاد کرده و درباره اش می نویسد: سلیمان بن سلیمان ازدی، از شهدای روز عاشورا (۱۶ ق)، از شجاعان و جنگجویان و محبان خاندان نبوت علیه السلام. وی در شمار یاران اباعبدالله الحسین علیه السلام ضبط گردیده است. پس از آغاز جنگ در روز عاشورا به سیره اصحاب خدمت امام علیه السلام رسید و کسب اجازه نمود سپس به میدان جنگ شتافت و به نبرد دلیرانه با سپاه بنی امیه پرداخت و پس از دفاعی شجاعانه از آل علی و اسلام به دست دشمنان دین به شهادت رسید. سپس اباعبدالله الحسین علیه السلام پیکر مطهر او را از میدان جنگ خارج فرمود و به خیمه مخصوص شهدای اصحاب منتقل نمودند و بعد

۱. انصار الحسین علیه السلام، ص ۱۰۱؛ دانشنامه عاشورا و امام حسین علیه السلام، ص ۶۳۶.

۲. دانشنامه عاشورا و امام حسین علیه السلام، ص ۴۴۳.

۳. همان، ص ۶۴۷.

توسط قبیله بنی اسد به خاک سپرده شد. نام او در زیارت رجبیه وارد شده است: السلام علی سلیمان بن سلیمان الازدی... (← «بنی الازدی»)^۱.

اما در دایرة المعارف تشیع سلیمان بن کثیر اینگونه معرفی شده است:

سلیمان بن کثیر، از شهدای روز عاشورای حسینی، از شیعیان جنگجو و از محبان خاندان عصمت و طهارت علیه السلام. نام وی در شمار یاران اباعبدالله الحسین علیه السلام ضبط شده است. پس از آغاز جنگ بعد از حمله اولی، او مانند سایر اصحاب به خدمت امام علیه السلام رسید و تقاضای اجازه نبرد نموده، سپس به میدان جنگ شتافت و عاشقانه به نبرد با سپاه کوفه پرداخت و پس از نبردی شجاعانه در دفاع از حرم آل علی علیه السلام با دشمنان دین به شهادت رسید. امام علیه السلام پیکر مطهر او را از میدان جنگ خارج فرموده و به خیمه مخصوص شهدای اصحاب منتقل نمودند و بعد توسط قبیله بنی اسد به خاک سپرده شد. نام او در زیارت رجبیه ذکر شده است: السلام علی سلیمان بن کثیر...^۲.

عبدالله بن عقیف ازدی

از دیگر شخصیت‌های معلولی که در دفاع از امام حسین علیه السلام به شهادت رسید عبدالله بن عقیف است. البته او در کربلا همراه امام نبود بلکه در کوفه در مجلس ابن زیاد و در مقابل او به دفاع از امام حسین علیه السلام برخاست و توسط عوامل ابن زیاد به شهادت رسید.

پس از حوادث کربلا ابن زیاد امر کرد مردم در مسجد کوفه اجتماع کنند؛ در جامع بزرگ کوفه جمعیت زیادی حاضر شدند، ابن زیاد منبر رفت و گفت: ستایش می‌کنم خداوند را که حق را آشکار کرد و امیرالمؤمنین یزید و حزب او را پیروز گردانید، و دروغ‌گوی فرزند دروغ‌گور یا شیعیان و یارانش را کشت؟! کشت!

هیچ کس پاسخ او را نداد، ناگاه یک نابینا به نام عبدالله بن عقیف از جایش حرکت کرد و با صدای رسا گفت: ای فرزند مر جانه دروغ‌گو و فرزند دروغ‌گو تو هستی و پدرت بود و آن کس که تو را به این مقام منصوب کرده است، فرزندان پیغمبران را می‌کشید و مانند صدیقان سخن می‌گویند.

تصور کنید در شرایطی که سپاه ابن زیاد مسرور از پیروزی است و اباعبدالله حسین علیه السلام و یارانش را شهید کرده‌اند و تمامی صداهای حق خواه را در سینه‌ها خفه کرده‌اند، دل شیر می‌خواهد که در مقابل مسئول همه حوادث ایستاد و با شجاعت سخن گفت.

ابن زیاد گفت: این کیست؟ عبدالله گفت: من هستم ای دشمن خدا، تو ذریه طاهره را می‌کشی و فرزندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را که خداوند فرموده آنها از هر نوع آلودگی پاک هستند، دشنام می‌دهی و گمان می‌کنی که مسلمان هستی، کجا هستند فرزندان مهاجر و انصار که از این ستمگر ملعون که پیغمبر آنها را لعنت کرده است انتقام بگیرند.

۱. کربلا فی حاضرها و ماضی‌ها، خطی؛ فرسان الهیجاء، ۱۶۱/۱؛ وسیلة الدارین، ۱۵۲؛ انصار الحسین علیه السلام، ۱۰۱؛ بحارالانوار، ۱۰۱/۲۲، ۳۲۱؛ تشیع، ج ۹، ص ۲۷۵.

۲. انصار الحسین علیه السلام، ۱۰۱؛ بحارالانوار، ۷۲/۴۵؛ فرسان الهیجاء، ۱۶۱/۱؛ کربلا فی حاضرها و ماضی‌ها، خطی؛ وسیلة الدارین، ۱۵۲؛ تشیع، ج ۹، ص ۲۸۰.

ابن زیاد از سخنان او به خشم آمد و گفت: او را نزد من بیاورید، پاسبانان و پاسداران حرکت کردند او را دستگیر کنند، عبدالله شعار قبیله ازد «یا مبرور» را بر زبان جاری کرد در این هنگام گروهی از قبیله ازد برخاستند و او را از دست شرطه‌های ابن زیاد نجات دادند و به منزلش بردند، عبدالرحمان بن مخنف ازدی گفت: این چه کاری بود که کردی خود و عشیره‌ات را در معرض هلاکت قرار دادی. ابن زیاد گفت: از تو سؤالی نمی‌کنم و اینک مرگ را خواهی چشید، عبدالله گفت: من خداوند را سپاسگذار خواهم بود که مرا بکشی، همواره از خداوند آرزو داشتم که شهادت را روزی من کند، پیش از آنکه مادرت تو را بزاید و از خداوند خواسته بودم که ملعون‌ترین و مبعوض‌ترین بندگان را بکشد. هنگامی که دیدگانم نابینا شد از نعمت شهادت مأیوس شدم، ولی اکنون خداوند را سپاسگزارم که پس از یأس مرا به آرزویم رسانید، و دعای مرا اجابت فرمود، ابن زیاد دستور داد گردن عبدالله را زدند و جسد او را در محل کثیفی بدار آویختند.^۱

اسلم بن کثیر

به قولی او همان مسلم بن کثیر ازدی، از شهدای کربلا است. بعضی احتمال داده‌اند اسلم بن کثیر ازدی در زیارت ناحیه و سلیمان بن کثیر در رجبیه همان مسلم بن کثیر باشد. گاه او را به نام اسلم بن کثیر ازدی یاد کرده‌اند. و بعضی او را همان «مسلم بن کثیر ازدی» از شهدای کربلا دانسته‌اند.

اسلم ترکی

یکی از شهدای کربلاست. وی غلام سیدالشهدا علیه السلام و ترک زبان بود. تیرانداز و کماندار بود و کاتب امام حسین علیه السلام بود. قاری قرآن و آشنا به زبان عربی بود.^۲ زندگی‌نامه تقریباً جامع از او در کتاب پژوهشی پیرامون شهدای کربلا آمده است.^۳

جایگاه تابعین

کسانی مثل مسلم اعرج از یاران امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام بودند و جزء طبقه تابعین می‌باشند. به عبارت دیگر شخصیت‌هایی که با امام همراهی کردند، همگی از تابعین نه صحابه هستند. بنابراین با بررسی «تابعین» می‌توان به رویکرد و خطمشی این شخصیت‌ها پی برد. بعضی مسلم را از یاران امام علی علیه السلام دانسته و برخی از مورخان گفته‌اند از پیروان پیامبر بوده و حتی زمان پیامبر را درک کرده است. پدرش کثیر بن قلیب صدفی ازدی کوفی بود - از طایفه‌ی ازد - و خودش ساکن کوفه بود. مسلم در فتح مصر شرکت داشت و در جنگ جمل، همراه امام علی

۱. الکامل، ابن اثیر، ج ۴، ص ۳۴؛ تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۶۳؛ تاریخ عاشورا یا مقتل الحسین علیه السلام، ص ۳۳۷-۳۴۰؛

ریاض الاحزان، ص ۵۷؛ لهوف، ص ۹۲؛ مشیر الاحزان، ص ۵۰-۵۱ و ۵۸؛ مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۵۳-۵۵.

۲. همان، ص ۱۰۰۲.

۳. پژوهشی پیرامون شهدای کربلا، ص ۳۵۷.

علیه السلام جنگید و در یکی از جنگ‌های امام (که شاید همین جنگ جمل بوده) تیری به پایش خورد و پایش آسیب دید و لنگ می‌زد؛ از این رو به مسلم اعرجی (کسی که پایش لنگ است) مشهور شد. در جریان قیام حسینی او برای بیعت با امام حسین علیه السلام از کوفه خارج شد تا رهسپار به سوی ابا عبدالله شود و هنگام آمدن آن حضرت در سرزمین کربلا به امام پیوست. صبح روز عاشورا هم در اولین یورش همه جانبه‌ی لشکر عمر سعد به سپاه حسینی به یاری امام رفت و شجاعانه نبرد کرد تا به شهادت رسید.^۱

به گفته برخی معاصران به نقل از کتاب الاصابه، وی فرزند کثیر بن قلیب صدفی ازدی اعرج کوفی است و محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را درک کرد و در فتح مصر حاضر شد. ولی بر اساس پژوهش‌های انجام شده این مطالب مربوط به پدر او، کثیر اعرج است نه مسلم.^۲

نقش قبیله ازد در تاریخ تحولات

قبیله ازد یکی از قبایل بزرگ عرب جنوبی بود که شاخه‌های متعددی هم چون اوس، خزرج، خزاعه، غسان، راسب، غامد، بارق و دوس را در بر می‌گرفت. این قبیله که در منطقه مأرب در یمن سکونت داشتند، در حدود قرن اول و دوم میلادی به دنبال انحطاط نسبی تمدن مأرب و تغییر اوضاع و شرایط زیستی، از موطن اصلی خود مهاجرت کرده و به سمت نواحی شمالی عربستان حرکت کردند. پس از مدتی طوایف ازد به چند جانب متفرق شده و هر یک در نواحی مستقلاً در جزیره العرب سکونت اختیار کردند. پس از ظهور اسلام، در رویدادهای دوران حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پس از رحلت آن حضرت در فتوح اسلامی و در روزگار خلافت امام علی علیه السلام نقش‌های مهمی ایفاء کردند. سپس، امویان برای تقویت موضع اعراب در مناطق فتح شده به ویژه شرق ایران و به دنبال انگیزه‌های گوناگون، برخی از قبایل را به خراسان کوچ دادند که از آن میان، ازد نیز در زمره مهاجران به خراسان قرار گرفتند. به تدریج، با اسارت یافتن مهلب بن ابی صفره، بر آن سرزمین به سال ۷۸ هـ.ق و به ویژه در دوران امارت فرزندش یزید بن مهلب، جمعیت و نفوذ ازد در خراسان فزونی گرفت. اگرچه، سکونت ازد در ایران تنها محدود به خراسان نبود و در جریان فتوح اسلامی نیز که دسته‌هایی از اعراب در مناطق فتح شده سکونت اختیار کرده و سپس خویشان و نزدیکان خویش را به نزد خود فرا خواندند، جماعتی از ازدی‌ها نیز در داخل بلاد ایران پراکنده شدند. با توجه به این که در دوران پیش از اسلام و از عهد ساسانیان، دسته‌هایی از قبیله ازد از طریق بحرین، خلیج فارس و عمان به بنادر و بلاد جنوب ایران مهاجرت کرده بودند، می‌توان به پراکندگی جمعیت ازد در نواحی مختلف ایران پی برد. بدین سان، این قبیله در حوادث و رویدادهای ایران، به ویژه خراسان بزرگ، نقش عمده داشت. سرانجام، تعصبات و رقابت‌های قبیله‌ای میان اعراب معدی و یمانی که دستگاه خلافت را نیز بازپه خویش نموده بود، یکی از عوامل عمده ایجاد بحران سیاسی در خلافت امویان گردید. از آن جا که خراسان نیز یکی از مراکز عمده مهاجرت اعراب به داخل ایران

۱. دایرة المعارف طهران، www.tahoor.com.

۲. فرسان الهیجا، ج ۱، ص ۳۶؛ تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۱۵؛ الاصابه، ج ۵، ص ۴۷۵؛ عنصر شجاعت، ج ۱، ص ۳۵۵؛ مناقب، ج ۴، ص ۱۱۳؛ تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۱۵؛ انصار الحسین، ص ۹۴.

بود، طبعاً بحران‌های مذکور در آن سرزمین نیز بازتاب گسترده‌ای داشت. در نتیجه ازدی‌ها نیز به عنوان عناصر مهم اجتماع عرب در خراسان، به صحنه این بحران‌ها کشیده شدند. خشم و نارضایتی ازدی‌ها در خراسان که ناشی از تفوق اعراب عدنانی بر یمانی‌ها، تسلط آنان بر امور مختلف و برکناری ازد و دیگر قبایل یمانی از امور سیاسی-اداری خراسان که سیاست خلفا را نیز تحت تأثیر خود قرار داده بود، به ویژه پس از هلاکت خاندان مهلب، موجبات نزدیکی هرچه بیشتر آنان را با عناصر ناراضی به ویژه ایرانیان تحقیر شده از سوی اعراب، فراهم آورد. این مسئله نه تنها موجب همراهی ازدی‌ها با عباسیان و سقوط قطعی امویان گردید، بلکه زمینه‌های آشنایی هرچه بیشتر آنان را با فرهنگ ایرانی فراهم کرد.^۱

خلاصه اینکه شخصیت‌هایی که امام حسین علیه السلام را همراهی کردند بعضاً از قبیله ازد بودند و برای شناخت آنها، لازم است ابتدا به مطالعه ازد بپردازیم.

۱. لیلا خامسی پایان نامه خود را با عنوان «قبیله ازد و نقش آن در تحولات تاریخ ایران تا سال ۱۳۲ق» در سال ۱۳۸۱ دفاع کرد و منبع خوبی برای شناسایی یاران ازدی امام حسین است. متن آن در این سایت آمده است:
thesis.ui.ac.ir/abstracts/ltr/eleven9.htm

فصل دوم: عدم همراهی در قیام حسینی

اسناد تاریخی گویا است که شش تن از شخصیت‌های مشهور امام حسین علیه السلام را همراهی نکردند. از این شش تن، پنج نفر معلولیت مثل نابینایی داشته‌اند. نخست به معرفی اجمالی اینان و سپس به معرفی تفصیلی آنها می‌پردازیم:

۱- محمد حنفیه برادر اباعبدالله الحسین علیه السلام که دلیل نپیوستن او را برخی عدم توفیق یا هم افق نبودن با شهدای کربلا دانسته‌اند. نیز نوشته‌اند هنگام خروج امام بیمار بود و برخی گفته‌اند انگشتانش بر اثر پیچیدن زره، نقص برداشت و توانایی حمل شمشیر نداشت.

۲- عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب. وی امام را تأیید کرد. در هنگام حرکت اباعبدالله چشمانش دچار کم‌بینی یا نابینایی شده بود. در هیچ روایتی امام او را دعوت به همراهی نکرد و هیچ معصومی وی را به سبب شرکت نکردن در کربلا سرزنش نکرده است. قرائن تاریخی نابینا بودن وی و داشتن راهنما در هنگام حرکت را تصریح کرده است.

۳- عبدالله بن جعفر همسر حضرت زینب علیه السلام. وی نیز همچون محمد حنفیه و ابن عباس، موید و طرفدار اباعبدالله بود و فرستادن دو فرزندش برای شرکت در کربلا گواه این فهم و معرفت و تأیید است. علت شرکت نکردن او را نابینایی یا کم‌بینایی نوشته‌اند.

۴- فرزندق شاعر. در بستان بن عامر نزدیک مکه با امام ملاقات کرد. وی همراه مادرش قصد شرکت در مراسم حج داشت. پس از دیدار با امام و توضیح درباره کوفه و بی‌وفایی مردم و طرح چند پرسش درباره مناسک حج، از امام جدا شد.

۵- ابو سعید خدری. وی یار پیامبر بود و در دوازده غزوه شرکت داشت و در سال ۶۴ یا ۷۴ درگذشت شخصیت برجسته وی را همه ستوده‌اند. او از ولایت امیرمؤمنان دفاع کرد. عدم حضور وی در کربلا به درستی معلوم نیست. ائمه او را تأیید کرده‌اند و معلوم می‌شود عذری مانند پیری و شکستگی و چشم کم سو سبب عدم شرکت اوست.^۱

۶- جابر انصاری. غیر از اینها کسان دیگر هم هستند مثل عبدالله بن عمر (درگذشت ۷۴ق). اما اینان از جامعه تشیع خارج بودند و با اینکه نابینا بوده ولی شیعه به او توجه نکرده است. اکنون هر یک از شخصیت‌هایی که به دلیل معلولیت به امام نپیوستند؛ به تفصیل بررسی می‌گردند.

عبدالله بن جعفر

عبدالله بن جعفر بن ابی طالب به دلایل مختلف از جمله نابینایی به امام حسین علیه السلام در کربلا نپیوست و عدم حضور او در کربلا نیاز به بررسی دارد. او نخستین مولود اسلام در حبشه و اولین فرزند جعفر طیار است. تولد او را در سال سوم بعثت دانسته‌اند. او هنگام هجرت پیامبر به مدینه ده ساله بود در سال ۸۰ق (با اندکی تفاوت در نقل‌ها) در نود سالگی از دنیا رفت و در مدینه یا ابواء به خاک سپرده شد.

عبدالله بن جعفر فردی بزرگوار و بسیار بخشنده و سخاوتمند معرفی شده است. در تاریخ به او لقب «جواد، بحر الجود و قطب السخاء» داده اند. عبدالله به واسطه موقعیت خانوادگی و جایگاه والای پدر بزرگوارش، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام مورد احترام بود. پس از شهادت پدرش، پیامبر برای تفقد و دلجویی به خانه آنها رفت و آنان را مورد محبت و ملاحظت خاص خود قرار داد و فرمود: من سرپرست آنها در دنیا و آخرت هستم و فرمود: عبدالله در خلقت، خصلت شبیه من است. همچنین زمانی دیگر در حق او چنین دعا فرمود: «پروردگارا برای جعفر ذریه نیکو قرار ده و به بیع عبدالله، برکت عطا کن»

عبدالله بن جعفر هنگام صلح و جنگ مورد اعتماد و طرف مشاوره امیرمؤمنان علی علیه السلام و امامان دیگر بود. در جنگ صفین یکی از فرماندهان سپاه امام علی علیه السلام و نیز یکی از شهود حکمیت از طرف علی علیه السلام بود. امام علی علیه السلام هنگام عزل و نصب فرماندهان با او مشورت می کرد. وی از جمله کسانی بود که هنگام تبعید ابوذریعه به ریزه در کنار علی علیه السلام حضور داشت و او را بدرقه کرد. همچنین طبق دستور امام بر ولید بن عقبه حد جاری کرد. او در مراسم تغسیل و تکفین امیرمؤمنان علیه السلام که شبانه و بدون اطلاع عموم صورت گرفت نیز حاضر بود.

بعد از شهادت امام علی علیه السلام نیز در کنار امام حسن علیه السلام قرار گرفت. در جریان حرکت سپاه امام به سوی لشکر معاویه از حریم خاندان امامت دفاع کرد. همچنین وی بارها عشق و علاقه و ایمان خود را به امام حسین علیه السلام ابراز نمود، از جمله وقتی معاویه دختر عبدالله بن جعفر (ام کلثوم) را برای پسرش یزید خواستگاری کرد او در جواب گفت: «مرا امیری است که بی اذن او کاری نکنم» و اینگونه اختیار دخترش را به حسین بن علی علیه السلام واگذار کرد. عبدالله بن جعفر از جمله کسانی بود که در اثبات ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به حدیث غدیر تمسک جست و نام خود را در زمره راویان حدیث غدیر ثبت کرد.

شواهد و قراین تاریخی موافقت عبدالله بن جعفر با قیام حسینی: به چند سند تاریخی می توان استناد کرد و گفت عبدالله بن جعفر با امام حسین علیه السلام و قیام حسینی همراه بوده ولی موانعی و معذوراتی داشته که نمی توانسته مشارکت نماید. اکنون به ادله ای اشاره می کنم که موافقت او را با قیام حسینی نشان می دهد:

۱. همراه کردن همسر و فرزندان خویش با امام حسین علیه السلام چگونه ممکن است فردی با حرکت و قیامی موافق نباشد و به آن اعتقاد نداشته باشد اما بهترین عزیزان خود را به حضور و شرکت در آن تشویق و ترغیب نماید؟ بی شک اگر عبدالله با قیام امام حسین علیه السلام و مبارزه با بنی امیه مخالف بود، هیچ گاه اجازه نمی داد، فرزندان عزیزش در این راه قربانی شوند، در حالی که او همسر بزرگوارش زینب کبری و دو فرزندش عون و محمد را همراه کاروان امام حسین علیه السلام فرستاد و آنها را سخاوتمندانه در راه امام خویش قربانی کرد.

۲. واکنش عبدالله بن جعفر پس از شهادت امام حسین علیه السلام پس از شنیدن خبر شهادت امام حسین علیه السلام و فرزندانش عون و محمد سخنانی گفت که گویای ایمان و اعتقاد او به قیام امام حسین علیه السلام است. مورخان نوشته اند که: پس از بازگشت بازمندگان امام حسین علیه السلام به مدینه یکی از غلامان عبدالله بن جعفر به نام ابوالسلاسل نزد او رفت و شهادت پسرانش را به او تسلیت گفت. عبدالله کلمه استرجاع بر زبان آورد. غلام گفت: این

مصیبتی است که از حسین بن علی به ما رسیده است! عبدالله بن جعفر او را با نعلین خود راند و گفت: ای کثیف‌زاده! آیا به حسین چنین چیزی را می‌گویی؟ به خدا سوگند اگر نزدش می‌بودم دوست می‌داشتم که تا کشته نشوم از او جدا نگردم. به خدا سوگند من آنها را سخاوتمندانه در راه حسین داده‌ام و مصیبت آنها بر من گران نیست، زیرا آنان در راه بردارم و پسر عمویم به شهادت رسیدند و همراهش شکیبایی ورزیدند. آنگاه رو به اهل مجلس کرد و گفت: الحمدلله با این که مصیبت حسین بر من گران است اما اگر نتوانستم او را یاری دهم فرزندانم او را یاری دادند.

۳. نامه عبدالله بن جعفر به امام حسین علیه السلام

با توجه به موارد پیش گفته، اصل اعتقاد عبدالله بن جعفر به قیام علیه بنی امیه به خوبی روشن است، با این حال یکی از شواهدی که موجب مبهم شدن این مسئله می‌شود، نامه او به امام حسین علیه السلام برای منصرف کردن آن حضرت از رفتن به عراق است. ابتدا متن نامه عبدالله بن جعفر و پاسخ امام مرور و سپس بررسی می‌شود.

نامه عبدالله به امام حسین علیه السلام چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم. به حسین بن علی از عبدالله بن جعفر. اما بعد تو را به خدا سوگند می‌دهم که از مکه خارج نشوی. من از کاری که آهنگ آن را داری بر تو بیمناکم و ترس آن دارم که خود و خاندانت در آن به هلاکت برسید. اگر تو امروز هلاک شوی نور زمین خاموش خواهد شد، زیرا تو پرچم هدایت یافتگان و امیرمؤمنانی. در رفتن شتاب مکن زیرا من نیز به دنبال نامه هستم. والسلام. پاسخ امام به نامه او چنین است:

اما بعد نامه‌ات به من رسید و آن را خواندم و منظورت را دریافتم. به آگاهی تو می‌رسانم که من جدم رسول خدا را به خواب دیدم، او از کاری به خبر داد و من در پی آن می‌روم، خواه به سودم باشد یا به زیانم. به خدا سوگند! ای پسر عمو چنانچه من در لانه هر جنبنده‌ای از جنبندگان روی زمین باشم مرا بیرون کشیده به قتل خواهند رساند. به خدا ای پسر عمو آنان ستم خواهند کرد، همان‌گونه که یهود نسبت به روز شنبه ستم ورزیدند. و السلام.

از نامه عبدالله به امام حسین علیه السلام استفاده می‌شود که او به مقام والای امامت و شأن و جایگاه با عظمت آن اعتقاد داشته ولی موانع و مشکلاتی در نپیوستن او هست که بیان خواهد شد.

معذور بودن عبدالله در نپیوستن به امام: اصل اعتقاد عبدالله به قیام کربلا و عشق و علاقه او برای شهادت در راه امام حسین علیه السلام ثابت شد، اما اینکه چرا عبدالله بن جعفر خود شخصاً در قیام عاشورا حضور نداشت و امام را همراهی نکرد، تاریخ در این باره ساکت است و از متون اصیل تاریخی چیزی به دست نمی‌آید. البته در برخی از آثار متأخرین احتمالاتی به عنوان عذر عبدالله بن جعفر در نپیوستن او به امام بیان شده است که مهم‌ترین آنها چنین است:

۱. نابینا بودن وی، چنانکه گفته شده: «و کان تاخره عن حضور الطف ذهاب بصره؛ دلیل عدم حضورش در قیام عاشورا نابینا بودن او بود».

۲. احتمال مأموریت داشتن او از سوی امام در مدینه، مانند مأموریت حفظ جان بنی هاشم، زیرا با خروج امام و دیگر بزرگان بنی هاشم از مدینه هرگونه توطئه و دسیسه‌ای برای نابودی بنی هاشم پیش بینی می‌شد، از این‌رو، شخصیتی همچون عبدالله بن جعفر می‌توانست از هرگونه خطری که بنی هاشم را تهدید می‌کرد، جلوگیری کند.

۳. کهولت سن، زیرا او در این هنگام حدود هفتاد سال داشت و طبعاً آمادگی لازم و توان جسمانی مناسب برای جهاد نداشت.

نتیجه: لذا عبدالله بن جعفر طیار شخصیت مشهور و ممتاز تاریخ اسلام سوابق درخشان در دفاع از امامان اهل بیت علیهم السلام است. او در گفتار و رفتار، ایمان و اعتقاد خود را به اهل بیت نشان داده است. به ویژه مواضع سیاسی او در برابر بنی امیه که در مناظره‌های او با معاویه جلوه کرده، حاکی از اعتقاد و وفاداری او به مکتب اهل بیت علیهم السلام و مخالفت با حاکمیت بنی امیه است. البته او نیز در زمره شخصیت‌هایی است که توفیق حضور در کربلا و قیام عاشورا را نداشته و تاریخ عذر وی را در نپیوستن به کاروان امام، روشن نساخته است. اما متأخرین به ناپینایی ایشان اشاره کرده‌اند.

عبدالله بن عباس مشهور به ابن عباس

ابن عباس پسر عموی امام علی علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود. او تا سال ۶۸ق یعنی هشت سال بعد از حادثه کربلا زنده بود و در این سال درگذشت. با وجود ارادت و اعتقادش به ائمه علیهم السلام و امام حسین علیه السلام اما چندی قبل از حادثه کربلا ناپینا شد و به همین دلیل از حضور در قیام حسینی معذور بود.^۱

شخصیت ابن عباس: عبدالله پسر «عبّاس بن عبدالمطلب» و «لبابه بنت حارث بن حزن» بود.^۲ او در دوران حضور بنی هاشم و مسلمانان در شعب ابی طالب (حدود سال سوم قبل از هجرت) به دنیا آمد.^۳

عبدالله نیز مانند پدرش اندکی قبل از فتح مکه، اسلام اختیار کرد، اما با سن کمی که داشت بعد از فتح مکه به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ حنین و طائف شرکت کرد.^۴

منابع اسلامی، به ویژه منابع اهل سنت، روایات بسیاری را در مورد ابن عباس ذکر کرده‌اند که بیشتر آنها دعاهایی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حق ایشان است.

هر دو فرقه بزرگ اسلام، نقل‌ها و برداشت‌های او را نقل کرده‌اند؛ منابع روایی و تفسیری شیعه^۵ و اهل سنت^۶ انباشته از روایاتی است که از ابن عباس نقل شده و این نشان از عمق دانش او دارد که به همین دلیل میان برخی مسلمانان به «حبر الأمة» شهرت دارد.

با وجود این که جنبه علمی ابن عباس از شهرت بیشتری برخوردار است، اما زندگی سیاسی او نیز قابل تأمل است. او در دوران سه خلیفه اول، به دلیل سن کم، فرصت چندانی برای نشان دادن

۱. الطبقات الكبرى، الطبقة الخامسة، ج ۱، ص ۱۳۶؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۳۵؛ المعارف، ص ۷۳؛ الاستیعاب، ج ۳، ص ۷۰؛ سعد السعود، ص ۲۸۵؛ أسدُ الغابة، ج ۳، ص ۱۹۰؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۵۶-۵۷؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۹۱؛ الاطلاق النقیسه، ص ۲۷۸؛ الاعلام، ج ۴، ص ۹۵؛ نکت الهمیان، ص ۱۸۰.

۲. المنتظم، ج ۶، ص ۷۲.

۳. الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۱، ص ۳۷.

۴. البداية و النهاية، ج ۸، ص ۲۹۶.

۵. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۷۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۹.

۶. تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۹۹؛ المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم (صحیح مسلم)، ج ۳، ص ۱۵۴۳.

توانایی‌های خود نداشت، ولی در عین حال در سال پایانی خلافت عثمان، مسئولیت امور حاجیان را بر عهده داشت.^۱ اوج ورود ابن عباس به مسائل سیاسی در دوران خلافت امام علی علیه السلام بود.

ابن عباس و امام علی علیه السلام: پس از آن که امام علی علیه السلام به حکومت رسید، عبدالله بن عباس را به عنوان حاکم شام انتخاب کرده و از او خواست تا حکومت آن منطقه را به دست گیرد. اما عبدالله از قبول این درخواست خودداری کرد و به آن حضرت گفت: از آن جایی که معاویه از بنی امیه و پسر عمه عثمان است و از طرف خود او نیز حکومت شام را در دست دارد، من نسبت به جان خود از ناحیه او ایمن نیستم. ترس آن را دارم که حتی اگر مرا نکشد، حبسم کند.^۲ پس از آن حضرتشان حکومت یمن را به او داد.^۳ با آغاز جنگ‌های ناخواسته که بر امام علی علیه السلام تحمیل شد، ابن عباس به کمک امام شتافت و در هر سه جنگ جمل، صفین و نهروان شرکت کرد.^۴

ابن عباس از شاگردان ویژه امام علی علیه السلام بود و مردم نیز او را با همین ویژگی می‌شناختند. او تواضع نسبت به استادش را از یاد نمی‌برد و هنگامی که از او پرسیدند: فاصله میان دانش تو و دانش پسرعمویت (امام علی علیه السلام) چه اندازه است؟ گفت: مانند نسبت قطره‌ای به دریا!^۵

همچنین اعتماد امام علی علیه السلام به ابن عباس تا اندازه‌ای بود که در ماجرای حکمیت میان امام و معاویه، او یکی از کاندیداهای امام برای نمایندگی از خودشان بود^۶ اما با مخالفت برخی، مجبور به انتخاب ابوموسی اشعری شد.

با تمام آنچه در مزایای ابن عباس بیان شد، اما ماجرای وجود دارد که انتقاداتی را متوجه او کرده و آن زمانی است که ابن عباس در پی واقعه‌ای از امام دلگیر شد و با برداشتن بخشی از بیت المال از مقر فرمانروایی خود (بصره) به مکه رفت که این رفتارش مورد نکوهش شدید امام قرار گرفت.^۷ در این ارتباط نامه‌هایی میان او و امام رد و بدل شد.

پس از شهادت امام علی علیه السلام: با شهادت امام علی علیه السلام، قدرت شیعیان رو به افول نهاد تا جایی که فرزندشان امام حسن علیه السلام مجبور به صلح با معاویه و واگذاری خلافت شد. پس از این ماجرا ابن عباس نیز مانند دیگر بزرگان شیعه که در حجاز حاضر بودند، بدون آن که در مقابل معاویه مقاومت کنند، در خدمت حکومت او نیز قرار نگرفته و متصدی هیچ مسئولیتی نشدند. ابن عباس در این مدت به نشر دانشی پرداخت که بیشتر آن را از امامش آموخته بود.

در ماجرای قیام امام حسین علیه السلام، ابن عباس با گوشزد کردن بی‌وفایی کوفیان، امام را از سفر به بر حذر داشت. وی با آن که قلباً طرفدار امام بود، اما در سفر به کربلا همراهشان نشد.

۱. تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، ج ۴، ص ۴۴۸.

۲. تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۵۳۸.

۳. الأخبار الطوال، ص ۱۴۱، قم.

۴. البداية و النهاية، ج ۸، ص ۳۰۴.

۵. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۹.

۶. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۷۷.

۷. تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، ج ۵، ص ۱۴۱.

پس از شهادت امام حسین علیه السلام و مرگ یزید، ابن زبیر که قدرت را در مکه به دست گرفته بود، با تحت فشار قرار دادن ابن عباس و محمد بن حنفیه خواهان بیعت گرفتن از آنان شد، اما آنان تعدادی از شیعیان عراق را برای رهایی خود به کمک فراخواندند و در نهایت ابن عباس به طائف رفته و با ابن زبیر بیعت نکرد.^۱

ابن عباس در اواخر عمر خود نابینا شد.^۲ برخی منابع در علت نابینایی او در اواخر عمر، حدیثی قابل تأمل و قابل اشکال نقل کرده‌اند که بر اساس آن، ابن عباس در جوانی جبرئیل را با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دیده بود و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت چون چشمانت جبرئیل را دید، در اواخر عمر نابینا خواهی شد!^۳

ابن عباس در نهایت در سال ۶۸ ق، در سن ۷۱ سالگی در طائف از دنیا رفت و محمد بن حنفیه بر او نماز گزارد.^۴

محمد بن حنفیه

محمد بن حنفیه از فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام و برادر ناتنی امام حسین علیه السلام است. محمد و حسین هر دو پدرشان علی بن ابیطالب ولی مادر محمد خوله بنت جعفر و مادر حسین، فاطمه زهرا است. محمد شجاع و دلیر و شخصیت محترم بوده است. اما در قیام امام حسین علیه السلام شرکت نکرد.

پس از اینکه امام حسین علیه السلام تصمیم گرفت، تن به خواست‌های یزید ندهد و مدینه را ترک کند، بین امام و محمد بن حنفیه، سخنان بسیار بوده که در مقاتل و منابع تاریخی نقل شده است. علمای شیعی دلایلی را در مقام دفاع از محمد بن حنفیه و توجیه عدم همراهی او با امام حسین علیه السلام مطرح کرده‌اند که می‌توان آنها را به چهار دسته تقسیم نمود:

۱. بیماری او در موقع قیام کربلا.
 ۲. مأموریت داشتن از امام برای ماندن در مدینه.
 ۳. از قبل مشخص بود که جزء شهدای کربلا نیست؛ چون نام او در لوح محفوظ جزء اصحاب امام حسین علیه السلام نبود.
 ۴. مکلف نشدن به همراهی از جانب امام حسین علیه السلام.
- اما در مورد بیماری محمد حنفیه توسط علامه حلی برای توجیه عدم حضور محمد بن حنفیه در کربلا در جواب مهنا بن سنان مطرح شده است. او می‌گوید:
- و اما تخلفه عن نصره الحسين عليه السلام فقد نقل انه كان مريضا.^۱ یعنی تخلفش از یاری حسین علیه السلام را مربوط به بیماری او دانسته‌اند. بعضی بیماری او را چشم درد ذکر کرده‌اند.^۲ و بعضی به بیماری دستان و فلج شدن دستان او اشاره کرده‌اند.^۳

۱. البداية و النهاية، ج ۸، ص ۳۰۵-۳۰۶.

۲. أسد الغابة، ج ۳، ص ۱۹۰.

۳. همان، ص ۱۸۹؛ اعيان الشيعة، ج ۸، ص ۵۵، ابن عباس و مكانته في التفسير، محمدباقر حجتی.

۴. أخبار الدولة العباسية و فيه أخبار العباس و ولده، ص ۱۳۰.

سپهر در مورد بیماری او نوشته است:

محمد بن حنفیه از آن روزی که کاروان امام حسین علیه السلام از مدینه خارج می شد رنجور بود.^۴ از معاصرین هم بعضی مدعی بیماری محمد بن حنفیه در موقع حرکت امام حسین علیه السلام به طرف کوفه هستند. نویسنده‌ی نهج الدموع بدون بیان منابع و مأخذ می نویسد: محمد بن حنفیه در اثر این که زرهی را زیادی با دست پاره کرده و به دور افکنده بود، شخصی او را چشم زد و فوراً به درد دست مبتلا گردید و تا آخر عمر مبتلا بود.^۵ اما بعضی اینها را قبول نکرده و معتقدند محمد بن حنفیه کوتاهی کرده است.^۶

ابوسعید خُدْری

یکی از شخصیت‌هایی که امام حسین علیه السلام را همراهی نکرد و در قیام حسینی شرکت نکرد ابوسعید خُدْری است.

سعد بن مالک بن سنان معروف به ابوسعید خُدْری، ۱۰ سال پیش از هجرت متولد و در سال ۷۴ق درگذشت. ابوسعید منسوب به نیای بزرگ خود خُدْره است که به ابجر شهرت داشت. و بنی خُدْره تیره‌ای از بنی عوف انصار بودند. پدر ابوسعید از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مادرش انیسه بنت ابی حارثه، از قبیله بنی نجار بود. ابوسعید به هنگام جنگ احد ۱۳ ساله بود که پدرش او را برای شرکت در جنگ معرفی کرد و به رغم اصرار پدرش، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به سبب خردسالی، شرکت او را در جنگ نپذیرفت، اما پس از احد، وی در غزوات مختلف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شرکت کرد. در زمان خلافت حضرت علی علیه السلام او در جنگ‌های صفین و نهروان همراه آن حضرت بود. ابوسعید با بنی امیه رابطه دوستانه نداشت و در فرصت‌هایی که پیش می آمد، از آنان انتقاد می کرد. از جمله هنگامی که مروان بن حکم خطبه عید را بر نماز مقدم داشت، با اعتراض ابوسعید روبه رو شد. همچنین در روزگار خلافت معاویه، برای اعتراض به کار او به شام رفت. ابوسعید در زمان یزید و در واقعه حرّه، در حمله سپاهیان شام به مدینه، در خانه نشست، اما لشکریان شام به خانه‌اش ریختند و از وی پول و مال طلب کردند و چون به چنگ نیاوردند، او را مورد شکنجه قرار دادند. به روایتی دیگر در روز حره ابوسعید به غاری پناه برد و یکی از لشکریان شام که به قصد کشتن او آمده بود، پس از آنکه او را شناخت، از وی خواست تا برایش طلب مغفرت کند. بیشتر مورخان وفات وی را در ۷۴ق ضبط کرده اند ولی برخی نیز آن را یک سال بعد از واقعه حره، در ۶۴ق گفته اند؛ محل دفن وی چنانکه در برخی منابع تصریح گردیده در مدینه و بقیع بوده است، ولی گفتنی است که مزار وی هم به نام او در استانبول وجود دارد.

۱. بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۱۱۰.

۲. مقتل الحسین، المرقم، ص ۱۳۵.

۳. مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۷؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

۴. ناسخ التواریخ، سپهر، ص ۳۷۴.

۵. منهاج الدموع، قرنی گلپایگانی، ص ۲۵۹.

۶. محمد بن حنفیه و قیام کربلا، محمدعلی چلونگر.

مورخان او را یکی از بزرگان انصار دانسته و بر فقاہت او تأکید کرده‌اند. رجال شناسان شیعه نیز وی را بزرگ داشته و از وی سخت ستایش کرده‌اند؛ برخی وی را در بین اصحاب پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم در ردیف سلمان و ابوذر قرار داده و در بین اصحاب امام علی علیہ السلام در زمره «اصفیاء» اصحاب شمرده است. در رجال کشی از امام صادق علیہ السلام نقل شده که ابو سعید در دین استوار و آشنا به حق بوده است و از فضل بن شاذان نیز حکایت شده که ابو سعید از سابقین اصحاب آن امام بوده است.

اما علت عدم پیوستن خُدَری به امام حسین علیہ السلام و شرکت نکردن در قیام حضرت را به دلیل پیری، شکستگی و کم بینی چشمانش دانسته‌اند.

عقیل بن ابی طالب (درگذشت ۶۰ ق/ ۶۸۰ م)

ابو یزید عقیل بن عبد مناف (ابی طالب) بن عبدالمطلب هاشمی قریشی از اصحاب رسول خدا و برادر حضرت علی علیہ السلام ولی مسن تر از او است. در دوره جاهلیت داور مردم به هنگام مجادلات و منازعات بود و مردم او را قبول داشتند.

عقیل بر شرک باقی ماند تا جنگ بدر. قریش او را به زور به جنگ با مسلمانان آوردند. مسلمانان او را به اسارت گرفتند ولی عباس او را آزاد ساخت و به مکه بازگشت. اما بعد از حدیبیه اسلام آورد و در سال ۸ ق به مدینه مهاجرت کرد. در جنگ موته حضور داشت. در دوره خلافت علی علیہ السلام با او اختلاف پیدا کرد و طرف معاویه رفت.

در مسجد مدینه کلاس داشت و تاریخ و انساب درس می‌داد. در اواخر عمرش نابینا شد. در عهد یزید یا اواخر خلافت معاویه درگذشت. حدود یکصد سال عمر نمود.^۱

مَعْن بن اَوْس (درگذشت ۶۴ ق/ ۶۸۳ م) (نابینا)

معن بن اوس بن نصر المزنئی شاعر مخضرمی در جاهلیت و اسلام است. جمعی از اصحاب او را مدح کرده‌اند. سفرهایی به شام و بصره داشت. در اواخر عمرش نابینا شد. و در مدینه درگذشت. با شخصیت‌هایی مثل ابن عباس معاشرت داشت؛ عمر بن خطاب و معاویه به اکرام او پرداختند. دیوان شعری دارد که توسط کمال مصطفی با عنوان معن بن اوس چاپ شده است.^۲

عبدالله بن عَمَر (۱۰ هـ. ق - ۷۳ ق)

ابو عبدالرحمن عبدالله بن عمر بن الخطاب العدوی، از صحابه معروف پیامبر اکرم بود. ده سال قبل از هجرت و به عبارت دیگر در سال سوم بعثت متولد شد و در سال ۷۳ هجری درگذشت.

۱. الاعلام، زرکلی، ج ۴، ص ۲۴۲؛ نکت الهمیان، ص ۲۰۱، طبقات ابن سعد، ج ۴، ص ۲۸.

۲. الاعلام، زرکلی، ج ۷، ص ۲۷۳؛ معجم المطبوعات، ص ۱۷۶۷.

همراه پدرش به مدینه مهاجرت کرد؛ در فتح مکه حضور داشت. محل تولد و وفاتش مکه است. حدود شش دهه مفتی بود و به راهنمایی مردم در امور شرعی می‌پرداخت. پس از قتل عثمان، عده‌ای خواستند با او بیعت کنند ولی نپذیرفت. در سال‌های آخر عمرش نابینا شد، ۲۶۳۰ روایت از طریق او نقل شده است.^۱

عبدالله بن حارث (درگذشت ۸۶ق / ۷۰۵م) (نابینا)

عبدالله بن الحارث بن جزء الزبیدی از اصحاب رسول خدا است. برای تبلیغ به مصر رفت و ساکن مصر شد. او آخرین صحابی است که در مصر درگذشت. در آخر عمرش نابینا شد. روایاتی از طریق او نقل شده است.^۲

اسماء بن عبدالله

اسماء دختر ابوبکر (عبدالله بن ابی قحافه)، ۲۷ سال پیش از هجرت به مدینه، در شهر مکه چشم به جهان گشود. در مکه رشد کرد و در جوانی با زبیر بن عوام ازدواج نمود. جزء بیست نفر نخستین اسلام آورندگان به واسطه پدرش بود.

مهم‌ترین خدمت او به جامعه پویای اسلامی کمک به مخفی شدن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ابوبکر در غار، در راه مکه و مدینه و تأمین نیازمندی‌های آنان به ویژه خوراک آنان بود. نقش اسماء بیش از یک فرد مطلع بوده و در گمراه کردن تعقیب‌کنندگان مؤثر بود. ابن اثیر رخدادهای مربوط به هجرت را با تفصیل بیشتر گزارش کرده است. آنان سه روز در غار بودند. اسماء هر روز پس از تاریک شدن هوا برای آنان غذا می‌برد. رفتن به سمت غار هم به بهانه چراندن گوسفند بود.

قریش یکصد شتر و افراد فراوانی را مأمور یافتن رسول خدا و همراهانش کرده بود. فضای امنیتی شدید بر مسیر مکه به مدینه حاکم بود. گروهی به رهبری ابوجهل خانه‌های مکه را تفتیش می‌کردند وقتی به خانه ابوبکر رسیدند از اسماء پرسیدند، پدرت کجا است؟ اسماء گفت نمی‌دانم؛ ابوجهل سیلی محکمی به گونه اسماء زد.

نیز یکی از افتخارات اسماء این است که او را به «ذات النطاقین» لقب داده‌اند. نطق به معنای کمربند و پیش‌بند است. چون پیش‌بند خود را دو قسمت کرد و غذای پیامبر را در آن بست و نزد حضرت برد.

بعداً با تغییر ارزش‌ها، ذات النطاقین که روزی افتخار بود، توسط شامیان و پیروان معاویه به عنوان لقب منفی و مذمت به کار می‌رفت و مثلاً پسر اسماء را فرزند ذات النطاقین می‌خواندند.

اسماء چندی پس از هجرت رسول خدا، او هم به مدینه هجرت کرد. گاه درباره فعالیت‌های اجتماعی او مثل شرکت در جنگ یرموک همراه شوهرش زبیر در دوره خلافت عمر گزارش شده

۱. الاعلام، زرکلی، ج ۴، ص ۱۰۸؛ طبقات ابن سعد، ج ۴، ص ۱۰۵-۱۳۸؛ سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۳؛ نکت الهمیان، ص ۱۸۳.

۲. الاعلام، زرکلی، ج ۴، ص ۷۷.

است. اما چندی بعد از زبیر جدا شد و تا آخر عمرش با فرزندانش زندگی می‌کرد. او تا سال ۷۳ ق و حدود یکصدسال زندگی کرد. اما چند دهه آخر عمرش نابینا و ناتوان شده بود. دانشمندان رجالی اهل سنت، اسماء را راوی و محدث ثقه و مورد اطمینان دانسته‌اند. او روایات فراوانی نقل کرده است. راویان پرکاری مثل عباد بن عبدالله، عروه بن زبیر و فاطمه بنت منذر از او روایت نقل کرده‌اند. نیز در حوادث فرهنگی و اجتماعی سده اول و دوم هجری صاحب رأی بود و نقش داشت. او زنی فصیح بود و شعر می‌سرود. در رثاء شوهرش زبیر، مرثیه‌ای سروده که در منابع تاریخ درج است. دانش‌های دیگری مثل تعبیر خواب می‌دانست و به دیگران آموزش می‌داد. آیه ۶ در سوره ممتحنه در شأن او نازل شده و اسماء را ضمناً عدالت پیشه و مقسط و غیرظالم به حقوق دیگران می‌خواند.

در مجموع با اینکه تقریباً یک سوم از عمرش را دچار معلولیت و ناتوانی و نابینایی بود ولی همواره در امور اجتماعی و فرهنگی مسلمانان فعال بود. حتی زن بودن او مانع فعالیت‌های او نبود. از اینرو الگوی مناسبی برای توان خواهان و معلولین امروزی است. وی در سال ۷۳ ق درگذشت و در هنگام قیام حسینی در قید حیات بود ولی چون زن بود یا هر دلیل دیگر داشت شرکت نکرد.

جابر بن عبدالله انصاری

جابر انصاری از اصحاب مشهور رسول خدا (ص)، و راوی حجة الوداع پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مدفون در بقیع از یاران ائمه علیه السلام، از روایان به نام و نیز مدفون در بقیع است. نام کامل او را چنین نوشته‌اند:

جابر بن عبدالله بن عمرو بن حرام / حزام با کنیه ابوعبدالله، ابومحمد و ابوعبدالرحمن از تیره بنی سلمه قبیله خزرج است. جابر همراه پدرش در جمع ۷۰ نفری یثربیان (انصار) در موسم حج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در عقبه منا دیدار و بیعت کرد.

پدر او یکی از نقیبان خزرج و جابر جوان‌ترین فرد در میان بیعت‌کنندگان عقبه دوم بود. با توجه به مدت عمر جابر، سن وی گویا در آن هنگام حدود ۱۶ سال بوده است. جز غزوه‌های بدر و أحد جابر در دیگر غزوه‌ها حضور داشت. به دلیل سرپرستی خواهرانش در بدر حضور نداشت. گزارش‌هایی از شرکت او در نبرد بدر و آب‌رسانی به رزمندگان در دست است که شماری از منابع آن را انکار کرده‌اند. بر پایه گزارشی، جابر در نبرد أحد که عبدالله بن ابی و همراهانش به بهانه بی‌اعتنایی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به نظرشان از أحد بازگشتند، با نكوهش آن‌ها یادآور شد که باید به حفظ دین، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سرزمین خود تعهد داشته باشند.

در پی شهادت پدر جابر در احد که برخی او را نخستین شهید این غزوه دانسته‌اند. وی نزد جنازه پدر آمد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با بشارت دادن به جابر درباره جایگاه والای پدرش که از خداوند بازگشت به دنیا و شهادت دیگر بار در راه او را آرزو دارد، وی را دل‌داری داد. برخی بر خلاف مشهور، نزول آیه ۱۶۹ آل عمران / ۳ را در پی این رویداد دانسته‌اند. معاویه در دوران حکومتش در صد جاری ساختن چشمه‌ای در احد برآمد و اعلام نمود که هر کس شهیدی در آن جا دارد، حضور یابد. جابر پس از چند دهه جنازه پدر را یافت که هنوز خون از آن جاری بود.

در غزوه خندق (۵ق) جابر که خانه‌اش نزدیک آن قرار داشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را مهمان خود کرد. به رغم اندک بودن غذا، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و صحابه گروه گروه به منزل او وارد شدند و غذا خوردند و طعام برکت یافت.

جابر در غزوه حدیبه (۶ق) و بیعت رضوان حضور داشت و شاهد عینی رویداد بود. وی حاضران در این بیعت را ۱۴۰۰ نفر دانسته و مفاد آن را حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا پای جان یاد کرده است. از حضور وی در غزوه تبوک (۹ق) و حجة الوداع نیز یاد شده است.

جابر در سفری، هنگام شب شترش را به پیامبر فروخت و تا مدینه پشت سر ایشان بر مرکبش سوار شد و ایشان چند بار برای جابر استغفار کرد. از این شب به «لیلة البعیر» تعبیر شده است. به گزارش ابن سعد، استغفار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای جابر در غزوه ذات الرقاع (۴ق) رخ داد و ایشان در آن جا از بدهکاری‌های پدرش پرسید. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جابر را بر مرکب سوار کرد و به او ۷۰ حدیث آموخت که کسی نشنیده بود. نیز گفته‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کلماتی از جبرئیل را به وی آموخت.

جابر را به رغم دانش بسیار و صفات برجسته، فردی متواضع شمرده‌اند؛ از جابر سخنانی حکمت‌آمیز گزارش شده است. برخی از متمایلان به تصوف، جابر را از صفه‌نشینان انصار در مسجد نبوی دانسته‌اند. اما گویا وی مانند مهاجران در آن جا سکونت نداشته، بلکه تنها با ساکنان صفه در ارتباط بوده و گاه در صفه به استراحت می‌پرداخته است.

جابر فردی دانشمند بود و در فراگیری حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و برخی صحابه برجسته، پس از رحلت ایشان اهتمام جدی داشت. او حافظ سنت نبوی و مفتی مدینه به شمار می‌رفت. سهم جابر در گزارش رویدادهای صدر اسلام و اخبار مربوط به غزوات و سربازی پیامبر (ص)، در خور توجه است.

جابر از پیشگامان تفسیر و در شمار راویان مشهور حدیث نبوی است و از او ۱۵۴۰ حدیث گزارش شده است. وی دارای یک مسند است که نسخه خطی آن به روایت عبدالله بن احمد بن حنبل در خزانه الرباط در مغرب موجود است. او مجموعه‌ای از روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نگاشت که به نام صحیفه جابر شهرت دارد.

در دوره خلفا: جابر در خلافت ابوبکر همراه خالد بن ولید در فتوحات شام شرکت داشت. نیز در خلافت عمر (۱۵ق) در نبرد قادسیه با ایرانیان حضور داشت. گفته‌اند که عمر او را به عنوان عَرِیف (بزرگ و رابط میان تیره خود با حکومت) برگزید. گزارشی از میانجیگری جابر در ماجرای شورش بر ضد عثمان، میان معترضان مصری و خلیفه، در دست است.

ارتباط با اهل بیت علیهم السلام: وی ناقل روایات فراوان در باره فضیلت‌های اهل بیت علیهم السلام است؛ از جمله: حدیث لوح، حدیث قتال علی علیه السلام با ناکثین و قاسطین و مارقین، حدیث منزلت، روایت غدیر، حدیث شجره، حدیث سدّ باب، تعداد امامان، غیبت امام زمان (عج) به عنوان یکی از فرزندان رسول خدا (ص)، محشور شدن دشمنان اهل بیت به شکل یهودی، مشارکت علی علیه السلام در قربانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حجة الوداع، و نماز خواندن امام علی علیه السلام در روز پس از بعثت با رسول خدا (ص).

جابر در زمره اصحاب چند تن از امامان است. وی در دوران خلافت امیر مؤمنان علیه السلام از خواص ایشان بود. او را از اعضای «شُرطَةُ الحَمِیس» (نیروهای وفادار و متعهد به پایداری تا مرگ) دانسته‌اند. او در نبرد صفین حضور داشت. او در پاسخ سؤالی درباره نبردهای امام علی علیه السلام تصریح کرد که جز کافر در حقانیت جنگ‌های او تردید نمی‌ورزد. بر پایه گزارشی، جابر پس از ماجرای حکمیت به سال ۴۰ق در مدینه بود. از وی در دوران خلافت امام حسن علیه السلام نیز گزارشی یافت نشده است. آورده‌اند که وی در روز شهادت امام حسن علیه السلام حضور داشت. هنگامی که نزدیک بود میان امام حسین علیه السلام و مروان بن حکم بر سر دفن امام حسن علیه السلام کنار جدش فتنه درگیرد، جابر با حسین بن علی علیه السلام سخن گفت تا برادرش را کنار آرامگاه مادرش در بقیع به خاک بسپارد و او هم، چنان کرد.

جابر در رخداد عاشورا حضور نداشت. وی در این هنگام نابینا بود. او را نخستین زائر حسینی دانسته‌اند که در اربعین سیدالشهداء علیه السلام با حالتی پریشان به زیارت ایشان شتافت. وی دوران کودکی امام باقر علیه السلام را درک کرد. به گزارش خود او، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از زنده ماندن او و دیدارش با امام پنجم که همانند و هم‌نام ایشان است، گزارش داده و فرموده بود که سلامش را به او برساند. از این رو، جابر مشتاق دیدار امام باقر علیه السلام بود و چون وی را دیدار کرد، دست و پایش را بوسید و سلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به او رساند. شماری از منابع در وجه انتخاب لقب باقر برای آن امام، به سخن جابر استناد می‌کنند. امام صادق علیه السلام وی را واپسین باقی‌مانده اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانسته و از او با تعبیر «کان منقطعاً الینا اهل البیت» یاد کرده است.

به همین دلیل روابط جابر با بنی‌امیه دوستانه نبود. بر پایه گزارشی، در یورش سپاه معاویه به فرماندهی بسر بن اریطه به مدینه (۴۰ق) که با غارت و تهدید و بیعت گرفتن از مردم برای معاویه همراه بود، وی در پی جابر فرستاد و او که این بیعت را گمراهی می‌دانست، پس از مشورت با ام سلمه، همسر رسول خدا (ص)، و با صلاح دید او که گفته بود بیعت آنان همانند اصحاب کهف است که به شیوه تقیه و به رغم میل خود همراه قومشان در عیدها شرکت می‌کردند و به هیئت آنان در می‌آمدند، با بسر بیعت کرد.

دوره پایان عمر و میراث جابر: جابر در اواخر عمر به مکه کوچ کرد؛ اما دیگر بار به مدینه بازگشت و در آن شهر که زادگاهش بود، درگذشت. او اواخر عمر نابینا بود و به نقلی، واپسین فرد از صحابه مدنی بود که درگذشت. او هنگام رحلت حدود ۹۰ یا ۹۴ سال داشت. ابان بن عثمان اموی، حاکم مدینه، بر جنازه‌اش نماز گزارد. برخی بر آنند که حجاج بن یوسف بر او نماز خوانده است. این گزارش با وصیت جابر که حجاج بر او نماز نخواند، سازگاری ندارد. وانگهی هنگام درگذشت جابر، حجاج به سال ۷۴ق در حجاز بود. شاید او برای حج آمده و مصادف با درگذشت جابر آن جا بوده است. مدفن جابر در بقیع است؛ اما برخی به اشتباه برای او در شوشتر خوزستان از بقعه‌ای یاد می‌کنند که باید متعلق به نوادگان او باشد. شوشتری این بقعه را از آن یکی از عالمان این شهر دانسته است.^۱

۱. بقیع نامه، تابستان و پاییز، ۱۳۹۴، ص ۲۱-۲۵.

همراهی در امور دیگر

بعضی معلولان در پیروی از امامت شیعی تا شهادت پیش رفتند ولی بعضی در پیروی از امام به امور فرهنگی، علمی و تبلیغی یا عمرانی و اجتماعی رو آوردند.

علاوه بر اینکه نابینایان و دیگر شخصیت‌های دارای معلولیت در روز عاشورا حضرت را همراهی کردند، پس از شهادت و در سال‌های بعد هم در ترویج خط‌مشی امام حسین علیه السلام فعالیت نمودند.

اولین زائران مقابر مطهر در کربلا غیر از خاندان امام حسین علیه السلام، کسانی مثل جابر انصاری بودند که دارای نابینایی بودند. این رخداد نشانگر این است که جامعه معلولان از ابتدا به امام حسین علیه السلام ارادت ویژه داشته‌اند. اما ماجرای زیارت جابر را در فصل «زیارت معلولین» می‌آوریم.

دسته دیگر از معلولین بودند که در دوره‌های بعد از دوره امام حسین علیه السلام، به عمران و آبادانی کربلا و آستان مقدس حضرت پرداختند؛ مثل سید ابراهیم مجاب که در سال ۲۴۷ق از کوفه به کربلا مهاجرت کرد و در کربلا سکونت گزید و در عمران کربلا بسیار کوشید. او را اولین کسی دانسته‌اند که در کربلا خانه ساخت و ساکن شد.

سید ابراهیم فرزند سید محمد عابد، نوه امام موسی بن جعفر علیه السلام، معروف به سید ابراهیم مجاب که در منابع قدیمی از وی با عنوان ضریر کوفی یاد می‌شود. اولین شخصیت از اولاد فاطمه زهرا سلام الله علیه بود که در سال ۲۴۷ق به کربلا رفته و در آن جا سکونت گزید. امروزه نیز چندین طایفه بزرگ از سادات موسوی از نسل همین سید بزرگوار در کربلا زندگی می‌کنند. بعضی پژوهشگران مثل نویسنده بقعه سید ابراهیم مجاب در دایرةالمعارف تشیع به نقل از اعیان الشیعه نوشته است:

«بین مؤرخان و نسب شناسان اتفاق نظر است که پس از ویرانی کربلا به دستور متوکل، اولین علوی که در دوره مستنصر بالله فرزند متوکل به سال ۲۴۷ق، کربلا را مسکن دائمی خویش قرار داد، سید ابراهیم مجاب بود. وی که از کوفه به کربلا هجرت کرد بینایی خود را از دست داده بود».^۱

معروف است؛ هنگامی که او را به کنار قبر سیدالشهداء علیه السلام هدایت کردند و بر امام حسین علیه السلام سلام داد، از داخل قبر مطهر پاسخ سلام او داده شد؛ لذا بدین جهت وی به سید ابراهیم مجاب (جواب داده شده) شهرت یافت. علامه سید محسن امین پس از نقل این داستان می‌گوید: «و الله اعلم بصحة ذلك»؛ خداوند داناتر به درستی این داستان است.^۲

امروز بقعه ابراهیم مجاب، در زاویه شمال غربی رواق مطهر حسینی در نقطه تلاقی رواق شاهی و رواق بالای سر واقع است و دارای ضریحی از برنج به ابعاد ۳*۳ و ارتفاع حدود ۲ متر است. در وسط ضریح صندوق نفیس خاتم کاری قرار دارد. این بقعه از زیارتگاه‌های مهم داخل آستانه حسینی است. در سده چهارده و پانزده قمری عده‌ای از سادات معروف به سادات گوشه دزفول خود را از نوادگان سید مجاب دانستند و لقب و فامیل خود را مجاب نمودند. یکی از مشاهیر این خاندان سید محمدکاظم مجاب است.

۱. دایرةالمعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۴۵.

۲. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۲۲۴.

افراد بسیار در کسوت‌ها و مشاغل مختلف در ترویج پیام امام حسین علیه السلام و بسط تفکر عدالت خواهی حضرت کوشیده‌اند. سُلَیم بن قیس هلالی در کتابش به عنوان اولین نویسنده کوشیده تا پیام حسینی را زنده نگه دارد. سلیمان بن قته را نخستین کسی دانسته‌اند که مرثی زیبایی درباره حضرت سرود. سعیده بنت مالک خزاعی را اولین زنی دانسته‌اند که در صحرای کربلا در سال ۶۱ هجری ناله و شیون سر داد و مرثی درباره شهداء و امام شهیدان خواند.^۱

اما تا کنون تحقیق جامع و گسترده درباره کسانی که معلولیت داشته و در این حوزه فعال بوده‌اند، انجام نگرفته و عرضه نشده است.

در صورتی که چنین تحقیقی انجام شود، تاریخ معلولان و دغدغه‌های آنان هم به دست می‌آید.

۱. دایرةالمعارف تشیع مقاله‌های سعیده بنت مالک؛ سلیمان بن قته.

فصل سوم: تداوم خط حمایت و شهادت

یاران امام حسین علیه السلام و کسانی که از امام تبعیت کردند و در قیام حسینی شهید شدند، سنگ بنایی را پایه‌گذاری کردند تا سال‌ها ماند و تداوم یافت. معلولان در دوره‌های بعد، از معلولین دوره امام حسین علیه السلام الگوگیری کردند و به حمایت از امام، ترویج تشیع و اگر لازم بود شهادت پرداختند.

بعضی از آنان با پیروی از این شهیدان معلول، به قیام و مبارزه علیه ظلم و فساد و تبعیض رو آوردند و بالاخره شهید شدند و بعضی به ترویج و تبلیغ و امور فرهنگی و علمی رو آوردند. اینجا اصحاب دیگر امامانی که دارای نوعی معلولیت بودند، به اجمال معرفی می‌شوند. با شناخت وسیع‌تر یاران امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به حمایت معلولین از امام حسین علیه السلام بهتر پی می‌بریم. چون ائمه علیهم السلام حقیقت واحد هستند و یاری امامان پس از امام حسین علیه السلام در واقع حمایت از امام حسین علیه السلام هم هست. از طرف دیگر شهادت معلولین اولین بار در دوره امام حسین علیه السلام اتفاق افتاد و نوعی الگوی جدید در زندگی معلولان شکل گرفت و بعد از آن خط حمایت از امامت شیعی تداوم یافت.

سعید اعرج

سعید بن عبدالرحمان، ابو عبدالله و به قولی: ابن عبدالله أعرج سمان کوفی، از محدثان بزرگ و مورد وثوق شیعه که از محضر امام جعفر صادق علیه السلام کسب علم نموده و کتابی از مجموعه احادیث تألیف کرده است که از اصول مورد اعتماد به شمار آمده است. جمعی از راویان مشهور - همچون صفوان بن یحیی، و ابان بن عثمان، و معاویه بن وهب - از او حدیث گرفته‌اند، چنانکه او از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نیز روایت کرده است.

شیخ کلینی در حدیثی از او چنین روایت می‌نماید که گفت: من و سلیمان بن خالد به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدیم، امام آغاز سخن کرد و فرمود: ای سلیمان، هر دستوری که از امیرالمؤمنین علیه السلام رسیده باید پذیرفته شود، و هر چه را نهی فرموده باید اجتناب و ترک گردد، برای آن حضرت همان مزیت است که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بر تمامی مخلوق فضیلت و برتری است. هر کس در یکی از احکام حضرت علی علیه السلام عیب کند، مانند آن است که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عیب گرفته باشد، و هر که در مورد کوچک یا بزرگی رد نماید، در مرز شرک به خدا است. امیرالمؤمنین علیه السلام باب الله بوده که از غیر آن نتوان به خداوند رسید، او راه به سوی خدا است که هر آن که جز آن بیوید هلاک گردد، مقام ائمه علیهم السلام نیز همین است که یکی پس از دیگری، خداوند، ایشان را

ستون‌های اساسی زمین قرار داده تا زمین اهل خود را از بین نبرد، و حجت رسای خویش نمود بر آنان که روی زمین و آنان که زیر خاکند.^۱

ابوالاحوص

شُعَیر بن الخِمس تمیمی کوفی، ابومالک، یا ابوالاحوص از جمله راویان حدیث شیعه، وی از محضر مبارک حضرت امام صادق علیه السلام کسب فیض نموده، و به جمع اصحاب آن جناب پیوسته است. بعضی از رجال نویسان سنی او را مورد وثوق و راستگو برشمرده‌اند. جمعی از راویان همچون علی بن هشام عامری و دیگران از او حدیث آورده‌اند.^۲

احوص به کسی گفته می‌شود که آسیب و مشکل چشمی داشته باشد. در ترجمه آن چشم تنگ، کم‌بینا، یک چشمی، کسی که یک چشم او تنگ‌تر و کوچک‌تر از چشم دیگرش است و دارای چشمان تابنا گفته‌اند.

سلیمان بن خالد

ابوالزبیب سلیمان بن خالد بن دهقان بَجَلِی اقطع کوفی، از محدثان برجسته و فقها و قاریان اصحاب امام باقر و امام صادق علیه السلام. وی با زید بن علی بن الحسین علیه السلام خروج کرد، و در نبرد با سپاه بنی امیه انگشت او به شمشیر یوسف بن عمر - فرمانده لشکر مخالف - قطع شد، و غیر از او کسی از اصحاب امام باقر علیه السلام در قیام زید شرکت نداشت. و چون در آن خروج از امام باقر علیه السلام مأمور نبود، توبه کرد و به آن حضرت رجوع نمود. سلیمان کتابی داشته که آن را محدث مشهور شیعه عبدالله بن مسکان از او روایت کرده است. بعضی از علما روایات او را تا سیصد و چهار مورد شمارش کرده‌اند. جمعی از محدثان برجسته همچون ابن ابی عمیر، و جمیل بن دراج، و جمعی مشهور از او روایت کرده‌اند.^۳

سلیمان بن مهران اعمش

ابو محمد سلیمان بن مهران معروف به اعمش کوفی، مولای بنی کاهل از بنی اسد، از تابعین مشهور و از خواص اصحاب امام صادق علیه السلام. وی در علوم قرآن و حدیث و فرائض مهارت کامل داشته، و با آن که شیعی مذهب است علمای عامه از او بسیار تجلیل کرده‌اند، و به حفظ و قرائت و کثرت حدیث ستوده‌اند، و قرین زهری در حجاز دانسته‌اند و از جهت کمال وثاقت و صداقتش او را «مصحف» می‌خواندند.

لقب اعمش به سبب ضعف چشم و آب ریزش آن بوده است. بنابر مشهور سلیمان اعمش در کوفه به دنیا آمد، و بعضی گفته‌اند: در کودکی از ایران به کوفه برده شد، پدرش مهران از اهالی ری بوده است. تاریخ ولادت اعمش را عاشورای ۶۱ ق - روز شهادت امام حسین علیه السلام - ضبط کرده‌اند.

۱. دایرةالمعارف تشیع، ج ۹، ص ۱۷۵؛ معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۱۲۲.

۲. دایرةالمعارف تشیع، ج ۹، ص ۱۸.

۳. همان، ص ۲۷۴.

وی محضر چند تن از صحابه را درک کرد، و جمعی از تابعین را ملاقات نموده و از ایشان حدیث گرفته است. ابو وائل و سعید بن جبیر و عده‌ای دیگر از مشایخ او به شمار آمده‌اند، و جمع بسیاری از علما و مشاهیر همچون سفیان ثوری و غیره از او روایت کرده‌اند.

اعمش مردی هوشمند و حاضر جواب و نکته پرداز بوده که حکایات و نوادر بسیار از او نقل شده است تا آنجا که ابن طولون شامی کتابی به نام الزهر الانعش فی نوادر الاعمش تألیف کرده است، از جمله اینکه: روزی ابوحنفیه به اعمش گفته: از تو شنیدم که می‌گفتی: هرگاه خداوند نعمتی را از کسی بگیرد، به جای آن نعمت دیگری به او می‌دهد؟ اعمش گفت: همینطور است. ابوحنفیه گفت: اکنون بگو که خداوند به جای این که چشمانت را چنین بیمار و معیوب ساخته چه نعمتی به تو داده است؟ اعمش گفت: در عوض این نعمت را داده که پیر احمقی مثل تو را نمی‌بینم!

احادیث بسیار در فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام از اعمش روایت شده است، مرحوم علامه امینی او را در شمار راویان حدیث غدیر از تابعین یاد آورده، و طرق روایتش را از کتب عامه نقل کرده است. بازگو کردن این احادیث در آن عصر، مخالفتی آشکار با حکومت بود. سلیمان اعمش در نیمه ربیع الاول سال ۱۴۸ق وفات یافت.^۱

اعرجی‌ها

جامعه شیعیان کنونی ایران و عراق از نسبت دادن فردی به نوعی از معلولیت ناراحت می‌شوند. مثلاً کسی که واقعاً نابینا است اگر به او گفته شود کور یا کسی که مشکل حرکت در پا دارد اگر به او گفته شود شل و فلج معمولاً دلگیر و ناراحت می‌شوند. از این رو خانواده معلولین یا خود آنها بعضاً منکر معلولیت خود هستند یا دوست ندارند عضوی از جامعه معلولین شمرده شوند.

اما در گذشته مثل قرون نخست اسلامی چنین لقب‌ها و نسبت‌ها وجود داشته و کسی هم ناراحت نمی‌شده است. برای نمونه خاندان مشهوری در شیعه هست به نام آل اعرجی یا اعرجیون یعنی فرزندان لنگ یا لنگ و شل‌ها.

آل اعرجی از قدیمی‌ترین و بزرگترین خاندان‌های علمی شیعه در ایران و عراق و لبنان. این طایفه از ذریه عبیدالله اعرج فرزند حسین اصغر بن زین‌العابدین علیه السلام هستند، چون یک پای وی لنگ بود به اعرج شهرت یافت و لقب وی عنوان این سلسله تا عصر حاضر گشته است. بعضی از علمای این خاندان عبارتند از: (۱) امام ضیاءالدین ابوالحسن محمد (درگذشت ۵۳۷ق) فرزند حسین حسینی بلخی آل اعرجی از نقبا و زعمای بلخ؛ (۲) ابوالقاسم عبدالله محمد فرزند محمد بن حسین از اکابر علمای قرن ششم هجری در بلخ و صاحب ترجمه کتاب فضائل بلخ به فارسی در سال ۶۷۶ق؛ (۳) سید مجدالدین ابوالفوارس محمد فرزند فخرالدین علی بن محمد ابن احمد بن علی حسینی حلی آل اعرجی از فحول علمای قرن هشتم، همسر وی خواهر علامه حلی بود و از بطن او پنج فرزند ذکور به دنیا آمد به نام‌های جلال‌الدین علی و عمیدالدین عبدالمطلب و ضیاء‌الدین عبدالله و نظام‌الدین عبدالحمید و غیاث‌الدین عبدالکریم که همگی از اکابر علمای عصر خویش بوده‌اند؛ (۴) سید

۱. دایرةالمعارف تشیع، ج ۹، ص ۲۷۷-۲۷۸؛ اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۳۱۵؛ معجم رجال‌الحدیث، ج ۸، ص ۲۸۴.

ابوسعید حسن فرزند ضیاءالدین عبداللّه بن مجدالدین ابی الفوارس حسینی آل اعرجی از دانشمندان شیعه در قرن نهم هجری؛ (۵) سید فخرالدین عبدالوهاب فرزند ضیاءالدین عبداللّه بن مجدالدین ابی الفوارس از اکابر علما، مشهورترین اعقاب ذکور وی عیث الدین خلیفه و عالم محقق جلال الدین ابوالقاسم علی بودند که در بغداد به قتل رسید؛ (۶) سید محسن (درگذشت ۱۲۲۷ق) فرزند سید حسن بن سید مرتضی حسینی کاظمی آل اعرجی از اعظم علمای شیعه، از مشهورترین مؤلفات وی الوسائل در فقه و کتاب المحصول است؛ (۷) سید راضی (درگذشت ۱۲۳۷ق) فرزند سید حسن بن سید مرتضی حسینی کاظمی بغدادی آل اعرجی؛ (۸) سید صالح فرزند سید جعفر بن سید محمد بن سید حسن حسینی بغدادی آل اعرجی از فحول شعرای شیعه در اواخر قرن سیزدهم هجری؛ (۹) سید جعفر (۱۲۷۴-۱۳۳۲ق) فرزند سید محمد بن سید جعفر بن سید راضی بن سید حسن حسینی بغدادی آل اعرجی مورخ نسابه.^۱

کتاب‌هایی درباره آل اعرجی تا کنون تألیف و عرضه شده است؛ مثل نفحات بغداد فی نسب الاعرجیة الامجاد؛ الصراط الابلج فی انساب بنی الاعرج، الحدیقة البهیة فی نسب الاعرجیة؛ الدرّة الابدیة فی نسب الاعرجیة.

ابوعلی عبیداللّه: بنیانگذار آل اعرجی، ابوعلی عبیداللّه مشهور به اعرج است. او فرزند حسین اصغر فرزند حضرت سجاد علیه السلام (درگذشت ۹۵ق) است. او از برجستگان شیعه و سرسلسله آل اعرجی است و مادرش ام خالد بود. تاریخ تولد و وفات او ذکر نشده اما اگر پسر امام زین العابدین علیه السلام در سال ۱۵۰ق زنده بود باشد، و عبید نوه امام زین العابدین علیه السلام هم ۴۰ سال عمر کرده باشد، پس او در سال ۱۹۰ زنده بوده است. عبیداللّه چون یکی از پاهایش لنگ بوده به اعرج مشهور گشته و ذریه او تا عصر حاضر به آل اعرجی شهرت دارند و امروزه در عراق و ایران و امارات خلیج فارس و هندوستان و پاکستان پراکنده اند. عبید اعرج نخست مدائن را مسکن خویش قرار داد و قطعه زمینی از طرف سفاح، نخستین خلیفه عباسی، به وی اهداء گردید که سالانه هشتاد هزار دینار عایدات داشت. سپس به خراسان رفت و مورد استقبال گرم مردم آنجا و ابومسلم خراسانی قرار گرفت و هدایای بسیاری به او اهداء گردید. وی به اختلاف روایات در سن ۳۷ سالگی و یا ۴۶ سالگی در حیات پدرش در ناحیه ضبیعة ندی و یا اودی آمان از نواحی خراسان فوت کرد و اعقاب ذکور وی چهار فرزند بودند به نام‌های جعفر الحجّة و علی الصالح و محمد الجوانی و حمزه مختلس که ذریه او از این چهار فرزند است.^۲

پس از خاندان وسیع و بزرگ و شخصیت‌های بسیار بر جای مانده و به نام اعرجی مشهور هستند.

عبداللّه احمد: بعضی از شخصیت‌ها مشهور به اعرج از خاندان ائمه علیهم السلام بوده‌اند، مثل ابوعبداللّه احمد مشهور به اعرج (۳۰۱-۳۵۸ق) که فرزند ابوعلی محمد اعرج بن ابی المکارم احمد بن موسی مبرقع فرزند حضرت امام محمدالجواد علیه السلام بود. او از برجستگان شیعه و نقیب طالبیان قم بود. خودش و پدرش هر دو مشهور به اعرج بوده‌اند. او رهبری شیعیان را در عصر خویش در دست گرفت و دارای نفوذ بسیاری بین مردم بود و کریم النفس و سخی الطبع و زاهد و با تقوی بود. نقابت علویین را پس از فوت ابوالقاسم علوی به او واگذار نمودند. وی از معاصرین حسین ابن علی بن

۱. دایرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲. اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۱۳۶؛ دایرةالمعارف تشیع، ج ۲، ص ۲۷۲.

حسین بن بابویه قمی بود. مقبره او در آستانه محمد بن موسی مبرقع در محله موسویان قم معروف به چهل دختران است.^۱

ابوعلی محمد: حیف است اطلاعاتی درباره شخصیت دیگر که به اعرج مشهور بوده و پدر ابوعبدالله احمد است ندهیم. او ابوعلی محمد (درگذشت ۳۱۵ق) فرزند احمد بن موسی مبرقع فرزند حضرت امام محمدالجواد علیه السلام مشهور به اعرج و از برجستگان شیعه و نقیب طالبیان بود. وی از کوفه به قم هجرت نمود و مورد استقبال قرار گرفت و نقابت طالبیان را در قم به او تفویض نمودند، سپس منصب اماره الحاج را به دست گرفت. فرزندان وی ابوعبدالله احمد در شوال سال ۳۵۱ق و همچنین دو دختر وی ام کلثوم و بریهه در قم متولد شدند. خود وی نیز در قم وفات یافت و در مقبره محمد بن موسی مبرقع به خاک سپرده شد.

ابو داوود عبدالرحمان بن هرمز: شخصیت دیگری در تاریخ مشهور به اعرج است که از تابعان در مدینه بوده و از نظر علوم اسلامی سرآمد بوده است. نامش ابوداوود (یا ابوحازم) عبدالرحمان بن هرمز (درگذشت ۱۱۷ق) مشهور به ابن هرمز و معروف به اعرج است. او از تابعان مدینه و مولای محمد بن ربیع بن حارث بن عبدالمطلب بود. ذهبی سن اعرج را هنگام مرگ بیش از ۸۰ سال احتمال داده و درگذشت او را برخی در ۱۱۰، و برخی در ۱۱۹ق نوشته‌اند.

اعرج در تاریخ نحو عربی و روند تحول آن، در نقطه حساسی جای گرفته است. بعضی او را «نخستین واضع نحو» دانسته و روایات دیگر یا در حق او خاموش مانده و یا او را در کنار ابوالاسود و ابن عاصم نشانده‌اند.

بیشترین شهرت اعرج پس از نحو، در علم قرائت است. او قرائت را از کسانی چون ابن عباس، ابوهیریه و عبدالله بن عیاش بن ابی ربیع آموخت و سپس خود به آموزش این علم پرداخت و کسانی چون نافع از قراء هفتگانه و نیز اسید بن ابی اسید، از شاگردان او به شمار می‌روند. سیوطی به سبب حضور نه چندان طولانی اعرج در مصر، نام او را در میان پیشوایان قرائت در آن دیار یاد کرده است. اعرج در نقل حدیث هم دست داشت و از مشایخ او به جز استادان قرائت وی، می‌توان به کسانی چون ابو سعید خدری و عبدالله بن مالک ابن بحینه از صحابه و ابوسلمه بن عبدالرحمان و عبیدالله بن ابی رافع از تابعان اشاره کرد.

او خود شاگردان و راویانی در حدیث داشته است که در میان آنها می‌توان به ابن شهاب زهری، یحیی بن سعید انصاری، یحیی بن ابی کثیر، محمد بن یحیی بن حبان، ابو الزناد، ابو زبیر، زید بن اسم، صالح ابن کیسان و عبدالله بن لهیعه اشاره کرد. از نظر رجالی، عموماً او را از ثقات دانسته‌اند. وی در اخبار تاریخی نیز صاحب دانش بود و در منابع آگاهی او بر انساب، به خصوص انساب قریش ستوده شده است.

او پس از آنکه سال‌ها به علم اندوزی پرداخت، در اواخر عمر، با اندیشه جهاد قصد ثغور کرد و به اسکندریه رفت و در رباط اقامت گزید، اما همان گونه که آشنایان نیز به او گفته بودند، به علت کبر سن، دیگر برای انجام دادن اینگونه امور، توانایی نداشت و پس از چندی در همان دیار درگذشت.^۲

۱. اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۱۳۶؛ دایرةالمعارف تشیع، ج ۲، ص ۲۷۲.

۲. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۳۷۹-۳۸۰.

با اینکه ابو داوود هم مشهور به اعرج است ولی با خاندان آل اعرجی ارتباط ندارد و جزء دانشمندان اهل سنت است ولی آل اعرجی از خاندان‌های شیعی است. در مقاله دایرةالمعارف بزرگ اسلامی که آقای جعفر شعار نوشته اشاره به اعرج بودن او نشده است. همه این اطلاعات درباره اعرج را آوردم تا معلوم گردد در صدر اسلام از به کار بردن اعور، اصم و اعرج ابا و کراهت نداشتند.

بخش سوم:
زیارت معلولین
از قرون نخست تا دوره جدید

فصل اول: اولین زائران

نابینایان، ناشنوایان و آسیب دیدگان جسمی و ضایعه نخاعی از قرن نخست اسلامی، علاقه بسیار به زیارت امام حسین علیه السلام داشتند و به رغم همه موانع و مشکلات به این سفر معنوی می‌شتافتند.

منابع تاریخی اولین نابینایی که از مزار حضرت و اصحابش بازدید کرد و به زیارت پرداخت، جابر انصاری صحابی معروف می‌دانند.

آخرین فعالیت‌های معلولین برای زیارت امام حسین علیه السلام، مشارکت و حضور آنان در راهپیمایی اربعین در سال‌های اخیر است. هر سال در مراسم اربعین حسینی در کربلا، معلولین حضور گسترده و فعال دارند.

این فصل به معرفی معلولانی که به عنوان زائر از قدیم تا کنون به زیارت حضرت شتافته‌اند، می‌پردازد.

جابر انصاری

ابوعبدالله (یا ابومحمد) جابر بن عبدالله انصاری سلمی خزرجی (درگذشت ۷۱ق) او حدود یکصد سال عمر نمود و از مشهورترین صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آل و سلم است. همچنین همواره در کنار امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود.

وی در جنگ بدر و ۱۸ غزوه دیگر کنار رسول اکرم صلی الله علیه و آل و سلم شرکت داشته و از یاران وفادار حسنین علیه السلام و امام زین العابدین علیه السلام و حضرت باقر علیه السلام بوده و در جنگ صفین در رکاب امام علیه السلام می‌جنگید و از شرطه خمیسه امیرالمؤمنین علی علیه السلام بوده و سلام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آل و سلم را به امام محمدباقر علیه السلام رسانیده است.

سید ابن طاووس (م ۶۶۴ق) در اللّهُوف فی قتلی الطفوف و شیخ عمادالدین ابوجعفر محمد طبری در بشارة المصطفی و غیره می‌نویسند: در بیستم صفر سال ۶۲ق جابر انصاری به زیارت مرقد مطهر ابوعبدالله الحسین علیه السلام شتافت و هنگام رسیدن به کربلا در کنار شط فرات غسل نمود. سپس به کنار قبر مطهر آمد و چون بینایی خود را از دست داده بود به غلام خویش گفت دست مرا به قبر سیدالشهداء علیه السلام بمال. غلام وی می‌گوید که او از حال رفت و غش کرد، پس از اینکه آب به صورت او پاشیدیم و حالش به جا آمد سه مرتبه فریاد زد یا حسین و بعد فرمود: «حَبِيبٌ لَا يَجِيبُ حَبِيبَهُ». در کتب سیره و رجال شیعه در وثاقت و جلاله قدر او اتفاق کلمه است؛ و نیز در کتب عامه به عظمت از او یاد کرده‌اند و خدشه‌ای در صداقت و ثقه بودن او وارد نکرده‌اند. ابن عساکر در تاریخ دمشق پس از ذکر نسب وی تا خزرج می‌نویسد او جوان‌ترین هفتاد نفر از انصار بود که در عقبه شرکت داشت و با رسول الله صلی الله علیه و آل و سلم بیعت نمود و از بیست و هفت غزوه که پیغمبر صلی الله علیه و آل و سلم شخصاً شرکت کرد جابر در شانزده غزوه آن حاضر بود و گاهی پدرش او را به سرپرستی سایر برادران وی و عهد و عیال در منزل می‌گماشت تا اینکه پدرش عبدالله در جنگ احد به شهادت رسید. سپس او در تمام جنگ‌ها شرکت جست و

نخستین غزوه جابر غزوة حمراء الاسد بود. مسعودی در مروج الذهب می نویسد او به دمشق رفت و با معاویه ملاقات داشت و معاویه از سخنان او شدیداً ناراحت گردید. سپس معاویه ششصد دینار از برای وی ارسال داشت جابر آن را نپذیرفت و پس داد و در پاسخ هدیه او ایباتی نگاشت. جزری (۵۵۵-۶۳۰ق) در اسد الغابة می نویسد: جابر در آخر عمر خویش بینایی خود را از دست داد و پس از مرگش امیر مدینه ابان بن عثمان بر نعش او نماز گذارد.^۱

وی پس از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در انتظار به سر می برد چون پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به او خبر داده بود که تو یکی از فرزندان مرا درک خواهی کرد نام و شمائل وی شبیه من است سلام مرا به او برسان. حمدویه و برادرش ابراهیم فرزندان نصیر و همچنین ابومحمد جعفر بن معروف بن سند متصل خود به نقل از امام صادق علیه السلام روایت می کنند که امام علیه السلام می فرمود: جابر از یاران صدیق اهل بیت علیهم السلام بود. در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می نشست و عمامه سیاه بر سر داشت و فریاد می زد یا باقرالعلم یا باقرالعلم و مردم مدینه می گفتند جابر هذیان می گوید و او می گفت: به خدا سوگند که هرگز هذیان نمی گویم، شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود «انک ستدرک رجلاً من اهل بیتی اسمه اسمی و شمائله شمائلی یبقر العلم بقرأ». اینست که من در انتظار به سر می برم و بیهوده سخن نمی گویم، سپس یک روز هنگامی که جابر در کوچه های مدینه راه می رفت با جوانی برخورد کرد، او را صدا زد و نامش را پرسید؟ و فرمود نام من محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام است. جابر با تکریم تمام سر مبارک او را بوسید و عرض کرد: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ الْيَكُّ أَرْسَلَنِي بِرِسَالَةٍ أَنْ أَقْرَأَكَ السَّلَامَ قَالَ: عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ السَّلَام. سپس جابر عرض کرد بَأْنِي أَنْتَ وَأُمِّي أَضْمِنَ لِي أَنْتَ الشَّفَاعَةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ فَقَدْ فَعَلْتُ ذَلِكَ يَا جَابِر.

روایت شده که جابر با سخنان خود مردم را به دوستی و پیروی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام دعوت می کرد و در کوچه ها و مجالس مدینه بر عصای خود تکیه می زد و می گفت: عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَيْرُ الْبَشَرِ فَمَنْ أَبِي فَمَنْ فَقَدْ كَفَّرَ يَا مَعْشَرَ الْانصَارِ اَدَّبُوا اَوْلَادَكُمْ عَلِيَّ حُبَّ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَنْ أَبِي فَلْيَنْظُرْ فِي شَأْنِ امَّة. ذریه و تبار وی امروزه در ایران و عراق پراکنده و به انصار مشهوراند. وی در سلسله سند یازده روایتی که از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده قرار دارد. احادیث و روایاتی از حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها نقل می کند و فرات کوفی در تفسیر خویش سیزده مورد از جابر هنگام تفسیر آیه روایت نقل می کند. ابوالخیر وی را در کتاب طبقات مفسرین خود از مفسرین طبقه اول ضبط کرده است.^۲

راهپیمایی جابر در اربعین حسینی

روایت مشهوری به نقل از عطیه العوفی نقل شده که می گوید: من همراه جابر بن عبدالله انصاری، جهت زیارت قبر مطهر اباعبدالله الحسین علیه السلام خارج گشتیم. هنگامی که به کربلا وارد شدیم، جابر در کنار شط فرات پیاده شد، غسل کرد و بهترین جامه های خویش را بر تن کرد و عطری که همراه داشت به خود زد. هر قدمی که به سوی قبر بر می داشت تکبیر می گفت و خدا را یاد می کرد.

۱. دائرة المعارف تشیع، ج ۵، ص ۲۴۷؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۷، ص ۱۵۰.

۲. دائرة المعارف تشیع، ج ۵، ص ۲۴۷-۲۴۸؛ اعیان الشیعة، ج ۴، ص ۴۵؛ معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۱۱.

چون جابر بینایی خود را از دست داده بود از من خواست که دست او را به قبر مطهر سیدالشهداء علیه السلام بمالم. هنگامی که دست خود را روی قبر شریف گذاشت، بر روی قبر افتاد، جابر به حالت غش روی مزار [امام حسین علیه السلام] افتاد؛ به صورتش آب پاشیدم؛ به هوش آمد. آنگاه سه بار گفت: «یا حسین!» بعد با خود می گفت: (حبیب لایجب حبیبه) آیا دوست جواب دوستش را نمی دهد؟

سپس خطاب به امام علیه السلام گفت: می دانم چرا جواب مرا نمی دهی، آنگاه ادامه: چگونه می توانی جواب دهی در حالی که بین بدن و سرت فاصله افتاد است....
متن این حدیث اینگونه است:

عن عطية العوفي قال: خرجت مع جابر بن عبد الله الانصاري رضي الله عنه زائرا قبر الحسين عليه السلام - و كان جابر مكفوف البصر - فلما وردنا كربلاء، دنا جابر من شاطيء الفرات، فاغتسل ثم انتزر بازار وارتيدي بآخر، ثم فتح صرة فيها سعد فنثرها علي بدنه، ثم لم يخط خطوط الا ذكر الله تعالى حتي اذا دنا من القبر قال: ألمسنيه، فألمسته اياه، فخر علي القبر مغشيا عليه، فرششت عليه شيئا من الماء.

فلما أفأق قال: يا حسين ثلاثا، ثم قال: حبیب لا یجیب حبیبه، ثم قال: و اني لك بالجواب، و قد شخبت أوداجك علي اثباجك، و فرق بين بدنك و رأسك، أشهد انك ابن خير النبيين، و ابن سيد المؤمنين، و ابن حليف التقوي، و سليل الهدى، و خامس أصحاب الكساء، و ابن سيد النقباء، و ابن فاطمة سيدة النساء و مالک لا تكون هكذا، و قد غدتك كف سيد المرسلين، و ربيت في حجر المتقين، و رضعت من ثدي الايمان، و فطمت بالاسلام، فطبت حيا، و طبت ميتا غير ان قلوب المؤمنين غير طيبة بفراقك، و لا شاکة في حياتك، فعليک سلام الله و رضوانه.^۱

۱. اعيان الشيعه، ج ۴، صفحه ۷۴؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۶.

فصل دوم: دوره جدید

قرار است با مطالعه اسناد و مدارک مثل سفرنامه‌ها، به گردآوری اسناد درباره حضور و مشارکت معلولین از کشورهای مختلف در زیارت در ایام اربعین حسینی بپردازیم. البته این تحقیق شروع شده ولی به دلیل کثرت اسناد و مدارک، چند ماه کار می‌طلبد. از اینرو قرار شده فعلاً فقط به سال‌های اخیر یعنی نهایتاً پنج سال اخیر بپردازیم.

حضور معلولین

معلولین در سال‌های اخیر در کنار مردم عادی از شهرهای ایران و نیز از شهرهای عراق و حتی برخی کشورهای دیگر بار سفر کربلا را بسته و به هر روشی امکان‌پذیر بوده خود را به کربلا رسانده و به زیارت مرقد امام حسین علیه السلام پرداخته‌اند.

خبرگزاری مهر در اربعین ۹۴ از حضور معلولین اینگونه نوشته است:

این روزها مرزهای خوزستان مملو از زائرانی است که به عشق امام حسین علیه السلام قصد حضور در کربلا را دارند ولی در این بین حضور افراد معلول بسیار جلب توجه می‌کند. هر کسی با کاروان و یا به صورت انفرادی راهی سفر به کربلاست. در این میان اما هستند کسانی که شرایط جسمانی متفاوتی دارند، آنها که با پای دل به دیدار معشوق می‌شتابند.

در میان زائرانی که این روزها در مرزها حضور دارند، عزم و اراده‌آنهايي که بدون پا و تنها به کمک یک ویلچر در حال عزیمت به کربلا هستند، وصف شدنی نیست. سختی راه اصلاً برای آنها معنایی ندارد و آن را شیرین هم می‌دانند در حالی که سفر به کربلا از طریق هوایی و یا با کاروان‌هایی که بدون پیاده‌روی عازم می‌شوند هم امکان‌پذیر است.

حسن منافی یکی از معلولانی که با ویلچر راهی کربلاست در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار می‌کند: رفتن به کربلا با این وضعیت کمی سخت است ولی به امید شفاعت امام حسین علیه السلام این راه را می‌روم. به امید خدا و به امید شفاعت امام حسین علیه السلام هر چقدر جلوتر می‌روم بیشتر روحیه می‌گیرم و طی کردن مسیر برای من شیرین‌تر می‌شود. وقتی در خانه بودم همواره به این فکر می‌کردم که بروم یا نه؟ چون ممکن بود اذیت شوم ولی به محض خروج از خانه همه چیز برایم آسان شده و اصلاً نمی‌دانم چطور مسیر را طی می‌کنم. اصلاً از تروریست‌ها ترسی ندارم و در این راهی که آمده‌ام اگر شهید شوم خیلی هم خوب است.^۱

سید احمد سبحانی یکی دیگر از معلولان می‌گوید: اینجا در مرز به کمک دوستان خودم موبک راه‌اندازی کرده‌ایم تا به این شیوه به زائران امام حسین علیه السلام خدمات‌رسانی کرده و ارادت خود را به سرور و سالار شهیدان اثبات کنم. به تمامی مردم توصیه می‌کنم با توجه به اینکه این روزها دیگر تکرار نمی‌شود و سفر به کربلا فرصتی برای خودشناسی است آن را از دست ندهند.^۲

۱. خبرگزاری مهر، ۷ آذر ۱۳۹۴.

۲. همان.

محمد رضا خادمی زائری که به کمک دو عصا راهی زیارت امام حسین علیه السلام شده است، می‌گوید: اولین بار است که به زیارت امام حسین علیه السلام می‌روم و با تصمیم خودم و بدون اینکه کسی برایم تعریف کند، پیاده‌روی را برای سفر انتخاب کردم. از «درود» برای زیارت کربلا آمده‌ام. پیاده رفتن با این دو عصا اصلاً هم برایم سخت نیست و رفتن در این مسیر را به عشق امام حسین علیه السلام می‌پذیرم.

حس خیلی خوبی دارم و بی‌نهایت منتظر لحظه دیدار معشوق خود هستم. اکنون دو روز است که در مرز منتظر رسیدن ویزا هستم و مشتاقانه دوست دارم هر چه سریع‌تر چشمم به بین‌الحرمین

پیاده‌روی زائران معلول

یکی از عاشقان و دوستداران امام حسین علیه السلام که از ناحیه هر دو پا معلول است و قادر به راه رفتن نیست مسیر راهپیمایی به سوی شهر مقدس کربلا را بر روی زانوهای خود طی می‌کند و در مسیر خود موجب شگفتی و دلجویی زائران پیاده قرار می‌گیرد. این اقدام نشان دهنده عزم و اراده پیروان اهل بیت علیهم السلام برای ادای زیارت اربعین و همدردی با اهل بیت پیامبر است و این مرد یکی از صدها معلولی است که زیباترین تصاویر را در عرض ارادت به سیدالشهدا علیه السلام به نمایش گذاشته‌اند.^۲

اکسیر حسینی: نرسیده به مرز شلمچه، مردم به انتظار رسیدن اتوبوس خط واحد ایستاده بودند. زائران حسینی آمده بودند تا از اینجا روانه کربلا شوند. در میانه جمعیت پیرمردی که نسل با لهجه‌ای جنوبی نظرم را جلب می‌کند، اهل بوشهر است و گوش‌هایش سنگین.

خوب متوجه حرف‌های اطرافیان نمی‌شود. از همراهانش که درباره او سؤال می‌کنم و از چگونگی هموار کردن این راه صعب و طولانی، از چگونگی انرژی گرفتن از فضای معنوی ایجاد شده با وجود ناشنوایی و عدم درک صداهای اطراف، پاسخی اینگونه دریافت می‌کنم: «در کاروانمان فرد نابینایی هم هست. این مرد که هم چشم‌هایش می‌بیند و هم عصا زنان قادر به رساندن خود به مقصد است اما او نابینا است».

گفتند عشق به آقا، مرد و زن و پیر و جوان، سالم و بیمار نمی‌شناسد، اکسیر عشق اهل بیت علیه السلام معجزه می‌کند. با شوق عجیبی اطراف را به امید یافتن فرد روشندل جستجو می‌کنم که در پاسخ می‌شنوم وی با اتوبوس قبلی به سمت مرز رفته است.^۳

سختی راه: سید سعید کمانی مردی که چشم‌ها و موهایش هر دو ردی از برف‌های زمانه دارد می‌گوید: برای دومین بار است که به قصد زیارت از داراب استان فارس می‌آیم». او که قبلاً هم در زمان دفاع مقدس در منطقه شلمچه بوده، می‌گوید: «نور چشمانم را در جبهه تقدیم کرده‌ام و زیبایی‌های اربعین را با چشم دل می‌بینم».

۱. همان.

۲. خبرگزاری مهر، چهارشنبه، ۴ آذر ۱۳۹۴.

۳. خبرگزاری جنوب نیوز.

وی با اشاره به طولانی بودن مسیر تا کربلا، عنوان می‌کند: مسیر ۸۰ تا ۹۰ کیلومتر است. رفتنش سخت است اما خدا هست، دوستان هم کمک می‌کنند.

آنچه در اربعین اتفاق افتاد و سختی‌هایی که اهل بیت و خاندان امام حسین علیه السلام تحمل کردند بسیار بیشتر از طی مسیر تا کربلا است. این سختی‌ها تنها ذره‌ای از سختی‌های آن بزرگان است.^۱

آن‌هایی که پیاده به زیارت کربلا می‌روند هدفشان این است که گوشه‌ای از مشقت‌هایی را که اهل بیت علیه السلام متحمل شدند را بر خودشان هموار کنند.

این زائر روشندل می‌گوید: در کل مسیر عنایات خداوند و ابا عبدالله علیه السلام مشاهده می‌شود. این حرف من نیست. هر کس که این مسیر را می‌رود با اعتقاد می‌گوید که کمک خداوند تا چه اندازه در این مسیر وجود دارد و خداوند تا چه میزان پشت این همه زیبایی اربعین قرار دارد. این مسیر لحظات بسیار زیبایی دارد و مواردی که از عنایت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام دیده می‌شود. روحیه‌ای که انسان می‌گیرد زمانی که متوجه می‌شود عنایات این بزرگان شامل حالشان شده است، نهایت زیبایی‌هاست.

اقدامات سازمان بهزیستی

سید مهدی سید محمدی رئیس دبیرخانه شورای فرهنگی سازمان بهزیستی کشور در گفت‌وگو با خبرنگار گروه اجتماعی باشگاه خبرنگاران جوان؛ با اشاره به اقدام‌های این سازمان در پیاده‌روی اربعین امسال، اظهار داشت: در سال‌های گذشته از بین انبوه زائران اربعین حسینی تعدادی از جامعه هدف سازمان بهزیستی مانند سالمندان، کودکان معلول، ناشنوایان و نابینایان مشاهده شده است، به همین منظور برای رفع مشکل این افراد موکب‌هایی در مسیر راهپیمایی اربعین برپا می‌شود. به منظور تعمیر اقلام افراد جامعه هدف سازمان بهزیستی مانند تعمیر ویلچر و کالسکه در مسیر پیاده‌روی اربعین در ۳ استان ایلام، خوزستان و کرمانشاه ۱۲ موکب به کمک ۵۲ مؤسسه خیریه برپا شده است و خدمات توانبخشی را به زائران ارائه می‌دهند. این موکب‌ها تا نقطه صفر مرزی وجود دارند و اقلام کوچک توانبخشی مانند عصا به زائران اهدا می‌شود، همچنین در این موکب‌ها رابط ناشنوایان نیز وجود دارد که خدمات لازم را به مددجویان ارائه می‌کنند.

خیرین حاضر در موکب‌های سازمان بهزیستی، افراد نیازمند و گمشدگان را تا مرز کمک می‌کنند و تمامی این خدمات در ایام اربعین توسط خیرین و مشارکت سازمان‌های خیریه انجام می‌شود. به دلیل اینکه مددجویان بهزیستی دارای شرایط خاص جسمی هستند و مدیریت آنها در طول مسیر مشکل است، مسئولان سازمان صلاح ندانستند مددجویان در ایام اربعین و در بین انبوه جمعیت به عتبات اعزام شوند. البته در دوره‌های گذشته حدود ۵ هزار نفر از مددجویان سازمان بهزیستی به عتبات اعزام شدند اما در سال جاری به دلیل محدودیت‌های بودجه این کار مقدور نیست.^۲

۱. خبرگزاری مهر.

۲. روزنامه ایران، ۲۰ آبان ۱۳۹۵.

قابل توجه: در مسیر راهپیمایی صدها خیریه، نیکوکار، موکب و غیره به خدمات‌رسانی اعم از تعمیر کفش و عصا تا ده‌ها نوع خدمات دیگر می‌پردازند و به نظر می‌رسد نیازی به اینگونه خدمات از جانب سازمان بهزیستی نیست.

با توجه به اینکه دبیرخانه شورای فرهنگی یا به تعبیر مشهور معاونت فرهنگی سازمان بهزیستی متصدی اینگونه خدمات است؛ بهتر است این معاونت به امور فرهنگی بپردازد. اساساً وظیفه معاونت فرهنگی سازمان بهزیستی تعمیر ویلچر و دایر کردن موکب برای تعمیر وسایل زائران است یا وظیفه این معاونت رسیدگی به امور فرهنگی معلولان و دیگر مددجویان می‌باشد؟! اگر معاونت فرهنگی سازمان بهزیستی به پیشنهادات زیر جامه عمل ببوشاند، به نظر می‌رسد ضروری‌تر و مهم‌تر است:

- فرصت اربعین شرایط و زمینه‌هایی فراهم می‌کند و خوب است با تدبیر و برنامه‌ریزی به ارتقای سطح فرهنگی جامعه هدف پرداخت.

اما در اربعین ۹۵ غیر از مداحی و مرثیه‌خوانی آن هم در برخی موکب‌ها و به طور خودجوش و از طرف خود مردم و مداحان و پخش بسیار محدود بروشور و جزوه، اقدام فرهنگی دیگر مشاهده نشد. اقدامات فرهنگی که می‌توان انجام داد، بعضاً عبارت‌اند از:

- شعارها و سرودهای فارسی و عربی کوتاه و پرمحتوا ولی بدون تعقید و ساده روی برگه‌هایی چاپ و در اختیار زائران گذاشت تا در طول مسیر زمزمه کنند یا مردان با صدای آهنگین بخوانند.
- این سرودها موجب ازدیاد انرژی و تقویت روحیه و ایمان و معنویت افراد می‌شود.
- پخش احادیث روی تراکت‌های زیبا
- برگزاری مسابقه‌های مذهبی بین زائران
- برپایی کارگاه‌ها و نشست‌های هم‌اندیشی فرهنگی و علمی
- برگزاری رقابت در تواشیح، خاطره‌گویی، خاطره‌نویسی، مقاله‌نویسی، شعرسرایی و شعرخوانی و ده‌ها اقدام فرهنگی دیگر.

بسیج عمومی

زائران معلول از شهرهای دور و نزدیک ایران، عراق، افغانستان و دیگر کشورها در اربعین حضور دارند. به عنوان نمونه گروهی از معلولان چالدران هر سال در مراسم اربعین شرکت می‌کنند. رئیس بهزیستی چالدران علی اصغر اکبری صبح امروز در گفتگو با پایگاه اطلاع‌رسانی فرمانداری چالدران درباره حضور معلولان در اربعین گفت: تعداد معلولان معرفی شده و تحت پوشش شهرستان ۴۵۰ نفر است. برنامه زیارتی اعزام معلولان چالدران در اربعین حسینی به کربلای معلی هماهنگ شده است.^۱ تقریباً از همه شهرها و استان‌های ایران در راهپیمایی اربعین حضور دارند.

۱. سایت چالدران نیوز، ۱۴ آذرماه ۱۳۹۰.

کاروان ورزشکاران جانبازان و معلولان: اقشار مختلف جامعه از کشاورز و کارگر، پزشک و پرستار، معلم و استاد دانشگاه، نویسندگان و پژوهشگر همگی عزم زیارت کربلا دارند. لازم است از کاروان از حضور ورزشکاران در زیارت حسینی گزارش دهیم.

کاروانی از ورزشکاران جانباز و معلول برای حضور در مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی راهی کربلا شدند. گروه ۲۱ نفره‌ای از ورزشکاران جانباز و معلول (۹ جانباز و معلول) و ۱۲ نفر همراه که به جز دو ورزشکار سایر نفرات همراه با ویلچر بودند، عازم نجف عراق شدند تا به گروه زائرانی بپیوندند که با پای پیاده به کربلا می‌روند.

این مطلب را محمدرضا حسین‌زاده، مدیر روابط عمومی هیئت جانبازان استان تهران بیان کرد و گفت: با کمک و حمایت مادی و معنوی بهزیستی تهران و فدراسیون جانبازان و معلولان، این گروه ۲۱ نفره روز پنجشنبه به نمایندگی از جامعه معلولان و جانبازان کشور برای حضور در مراسم اربعین امام حسین علیه السلام و باران با وفایش راهی کربلا شدند. پیمان ارزیگی، ورزشکار معلول گیلانی هم از شهرستان ماسال در لحظات آخر خودش را به کاروان اربعین رساند.^۱

همچنین محمدرضا حسین‌زاده، مدیر روابط عمومی هیئت جانبازان و معلولان تهران گفت: این هیئت قصد دارد کاروانی برای حضور در مراسم اربعین شهدای کربلا به عراق اعزام کند، اما علاوه بر کاروانی از ورزشکاران جانباز و معلول قرار است بهزاد ساغرچی عضو تیم فوتبال معلولان CP به صورت انفرادی که حامل پیامی برای جهان اسلام و تشیع است، راهی کربلا می‌شود.

بهزاد ساغرچی که ۲۸ سال سن دارد با وجود معلولیت شدید تصمیم به حضور در پیاده‌روی اربعین گرفت و زمانی که برای اخذ روادید سفر به سفارت عراق مراجعه کرد با مساعدت یکی از کارمندان ایرانی سفارت مواجه شد. کارمند ایرانی سفارت وقتی متوجه شد ساغرچی با هزینه شخصی عازم کربلاست تمهیداتی در نظر گرفت تا وی علاوه بر صدور سریع ویزایش، استقرار راحتی در هتل‌ها در کربلا داشته باشد. ضمن اینکه وی به دلیل اینکه مشکل حرکتی دارد صاحب یک ویلچر مجهز هم خواهد شد تا بخشی از مسیر پیاده‌روی را با کمک ویلچر طی کند.^۲

معلولان عراقی

عکاس شبکه جهانی الکفیل که در روزهای اربعین در مسیر شهرهای جنوبی به سمت کربلا حضور داشت، تصویری از یک معلول حرکتی را ارسال نمود که با پای پیاده به سوی کربلا عشق و ایشار در حرکت بود.

این زائر شیفته امام حسین علیه السلام از شهر الجبایش در ۴۰۰ کیلومتری جنوب کربلا در استان ذی قار با پای پیاده به سوی کربلا در حرکت است. آنچه مسلم است این زائر با شرایط دشوار حرکتی خود هر روز و به طور خوشبینانه نمی‌تواند بیش از ۳۰ کیلومتر مسیر بپیماید. این بدان معناست که این زائر ۱۳ روز در راه خواهد ماند تا به حرم حسینی برسد.

۱. خبرگزاری تسنیم، ۷ آذرماه ۱۳۹۴.

۲. خبرگزاری تسنیم، شنبه ۲۳ آبان ماه ۱۳۹۴.

این عکس حکایات‌های زیادی از طوفان اربعین دارد. حکایت‌هایی که همگی با صدای بلند یک شعار می‌دهند:^۱

برای دومین سال متوالی یکی از شهروندان عراقی به نام داخل خدم که با معلولیت حرکتی مادرزادی مواجه است، در حال حرکت به سوی کربلای معلی است.

این مرد از اهالی شهرستان الکحلاء از توابع استان میسان در جنوب عراق است که علی‌رغم معلولیت حرکتی مادرزادی که با آن مواجه است، پای در راهی بس سخت و طاقت فرسا می‌نهد تا به جهان بگوید که دیوانه عشق حسین علیه السلام است.

وی که سال گذشته نیز در این ایام به کربلای معلی رفته است امسال نیز روی دو زانوی خود در حال حرکت به باب القبله حسین علیه السلام است تا ارادتش را به مولای بی سر و کفنش اثبات نماید.

این عاشق حسینی در منطقه البتیره در ۳۰۰ کیلومتری جنوب کربلا با عزمی آهنین در حال حرکت به سوی کربلا است. این مسیر برای افراد سالم بیش از ۸ روز به طول می‌انجامد. حال باید پرسید این مرد عاشق تا چند روز دیگر به جوار مولایش حضرت سیدالشهدا علیه السلام خواهد رسید؟ آقای داخل خدم که هرگونه کمکی را رد می‌نماید در پاسخ دلیل حرکتش به سوی کربلای معلی در یک جمله گفت: همین بس که مقصد حسین علیه السلام است.^۲

یکی از زائران خاطره‌ای از حضور یک معلول عراقی نقل می‌کند که زیبا است:

وقتی عمود* ۲۵۳ را رد کرده بودیم، دیگر واقعاً توانی برای حرکت نداشتیم، آرزو می‌کردم بچه‌هایی که همراه بیرق، تقریباً صد متر جلوتر از ما حرکت می‌کردند، لحظه‌ای برای استراحت درنگ کنند تا با نوشیدن یک استکان چای عربی - که هزاران زائر از آن استکان نوشیده بودند و آن مرد عراقی هر بار تنها آنرا در ظرف آبی فرو می‌کرد تا مثلاً آن را بشوید - توان دوباره‌ای برای راه رفتن بیابم. در همین حال ناگهان مرد میانسال عربی را دیدم که از شدت عرق ریختن در آن سرمای زمستانی، تمام یقه لباس مندرسش خیس شده بود. باور نمی‌کنی اگر بگویم با دیدن او تمام خستگی وجودم از بین رفت و جایش را به نوعی خجالت همراه با سرافکندگی داد.

خودم را به او رساندم، برای اینکه بتوانم با او صحبت کنم کمی خم شدم، چون هر دو پایش معلول بود و در حالت نشسته با دست‌هایش راه می‌رفت، بعد از سلام و احوالپرسی از او پرسیدم: «حضرتکم من این؟» (اهل کجایی؟) و او در حالی که نفس نفس زنان خود را سانتی متر به سانتی متر به جلو می‌کشید جواب داد: «من دیوانیه» (اهل شهر دیوانیه هستم).^۳

خانم زائر معلول از ناصریه است که تک و تنها توی مسیر دیوانیه به السنیه دیدیمش ازش پرسیدیم خسته نمیشی؟ گفت همه با پاهاشون میرن و خسته میشن؛ منم دستام توی این راه خسته میشه.

او می‌گفت: ۱۱ سال است از شهر ناصریه با ویلچرم به کربلا می‌روم. این مسیر طولانی را ۶ روزه با ویلچرم طی می‌کنم تا به کربلا برسم.^۴

۱. الکفیل

۲. خبرگزاری ابنا.

۳. الکفیل

۴. همان

حوادث ویژه

در جریان همایش اربعین رخدادهای خاص هم به وقوع می‌پیوندد. برای نمونه روز اربعین شهادت امام حسین علیه السلام در کنار یکی از هیئت‌های عزاداری در چند متری حرم امام حسین علیه السلام کودک معلول عراقی به نام احمد که توان راه رفتن نداشت نشسته بود که ناگهان لب به سخن گشود و مولای خود سیدالشهدا علیه السلام را همراه با قطرات اشک و قلب کوچک خود اینگونه مخاطب قرار داد:

لبیک یا حسین، ای مولا و جد من، یکی از خادمان تو هستم، تو را قسم می‌دهم به حق مادرت زهرا، به حق کسی که دو دستش را در کربلا بریدند، اکنون کسی جز تو ندارم و از تو می‌خواهم مرا از این بیماری و رنج نجات دهی که اکنون به زیارت شما آمده‌ام، پس مرا به حق بیمار کربلا شفاعت کن. هنوز لحظاتی نگذشته بود که احمد در حالی که ستون کنار خود را گرفته بود به روی پاهای خود ایستاد و این جمله را تکرار می‌کرد که اللهم صل علی محمد و آل محمد. احمد فلاح کاظم الموسوی اهل بغداد و سیزده ساله است که طبق گفته خودش معلولیت جسمی او این روزها بدتر شده بود.

وی می‌گوید امسال نیز همچون سال‌های گذشته تصمیم گرفتم با زائران پیاده‌روی اربعین زیارت جدم امام حسین علیه السلام همراه شوم و به همراه خانواده و عموها و دوستان راهی کربلا شدیم و بیش از هزار متر نرفته بودیم که به خاطر شدت بیماری و سختی راه، خانواده تصمیم گرفتند مرا به خانه بازگردانند، اما روز دوم باز تصمیم گرفتم به زیارت بروم و زبان حال من این بود که ای جدم ای حسین عادت کرده‌ام هر سال به زیارت تو بیایم و به زائرانت خدمت کنم اما حال من بدتر شده، تو را به حق طفل شیرخوار شهیدت قسم می‌دهم که توفیق زیارت و خدمت به زائران را به من عنایت کنی و بار دیگر از پدرم اجازه گرفتم و راهی کربلا شدم تا به هیئت عزاداری خودمان در خیابان السدره رسیدم. احمد که اکنون اشک می‌ریزد ادامه می‌دهد: به کربلا که رسیدم بسیار خسته بودم و عصر روز اربعین در موکب نشسته بودم و به حرم مطهر چشم دوختم و دیدم درهای ضریح مطهر به طرف من گشوده است و گویی ضریح مطهر به من نزدیک شده و جمعیت میلیونی زائران را نمی‌دیدم و در این حال بود که با جدم حسین سخن گفتم و با گریه از خدا خواستم مرا به حق حسین شهید مظلوم شفا عنایت کند که دیگر از درمان و مداوا خسته شده‌ام.

پدر احمد هم که همسر خود را از دست داده و از بیماری فرزند خود بسیار رنج دیده می‌گوید پزشکان از درمان فرزندم ناتوان بودند و حتی نام بیماری او را هم نمی‌دانستند و احمد در نهایت همراه زائران و خادمان کربلا شد و از من خواست دیگر او را به دکتر نبرم تا به طبیب خود حسین اکتفا کند و در اوج زیارت اربعین و شلوغ‌های اطراف حرم مطهر متوجه شدم احمد با صدای بلند و همراه با گریه فریاد می‌زند "لبیک یا حسین" به او گفتم احمد چه شده؟ و متوجه شدم روی دو پای خود ایستاده و اشک تمام چشمان او را فرا گرفته و مردم اطراف او صلوات می‌فرستند و اشک می‌ریزند و به او تبرک می‌جویند.^۱

۱. باشگاه خبرنگاران جوان، گروه فرهنگی.

جلوه‌هایی از حضور

تا اینجا گزارش مکتوب از حضور معلولان تقدیم گردید و اکنون می‌پردازم به گزارش تصویری معلولان حاضر در راهپیمایی اربعین حسینی. عکس‌ها بسیار زیبا و شامل نکات ظریف و درس‌های فراوان معنوی است.

خبرگزاری‌های اروپایی، شبکه‌های تلویزیونی امریکایی و رسانه‌های ایرانی و عراقی تصاویر و فیلم‌های مهمی از مراسم اربعین به جهان ارسال کرده‌اند. این جلوه‌ها گویای عشق، محبت، روابط انسانی سالم و نوعی جامعه مطلوب انسانی با روابط مقبول است. به همین دلیل این تصاویر موجب شده تا جهان مجذوب اربعین گردد و پدیده جدیدی در فرهنگ مردم جهان به نام اربعین شکل گیرد.









Rajaneews





Rajaneews





Rajanews



این خانم ۱۱ سال است از شهر ناصریه با ویلچر به کربلا می‌رود و این مسیر طولانی را ۶ روزه با ویلچرش طی می‌کند.





photo : Hossein Zohrevand



photo : Hossein Zohrevand

















بخش چهارم:
حضور خادمان

فصل اول: خدمات رسانی

افراد ناشنوا، نابینا و کسانی که دارای مشکلات حرکتی یا ذهنی اند در مسیر راهپیمایی به زائران خدمت می‌رسانند. خدمت رسانی این قشر به عموم مردم جلوه ویژه دارد و گویای اهتمام، ایثار و فداکاری این قشر است.

معلولان عاشق اهل بیت علیه السلام و امام حسین علیه السلام در عرصه‌های مختلف در اربعین فعال هستند. بعضی به عنوان زائر در راهپیمایی به سوی کربلا شرکت کرده و به راهپیمایی رونق می‌بخشند.

برخی در شهرها به برگزاری مراسم عزاداری مشغول هستند و بسیاری از آنها در موکب‌ها حضور دارند و به خدمتگزاری به زوار مشغول هستند. از حمل و نقل و طبع غذا تا تعمیر وسایل زوار و نظافت محل استراحت زوار را بر عهده دارند.

ناشنوایان در لباس خدمت

ناشنوا هر چند به معنای فقدان حس شنوایی است ولی اصطلاحاً به افرادی گفته می‌شود که قدرت تکلم و توان شنیدن ندارند. در عربی به آنان صم و بکم (مفرد آن اصم و ابکم) گفته می‌شود. بیش از ۵۰۰ نفر از ناشنوایان (فاقدان توانایی گفتن و شنیدن) که غالباً از استان بابل عراق می‌باشند در موکبی مشغول خدمت به زائران اربعین حسینی در مسیر کربلا هستند.

مدیر این موکب محمدعباس در این رابطه گفت: با این که این افراد از نعمت گفتن و شنیدن محروم می‌باشند اما این مشکل آنها را از خدمت به زائرین امام حسین علیه السلام باز نمی‌دارد. این افراد ۱۰ سال است که در موکب اربعین خدمت می‌کنند. این محبت و عشق به اباعبدالله است که آنان را به خدمت وا داشته است. این موکب همچنین در کمک پشتیبانی به نیروهای امنیتی و بسیج مردمی در بسیاری از نبردهای آزاد سازی عراق مشارکت داشته است. هم اکنون نیز تا پایان زیارت اربعین و تا آخرین زائر به خدمت خود ادامه می‌دهد.

در این موکب حدود ۵۰۰ نفر ناشنوا که غالباً از استان بابل می‌باشند به دسته‌های مختلفی تقسیم شده‌اند و در خدمت زائرین هستند. در کنار این افراد تعدادی از افراد سالم که زبان اشاره نیز می‌دانند برای آسان‌تر شدن کار به آنها کمک می‌کنند.

لازم به ذکر است این موکب که "موکب احباب الزهراء للصم والبعکم" نام دارد در منطقه باب طویریج در شهر کربلا مستقر است و انواع خدمات‌ها مانند آماده کردن غذا و نوشیدنی و مکان استراحت و... برای مردان و زنان زائر انجام می‌دهد.^۱

لازم است سازمان بهزیستی ایران این تجربه را در معلولان ایران هم عملی کند و موکب‌هایی که شهرداری یا دیگر نهادها می‌خواهند برپا کنند، به معلولان بسپارند. قطعاً دلسوزی و پشتکار اینان

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی حج.

بیش از دیگران است. اما قبل از هر چیز، بهزیستی باید به آنان آموزش‌های ضروری را بدهد و آنان را آماده کند تا به طبخ غذا، نظافت، سرویس‌دهی، رانندگی و غیره بپردازند.

موکب احباب الحسین علیه السلام

ناشنوایان دیگری از استان بغداد عراق به خدمت‌رسانی به زائران اربعین حسینی مشغول هستند. موکب اینان، احباب الحسین علیه السلام الصم و البکم نام دارد. یعنی دوستداران حسین علیه السلام، کر و لال‌های بغداد. اینان هیچ ابایی ندارند که بگویند اصم و ابکم یعنی کر و لال‌اند و بالای سر موکب تابلویی به همین نام نصب کرده‌اند. عشق به خدمت به زائران هیچ حد و مرزی ندارد حتی کسانی که به ظاهر ناشنوا هستند ولی با فریاد جهان پر کنی ندای لبیک یا حسین سر می‌دهند. این عاشقان با تشکیل موکب ناشنواها با حمایت آستان قدس حسینی از زائران پیاده اربعین حسینی پذیرایی می‌کنند و تلاش خود را برای خدمت‌رسانی انجام می‌دهند.

جایگاه بهزیستی

حجت الاسلام سید مهدی سید محمدی رئیس دبیرخانه شورای فرهنگی سازمان بهزیستی کشور در گفت‌وگو با خبرنگار گروه اجتماعی باشگاه خبرنگاران جوان؛ با اشاره به اقدام‌های این سازمان در پیاده‌روی اربعین امسال به خدمات این سازمان به زائران پرداخت. او در این باره می‌گوید: سال‌های گذشته از بین انبوه زائران اربعین حسینی تعدادی از جامعه هدف سازمان بهزیستی مانند سالمندان، کودکان معلول، ناشنوایان و نابینایان مشاهده شده است، به همین منظور برای رفع مشکل این افراد موکب‌هایی در مسیر راهپیمایی اربعین برپا می‌شود.

به منظور تعمیر اقلام افراد جامعه هدف سازمان بهزیستی مانند تعمیر ویلچر و کالسکه در مسیر پیاده‌روی اربعین در ۳ استان ایلام، خوزستان و کرمانشاه ۱۲ موکب به کمک ۵۲ مؤسسه خیریه برپا شده است و خدمات توانبخشی را به زائران ارائه می‌دهند. این موکب‌ها تا نقطه صفر مرزی وجود دارند و اقلام کوچک توانبخشی مانند عصا به زائران اهدا می‌شود، همچنین در این موکب‌ها رابط ناشنوایان نیز وجود دارد که خدمات لازم را به مددجویان ارائه می‌کنند.^۱

البته آقای سید محمدی از سازماندهی و آموزش معلولین برای خدمت‌رسانی آنان اشاره نمی‌کند. اگر معلولان به گونه‌ای توجیه شوند و آموزش ببینند که خودشان مستقلاً به ارائه خدمات هم به گروه‌های معلول و هم به معلولان بپردازند، نوعی تمرین برای کارآموزی و مهارت‌افزایی آنان محسوب می‌شود. همچنین به این روش، معلولان توانمندی‌های خود را به آحاد مردم معرفی می‌کنند.

اما شیوه تفکر و عمل دولتمداری اینگونه است که همه امور را در دولت منحصر کرده و می‌خواهند دولت به مدیریت بپردازد.

هنرمندان خادم

اربعین و جریان حضور عاشقان ولایت به ویژه معلولان در مسیر راهپیمایی اربعین، حوادث و حواشی بسیاری هست که هر کدام سوژه و موضوع فیلم و سریال و رمان و قصه می‌تواند باشد. سازمان بهزیستی و شهرداری‌ها به جای اینکه جایگزین خیرین و مردم شوند، می‌توانند برای امور فرهنگی و هنری برنامه‌ریزی کنند و برای تولید فیلم توسط خود معلولین اقدام نمایند. اگر حمایت مختصری از معلولین نمایند، آنان می‌توانند بهترین فیلم‌ها را تولید کنند. یکی از فیلم‌های ساخته شده روایت ششم است که معرفی می‌شود. روایت ششم فعالیت یک خادم را به تصویر می‌کشد که قهوه برای زائران پیاده اربعین مهیا می‌کند. این زائر معلول با مشقتی فراوان و فقط به عشق امام حسین قهوه برای زائران آماده می‌کند. این مستند بسیار زیبا و جذاب کاری فوق العاده از آقای وحید چاووش می‌باشد که با به تصویر کشیدن بخشی از زندگی زائران و خادمان در مسیر پیاده‌روی اربعین جلوه‌ای از عظمت و شکوه این بزرگ‌ترین راهپیمایی دنیا را به تصویر کشیده است.

تشکل‌های مردمی

سمن‌ها و مراکز متعلق به معلولین که توسط خود آنان یا مردم اداره می‌شود در اربعین می‌توانند نقش بارز داشته باشند. به ویژه در امور خدمات‌رسانی و سرویس‌دهی با ابتکارات نو و به کار گرفتن تجارب گذشته، روش‌های کارآمد و سودمند می‌توانند اجرا نمایند. در عراق دو تشکیلات احباب الحسین علیه السلام للصلم والیکم و احباب الزهراء للصلم والیکم نقش گسترده در برپایی و اداره موكب‌ها در سال‌های اخیر بر عهده داشته‌اند. در ایران تنها گزارشی که منتشر شده مربوط به گروه آموزش زبان اشاره وابسته به مؤسسه خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم منسوب به آیت الله وحید خراسانی است. این گزارش توسط مدیریت این گروه منتشر شده که عیناً تقدیم می‌گردد: مؤسسه خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله) قم در سال ۱۳۹۴ اقدام به برگزاری کلاس زبان اشاره ناشنوایان برای طلاب سطوح عالی حوزه علمیه نمود. پس از اتمام دوره مقدماتی و در آغازین روزهای سال ۱۳۹۴ کار تبلیغی گروه آموزش دیده با برپایی غرفه پاسخگویی به احکام و مسائل شرعی در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها سلام و مسجد مقدس جمکران، ویژه ناشنوایان برای اولین بار در کشور آغاز شد.

با اتمام دوره تکمیلی آموزش زبان اشاره در اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ و آغاز ماه مبارک رمضان در خرداد ماه فعالیت تبلیغی برون استانی گروه کلید خورد و پس از آن در ایام تبلیغی؛ محرم، صفر، فاطمیه، ماه مبارک رمضان ۱۳۹۵ و مناسبت‌های مختلف مذهبی به کار خود ادامه داد.

یکی از مهمترین مقدمات تبلیغ، هماهنگی با تشکل‌های ناشنوایان اعم از کانون‌ها، انجمن‌های خانواده، هیئات مذهبی ناشنوایان و مدارس استثنایی در شهرهای مختلف برای دعوت از ناشنوایان و تدارک زمان و مکان برگزاری جلسات آموزش احکام و معارف دینی بوده که بعد از انجام هماهنگی‌های لازم مبلغین با حضور در شهرستان مورد نظر از ۱ تا ۳ روز، برنامه‌های متنوع و جذاب دینی به همراه مسابقات و اهدای جوایز به ناشنوایان شرکت کننده، برگزار می نمودند.

تاکنون این جلسات در بیش از ۵۰ شهر کشور و در بیش از ۲۰۰ جلسه برای همه گروه‌های سنی برگزار شده است.

سفرهای زیارتی اربعین: مدت سه سال است که به همت برخی از اعضای واحد ناشنوایان، کاروان زیارتی مخصوص ناشنوایان در ایام اربعین امام حسین علیه السلام به کربلا مشرف می شوند.

این حرکت ارزشمند در سال نخست با ۳۰ نفر از ناشنوایان آغاز شد و در سال دوم تعداد زائرین به ۶۰ نفر رسید و در اربعین سال جاری ۱۲۰ نفر از ناشنوایان به این سفر معنوی مشرف گردیدند.

از ویژگی‌های سفر امسال، حضور خانواده‌های ناشنوایان در این راهپیمایی بزرگ مذهبی بود.



اربعین ۱۳۹۴:



اربعین ۱۳۹۵:





توضیح

همانطور که خود گزارش هم گویا است ابتکار و اقدامات خاصی در فعالیتهای این گروه وجود داشته است؛ ولی کمتر اطلاعات از فعالیتهای خود منتشر کرده اند و رسانه ها و عموم جامعه از برنامه های آنها بی اطلاع است.

فصل دوم: مشارکت فرهیختگان و متخصصان

اربعین حسینی فرصتی برای همه مردم از اقشار مختلف است. نخبگان و متخصصان اعم از پزشکان، فیلم سازان و هنرمندان، اطلاع‌رسانان، نویسندگان و پژوهشگران هم کما بیش در مراسم اربعین حسینی و راهپیمایی تا کربلا حضور داشته‌اند.

برای اینکه معلولان حضور مؤثرتر داشته باشند، درصدد برآمدیم تا انواع فعالیت‌های مشاغل را معرفی کنیم؛ خدماتی که گروه‌های مختلف نخبه می‌توانند عرضه کنند را بشناسانیم.

معلولان با دریافت این اطلاعات می‌توانند موقعیت سنجی کنند و جایگاه خود را کشف نمایند.

اگر معلولان نخبه، گروه‌های کاری تشکیل دهند، مؤثرتر می‌توانند فعالیت کنند. مثلاً پنج نفری که دارای معلولیت‌اند و در زمینه حفظ و قرائت قرآن تبحر کنند، موکبی بزنند یا در یکی از موکب‌های موجود حضور داشته باشند و حفظ و قرائت را آموزش دهند یا بین معلولان حافظ یا قاری و نیز بین عموم مردم حافظ و قاری مسابقه برقرار نمایند.

یک گروه دیگر که توانایی آموزش گزارش نویسی دارند، در یک جا یا جاهای مختلف حضور داشته و آموزش گزارش نویسی بدهند.

این فصل اولاً به معرفی فعالیت‌های نخبگان در عرصه اربعین حسینی پرداخته و در ادامه اقداماتی که معلولان می‌توانند در هر حوزه انجام دهند را معرفی کرده است.

فعالیت تلگرام

فضای مجازی رشد وسیعی در سال‌های اخیر در جریان اربعین حسینی داشته است. چرخش مالی بنگاه‌های اداره کننده این فضاها بسیار زیاد است. تصور کنید حدود ده روز حداقل یک میلیون نفر با عضویت در تلگرام و سرزدن به آن، درآمد خوبی برای شرکت‌های خارجی ایجاد می‌کنند. معلولین هم می‌توانند با به دست گرفتن ابتکار عمل در این حوزه فعال شوند. کارهایی که معلولان می‌توانند انجام دهند عبارت‌اند از:

- ۱- راه‌اندازی کانال‌ها و گروه‌ها در شبکه تلگرام و پیونددهی افراد یک شهر یا یک صنف یا یک دانشگاه با هم.
- ۲- مذاکره با مدیریت اصلی تلگرام برای توسعه این شبکه در ایام اربعین و گرفتن نمایندگی خدمات رسانی
- ۳- با استقرار در موکب‌ها و آموزش و مشاوره دادن به زائران

اشتراک خیرین: افراد نیکوکار می‌توانند با کمک به معلولان یک کانال مرکزی و عمومی تأسیس و به اقدامات فرهنگی مبادرت ورزد.

این روزها که بیشتر مردم تلفن‌های همراه هوشمند دارند و از آن به عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزار زندگی خود استفاده می‌کنند، اپلیکیشن‌های این تلفن‌ها می‌تواند به کمک زائران بیاید. یکی از اپلیکیشن‌ها پر کاربرد ایرانی‌ها تلگرام است که گروه‌های مختلفی در آن ایجاد شده تا راهنمای زائران

اربعین حسینی باشد. در این گروه‌ها شما می‌توانید به آسانی در جریان اخبار مربوط به پیاده روی اربعین، تجربه‌های زائران در سال‌های قبل، محتواهای تولیدی مکتوب و حتی چند رسانه‌ای مانند عکس و صوت و مستند قرار بگیرید. کسانی که قصد دارند در پیاده‌روی اربعین شرکت کنند، اما ندانند که چه لوازمی را باید به همراه خودشان ببرند و یا در موکب‌ها و هیئت‌های میان راه چه خدماتی ارائه می‌شود و ... پاسخ همه پرسش‌ها را می‌توان در کانال‌های تلگرام پیدا کرد. حتی کسانی که به هر دلیلی امکان حضور در این راهپیمایی باشکوه را ندارند. باز هم کانال‌های اربعینی در تلگرام می‌تواند مورد استفاده آنها باشد. چون از این طریق می‌توانند به سادگی تصاویر، فیلم‌ها و صوت‌هایی که زائران کربلا در گروه‌ها قرار می‌دهند را هم استفاده کرده و هم در گروه‌های دیگر منتشر کنند.

کانال‌ها و گروه‌های تلگرامی

لازم است فعالیت‌های جاری در تلگرام را بشناسید تا بر پایه آن ابتکارات جدید ایجاد کنید.

* **کانال آموزش و فرهنگ اربعین وابسته به ستاد مرکزی اربعین:** در این صفحه می‌توانید اطلاعات آموزشی و توصیه‌های فردی و جمعی را دریافت کنید تا با مقدمات سفر اربعین آشنا شوید.
Telegram.me/alarbaen

* **کانال سایت پیاده روی اربعین:** این کانال هم برای دریافت گزارش‌های مکتوب و تصویری پایگاه اربعین از پیاده روی عظیم اربعین حسینی است که اطلاعات به روز و مفیدی را در اختیارتان قرار می‌دهد.

Telegram.me/ArbaeenIR

* **کانال در مسیر بهشت:** صفحه «در مسیر بهشت» شامل عکس‌هایی از موکب‌های اربعین حسینی در کشور عراق است. اگر این موکب‌ها و فعالیت‌شان را از نزدیک ندیده‌اید، می‌توانید از طریق این عکس‌ها با آنها آشنا شوید.

Telegram.me/dar_masire_behesht

* **کانال کربلا پای پیاده:** تفاوت صفحه «کربلا، پای پیاده، اربعین» با دیگر کانال‌ها این است که نکات مذهبی و معرفتی و احکام مربوط به زیارت را به شما اطلاع می‌دهد. البته در این صفحه هم می‌توانید شعرهای زیبای آئینی را به زبان فارسی، عربی و انگلیسی دریافت کنید.

Telegram.me/karbalapayepiadearbain

* **کانال گالری عکس‌های ناب پیاده روی اربعین:** این صفحه هم همانطور که از نامش مشخص است عکس‌های جالب و نابی از پیاده روی اربعین را در اختیار شما قرار می‌دهد.

Telegram.me/Arbaeen_Me

* **کانال موکب اربعین حسینی:** این صفحه، «موکب اربعین حسینی» نام دارد که توسط کمیته آموزش ستاد اربعین تولید شده است و به آموزش‌های متنوعی از جمله زبان عربی برای برقراری ارتباط بهتر با موکب‌های عراقی می‌پردازد. البته اطلاعات جامع دیگری از جمله آداب زیارت و تصاویر زیبا را هم می‌توانید در این صفحه دریافت کنید.

Telegram.me/Arbaeen_Net

* **کانال تخصصی اربعین:** کانال تخصصی اربعین شامل اطلاعاتی از جمله منشور اخلاقی تربیتی زائران اربعین حسینی و نکات ضروری این سفر معنوی است.

Telegram.me/arbaceena

* **کانال کل أرض کربلا:** این صفحه «کل أرض کربلا» نام دارد و تصاویر زیبایی از نحوه پذیرایی و خدمات رسانی موبک های عراقی ارائه داده است. تصاویری از زائرین را هم در این صفحه می‌توانید مشاهده می‌کنید.

Telegram.me/karbalaAshooraa

کانال اربعین پای پیاده تا کربلا: این کانال هم در جهت ترویج و تعظیم زیارت اربعین با پای پیاده در سفر کربلا فعالیت می‌کند و عکس‌ها و مطالب و شعرهای صفحه نشان دهنده تلاش برای انجام این وظیفه است.

Telegram.me/Mosafer_Arbaeen

هیچکدام از این کانال‌ها متعلق به معلولین نیست. یعنی معلولان از اینگونه فرصت‌ها دور هستند و غفلت کرده‌اند. با اینکه به راحتی می‌توانند وارد این عرصه‌ها شده و تلاش کنند.

نرم‌افزارهای راهنما

تجربه نشان داده معلولین هوش خوبی در زمینه کامپیوتر و برنامه‌های اینترنتی دارند. در زمینه اربعین هم برنامه‌های مختلفی به بازار آمده و لازم است جامعه هدف با اینها آشنا شود و تلاش کند در این زمینه ابتکاراتی داشته باشد. یعنی کارهایی را برنامه‌ریزی کند که هم درآمدزایی و کسب درآمد داشته باشد و هم خدماتی به زائران باشد. در اینجا به معرفی این اپلیکیشن‌ها می‌پردازم. مواردی که تا کنون مورد استفاده بوده است.

نرم‌افزار راهنمای زائران اربعین حسینی: اپلیکیشن "راهنمای زائران اربعین حسینی" با جمع‌آوری اطلاعاتی بسیار جامع و کامل در یک مکان، تمام نیازهای احتمالی شما را در این مسیر برطرف خواهد کرد. این اپلیکیشن دارای نقشه‌های دقیق و آفلاین از نجف و کربلا است و نقشه‌ی آفلاین جداگانه‌ای از مسیرهای موجود از سوی نجف تا کربلا نیز در آن قرار گرفته شده است. می‌توانید با استفاده از این نقشه‌ها و موقعیت‌یاب گوشی، موقعیت فعلی خود را به طور دقیق روی نقشه مشاهده کنید و با توجه به نقشه‌ی آفلاین پیش‌رو، مسیر را به درستی انتخاب کرده و به سوی کربلا راهی شوید. نکته‌ی جالبی که در بخش مسیریابی وجود دارد امکان ارسال موقعیت مکانی از طریق پیام کوتاه است که می‌توانید در صورتی که بنا به هر دلیلی از کاروان خود جا ماندید یا مسیر را گم کردید، با ارسال موقعیت فعلی خود به یکی از اعضای کاروان، مجدداً به مسیر درست و هم‌گروهی‌های خود ملحق شوید. در نقشه‌های موجود در برنامه نیز اماکن مختلفی از جمله خیابان‌های مهم و اصلی نجف و کربلا، مکان‌های مذهبی، مراکز درمانی و بهداشتی، استراحتگاه‌ها و هتل‌ها مشخص شده‌اند که می‌توانید با استفاده از آنها، در زمان خود برای مراجعه به این مکان‌ها صرفه‌جویی کنید ادعیه صوتی نیز دیگر بخش موجود در این برنامه است.

این نرم‌افزار به سفارش سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران در دو نسخه‌ی کامل (نقش کامل) و کم حجم طراحی و پیاده‌سازی شده است.



برخی از امکانات و قابلیت‌های موجود در نرم‌افزار راهنمای زائران:
امکانات نقشه:

- نقشه آفلاین شهر نجف
- نقشه آفلاین شهر کربلا
- نقشه آفلاین نجف تا کربلا
- قابلیت نمایش دید پرونده
- نمایش مسیر خیابان‌های مهم و اصلی نجف و کربلا به همراه نام خیابان‌ها
- نمایش موقعیت فعلی کاربر

امکانات:

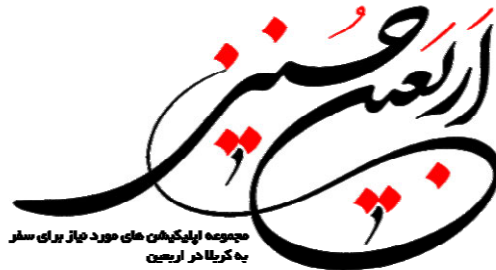
- نمایش اماکن مذهبی، مراکز درمانی و دارویی، استراحتگاه‌ها، مدرسه، هتل
- نمایش موبک‌های مستقر شده در مسیر به همراه شماره عمود
- امکان انتخاب مناطق مورد نظر و ثبت اطلاعات آن
- امکان ثبت خاطره
- نمایش گالری خاطرات
- ثبت علاقه‌مندی
- پخش ادعیه صوتی ویژه اربعین

قابلیت‌های خاص:

- * امکان ارسال موقعیت از طریق پیام کوتاه به سایر هم‌کاروانی‌های خود در صورت گم شدن و نمایش موقعیت فعلی شما بر روی نقشه گیرنده پیامک
- * جستجو اماکن مذهبی، مراکز درمانی و دارویی، استراحتگاه‌ها، مدرسه، هتل
- * جستجو خیابان‌های نجف و کربلا و نمایش آن بر روی نقشه
- * برنامه راهنمای زائران دارای دو نسخه با زوم پایین و زوم بالا برای دانلود قرار داده شده است.

نسخه جدید

شرکت تولیدکننده نرم افزار اربعین حسینی را ارتقا داد و چند اپلیکیشن به آن افزود و با این عنوان منتشر کرد:



و در تبلیغات آن نوشته است:

اگر شما هم قصد سفر به کربلا در ایام اربعین را دارید، در ادامه شما را با چند اپلیکیشن در رابطه با اربعین حسینی و سفر زائران پیاده به کربلا آشنا خواهیم کرد. این مجموعه شامل پنج اپلیکیشن می باشد که به انواع نیازهای شما در طول سفر اربعین پرداخته شده است.

معرفی مجموعه اپلیکیشن ها: سازنده و تولید کننده به سرعت نیازهای زائران را مطالعه کرد و بر اساس آن، هفت سیستم عامل را یک جا و در یک بسته بندی عرضه کرده است. این اپلیکیشن ها ذیلاً معرفی می شوند.

همراه اربعین: به منظور مطلع کردن مسافران و زائران از نیازها و لوازم اساسی سفر اربعین این نرم افزار تولید شده است.

قصد سفر به هر جایی را که داشته باشیم، معمولاً ابتدا در زمان بندی ها دچار مشکل می شویم به طوری که دیرتر از آنچه فکرش را می کردیم به مقصد رسیده یا با کمبود برخی وسایل و پیش نیازها مواجه خواهیم شد که به دلیل بی اطلاعی از آن که شاید چنین ابزار یا وسیله ای به دردمان بخورد از آوردن آنها خودداری کرده ایم. بخش اصلی "همراه اربعین" با پرداختن به این موضوع و آگاه کردن شما از اطلاعات عمومی لازم برای این سفر مانند جدول پیشنهادی برای زمان بندی پیاده روی و ... و این که چه چیزهایی ممکن است در طول این مسیر به کارتان بیاید می تواند به شما در بستن یک بار سفر بی نقص کمک کند. همچنین در طول سفرهایی که به خارج از شهر یا کشور می روید بعضی احکام دینی مانند خواندن نماز دچار تغییراتی خواهند شد که توسط بخش احکام مورد نیاز در این برنامه، می توانید اطلاعات جامعی را درباره ی طهارت و نماز شکسته یا جماعت و ... مطالعه کنید.

راهنمای زائران اربعین حسینی: اپلیکیشن "راهنمای زائران اربعین حسینی" با جمع آوری اطلاعاتی بسیار جامع و کامل در یک مکان، تمام نیازهای احتمالی شما را در این مسیر برطرف خواهد کرد. این اپلیکیشن دارای نقشه های دقیق و آفلاین از نجف و کربلا است و نقشه ی آفلاین جداگانه ای از مسیرهای موجود از سوی نجف تا کربلا نیز در آن قرار گرفته شده است. می توانید با استفاده از این نقشه ها و موقعیت یاب گوشی، موقعیت فعلی خود را به طور دقیق روی نقشه مشاهده

کنید و با توجه به نقشه‌ی آفلاین پیش‌رو، مسیر را به درستی انتخاب کرده و به سوی کربلا راهی شوید. نکته‌ی جالبی که در بخش مسیریابی وجود دارد امکان ارسال موقعیت مکانی از طریق پیام کوتاه است که می‌توانید در صورتی که بنا به هر دلیلی از کاروان خود جا ماندید یا مسیر را گم کردید، با ارسال موقعیت فعلی خود به یکی از اعضای کاروان، مجدداً به مسیر درست و هم‌گروهی‌های خود ملحق شوید. در نقشه‌های موجود در برنامه نیز اماکن مختلفی از جمله خیابان‌های مهم و اصلی نجف و کربلا، مکان‌های مذهبی، مراکز درمانی و بهداشتی، استراحتگاه‌ها و هتل‌ها مشخص شده‌اند که می‌توانید با استفاده از آنها، در زمان خود برای مراجعه به این مکان‌ها صرفه‌جویی کنید. ادعیه‌ی صوتی نیز دیگر بخش موجود در این برنامه است.

آن سو: اپلیکیشن اندرویدی "آن سو" مجموعه‌ای از ابزارهای جهت‌یابی قبله و ... و همچنین اعلام اوقات شرعی شهرهای مختلف در اختیار شما قرار خواهد داد که به کمک آن می‌توانید زمان‌هایی که به مسافرت‌های خارج از شهر یا حتی کشور می‌روید، همیشه و همه جا از جهت صحیح قبله‌ی نماز، ساعت دقیق اذان و ... با خبر باشید تا بتوانید نمازهای خود را اول وقت بخوانید یا حداقل اگر به هر دلیلی به خواندن اول وقت آن نمی‌رسید، با آگاهی از زمان اذان بعدی، از قضا شدن نماز فعلی خود جلوگیری کنید. این اپلیکیشن شامل قطب نما برای نمایش چهار جهت اصلی و زاویه دقیق نسبت به شمال است و اطلاعات مختلف دیگری همچون طول و عرض جغرافیایی و ارتفاع از سطح دریا را نیز به اطلاع شما خواهد رساند. بخش اوقات شرعی آن نیز به طور کامل از اذان صبح، طلوع آفتاب، اذان ظهر، غروب آفتاب، اذان مغرب و نیمه شب شرعی شما را آگاه خواهد کرد. توسط این ابزار می‌توانید با انتخاب دستی یا خودکار شهری که در آن قرار دارید، اوقات شرعی را مطابق با مکان فعلی خود دریافت کنید. آخرین ویژگی جذابی که قصد معرفی آن را داریم نیز وجود چهار جهت پیش فرض از شهرهای نجف، کربلا، مشهد و قم است تا در صورتی که خواهان خواندن دعایی به سمت نجف اشرف، حرم امام رضا یا ... بودید نیز با آگاهی دقیق از جهت صحیح، بتوانید رو به مکان مورد نظر دعای خود را به زبان بیاورید.

امکانات مدرن

عموم مردم به ویژه معلولین در تلاش هستند از همه گونه امکانات جدید و کارآمد استفاده کنند تا مشکلات راهپیمایی آسان گردد و به راحتی بتوانند به کربلا برسند. معلولان به دلیل مشکلات جسمی، بیش از دیگران نیاز به امکانات مدرن دارند و از طرف دیگر بیشتر از مردم عادی آشنا به فناوری جدید هستند. از این‌رو در تحقق این هدف، موفق بوده‌اند.

شارژ باطری: یکی از جالب‌ترین امکاناتی که این اپلیکیشن در اختیار شما قرار می‌دهد، شارژ کردن گوشی در سه مرحله اختصاصی است که با شیوه‌ای تخصصی، باتری شما را به بهترین نحو ممکن شارژ می‌کند که همین موضوع باعث دوام بیشتر باتری و دیرتر خالی شدن آن خواهد شد. امکان مدیریت روی برنامه‌ها و مشاهده‌ی نحوه مصرف آنها از باتری نیز امکان فوق‌العاده دیگری است که به شما کمک می‌کند تا اپلیکیشن‌های پر مصرف خود را شناسایی و اقدام به حذف یا Stop آنها

کنید. همچنین در این برنامه امکانی برای مدیریت برنامه‌هایی که هنگام روشن شدن گوشی به طور خودکار اجرا می‌شوند، در نظر گرفته شده است که می‌توانید با استفاده از آن، اپلیکیشن‌های بدون استفاده‌ای که در پس زمینه گوشی شروع به کار خواهند کرد را از این لیست حذف کنید. غیر فعال کردن برنامه‌های غیر ضروری که باعث مصرف بیش از اندازه باتری می‌شوند، خاتمه دادن به اپلیکیشن‌ها با Task Killer قدرتمند، متوقف کردن برنامه‌ها هنگام خاموش شدن صفحه، نمایش زمان دقیق تا شارژ شدن باتری، سیستم شارژ ۳ مرحله‌ای، کنترل روشنایی، مدیریت CPU، نمایش دمای باتری و پشتیبانی از دو پلت فرم اندروید و آی او اس از امکاناتی هستند که به هر چه محبوب‌تر شدن این اپلیکیشن کمک شایانی کرده‌اند.

جاذبه حسینی: این نرم‌افزار توسط مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی ویژه اربعین حسینی طراحی و در دو نسخه‌ی کم حجم (با امکان دانلود فایل‌های صوتی) و نسخه‌ی کامل جهت استفاده علاقه‌مندان آماده گردیده است.

مکان‌یابی و تشخیص مسیر

با افزوده شدن این امکان بسیار کاربردی در به روز رسانی جدید این نرم‌افزار، خانواده شما در هر کجای دنیا می‌توانند از مکان حضور شما در شهرهای نجف، کربلا و مسافت طی شده در راه پیاده روی اربعین اطلاع دقیق حاصل کنند. این امکان بدون نیاز به اینترنت مکان حضور شما را برای عزیزانتان بر روی نقشه مشخص خواهد کرد.
روش کار بسیار ساده است:

پس از نصب نرم‌افزار جاذبه‌ی حسینی بر روی تلفن‌های همراه کافی است شماره تلفن همراه دوستان و عزیزانتان که مجاز به رهگیری شما هستند را در نرم‌افزار ثبت نمایید. از این لحظه به بعد آن افراد با ارسال درخواست ردیابی شما در نرم‌افزار جاذبه حسینی خودشان می‌توانند از آخرین موقعیت مکانی شما با خبر شوند. همچنین با استفاده از این قابلیت، احتمال گم کردن تلفن‌های همراه شما هم بسیار کاهش خواهد یافت.

پیدا کردن همراه

به دلیل استقبال پرشور شیعیان از پیاده روی اربعین و طولانی بودن مسیر، جدا شدن و جا ماندن افراد از هم کاروانی‌ها و دوستان، اتفاقی بسیار شایع است. به همین منظور امکان اشتراک گذاری دستی موقعیت نیز در این نسخه اضافه گردید.

روش کار به این شکل است که فرد جدا شده از گروه موقعیت جغرافیایی خود را از طریق نرم‌افزار جاذبه حسینی برای دوستان خود پیامک می‌کند و همراهان با کپی کردن محتوای آن پیامک در نرم‌افزار خود ضمن اطلاع از موقعیت دقیق فرد جدا شده از گروه می‌توانند فاصله دقیق خود را با آن فرد مشاهده نمایند.

دیگر ویژگی‌های نسخه جدید:

- به روزرسانی اطلاعات نقشه‌ها بر اساس آخرین تغییرات مسیر پیاده‌روی
- نقشه آفلاین شهرهای نجف، کربلا و مسیر پیاده‌روی نجف تا کربلا به همراه اطلاعات نقاط مورد نیاز زائران شامل (اماکن متبرکه، هتل، حمل و نقل، عمود، موبک، مراکز درمانی و ...)
- امکان افزودن مکان‌های مورد علاقه شخصی بر روی نقشه
- به روزرسانی مداحی‌های بخش حسینی
- افزوده شدن بخش اخبار مهم
- افزوده شدن بخش Letter4U
- افزوده شدن زبان انگلیسی^۱

پیاده تا بهشت: در مجموعه راهنمای زائران اربعین نرم‌افزار دیگری به نام پیاده تا بهشت هست. این نرم‌افزار پیاده تا بهشت ارائه دهنده سبک زندگی زائران اربعین حسینی است که از مراحل قبل از سفر تا پس از زیارت ابا عبدالله علیه السلام را به صورت متنی و صوتی ارائه داده است. راهنمای زائر، نقشه مسیر و آزموده‌های به درد بخور از دیگر بخش‌های این نرم‌افزار است که در قالبی زیبا برای مخاطبان تهیه شده است.^۲

زیارت نیابتی

یک گروه در زمینه نیابت گرفتن و پاسخگویی به کسانی که درخواست زیارت نیابتی دارند فعالیت می‌نمایند. معلولان در این حوزه هم می‌توانند تلاش کنند.

در توضیح این نوع زیارت گفته شده:

اگر امسال به هر دلیلی نمی‌توانید در پیاده روی اربعین شرکت کنید و در روز اربعین حرم مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام و حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام را زیارت کنید، نگران نباشید. آستان مقدس حسینی و عباسی در روز اربعین این امکان را فراهم کرده تا امکان زیارت نیابتی برای افرادی که امکان حضور در کربلا را ندارند، ایجاد شود. به این ترتیب شما می‌توانید از طرف خودتان یا اقوام و آشنایان‌تان (چه در قید حیات باشند و چه فوت کرده باشند) به خادمان حرم مطهر نیابت بدهید تا به جای شما زیارت کرده و ۲ رکعت نماز زیارت به جا بیاورند. به این منظور برای نیابت‌الزیاره گرفتن در حرم مطهر امام حسین علیه السلام به صفحه زیر بروید:

Imamhussain.org/Persian/enaba

و برای نیابت‌الزیاره گرفتن در حرم مطهر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در صفحه زیر ثبت نام کنید:

Alkafeel.net/zyara/lang-pr

خوب است بدانید که زیارت کردن به نیابت از دیگران چه از دنیا رفته باشند و چه زنده باشند، مستحب است. پس اگر شما راهی سفر کربلا هستید و دوستان و آشنایان‌تان امکان زیارت ندارند، بد نیست که نیابت‌الزیاره آنها شوید. دلیلش هم حدیثی است که داوود صرمی از امام حسن عسکری

1. www.121212.mihanblog.com

2. www.titrel.ir

علیه السلام نقل کرده که: یک روز به امام علیه السلام عرض کردم: «من پدر شما را زیارت کردم و ثوابش را برای شما نیت کردم.» امام علیه السلام فرمودند: «لک من الله اجر و ثواب عظیم و منا المحمده؛ برای شما از جانب خداوند پاداش و ثواب عظیمی است و از جانب ما حمد و ثنا».

خلاصه و نتیجه گیری

حوزه‌ها و مواردی که نام برده شد همگی جدید است ولی تجربه شده است و تماماً به دلیل متناسب بودن با روحیه و شرایط معلولان، اشتغال مطلوبی برای آنان می‌تواند به ارمغان بیاورد.

بخش پنجم:
چشم انداز آینده

فصل اول: ظرفیت‌ها

کربلا از هر نظر دارای زمینه‌ها و امکانات فراوان برای رشد و ارتقای فرهنگی و معیشتی معلولان است این قشر می‌توانند در پناه امام حسین علیه السلام و حضرت عباس سلام الله علیه و دیگر اصحاب و یاران ایشان آینده خوبی داشته باشند. اینجا به معرفی امکانات و زمینه‌های رشد معلولان در کربلا و چشم انداز آینده آنان در شهر کربلا می‌پردازیم.

راهپیمایی اربعین یک رخداد ساده نیست بلکه یک فرصت بزرگ برای معلولان نه تنها ایران بلکه جهان به ویژه منطقه خاورمیانه و بالاخص معلولان ایران و عراق است. اما معلولان به چه روش ظرفیت‌های موجود در این رخداد تاریخی کشف کنند و چگونه از آن استفاده نمایند. اینجا به اجمال اهم ظرفیت‌هایی که مورد استفاده معلولان می‌تواند باشد را معرفی می‌کنیم. سپس راه‌های بهره‌برداری از آنها را هم معرفی خواهیم کرد.

توریسم معنویت‌گرا

چند دهه اخیر توریسم معنوی، توریسم فرهنگی، جهانگردی مبتنی بر تجارب دینی و معنوی مطرح شده است و در سال‌های اخیر رشد و توسعه بسیار داشته است. زیرا معلولان در عمل نتایج آن را دیده‌اند.

تجارب به دست آمده در مطالعات این نوع جهانگردی اگر در اربعین به کار گرفته شود و تجارب خود معلولین هم جمع‌آوری گردد. به نتایج مهمی می‌توان دست یافت.

خود معلولین می‌توانند گروه‌های مطالعاتی تشکیل دهند و هم به بررسی میدانی تجارب خودی‌ها بپردازند و هم دستاوردهای دیگران را بگیرند.

و نتایج این تحقیقات و مطالعات را به صورت کتاب، مقاله و نرم‌افزار منتشر نمایند.

تعامل بین معلولان

اربعین فرصت مناسبی برای گفت‌وگو و دیالوگ معلولان عراق و ایران و افغانستان و حتی دیگر کشورها است. آنان با تشکیل گروه‌های گفت‌وگویی و سپس تأسیس تشکل‌ها علاوه بر انتقال تجارب و رسیدن به جایگاه برتر و قدرت پیدا کردن، در سطح جهانی هم می‌توانند فعال تر شود.

تأسیس نهادهای مشترک: مراکزی مثل دانشگاه معلولین با همکاری معلولان کشورهای حاضر در اربعین و ایجاد همکاری و تعامل بین آنها می‌تواند مورد توجه و اقدام عملی آنان قرار گیرد.

زیارت‌تراپی

در دهه‌های اخیر فرهنگ تراپی، کتاب تراپی، دین و مذهب تراپی مطرح شده است. یعنی تحقیقات نشان داده که فقط از طریق فیزیوتراپی معلولین دارای مشکلات جسمی حرکتی درمان

نمی‌شوند و راه کارهای جدیدتر هم هست. زیارت تراپی یکی از این ابتکارات جدید است که می‌تواند توسط معلولین ایران و عراق به عنوان یک ابتکار نو به جهان معرفی گردد.

هنر و انواع ظرفیت‌های هنری: در مراسم اربعین انواع هنرها غایب است، تغذیه نیست، مشاعره و سرود و تواشیح نیست. معلولین به دلیل پتانسیلی که دارند می‌توانند برای انواع اقدامات هنری تدبیر اندیشیده و فکر کنند و راه کار عرضه نمایند.

فصل دوم: آسیب شناسی

مطالعات برای بهتر اجرا کردن و رفع مشکلات می‌تواند توسط معلولان اجرا گردد و نتایج آن بیشتر گردد. برخی از محورها و سرفصل‌های آسیب شناسی عبارت‌اند از:

- * نقش دولت: اجرا توسط دولت یا فقط نظارت
- * نقش مردم و شیوه‌های فعال سازی مردم
- * اختلاف تاریخی و فرهنگی و اجتماعی بین ایران و عراق و دیگر کشورها و یافتن راه کار برای رفع آنها
- * رفع مشکلات تفاوت زبانی

حوزه فعالیت‌ها

معلولان می‌توانند، اقدامات و فعالیت‌هایی هم‌ویژه خودشان داشته باشند. به عنوان نمونه این کارها لازم است:

- جمع‌آوری تحلیل‌ها و خاطرات از حضور معلولان در مراسم اربعین و آماده سازی برای انتشار آنها
- جمع‌آوری عکس‌ها و فیلم‌های معلولان در جریان اربعین حسینی و تنظیم و نشر آنها
- اقدامات فرهنگ سازی برای ارتقای معنویت و بینش دینی در جامعه هدف
- برنامه سازی برای رادیو اربعین در زمینه معلولین مثل مصاحبه با معلولان زائر
- تدوین کتابی به زبان اشاره برای ناشنوایان
- تدوین کتب صوتی برای نابینایان
- مناسب سازی یک مسیر برای معلولان توسط خودشان
- برپایی جلسات در مسیر با نخبگان و گروه‌های مرجع جهت معرفی معلولیت‌ها و معلولان
- برپایی نمایشگاه جهت معرفی معلولیت‌ها و معلولین به مردم و نیز معرفی توانمندی‌های آنها

فعالیت فرهنگی

معلولین می‌توانند در عرصه‌های مختلف فرهنگ فعال شوند. برخی از فعالیت‌هایی که می‌توانند انجام دهند عبارت است از:

- ویتترین سازی و ایجاد نمایشگاه‌های مختلف مثل نمایشگاه کتب، نمایشگاه نشریات درباره عاشورا و کربلا و امام حسین علیه السلام
- برپایی نشست‌های هم‌اندیشی درباره موضوعات مهم مثل کربلا، قیام حسینی، داعش
- فرهنگ سازی در حوزه عمومی
- مدیریت بخشی از رادیو اربعین
- تدوین کتاب آموزش زبان عربی
- شناخت شیوه فرهنگی و تبلیغی وهابیت و کارشناسی راه کارهای مقابله و خنثی سازی
- معرفی اخلاقیات انسانی در جریان اربعین به جهان

فعالیت ترویجی

معلولان نخبه کشورهای عراق و ایران می‌توانند از فرصت اربعین استفاده کرده و به ترویج برخی مقوله‌ها بپردازند؛ مقوله‌های زیر اهمیت بیشتر دارد:

* اخلاقیات کمک به یکدیگر و مساعدت و ایثار و از خود گذشتن
متأسفانه برخی اخلاقیات مذموم مثل تلاش برای جمع‌آوری غذا و ولع و حرص برای زودتر گرفتن تغذیه یا امکانات وجود دارد. لازم است اینها زدوده و فرهنگ ایثار و قناعت به جای آنها تبلیغ شود. با انتشار تراکت‌ها با محتوای روایات معصومین علیهم السلام و سخنان بزرگان این اقدام امکان پذیر است.

* فرهنگ اسراف و تبذیر در برخی موبک‌ها و در مسیر مشاهده می‌شود. معلولین می‌توانند با نشر احادیثی روی برگه‌های کوچک مردم را به قناعت و کم خرج کردن دعوت کنند.
* ایجاد صندوق‌هایی برای کمک به پروژه‌های مهم، یعنی با کم خرج کردن و قناعت مبالغ آنها را به این صندوق‌ها بریزند.

* فرهنگ مادی و خوردن و استراحت کردن که در بین مردم به عنوان مهم‌ترین شاخصه اربعین معرفی می‌شود باید اصلاح و به جای آن فرهنگ معنوی، ذکر و زیارت جایگزین گردد.
* رفاه‌گرایی افراطی جای خود را به مجاهدت و تلاش همه جانبه بدهد.

دیالوگ جهانی

تشکل‌های معلولان ایران و عراق می‌توانند جلسات مشترک برای تبادل نظر، هم‌اندیشی و گفت‌وگو برگزار کنند.

اربعین زمینه و فرصتی است که اگر خوب استفاده شود پل و مسیری است که معلولان را به جهان معرفی می‌کند و می‌توانند از فرصت‌ها و امکانات جهانی استفاده کنند. به هر حال اربعین دریچه‌ای برای معلولین به سوی جهان مدرن است.

بخش ششم:
اطلاع‌رسانی

ترویج و گسترش تحقیقات درباره «معلولان و اربعین» مستلزم توسعه اطلاع‌رسانی و افزایش دانسته‌ها و معلومات مردم به ویژه گروه‌های نخبه است. فعالیت‌های معلولین در ده سال اخیر در رخداد اربعین همواره رو به افزایش بوده است. اما بیشتر به چشم یک گردش مذهبی و یک سفر آیینی یا یک تفریح سالم معنوی به آن نگریسته‌اند؛ نه یک فعالیت اجتماعی هدفمند و مؤثر در فرهنگ و جامعه معلولان یا یک کنش فراگیر با پیامدهای جهانی و ارتقا دهنده تجارب و گشاینده درهای فعالیت‌های بین‌المللی به سوی کنش‌گران معلول.

تصور کنید اگر روزی فرا برسد که معلولان منطقه و حتی جهان به عنوان کسانی که خواستار معنویت و عدالت‌اند؛ از اربعین به عنوان سمبل اتحاد و محلی برای تبادل تجارب و تعاملات شغلی و اجتماعی استفاده کنند. تشکل‌های معلولین در راهپیمایی اربعین از وضع یکدیگر آگاه شوند و در مورد راه کارهای رفع مشکلاتشان به هم‌اندیشی بپردازند. اگر در سال‌های آتی به چنین وضعیتی برسیم، فرهنگ و جامعه معلولان بسیار پیشرفت خواهد یافت.

اما اولین نیاز برای رسیدن به این اهداف، اطلاع‌رسانی است. کتاب‌ها و مقالات درباره اربعین و به ویژه درباره جایگاه و نقش معلولین در اربعین باید به اطلاع دیگران رسانده شود و محتوا و متن این آثار در دسترس قرار گیرد. اخبار و اطلاعات کنش‌گران معلول در اربعین اطلاع‌رسانی گردد و خلاصه با پخش اطلاعات افراد و مراکز، زمینه تقرب آنها و هم‌اندیشی آنها فراهم گردد.

فصل اول: فعالیت‌های علمی

راهپیمایی اربعین به عنوان یک پدیده اجتماعی - فرهنگی و مذهبی و دارای تأثیرات منطقه‌ای و جهانی در فضای ایران و عراق تثبیت شده است. درست است این رخداد مسبوق به سابقه است ولی به شکل جدید مستحدث و پدیده جدید می‌باشد. به همین دلیل مراکز آکادمیک و پژوهشی جهان تلاش کرده‌اند این پدیده را بشناسند. به همین دلیل تیم‌های تحقیقاتی توسط دانشگاه‌های مهم اروپایی و امریکایی و ژاپنی در ایام اربعین به ایران و عراق می‌آیند. تحقیقات این تیم‌ها چند سال است به صورت کتاب و مقاله منتشر می‌شود. نیز در سال‌های اخیر تحقیقاتی هم در ایران و عراق انجام یافته و منتشر شده است.

این فصل درصدد معرفی مهم‌ترین این تحقیقات است. سه نشست، یک کتاب انگلیسی و یک پایان‌نامه فارسی اینجا معرفی می‌شوند.

گزارشی از کتاب بررسی آماری راهپیمایان اربعین

دپارتمان علوم سیاسی ماساچوست، با پشتیبانی از پژوهشی درباره اربعین حسینی، زمینه انجام این پژوهش و تألیف و نشر کتابی را فراهم آورد که با مشخصات زیر منتشر شده است:
To karbala: surveying Religious Shi'a from Iran and Iraq, Fotini Christia, Elizabeth Dekeyser, Dean Knox, Massachusetts Institute of Technology, 2016, 178p.

ویژگی‌های این کتاب: مؤسسه فناوری ماساچوست،^۱ نهاد آموزشی و پژوهشی است و شامل چندین بخش علمی می‌باشد. یکی از این بخش‌ها گروه علوم سیاسی^۲ است. تا کنون ده‌ها تحقیق در زمینه مسائل مهم جهانی و حوادث جدید توسط این مؤسسه پژوهش و منتشر شده است. یکی از این تحقیقات، بررسی ابعاد سیاسی و اجتماعی اربعین حسینی و راهپیمایی شیعیان به طرف کربلا است.

حرکت میلیونی اقشار مختلف در کشورهای منطقه به ویژه ایران و عراق چند روز قبل از اربعین به طرف کربلا و خیزش و جنبش مردمی به علاوه سازماندهی منظم و خیره کننده با جلوه‌های اعجاب برانگیز، جهانیان را شگفت زده و متوجه حقایق جدید نمود. مراکز پژوهشی و علمی جهان این پدیده را مهم و مؤثر دانسته و درصدد برآمدند ابعاد، جوهر و ماهیت آن را بشناسند. مؤسسه فناوری ماساچوست از سه تن از استادان این مؤسسه خواست تا در این باره تحقیقی انجام دهند.

استادان مؤسسه یعنی فتینا کریستیا،^۳ الیزابت دکسی،^۴ و دینه نگس^۵ هر سه شاغل در مؤسسه ماساچوست و فعال در رشته علوم سیاسی می‌باشند. گروه علمی آنان معروف به MIT political science است.

1. Massachusetts Institute of Technology.
2. Political science Department.
3. Fotini christia (cfotini@mit.edu).
4. Elizabeth dekeyser (dekeyser@mit.edu)
5. Dean knox (dcknox@mit.edu)

این سه تن، پس از بررسی‌ها و تحقیقات فراوان کتاب حاضر را تدوین و منتشر کردند. عنوان این کتاب این گونه است:

To karbala: surveying Religious Shi'a from Iran and Iraq

واژه survey یعنی تحقیق و بررسی آماری که بعضی به «پیمایش» یا «تحقیق پیمایشی» ترجمه کرده‌اند. بر این اساس عنوان این کتاب را می‌توان اینگونه ترجمه کرد.

«به طرف کربلا: بررسی آماری مذهب شیعه در عراق و ایران»

مدیریت این پژوهش در میدان تعیین شده یعنی مسیری از راهپیمایی شیعیان به طرف کربلا، دو جامعه آماری در سال ۲۰۱۵م تشکیل داد و با پرسشگری و به دست آوردن اطلاعات مورد نظر به استخراج نتایج آماری و سپس تجزیه و تحلیل آنها مبادرت نمود و در نهایت با تنظیم نهایی مطالب این کتاب را منتشر کرد.

جامعه آماری اول، ۲۴۱۰ عراقی و جامعه آماری دوم ۱۶۶۸ ایرانی بودند. پرسش نامه‌هایی در ابتدای مسیر بین همه اینها پخش شد و در آخر مسیر از آنها دریافت شد. سپس این پرسش نامه‌ها به کامپیوتر داده شد و بر اساس شاخص‌های مختلف اطلاعات استخراج گردید.

شاخص‌های آماری، موضوعات فراوانی است که بعضی از آنها عبارت است از: جنسیت (زن، مرد)؛ سن و سال؛ محل سکونت؛ انگیزه حضور در راهپیمایی؛ نوع راهپیمایی (فردی یا گروهی یا ...); دیدگاه درباره دولت (ایران یا عراق)؛ دیدگاه درباره داعش؛ نظر درباره وحدت و اتحاد شیعیان؛ مدیریت گروه‌های حاضر در راهپیمایی؛ وضعیت خانواده‌ها حاضر در راهپیمایی؛ مادرانی که بچه همراه دارند؛ نیایش و عبادت؛ مطالعه و تحقیق؛ تغذیه؛ خدمات.

هدف این پژوهش آنگونه که اعلام شده کشف هویت سیاسی و اجتماعی شیعیان، وضعیت جامعه‌پذیری آنان؛ همبستگی و تعاون و همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه شیعی، سطح تفکر و دانش سیاسی شیعیان و مسائل دیگر امثال اینها است.

نتیجه‌گیری: مراکز علمی و پژوهشی در غرب تمامی امور و کنش‌ها و فعالیت‌های جوامع شیعی و اسلامی را زیر نظر دارند و با انجام تحقیقات روشمند و علمی به کشف نکات مهم می‌پردازند. سپس بر اساس یافته‌ها، به تصمیم‌گیری و تعریف پروژه و در نهایت به دست گرفتن کنترل آنها اقدام می‌کنند. این در حالی است که شیعیان در غفلت کامل هستند. نخبگان شیعه هم بی‌خیال به امورات شخصی خود اشتغال دارند.

در سال‌های اخیر ده‌ها پژوهش توسط غربی‌ها درباره اربعین حسینی برنامه‌ریزی و کار شد و ده‌ها کتاب منتشر گردید. در حالی که حتی یک کتاب جامع در ایران و عراق در این باره نداریم.

صدها مرکز پژوهشی در قم، تهران، نجف، کربلا به تحقیق دینی مشغول هستند؛ اما حتی یک پروژه درباره اربعین تعریف و پیگیری نکرده‌اند.

صفحاتی از کتاب To Karbala: به منظور آشنایی با سبک کار غربی‌ها صفحاتی از کتاب «به طرف کربلا» که به زبان انگلیسی در امریکا منتشر شده را می‌آوریم. روی جلد، فهرست مطالب، برخی تصاویر و مآخذ مندرج در پایان کتاب را می‌آورم.

تصویر روی جلد

MIT POLITICAL SCIENCE

Massachusetts Institute of Technology
Political Science Department
Research Paper No. 2016-39

To Karbala:
Surveying Religious Shi'a from Iran and Iraq

Fotini Christia, Massachusetts Institute of Technology
Elizabeth Dekeyser, Massachusetts Institute of Technology
Dean Knox, Massachusetts Institute of Technology

Do Not Cite or Circulate Without Permission from Author

Contents

1	THE SURVEY	7
2	SAMPLING	22
3	MEDIA, NEWS AND SOCIAL TIES	46
4	SECTARIANISM	59
5	RELIGION	75
6	GENDER AND WOMEN'S ISSUES	103
7	DEMOCRACY AND HUMAN RIGHTS	115
8	THE STATE OF DEMOCRACY IN IRAN AND IRAQ	122
9	REGIONAL CONFLICT	130
10	IRAN: NUCLEAR POLICY AND INTERNATIONAL RELATIONS	136
11	ATTITUDES TOWARD THE US AND INTERNATIONAL COMMUNITY	154
12	APPENDIX A: READING THE REGRESSIONS	160
13	APPENDIX B: SAMPLING TABLES	162
14	APPENDIX C: CONJOINT ANALYSIS	168

APPENDIX D (Detailed Non-Response) and APPENDIX E (Question-level heterogeneity) can be found online at:

<https://www.dropbox.com/s/czk0fxnkht9g6xe/Appendices.pdf?dl=0>

برخی تصاویر مندرج

*Pilgrims along the Najaf-Karbala road*

This is a public opinion survey focusing on political attitudes and behaviors among religious Shiites. Specifically, the survey is conducted in the context of an annual Shiite pilgrimage in southern Iraq with the intent to sample respondents who are practicing Shi'a from both Iraq and Iran. As such, it is not a nationally representative sample from the two countries, but rather a subsample of observant Iraqi and Iranian Shi'a. Travelling to Karbala from both Iraq and Iran is accessible to individuals across the socioeconomic spectrum, making this an opportunity to gain insight into religious Shia from diverse socioeconomic and regional backgrounds. Respondents offered their views towards their respective governments, the United States, and the West; sectarian conflicts across the Middle East, including Syria and Iraq; the rise of ISIS; and the agreement on Iran's nuclear program.



Pilgrims by the shrine of Imam Ali in Najaf

to walk to Imam Hussein's shrine in time for the celebrations. This walk is a collective ritual, with groups walking from places as far as Basra (roughly 500km away) and Baghdad (roughly 120km away). The most frequented route is from Najaf to Karbala, a distance of approximately 80km.

These processions involve communal rituals with recitations, lamentations and re-enactments of the return of the surviving members of Hussein's family to Karbala forty days after his martyrdom, a way of mourning the loss of a leader that was meant to reinstate the Prophet's line of power in Islam. People walk carrying black, green, red or yellow flags for Imam Hussein, wearing black clothes to signify mourning and green bands on their heads or around their necks. There are also posters of Hussein and loudspeakers broadcasting religious poems or sermons. Along the sides of the road, there are tents that offer food and shelter to the pilgrims on the road.

When people enter the shrine to pay their respects, they touch or kiss the large, wood-paneled doors, a physical act meant to bring them closer to the Imam. Once inside the shrine, there is a short prayer and a reading that is meant to signify loyalty to the Shi'a Imam. The Imam, as a descendant of Mohammed, serves as an intermediary between the pilgrims and God, petitioning for answers to their

References

- Military Action Against Iraq, 2003: Operation Iraqi Freedom. In: *Reappraising the Resort to Force: International Law, Jus ad Bellum and the War on Terror*. Bloomsbury Academic.
2014. Shia Pilgrims Flock to Karbala for Arbaeen Climax. *BBC News*.
- Aghaie, Kamran Scot. 2005. Women of Karbala : Ritual Performance and Symbolic Discourses in Modern Shi'i Islam. *Middle East Studies Association Bulletin*, 42(1-2), 140-142.
- Allawi, Ali A. 2007. The Occupation of Iraq: Winning the War, Losing the Peace. *Political Science Quarterly*, 123(1), 158-159.
- Alshamary, Marsin. 2014. The Political Undertones of Shia Pilgrimages. *MIT Seminar Paper*.
- Arkoun, M. 1976. *Shiite Islam*, State University of New York Press, 1975, 253 p. *Arabica*, 23(1), 103-104.
- Asad, Talal, & Fernea, Robert A. 1970. Shaykh and Effendi: Changing Patterns of Authority Among the El Shabana of Southern Iraq.
- Asgar, Jalal, & Chelkowski, Peter J. 1981. Taziyeh: Ritual and Drama in Iran. *Theatre Journal*, 33(1), 131.
- Aziz, T. M. 1993. The Role of Muhammad Baqir al-Sadr in Shii Political Activism in Iraq from 1958 to 1980. *International Journal of Middle East Studies*, 25(02), 207-222.
- Bengio, Ofra. 1998. *Saddam's Word: Political Discourse in Iraq*.
- Berman, Eli. 2011. *Radical, religious, and violent: the new economics of terrorism*. MIT press.
- Blair, Graeme, Christine Fair, C, Malhotra, Neil, & Shapiro, Jacob N. 2013. Poverty and support for militant politics: Evidence from Pakistan. *American Journal of Political Science*, 57(1), 30-48.
- Blaydes, Lisa, & Gillum, Rachel M. 2013. Religiosity-of-Interviewer Effects: Assessing the Impact of Veiled Enumerators on Survey Response in Egypt. *Politics and Religion*.
- Bourmaud, Philippe. 2005. Ussama Makdisi, The Culture of Sectarianism. Community, History, and Violence in Nineteenth-Century Ottoman Lebanon. *Labyrinthe*, 135-140.
- Brown, L. Carl, & Nasr, Vali. 2006. The Shia Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future. *Foreign Affairs*, 85(6), 174.

- Brown, L. Carl, Fuller, Graham E., & Francke, Rend Rahim. 2000. The Arab Shia: The Forgotten Muslims. *Foreign Affairs*, 79(3), 176.
- Cammatt, Melani. 2014. *Compassionate Communalism: Welfare and Sectarianism in Lebanon*. Cambridge University Press.
- Campbell, John C., & Ajami, Fouad. 1986. The Vanished Imam: Musa Al Sadr and the Shia of Lebanon. *Foreign Affairs*, 64(5), 1126.
- Campbell, John C., & Ajami, Fouad. 2009. Jihad of Words: Gender and Contemporary Karbala Narratives. *The Yearbook of English Studies*, 39(1-2), 84–100.
- Campbell, John C., Farouk-Sluglett, Marion, & Sluglett, Peter. 1991. Iraq since 1958: From Revolution to Dictatorship. *Foreign Affairs*, 70(3), 179.
- Campbell, John C., & Mottahedeh, Roy. 1985. The Mantle of the Prophet: Religion and Politics in Iran. *Foreign Affairs*, 64(2), 378.
- Center, Pew Research. 2009. Mapping the Global Muslim Population. oct.
- Chang, Linchiat, & Krosnick, Jon A. 2009. National surveys via RDD telephone interviewing versus the internet comparing sample representativeness and response quality. *Public Opinion Quarterly*, 73(4), 641–678.
- Cockburn, Patrick. 2008. Muqtada: Muqtada al-Sadr, the Shia Revival, and the Struggle for Iraq.
- Cole, Juan R. I., & Momen, Moojan. 1993. Mafia, Mob and Shiism in Iraq: The Rebellion of Ottoman Karbala. *Past and Present*, 112(1), 112–143.
- Davis, Eric. 2005. *Memories of State: Politics, History, and Collective Identity in Modern Iraq*.
- De Vaus, David. 2013. *Surveys in social research*. Routledge.
- Deeb, Lara. 2006. *An Enchanted Modern: Gender and Public Piety in Shi'i Lebanon*. Princeton University Press.
- Ferne, Elizabeth Warnock. 1965. *Guests of the Sheik*. New York: Anchor Books.
- Flanigan, Shawn Teresa. 2008. Nonprofit service provision by insurgent organizations: the cases of Hizballah and the Tamil Tigers. *Studies in Conflict & Terrorism*, 31(6), 499–519.
- Flanigan, Shawn Teresa, & Abdel-Samad, Mounah. 2009. Hezbollah's Social Jihad: nonprofits as resistance organizations. *Middle East Policy*, 16(2), 122.
- Franzén, Johan. 2012. Fanar Haddad, Sectarianism in Iraq: Antagonistic Visions of Unity (New York: Columbia University Press, 2011). Pp. 288. \$35.00 cloth. *International Journal of Middle East Studies*, 44(03), 589–592.

- Grynkewich, Alexis G. 2008. Welfare as warfare: How violent non-state groups use social services to attack the state. *Studies in Conflict & Terrorism*, 31(4), 350–370.
- Haddad, Fanar. 2011. *Sectarianism in Iraq: Antagonistic Visions of Unity*. Oxford University Press.
- Hainmueller, Jens, Hopkins, Daniel, & Yamamoto, Teppei. 2014. Causal inference in conjoint analysis: Understanding multi-dimensional choices via stated preference experiments. In: *Political Analysis*.
- Hamdan, Faraj Hattab. 2012. The Development of Iraqi Shia Mourning Rituals in Modern Iraq: The Ashura Rituals and Visitation of Al-Arbain. *Master Thesis: Arizona State University*.
- Hussain, A. J. 2005. The Mourning of History and the History of Mourning: The Evolution of Ritual Commemoration of the Battle of Karbala. *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 25(1), 78–88.
- Jabar, Faleh A. 2003. *The Shia Movement in Iraq*. London: Saqi Books.
- Jamieson, Kathleen Hall. 1992. *Dirty politics: Deception, distraction, and democracy*. Oxford University Press.
- Jowell, Roger, Roberts, Caroline, Fitzgerald, Rory, & Eva, Gillian. 2007. *Measuring attitudes cross-nationally: Lessons from the European Social Survey*. Sage.
- Kozlowski, Gregory C., & Schubel, Vernon James. 1996. Religious Performance in Contemporary Islam: Shii Devotional Rituals in South Asia. *The Journal of Asian Studies*, 55(1), 197.
- Lyall, Jason, Blair, Graeme, & Imai, Kosuke. 2013. Explaining support for combatants during wartime: A survey experiment in Afghanistan. *American Political Science Review*, 107(04), 679–705.
- Maier, Donna J. E. 1995. The Shiis of Iraq. *History: Reviews of New Books*, 23(4), 182–183.
- Mendelberg, Tali. 1997. Executing Hortons: Racial crime in the 1988 presidential campaign. *The Public Opinion Quarterly*, 61(1), 134–157.
- Mendelberg, Tali. 2001. *The Race Card: Campaign strategy, implicit messages, and the norm of equality*. Princeton University Press.
- Nakash, Yitzhak. 1994. *The Shiis of Iraq*. New Jersey: Princeton University Press.
- Norton, Augustus Richard. 2011. Al-Najaf: Its Resurgence as a Religious And University Center. *Middle East Policy*, 18(1), 132–145.
- Palki, David D., Mark E. Stout, & Kevin M. Woods, eds. 2011. *The Saddam Tapes: The Inner Workings of a Tyrants Regime, 1978-2001*. New York: Cambridge University Press.

- Pepinsky, Thomas B. 2016. Measuring Piety in Indonesia. *2016 AALIMS Conference on the Political Economy of Islam and Muslim Societies*.
- Rabkin, Nathaniel. 2014. The Iraqi Shiite Challenge to Tehrans Mullahs. *Middle East Quarterly*, 21(1).
- Sachedina, Abdulaziz Abdulhussein. 1981. The Idea of Mahdi in Twelver Shi'ism. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 44(03), 577.
- Steele, Jonathan. 2003. Iraq: After the War: Religion and Politics Resurface as the New Voices of Iraqi Freedom. *The Guardian*.
- Tabatabai, Muhammad Husayn. *Shiite Islam, translated by S. H. Nasr*. State University of New York Press.
- Valentino, Nicholas A, Hutchings, Vincent L, & White, Ismail K. 2002. Cues that matter: How political ads prime racial attitudes during campaigns. *American Political Science Review*, 96(01), 75-90.
- Woods, Kevin M., Palkki, David D., & Stout, Mark E. (eds). 2011. *The Saddam Tapes*. Cambridge University Press.

گزارشی از پایان نامه ثبت پیاده‌روی اربعین

«ثبت پیاده‌روی اربعین» نوشته مهدیه بُد، دانشجوی دکتری گردشگری دانشگاه علم و فرهنگ در سال ۱۳۹۵ جهت تدوین تصویب شد. این پایان نامه برای نخستین بار در بُد جهانی با نگاه علمی به پدیده اربعین و راهپیمایی اربعین پرداخته تا تئوری و الگوی «ابر رویداد اربعین» را تعریف کند. رساله‌ای که سه سال زمان برده و به زعم محمدحسین ایمانی خوشخو، استاد راهنمای آن، هنوز تا اربعین سال دیگر کار دارد تا به سرانجام برسد.

در آستانه اربعین، در حالی که میلیون‌ها زائر، پیاده به سمت کربلا حرکت می‌کنند، بخشی از یافته‌های این رساله برای نخستین بار توسط خبرگزاری ایسنا اطلاع‌رسانی شد.

ویژگی‌ها: این اثر به ادعای نویسنده مقدمه خلق یک تئوری درباره پیاده‌روی اربعین است. زیرا تا کنون رخدادی مثل اربعین که پیاده‌روی جمعیت بسیار از یک نقطه به سوی یک هدف است، ثبت تاریخی نشده و به مثابه یک رخداد قابل توجه تلقی نشده است. اما نویسنده معتقد است این رخداد هر چند سیال و غیر ثابت است ولی ویژگی‌های سازه‌های مهم تاریخی یا معماری را دارد و قابلیت ثبت را دارد.

محمدحسن ایمانی خوشخو - رئیس دانشگاه علم و فرهنگ - به عنوان استاد راهنمای این رساله به بیان ویژگی‌های این اثر پرداخت و گفت: پایه مطالعات این پژوهش، «گردشگری مذهبی بوده» است. در مبحث رویدادها در مطالعات گردشگری، اصطلاحی به نام «آبر رویداد» وجود دارد که فستیوال کن و المپیک‌های ورزشی، نمونه‌های ملموس آن است. فرضیه ما نیز این است که راهپیمایی اربعین به واسطه جمعیت شرکت‌کننده در آن و دستاوردهایش می‌تواند یک آبر رویداد باشد. البته کتاب‌های علمی در موضوع ابر رویدادهای مذهبی یکی دو مورد مثال آورده‌اند از جمله حج در مکه، اما به راحتی از روی آن‌ها رد شده‌اند و بیشتر از عنوان، به این ابر رویدادها نپرداخته‌اند. در هر حال ما اکنون می‌خواهیم این فرضیه را که اربعین یک آبر رویداد است اثبات کنیم.

مهدیه بُد، دانشجوی دکتری گردشگری که در حال تهیه این رساله است - نیز درباره تألیف‌اش گفت: با وجود آنکه تصور می‌شد در این مورد بسیار مطالعه شده است، اما با خلاءهای نظام‌مند و سیستماتیک مواجه شدیم. نخستین گام همین‌جا برداشته شد تا روی گردشگری مذهبی، تعریف‌ها و مدل‌ها مطالعه شود. این جریان با واقعه محرم و عاشورا هم‌زمان شد و چون بر این باور بودیم که پیاده‌روی اربعین قابلیت تعمیم دارد، در ادامه تصمیم گرفته شد موضوع با یک رویداد تلفیق شود که پدیده اربعین مورد مطالعه قرار گرفت.

خانم بُد در ایام اربعین، به عنوان مشاهده‌گر در عراق حضور داشت و درباره مشاهداتش می‌گوید: ما سعی کردیم نگرش افراد مختلف را که به نوعی مداخله‌گران این رویداد محسوب می‌شوند دریافت کنیم، حتی در بخش کارشناسی از شاخه‌های مختلف نظریاتی را دریافت کردیم تا پژوهش متکی بر یک تفکر و نگرش خاص نباشد. تمام نظرها عمیقاً تحلیل شده تا همه ابعاد بررسی شود. این اثر متکی بر تئوری خاصی نیست. قرار است تئوری جدید خلق شود و مدل و پایه مطالعات بعدی باشد.

در ادامه ایمانی خوشخو هم چنین گفت: ما بیشتر تهییج شده ایم این موضوع وارد ادبیات بین‌المللی شود و از نگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. این پدیده از نگاه جهانی، نوظهور است و سال به سال در حال توسعه.

در مطالعه پیش‌رو به پدیده اجتماعی و مذهبی اربعین، نگاه علمی شده و سعی بر آن است که این رویداد ساختارمند شود، چرا که تجربه نشان داده اگر چنین پدیده‌هایی به حال خود رها شوند، در ادامه از راه اصلی خارج می‌شوند، یا دستاویز عده‌ای قرار می‌گیرد که به اربعین نگاه دیگری دارند، بنابراین لازم است حتماً نگاه علمی به موضوع وجود داشته باشد.

این واقعه با شتابی که در پیش دارد حتماً قابل بررسی است و باید در ابعاد جهانی مورد توجه قرار گیرد. کمیت، نوع مسیر یا مسیر محور بودن، جنس و هویت شرکت‌کنندگان را مورد تأکید مطالعات این رساله دانست و بیان کرد: اربعین رویدادی مسیر محور است، در حالی که بیشتر رویدادها مقصد محور هستند و این نگاه منحصر به فردی است که در مطالعات به آن توجه شده است. وجه متمایز اربعین از سایر رویدادها، قابل توجه است. در اربعین، مجموعه‌های فرهنگی با موضوع مشترک حضور دارند که ما دنبال هویت‌شناسی آن‌ها هستیم، افرادی که با فرهنگ متفاوت ولی با یک مقصد و هدف مشترک در یک مسیر قرار می‌گیرند.

البته در این رویداد وجه تمایزی بین مهمان و میزبان نمی‌توان قائل شد. اگر برش مقطعی در جمعیت شرکت‌کننده زده شود، این دو گروه را نمی‌توان از یکدیگر تفکیک کرد و امتزاج خیلی قوی بین این دو جامعه از ویژگی‌های این راه‌پیمایی به شمار می‌آید. در بیشتر رویدادهای دنیا مخصوصاً ابر رویدادها، دولت‌ها سهم عمده‌ای در مدیریت جریان دارند، اما در اربعین دولت‌ها کمترین نقش را دارند و بار اصلی بر دوش بخش‌های غیر دولتی و مردمی است. پایه مطالعات این رویداد فرهنگ است. اگر چه می‌توان به اربعین نگاه اقتصادی داشت، اما تأکید اصلی بر نگاه اجتماعی و فرهنگی بوده است.

ما اربعین را واقعه‌ای یک هفته‌ای و یا ۱۰ روزه نمی‌بینیم، چرا که معتقدیم آثار بعدی آن بسیار ظرفیت مطالعه دارد، مثلاً این که آن جمعیت چند میلیونی چه توشه‌ای با خود همراه می‌کند و از آن چه استفاده‌ای می‌برد؟. آثار اربعین برای ما بسیار اهمیت دارد.

همچنین فعالیت‌های داوطلبانه را که موضوع روز جهانی در سازمان‌های بین‌المللی است، در مطالعات این رساله مورد تأکید دارد. اربعین انگیزه‌ای برای حضور مردم در صحنه اجتماع است، بدون آن که دولت‌ها دخالتی داشته باشند.

در تاریخ پیاده‌روی اربعین، رد پای ایرانی‌ها دیده می‌شود و از قدیم ایرانیان عشق و علاقه خاصی به حضور در کربلا در اربعین دارند. این جنبه از اربعین قابلیت مطالعه دارد.

دامنه گستردگی این رویداد از سال ۲۰۰۰ به بعد است. یعنی از این تاریخ بیشتر مردم به این رخداد واکنش نشان دادند. طبق آثار و مستندات علمی که از آن سال، به این رویداد پرداخته و خیلی هم عمیق نبوده است، چنین چارچوبی استخراج شده است. در واقع مساله آن است که در حوزه مطالعات رویدادهای دینی، کار خیلی کمی انجام شده و این برای نخستین بار در جهان است که به رویداد اربعین نگاه علمی می‌شود.

ریشه و قدمت این مراسم در مطالعات مکتوب و مستندات منتشره قابل پیگیری است. ائمه علیهم السلام تأکید داشتند برای زیارت پیاده بروند، بنابراین از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیاده‌روی به سمت یک مقصد مقدس رواج داشته و به مرور هم در ایران و به ویژه در دوره صفویه رایج شده است. آن زمان حتی از چهارپایان هم استفاده نمی‌کردند، نمونه‌اش پیاده‌روی برای زیارت مشهد مقدس بوده است. از سوی دیگر اربعین و عدد چهل برای ما مقدس بوده و در ادبیات و روایات مان پیشینه دیرینه دارد و متناسب تقدس این چهل، آن راه‌پیمایی هم شکل گرفته است.

اصل این کار جدید نیست و پیشینه تاریخی دارد، ولی ظهور و بروز آن فرق می‌کند. در زمان صدام ممانعت‌هایی می‌شد، اما به شکل مخفی انجام می‌شد، در زمان اشغال عراق نیز با آشفته‌گی‌هایی همراه بود، حالا هفت هشت سالی است که مداوم انجام می‌شود.

مه‌دیه بُد نیز درباره سابقه این موضوع که احتمالاً در سفرنامه‌ها به آن اشاره شده باشد، توضیح داد: معمولاً توصیه بر این است که عربی بودن مراسم حفظ شود و این روزها هم دیده می‌شود یک نوحه دو خطی به زبان عربی به هیأت‌ها داده‌اند که بخوانند تا به نوعی از خدام عراقی تشکر شود. ما هم فکر می‌کردیم این رسم متعلق به قدیمی‌های عراق باشد، اما وقتی با قدیمی‌ترین پیاده‌روهای این مراسم صحبت کردیم به این نکته رسیدیم که هسته اولیه این پیاده‌روی توسط ایرانی‌هایی شکل گرفته که در حوزه علمیه نجف مشغول تحصیل بوده‌اند.

هدف اصلی پژوهش، سنخ‌شناسی آسیب‌های موجود در برگزاری اربعین است. برای حفظ یک رویداد لازم است یک آسیب‌شناسی از آن صورت گیرد. شناسایی انگیزه افراد شرکت‌کننده در ابر رویداد اربعین با حوزه میدانی نجف تا کربلا که مورد مطالعه میدانی و مشاهده قرار می‌گیرد.

ایمانی خوشخو در پاسخ به این پرسش که آیا نپرداختن به مسیرها و مقاصد دیگر در این رویداد، مطالعه را ناقص نمی‌گذارد؟ از سوی دیگر چند سالی است که هم‌زمان در داخل کشور پیاده‌روی‌های شبیه‌سازی شده‌ای انجام می‌شود، آیا در این مطالعه به آن‌ها نیز اشاره‌ای شده و آیا نپرداختن به آن‌ها، بحث را ناقص نمی‌کند؟ توضیح داد: جلسات متعددی با دست‌اندرکاران این پدیده بویژه در سازمان حج صورت گرفته، مصاحبه‌های متعددی نیز با افرادی که این رویداد را درک کرده‌اند انجام شده و بر آن اساس به این نتیجه رسیدیم که که برش مکانی به نجف و کربلا تا اندازه قابل توجهی قابل تعمیم و پوشش‌دهنده است. نمونه‌های داخلی نیز به تعبیری سرریز رویداد عراق است، یعنی اشخاصی که شرایطی را نداشتند برای اقتناع حسی شبیه‌سازی‌هایی کرده‌اند که آن خیلی به کار ما نمی‌آید، چون تمرکز ما روی رویداد اربعین در عراق است.

این واقعه بدون هیچ دخالتی قابل تعریف است و سعی هست از گزند دست‌کاری در امان بماند. درست است که فرهنگ‌های مختلف در این رویداد شرکت می‌کنند، ولی نباید فرهنگ خود را وارد این واقعه کنیم. مثلاً خواندن نوحه‌ها به زبان عربی در مراسم اربعین برای آن است که کثرت در وحدت از دست نرود. حتی معتقدم درخواست مقام معظم رهبری برای استفاده نکردن از تصویرشان در راهپیمایی در همین راستا بوده است.

یکی از اقداماتی که این رویداد را حفظ و حراست می‌کند و به تعبیری ما هم به آن رسیده‌ایم، نداشتن دخالت بیرونی در این رویداد است تا شکل طبیعی خود را در بستر زمان و مکان داشته باشد.

رئیس دانشگاه علم و فرهنگ در پاسخ به این پرسش که آیا این مطالعات علمی پیش درآمدی برای ثبت جهانی این ابر رویداد است، گفت: ما دنبال ثبت علمی هستیم و ثبت فرهنگی و معنوی را در دستگاه‌های دیگر باید پیگیری کنند. خواسته ما این است که نتایج مطالعات و این ابر رویداد در محافل علمی و مستندات علمی ثبت شود. یقیناً از این پس نتایج این تحقیق در نشست‌ها و مقالات بین‌المللی وارد خواهد شد و این موضوع برای کسانی که در این زمینه کار می‌کنند، جالب خواهد بود.

ارتباطات میان فرهنگی را از زوایای ناشناخته این رویداد است. اتفاقاً یونسکو خیلی روی این موضوع تأکید دارد و کشورها را تشویق می‌کند وارد فعالیت‌هایی شوند که عامل ارتباطات میان فرهنگی باشد. یونسکو حتی کرسی‌ای به همین نام دارد و بیست سی سال پیش یکی از اجلاس‌های سالانه‌اش را هم به همین موضوع اختصاص داد.

تأثیرات اجتماعی از نکات قابل توجه در این رویداد است که در کنار تأثیرات اقتصادی و مذهبی قرار گرفته و این پژوهش به آن می‌پردازد.

ابراز درونیات افراد به واسطه انجام مناسک دینی را از دیگر نکات قابل بررسی است. برای نمونه اشخاصی که برای سال نو در واتیکان جمع می‌شوند، از زمانی که تصمیم می‌گیرند تا زمان حضور و حتی در برگشت، از آن واقعه تأثیرپذیری دارند در اربعین هم همین گونه است.

این ویژگی‌ها و وجه تمایزی که اربعین به نسبت سایر رویدادها دارد، دست‌مایه تعریف پروژه‌ای شد برای استخراج الگوی ابر رویداد مذهبی اربعین تا پایه مطالعات محققان جهان شود و دیگران با این نگاه اربعین را بشناسند.

به روش علمی و با چارچوب علمی مشاهده‌ای، نسبت به این رویداد ضوابطی به دست می‌آید و از دل آن، الگویی استخراج می‌شود که چراغ راه سایر محققان جهان خواهد شد. پنجره‌های جدیدی برای نگرش به این رویداد باز می‌کنیم که از زوایای مختلف مقدمه‌ای باشد برای تحقیقات بعدی.

تشدید منازعات: با گسترش رخداد اربعین و افزایش شرکت‌کنندگان در هر سال نسبت به سال قبل، جبهه وهابیت عکس‌العمل نشان داده و شروع به تبلیغات منفی کرده است. مطلبی با عنوان «حج حسینی: تبدیل یک فرصت بزرگ به تهدیدی بزرگ‌تر» در برخی رسانه‌های مجازی منتشر شده که گویای پیامدهای آن است.

۱

مقایسه و تقابل‌سازی میان پیاده‌روی اربعین با مناسک حج، یکی از محورهای اصلی در گفتمان «اربعین ایرانی» است که متاسفانه در رسانه‌های رسمی و غیررسمی هم به آن دامن زده می‌شود. به‌ویژه در این یکی دو سال پس از واقعه منا و تشدید اختلافات ایران و عربستان، این خط تقابل‌سازی تقویت شده است.

۲

این تقابل، در دینداری عامیانه هم زمینه قبول دارد. چراکه اساساً «آیین‌های دینداران» به جهت آن که محل بروز خلاقیت و ابتکار است و انعطاف‌پذیر است، به مراتب جذاب‌تر از «مناسک دینی» است. همچنانکه در این گونه از دینداری، عزاداری از نماز جذابیت بیشتری دارد، طبیعی است که اربعین هم جذاب‌تر از مناسک خشک و تکراری و صعب‌الوصول حج باشد. علاوه بر این، «دیگری»

تشیع عامیانه از گذشته تا امروز اهل سنت بوده‌اند و این تشیع اساساً از هرگونه تقابل‌سازی با سنی‌ها استقبال می‌کند.

۳

امروزه، نزاع و رقابت سیاسی میان جمهوری اسلامی و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای (به‌ویژه عربستان) از یک سو و رشد و گسترش دینداری غلوآمیز، عقل‌گریز و احساسی در پرتو غلبه «تشیع هیئت‌ی» و مداح‌محور و فربه‌شدن آیین‌های عزاداری از سوی دیگر بسترساز تقویت گفتمان تقابلی مذکور شده است. گفتمانی که شعایر اسلامی نظیر حج و بیت‌الله الحرام را تخفیف می‌دهد تا شعایر شیعی نظیر زیارت اربعین و کربلا را برتری بخشد. طیفی از روحانیون و به‌ویژه اهل منبر نیز با برجسته‌سازی و تکیه بر روایات مؤید این روند، می‌کوشند عقیده نظری آن را هم فراهم کنند. محصول این گفتمان می‌شود تعبیری نظیر «حج شیعه» و «حج حسینی» (که متأسفانه امروز [۱ آذر ۱۳۹۵] به‌عنوان یکی از تیتراهای اصلی روزنامه اعتماد انتخاب شده است)؛ تعبیر خطرناکی که بوی خون و خشونت می‌دهند. تکیه بر این تقابل، عملاً به مرزبندی اقلیت شیعه امامیه با جهان اسلام دامن می‌زند و نهایتاً شیعه امامی را به یک «فرقه» تبدیل خواهد کرد؛ منفک از بیکره جهان اسلام. امری که جمهوری اسلامی و شیعیان بیش از هر کس از آن ضربه خواهند خورد.

۴

فراموش نکنیم پیاده‌روی اربعین، هر چه هم زیبا، هر چه هم باشکوه، هر چه هم غرورآفرین، اما درنهایت یک امر مستحبی است؛ یک آیین نه‌چندان متقدم که توسط دینداران و در یک بستر تاریخی، فرهنگی و سیاسی شکل گرفته و رشد کرده است. اما مناسک حج یک شعار اصیل دینی و یک واجب شرعی است. فرمان خالق است نه ابداع مخلوق.

حج هم تنها یک حج است: «حج ابراهیمی». مراقب باشیم با هیجان‌ات مقطعی و احساسات کنترل نشده مذهبی، فرصت عظیم اربعین را تبدیل به تهدیدی بزرگ نکنیم.

ملاحظه

در این گزارمان، مؤلف پایان‌نامه و استاد راهنمای آن نکات مهمی گفتند و ابعاد مثبت علمی - جهانی آبرویداد اربعین را توضیح دادند. اما متأسفانه به یک جنبه بسیار مهم آن یعنی معلولان و معلولیت اشاره نکردند.

ثبت جهانی و تاریخی این رخداد بدون توجه به معلولان ناقص و ابتر است. البته حضور زنان، سالخوردگان و کودکان هم مهم است و گویای جنبه انسانی آن است ولی معلولان به چند دلیل اهمیت بیشتر دارد:

۱- معلولان به صورت سازمان یافته حضور دارند. تشکل‌های معلولان از کشورها و شهرهای مختلف نشان از پیشرفتگی مدنی آنها می‌نماید.

۲- معلولان علاوه بر حضور به تعاون، ایثار و خدمتگزاری هم اشتغال دارند. ناشنوایان به مردم غذا و جای می‌دهند، نابینایان با صدای رسا شعار، قرآن و نوحه می‌خوانند و گرمی بخش محافل هستند. به این دلایل مناسب است اینگونه آثار به معلولان هم بپردازند.

گزارش نشست ابعاد فرهنگی و اجتماعی پیاده‌روی اربعین

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و انجمن جامعه شناسی ایران، بعد از ظهر روز ۷ دی ماه ۹۵، همایشی در حد میزگرد در محل پژوهشگاه (تهران، خیابان دمشق) برگزار کردند و به بررسی ابعاد اجتماعی و فرهنگی اربعین پرداختند. عنوان این همایش «ابعاد فرهنگی و اجتماعی پیاده‌روی اربعین» بود.

چهار تن از استادان جامعه‌شناسی یعنی آقایان جبار رحمانی، محمدرضا پویافر، مسعود معینی‌پور و محسن حسام‌مظاہری در این باره از ساعت ۱۴ تا ۱۷ صحبت و هم‌اندیشی داشتند.

ابعاد اجتماعی و فرهنگی پیاده‌روی اربعین

بأحضور
 دکتر جبار رحمانی
 دکتر محمدرضا پویافر
 دکتر مسعود معینی‌پور
 آقای محسن حسام‌مظاہری

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
 جامعه‌شناسی ایران

مکان: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
 زمان: ۷ دی ۱۳۹۵
 ساعت: ۱۴ تا ۱۷

تهران: خیابان ولیعصر (۳۳)، رسید به میدان ولیعصر (۳۳)، خیابان دمشق شماره ۹

تلفن: ۸۸۱۱۱۷۶

گزارشی از سخنان شرکت کنندگان: اولین سخنران مسعود معینی‌پور^۱ درباره ویژگی‌های اربعین ایرانی گفت: اربعین عقلانیتی دارد که یک نوع شجاعت و امنیت را تأمین می‌کند. عقلانیت حاکم بر اربعین نوعی عقلانیت و حرکت خروج از جهالت است.

عُرفی شدن اربعین و خطر این عُرفی شدن موضوع بحث من است. به عقیده من اربعین را می‌توان آئینی دانست که به سمت منسک می‌رود. منظور از منسک هم مجموعه رفتارهای مذهبی است که در بازه‌های مختلفی شکل می‌گیرد و به عرصه عمل می‌رسد. منسک عموماً توسط مردم عادی به وجود می‌آید و در یک بستر کاملاً عرفی شکل می‌گیرد. البته باید توجه داشته باشیم بین دو نوع از عُرف تمیز قائل شویم؛ عُرف به معنای عمومی شدن توسط مردم و عُرفی شدنی که به سکولاریزم منتهی می‌شود.

یکی از ویژگی‌های مهم اربعین مقوله عمومی و مردمی بودن آن است به این معنا که هیچ نهاد یا سازمانی در شکل‌گیری این پدیده دخالت ندارد. البته در این بین باید به اربعین عراقی و ایرانی هم حواسمان باشد چون بسترهای جدید در ایران نشان داده که ما شناخت درست و خوبی از اربعین نداریم و عراقی‌ها در این باره از ما جلوترند. متأسفانه سیاستگذاران کشور ما چنین درکی از این تفاوت ندارند.

مناظر مختلفی هست که از طریق آنها می‌توان راجع به اربعین بحث کرد. پرداخت و توضیح داد: در باب اربعین می‌توان از سه منظر تکوینی، تشریحی و علوم اجتماعی بحث کرد. منظر تکوینی یعنی اینکه با یک وجه الهی و قدسی آن را ببینیم و تبیین کنیم. وجه تشریحی به این معنا که اربعین جزو تشریحاتی است که یکسری آداب و القاب خاص برای آن تعریف شده است. رویکرد آخر هم یعنی اینکه چون اربعین یک پدیده خودجوش و مردمی است پس از منظر جامعه‌شناسی هم قابل تحلیل است. علاوه بر این، اربعین عقلانیتی دارد که یک نوع شجاعت و امنیت را تأمین می‌کند چون طبیعتاً در شرایط فعلی کسی نباید به کربلا برود و رفتن این حجم از جمعیت با هیچگونه عقلانیت ابزاری جور در نمی‌آید عقلانیت حاکم بر اربعین نوعی عقلانیت و حرکت خروج از جهالت است.

منظور من از عرفی شدن و سکولاری شدن، معنادهایی و روزمره شدن پدیده اربعین است. ما اگر نتوانیم برای اربعین نوعی ما به ازای معرفتی، قلبی و رفتاری تعریف کنیم به سمت روزمره و عُرفی شدن آن می‌رویم. اگر به اربعین به عنوان یک پدیده حماسی و عاطفی نگاه کنیم و نگاه تقلیل‌گرایانه داشته باشیم و یا اگر امر سیاسی بر امر فرهنگی و فرم بر محتوا غلبه کند یعنی به سوی عُرفی شدن و روزمره شدن اربعین رفته‌ایم.^۲

جبار رحمانی، عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات به عنوان دیگر سخنران این نشست با اشاره به اینکه تشیع با پیاده‌روی اربعین و تحولات اخیر دچار نقطه عطف شده گفت: من تشیع امروزی که در پدیده اربعین حضور دارند را تشیع پس از صدام نامگذاری می‌کنم. چون در زمان صدام دسترسی به کربلا بسیار محدود بوده و فراق و دوری از کربلا نوعی عظمت و هیبت ایجاد کرده بود که حضور در آنجا برای خیلی‌ها غیرممکن

۱. معینی‌پور دبیر علمی همایش ملی اربعین و استادیار دانشگاه باقرالعلوم.

بود. پس از صدام این نوع از فراق و حسرت رفع شد و در نتیجه مختصات تشیع تغییر کرد به عقیده من امروزه دوران تشیع سنتی به پایان خودش نزدیک است.

نظریه «اجتماعات تصویری» بندیکت اندرسون را در این زمینه می‌توان مطرح کرد. اجتماعات تصویری مبتنی بر دوره معاصر و نوین است. در پدیده اربعین هم نوعی از این نظام تصویری شکل می‌گیرد. در واقع ما در این اجتماع یک جمعیت بزرگ و فراگیر را می‌بینیم که در آن دست الهی و فطرت خدا دخالت و حضور دارد. این جمعیت عظیم با یک منطق اعتقادی توجیه می‌شود و این روایت با یک نظام تصویری عجیبی شروع به تکثیر و انتشار می‌کند. اتفاقی که در این نمایش تصاویر رخ می‌دهد اینکه عمدتاً تصاویر یک دست و یکسان دیده می‌شود و معمولاً از هزینه‌ها، تلفات و نظرات افراد مختلف حرفی زده نمی‌شود. در واقع بر این اساس اربعین به یک فرایند فرامی‌تبدیل می‌شود که هیچ کس حتی جرأت نقد آن را هم پیدا نمی‌کند. یکی دیگر از ویژگی‌های اجتماعات تصویری ادعاهای گزاف و بدون منطق و مدرک و بر ساخته بشری است.

شاخ و شانه کشیدن اعدادی و کمی و اینکه دائماً روی این نقطه تمرکز شود که ما بزرگ‌ترین جمعیت مذهبی دنیا هستیم و مدام آمار و ارقام را به رخ سایر ادیان بکشیم و خودمان را قوم برگزیده ببینیم همگی برای این پدیده پیامدهایی دارد که ممکن است در آینده شاهد آن باشیم. نکته جالب اینکه برگزیده بودن و برتر بودن، منطق ادیانی است که در یک دوره‌ای سرکوب شده‌اند و تقریباً همه ادیان هم از این دوره‌ها داشتند. اما مشکل اجتماع تصویری این است که ما فکر می‌کنیم همه از آن پدیده یک تفسیر واحد دارند یعنی فکر می‌کنیم بچه، بزرگ و قومیت‌های مختلف همگی یک تفسیر از ماجرا دارند و به صورت تعمدی به سایر تفاسیر نمی‌پردازیم. بنابراین احتمال می‌رود که در آینده شاهد سیاسی شدن فزاینده این پدیده باشیم و مواردی چون تشیع انگلیسی و اینها از پیامدهای این اتفاقات است.

لازم است که حاکمان حکومتی دست از تصاحب، تقلیل و دستکاری این پدیده بردارند و در عوض وجه همزیستی، انسجام و وحدت فراگیر شیعی تقویت شود چون پدیده اربعین در صورتی استمرار پیدا می‌کند که غیر سیاسی شود. با دستکاری‌هایی که ما در این پدیده می‌کنیم به سمت اینکه ما شیعه برتر هستیم می‌رویم و این نوع ذهنیت انحصارگرایانه ممکن است دعوای جدید درون شیعی به وجود بیاورد.

به عقیده من وضعیتی که در حال حاضر شاهد آن هستیم وضعیت ظهور تشیع نوظهور است. باید توجه داشته باشیم که تکرار امر قدسی و روزمره شدن آن باعث می‌شود امر قدسی و در نتیجه ذهنیت شیعه مختل شود.

محسن حسام مظاهری، از پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی از دیگر سخنرانان این مراسم بود که درباره موضوع «اربعین ایرانی: الهیات سیاسی و پایان تاریخ شیعه» سخنرانی کرد. وی در ابتدای سخنانش ویژگی‌های اربعین ایرانی را مطرح کرد و گفت: بنده برای اربعین ایرانی چند ویژگی قائلم؛ برجسته‌سازی و اهمیت دادن به اربعین فراتر از یک آئین. آن اتفاق هم توسط وعاظ و منبری‌ها می‌افتد و هم توسط مسئولین نظام و یکسری نخبگان دولتی و حکومتی. برجسته‌سازی ابعاد جمعی و جمعیتی بر این اساس مدام روی ماجرای بزرگ‌ترین جماعت مذهبی دنیا و این آمار و ارقام تأکید می‌شود. نکته دیگر ماهیت سیاسی دادن به این پدیده است.

ویژگی‌های اربعین ایرانی را اینگونه می‌توان شمرد: مطرح کردن «دیگری» در این پدیده که منظور از دیگری در اینجا غرب است از دیگر ویژگی‌های اربعین ایرانی است. به این معنا که مدام اربعین را در مقابل جهان غرب تعریف می‌کنیم و می‌گوئیم رسانه‌های غربی به این موضوع بی‌توجهند و امثال اینها. وقوع غیرطبیعی و معجزه دانستن از دیگر ویژگی‌های این پدیده ایرانی است. همین که آن را غیرطبیعی بدانیم و دست خدا را در این پدیده ببینیم همگی مبنی بر این ماجراست. ماهیت بین‌المللی شدن اربعین و تأکید بر روی حضور مسیحیان و افرادی از دیگر کشورها خود بر این اساس است. جالب اینکه ما بر روی حضور مسیحیان خیلی تأکید می‌کنیم در حالی که این حضور اصلاً پدیده عجیبی نیست و در خیلی از کشورها اتفاق می‌افتد که افرادی از ادیان مختلف در مناسک سایر ادیان شرکت کنند. نکته قابل بحث اینکه ما انقدر که روی حضور مسیحیان و خارجی‌ها تأکید می‌کنیم بر روی حضور سنی‌ها تأکید نمی‌کنیم.

اما رویکرد و ویژگی آخرالزمانی به پدیده اربعین آخرین ویژگی اربعین ایرانی که برای من بسیار مهم و قابل بحث است. بر اساس تاریخ مقدس شیعه، عاشورا سرآغاز غربت و ظهور امام زمان سرآغاز قدرت است. یکی از مسائل و دغدغه‌های امروز شیعه تطبیق دادن مسائل فعلی با مسائل ظهور است. پدیده اربعین یکبار دیگر پای این تطبیق‌ها را باز کرد. به این معنا که خیلی‌ها این اتفاق و حضور عجیب و غریب در اربعین را در راستای ظهور می‌دانند و بر روی آن مانور می‌دهند. بعضاً در سخنرانی‌های این دوران شنیده و دیده می‌شود که این پیاده‌روی را نوعی آمادگی و تمرین برای ظهور مطرح کرده‌اند. به این معنا که ما باید اربعین را شلوغ کنیم و در پیاده‌روی آن حاضر شویم چون قرار است سپاه ظهور را آماده کنیم.^۱

ملاحظه

این همایش را ملی نامیده و پژوهشگاهی با امکانات یک وزارتخانه آن را برگزار کرده است؛ اما چرا بازتاب، اطلاع‌رسانی و محتوا در سطح ملی ندارد و صرفاً میزگردی چهار نفره است. اگر اربعین مهم است و سالانه هزینه بسیار از جیب ملت برای آن هزینه می‌شود، لاجرم نهادهای کلان موظف‌اند آسیب‌شناسی کنند، راه درست را نشان دهند، از کارشناسان دعوت کنند و بالاخره اهتمام جدی داشته باشند.

دانشگاه ماساچوست هر سال تحقیقات گسترده و نشست جدی در این باره دارد و کتاب چاپ می‌کند ولی نهادهای دولتی که بودجه کلان هم مصرف می‌کنند کارشان نسبت به کار امریکایی‌ها بسیار ضعیف‌تر است. چرا؟

گزارش همایش اربعین

بسیج دانشجویی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران مراسمی در ۳۰ آذرماه ۱۳۹۵ در محل دانشکده به نام همایش اربعین برگزار کرد. در این مراسم چهار تن از استادان علوم اجتماعی به ارائه

۱. خبرگزاری مهر، ۸ دی ماه ۱۳۹۵.

دیدگاه‌های خود درباره اربعین پرداختند. یک دانشجو هم به گزارش پایان‌نامه‌اش پرداخت که درباره رخدادهای اربعین است.

بسج دانشجویی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار می‌کند:

همایش

سخنرانان:

دکتر حمید پارسانیا
باموضوع جامعه‌شناسی و غفلت از اربعین

دکتر سیده مهدی اعتمادی فرد
باموضوع اربعین: بحران ها و فراخوان امر قدسی

دکتر جبار رحمانی
باموضوع زیارت و صورت‌بندی تاریخی هویت شیعی

دکتر محسن حسام‌مظاهری
باموضوع آیین جذاب: چرا اربعین برای ایرانیان جذاب است؟

و ارائه دانشجو به محسن امین

عنوان پایان‌نامه: پیاده‌روی اربعین به منتهای ارتباطات آیینی شیعی

زمان: سه‌شنبه ۳۰ آذرماه ۹۵
ساعت: ۱۲-۱۵
مکان: سالن مطهری

سخنرانی‌ها: دکتر حمید پارسانیا درباره «جامعه‌شناسی و غفلت از اربعین» و دکتر سید مهدی اعتمادی فرد موضوع «اربعین، بحران‌ها و فراخوان امر قدسی» را بحث کرد. دکتر جبار

رحمانی به موضوع «زیارت و صورت‌بندی تاریخی هویت شیعی» پرداخت. دکتر محسن حسام مظاهری، «آیین جذاب: چرا اربعین برای ایرانیان» را بحث کرد. دانشجو محسن امین، موضوع پایان‌نامه اش را «پیاده‌روی اربعین را به مثابه‌ی ارتباطات آیینی شیعی» برگزیده و گزارشی از آن در این همایش عرضه کرد.

دیدگاه شرکت‌کنندگان: حجت الاسلام حمید پارسانیا در مورد پیاده‌روی اربعین گفت: از پدیده پیاده‌روی اربعین می‌توان به روش‌شناسی مطالعات اربعین و لزوم تکرر روش‌شناسی از واقعه اربعین به خاطر گستردگی آن رسید. این روش‌شناسی مطالعات اربعین باید در مورد مناسک دینی هم به کار برود که این مربوط به جامعه‌شناسی دینی است و تاکنون مورد غفلت واقع شده است. پدیده زیارت اربعین را می‌توان با چند روش بررسی کرد؛ اول اینکه زیارت اربعین را به عنوان یک امر تکوینی که در قلمرو تکوین مراد خداوند قرار می‌گیرد بررسی کنیم که این بعد مربوط به بعد الهی و عرفانی اربعین می‌باشد و در قلمرو رفتار فردی نیست.

این روش همان چیزی است که به گفته ملاصدرا جغرافیای ملک با ملکوت در هم تنیده شده است. انسان کافر خود آتش متحرک است ولی انسان مومن بهشت متحرک و این همان چیزی است که پیامبر می‌گوید من از فاطمه بوی بهشت استشمام می‌کنم. ساحت دیگر در بررسی اربعین و مناسک دینی این است که از این جهت مورد توجه قرار می‌گیرند که این مراسم فعل انسانی است و انسان به عنوان یک کنش‌گر مطرح است. البته خود این ساحت دارای یک دوگانگی است که اولین آن به لحاظ تجویزی به موضوع اربعین می‌پردازد و این مسائل مطرح می‌شود که آیا فردی که این کار را انجام می‌دهد کار خوبی انجام داده یا خیر؟ کار واجبی انجام داده یا مستحب یا مباح؟ در واقع این ساحت شریعتی مناسک اربعین است. در این بعد در واقع ما اربعین را به لحاظ دینی می‌شناسیم نه به لحاظ واقعیت وجودی آن و روش این ساحت رجوع به روایات است.

از لحاظ اینکه اربعین فعل انسانی است این حوزه مربوط به عمل انسان‌هاست و این یک پدیده و مطالعه تاریخی و میدانی است. در این روش به یک مطالعه پدیده زمانی و مکانی می‌پردازیم. در این بعد به این می‌پردازیم که چه کسانی مخالف آمدن مردم بودند و چه کسانی موافق. وقتی با آمدن آنها مخالفت شد کنش‌گران چه کردند؟ آیا از رفتن منصرف شدند و یا تهدید؟ و اگر به زیارت رفتند توسط تهدیدکنندگان چه برخوردی با آنها شد؟ احکام در این حوزه را نباید با هم خلط کرد یعنی که اگر در مقطعی تاریخی کنش‌گران به این تجویز عمل کردند و در دوره‌ای دیگر عمل نکردند نباید آن را به شریعت نسبت داد و این همان سفری است که در مطالعه مناسک دینی ممکن است رخ بدهد و رخ هم داده است.^۱

در ادامه دکتر محسن حسام مظاهری به سخنرانی پیرامون این پرداخت که چرا اربعین برای ایرانی‌ها جذاب است. ادبیات پیاده‌روی اربعین در ایران کمتر از یک دهه عمر دارد و به همین جهت بیشتر در مورد آن پرسش داریم تا اینکه بخواهیم تحلیل کنیم و به همین جهت فعلاً نیازمند جمع‌آوری داده در مورد این موضوع هستیم.

عملاً شاهد وجود دو نوع آئین در جامعه هستیم یک دست آئین‌ها توسط خود دین تشریح شده اند و فرم شان با جزئیات در متون دینی آمده است و یک دسته آئین‌ها هم فرم سیال دارند و این فرم تأثیر گرفته از شرایط اجتماعی، جغرافیایی و سایر عوامل است و به خاطر همین در یکی از بافت‌های فرهنگی نخل نقش زیادی در آئین عزاداری دارد و در بافت دیگر قمه زنی رواج پیدا می‌کند. معمولاً آئین‌های دسته دوم برای دین داران جذاب‌تر هستند چون می‌توانند در آن دخل و تصرف کنند و به همین جهت است که با بعضی از افراد روبرو می‌شویم که به پیاده‌روی اربعین می‌روند ولی نماز نمی‌خوانند.

نکته‌ای که معمولاً مورد توجه زائران ایرانی قرار می‌گیرد و دارای جذابیت است تفاوت‌های ناشی از بافت فرهنگی و عشیره‌ای عراق با ایران است برای مثال تفاوت در نحوه دادن نذری‌ها؛ تفاوت در نمازهای دینی و سیاسی که در طول مسیر پیاده‌روی مشاهده می‌شود.

ایرانیزه کردن عراق و گفتمان‌های آن از کنترل ایران خارج است چون عوامل کنترل کننده آن خارج از دست ایران است و به همین جهت نمی‌توان با عنوان شیعه انگلیسی یا اسلام آمریکایی مانع حضور و فعالیت عده‌ای در این آئین و مراسم شد و از این منظر می‌توان گفت اربعین بزرگترین صحنه‌ای است که تکثر گفتمان شیعی را نشان می‌دهد.

از طرف دیگر مجموعه جذابیت‌های خردی تشکیل می‌دهد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت مثلاً این جذابیت خرد که از لحاظ اقتصادی معمولاً این زیارت برای زائر ارزان تمام می‌شود و یا اینکه جنگ تحمیلی ارتش بعث بر چگونگی این پدیده در زمان کنونی نمی‌تواند بی تأثیر باشد هر چند که در این زمینه باید تحقیق بیشتری انجام شود.

در ادامه دکتر سیدمهدی اعتمادی فر به سخنرانی حول موضوع اربعین؛ بحران‌ها و فراخوان‌های امر قدسی پرداخت و به این نکته اشاره کرد که آمارها نشان می‌دهد که میزان حضور مردم در مناسک دینی جمعی طی دهه‌های اخیر کاهش یافته است ولی در بعضی مناسک و از جمله اعتکاف‌ها و پیاده‌روی‌های اربعین این آمار رو به رشد بوده است و بعضاً این رشد هم یک رشد انفجاری بوده است. به نظر می‌رسد با ارجاع به خود یک مناسک خاص؛ به الگو و تدوین کاملی نمی‌توان دست یافت بلکه باید به بافت‌ها و زمینه‌های موجود هم توجه کرد.

امروزه افراد در زندگی فردی خود با نوعی عدم اعتدال به خاطر بحران‌های موجود روبرو هستند و از طریق حضور در یکسری از مناسک جمعی می‌توانند تا حدی تأثیر این نیروهای اجتماعی نامتعادل را کاهش دهند به عبارتی هر چه این نیروهای اجتماعی نامتعادل کننده در زندگی اجتماعی افزایش یابد؛ رغبت به اینگونه مناسک و مراسم جمعی بیشتر می‌شود.

جالب اینکه مناسکی چون نماز جمعه و نمازهای جماعت نمی‌توانند دواى این درد موجود ناشی از بحران‌ها باشند؛ چون همه سلايق را در بر نمی‌گیرند و منحصر به فرد نیستند.

وی در مورد شکل‌های دین داری به این نکته اشاره کرد که فرم‌های دین داری رو به تغییر و تحول است و هر مقدار ابهام در ارزش‌های اساسی دین داری افزایش یابد این فرم‌های تحول یافته تر بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و به همین جهت است که حضور گسترده مردم در پیاده‌روی اربعین به معنای بیشتر شدن میزان دین داری افراد جامعه نیست بلکه به آن جنبه منحصر به فرد بودن این مناسک برمی‌گردد.

اتفاقی چون حضور دسته جمعی در مقبره کوروش نیز از همین دسته است که درصدد کاهش اثر دردهای ناشی از بحران‌هاست. معمولاً کسانی که در راهپیمایی اربعین حضور می‌یابند می‌خواهند با حضورشان امنیت جمعی خود را در کشورشان افزایش دهند و به همین جهت شرکت‌کنندگان حیثیت وجودی و اولیه زندگی خود را در حضور در این مراسم می‌بینند. حضور گسترده در اینگونه مراسم‌های منحصر به فرد به زمینه‌های بحرانی غیر مترقبه‌ای برمی‌گردد که می‌تواند ناشی از شرایط منطقه‌ای خاورمیانه باشد و یا ناشی از بعضی شرایط داخلی. یادآوری کردن از مراسم اربعین تحت عنوان رزمایش نمادین می‌تواند گویای شرایط خاص خاورمیانه باشد.

وی در جواب یکی از حضار با اشاره به سایر پدیده‌هایی چون هیئت‌ها و برخی مداحان گفت: به خاطر وجود همین بحران‌هاست که هیئت‌هایی که معمولاً نظم و انسجام روتین و مشخص دینی ندارند؛ بیشتر مورد استقبال قرار می‌گیرند برای مثال هیئت دیوانگان کاشان هیئتی است که مراجع آن را چندان قبول ندارند ولی مورد استقبال زیادی قرار می‌گیرد و یا مداحی مثل سیدجواد ذاکر به خاطر این شرایط به قطبی در مراسم‌های عزاداری تبدیل می‌شود.

در ادامه این نشست دکتر جبار رحمانی به سخنرانی پیرامون زیارت و صورت بندی تاریخی هویت شیعی پرداخت و گفت: تشیع به خاطر دور شدن از سیستم مرکزی در طول تاریخ درصدد برآمدن آئین‌های خود بوده است. تشیع بیش از اینکه خود را حول کعبه تشکیل دهد؛ خود را حول بارگاه‌ها تشکیل داده است و کربلا مهمترین این بارگاه‌هاست. تاریخ تشیع پر است از تنش‌ها و سختی‌ها و به خاطر همین است که در برخی مقاطع تاریخ می‌بینیم دست زائر امام حسین علیه السلام را قطع می‌کنند و یا او را خیلی اذیت می‌کنند در حالی که این اتفاقات بد در مورد رفتن به حج وجود نداشته است. کربلا یک معدن پر از راز و رمز برای شیعیان است که هر چه سخت‌گیری‌های نسبت به آن زیادتر شود این حالت راز و رمزگونه کربلا افزایش می‌یابد.^۱

در ادامه این همایش محسن امین، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران به ارائه مطالبی پیرامون پایان نامه خود پرداخت.

وی در مورد پایان نامه خود که با عنوان «پیاپی اربعین به مثابه ارتباطات آئینی شیعی» بود، گفت: در این پایان نامه چون نظریه خاصی پیدا نشد که اربعین را با آن بررسی کنیم؛ روش مردم نگاری را انتخاب کردیم و کار مردم نگاری بیشتر به توصیف می‌پردازد.

در این تحقیق سه مفهوم مرکزی از دید سه طیف اصلی مراسم زیارت اربعین استخراج شد. زائران، مجریان و مروجان سه طیف اصلی مراسم زیارت اربعین هستند و سه مفهوم مرکزی استخراج شده هم عبارتند از محبت اهل بیت، نمایش جهانی و هویت شیعی.

در هر سه طیف تمایل به یک نمایش جهانی برای اثبات هویت شیعی وجود دارد. شیعه در طول تاریخ غالباً از قدرت دور بوده و مورد ظلم قرار گرفته و آئین اربعین فرصتی را پدید آورده که شیعه برای تثبیت هویتش که در طول تاریخ نتوانسته آن را اثبات کند؛ درصدد اثبات آن برآید.^۲

۱. خبرگزاری دانشجوی، ۱ دی ماه ۱۳۹۵.

۲. همان.

گزارش نشست اربعینیات

دفتر فرهنگ معلولین با دعوت از تعدادی از معلولانی که در راهپیمایی اربعین حضور داشتند در ۸ آذر ماه ۱۳۹۵ نشستی با حضور آنان برگزار کرد. در این نشست آقایان مسعود باقری (نابینا)، هادی ضیایی فر (نابینا)، قدرت الله شفیعی (نابینا)، مجید شریفی (نابینا) و محمد وهابی (کم‌بینا) به ارائه مشاهدات و تحلیل‌های خود پرداختند.

محور و سرفصل‌های مباحث مطرح شده عبارت بودند از:

- نقش و تأثیر حضور معلولان در راهپیمایی اربعین
- معرفی توانایی‌های معلولان از طریق این راهنمایی
- تعامل و داد و ستد فرهنگی بین معلولان ایران و عراق
- هم‌اندیشی معلولان ایرانی از شهرهای مختلف
- فرهنگ‌سازی در مردم از طریق گفت‌وگو با مردم
- دریچه‌ای برای حضور در فرصت‌های جهانی با نشان دادن خود به جهان
- خدمت به زائران
- کمک و مشارکت معلولان برای آسیب شناسی

مجموعه این مباحث در یک جلد کتاب عرضه خواهد شد. اما در پایان این فصل به اقدامات دفتر فرهنگ معلولین در جریان اربعین می‌پردازیم.

اقدامات دفتر فرهنگ معلولین: البته جای خوشبختی است که دفتر فرهنگ معلولین از سال ۱۳۹۳ شروع به بررسی پدیده اربعین در محدوده معلولین نمود. یعنی می‌خواستیم بدانیم انگیزه‌های معلولین از مشارکت آنها در این راهپیمایی چیست و چه تأثیرهایی در زندگی فردی و اجتماعی آنها دارد؛ چگونه این آثار را گسترش دهیم. از این‌رو این دفتر به رغم نداشتن بودجه مصوب چند اقدام را انجام داده است:

۱- تلاش شده هر سال حداقل ۲ نفر از معلولین را در راهپیمایی شرکت داده و با توجیه آنان، به آنان مأموریت‌های خاص مثل گردآوری عکس و فیلم از معلولین شرکت‌کننده در راهپیمایی سپرده است. سپس پس از برگشت اطلاعات را به شیوه‌ای که بعداً خواهیم گفت بررسی و نتایج به دست آمده را منتشر کرده است.

۲- اطلاعات به دست آمده در هر سال کلاس‌بندی و در اختیار گروه‌های مرجع و پژوهشگر برای تجزیه و تحلیل گذاشته شده است.

۳- برگزاری نشست‌های نگاه‌های اربعین (یا اربعینیه) و نشست هم‌اندیشی اربعین. معمولاً یک هفته پس از برگشت مردم از مراسم اربعین، ۵ تا ۱۵ نفر از معلولین شرکت‌کننده در مراسم را دعوت و با پرسش و طرح مباحث تلاش می‌کنیم هم‌اندیشی و عقلانیت جمعی (تحلیل جمعی) را در این زمینه افزایش دهیم.

این نشست‌ها به صورت یک جلد کتاب با عنوان هم‌اندیشی معلولان درباره مراسم اربعین در حال نهایی شدن است.

۴- همان‌طور که گفته شد کار چهارم این دفتر آماده‌سازی و نشر کتاب درباره اربعین است.

- ۵- تحقیق علمی و عمیق‌تری طی ۲ سال اخیر انجام و نهایی شده و تا یک هفته آینده آماده چاپ می‌شود. این کتاب با عنوان قیام حسینی تا اربعین حسینی: حضور متعهدانه معلولان در پنج فصل به بررسی تحولات تاریخی حضور و مشارکت معلولان در قیام امام حسین و در مراسم اربعین می‌پردازد.
- ۶- قصد داریم در سال ۱۳۹۶ تیم اعزامی را تا ده نفر افزایش دهیم و به روش موضوعی کار کنیم. یعنی هر سال یک موضوع مذهبی-اجتماعی را به روش علمی محور تحقیقات قرار دهیم.

فصل دوم: مآخذشناسی اربعین حسینی

اربعین امام حسین علیه السلام در فرهنگ شیعی جایگاه بسیار والا و ارزشمندی دارد چون یک بار دیگر خاطرات و حوادث روز عاشورا در این روز زنده شده و به نوعی نقطه عطفی در تاریخ اسلام و تشیع گردیده است.

واژه اربعین مبنای فرهنگی نیز دارد یعنی در فرهنگ اسلامی بر عدد ۴۰ بسیار تأکید و سفارش شده و در مناسبت‌های مختلف بر آن تکیه شده، یکی از آن‌ها زیارت اربعین امام حسین (علیه السلام) است، و نیز استحباب این زیارت از جمله مواردی است که اهمیت عدد چهل را در فرهنگ اسلامی و معارف شیعی می‌رساند. دو مناسبت در این روز وجود دارد، یکی آمدن جابر بن عبدالله انصاری برای زیارت امام حسین (علیه السلام) از مدینه به کربلا در بیستم صفر سال ۶۱ قمری و بنابر مشهور، رسیدن اهل بیت (علیهم السلام) در این روز به کربلا و دیگری تعلیم حدیثی از امام صادق (علیه السلام) به صفوان بن مهران جمال، برای زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز اربعین است. این نوشتار گزارشی از تألیفات پژوهشگران درباره این موضوع است. در این مآخذشناسی تلاش کرده‌ایم تمامی آثاری که درباره اربعین و زیارت اربعین به صورت کتاب، مقاله (مقالات مجلات و همایشها) و یا پایان نامه تا آبان ماه ۱۳۹۵ (اربعین ۱۴۳۷ ق) منتشر شده‌اند، معرفی شوند. البته این گزارش تنها به ذکر اطلاعات مآخذشناسی آثار بسنده کرده است.

اما در فرصت محدودی که داشتیم ۲۲۲ منبع درباره اربعین حسینی شناسایی شد؛ البته فقط در زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی و فقط در محدوده جغرافیایی ایران، عراق و آمریکا. اگر در زبان‌های دیگر مثل اردو و در جغرافیای فرهنگی مناطق دیگر جستجو شود، قطعاً منابع دیگر یافت خواهد شد.

چند نکته درباره این منابع هست و تذکار آنها به تحقیقات آینده کمک خواهد کرد:

۱- قدیمی‌ترین کتاب فارسی، ۱۳۶۴ و جدیدترین کتاب، ۱۳۹۵ منتشر شده است و طی ۳۱ سال هفتاد و نه عنوان کتاب درباره اربعین به فارسی منتشر شده است. یعنی هر سال حدود ۲/۵ عنوان کتاب به فارسی درباره اربعین چاپ شده است.

۲- هر مقدار به سال ۹۵ نزدیک‌تر شده‌ایم، رویکرد تحقیقات اجتماعی‌تر و اهتمام به راهپیمایی اربعین بیشتر شده است. این وضعیت در مقالات و کتب عربی هم هست.

۳- آمار کتب عربی، ۲۱ عنوان، مقالات فارسی ۱۰۲ عنوان؛ مقالات عربی ۱۲ عنوان؛ پایان‌نامه‌ها ۳ عنوان و کتاب انگلیسی یک عنوان است.

البته لازم است با جستجوی بیشتر تمامی اطلاعات از کشورهای مختلف جمع‌آوری گردد. متأسفانه مراکز متصدی اینگونه موضوعات اهتمام و تلاش نمی‌نمایند.

۴- کتاب، مقاله و پایان‌نامه مستقل درباره جایگاه معلولان در اربعین یا اقشار آسیب دیده و کم‌توان مثل کودکان، پیرزنان و پیرمردان و معلولان تا کنون مشاهده نشده است. اما دفتر فرهنگ معلولین دو اثر را به پایان رسانده و کتاب حاضر را منتشر کرده است.

کتاب فارسی

۱. آه از غروب فراق : نجوای خاموش جابر با مولایش حسین (ع). سعید مقدس، تهران، مکیال، ۱۳۸۱، ۶۴ص.
۲. اربعین. رسول جعفریان، تهیه شده در معاونت امور فرهنگی، مدیریت آموزش، تهران، نشر شعر، ۱۳۹۰، ۳۳ص.
۳. اربعین. عکاسی سعید محمودی از ناوه، پیش گفتار: سیدحسین نصر، نگارش متون: سیدمحمد سادات اخوی، ترجمه انگلیسی متون: فریده مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات امام رئوف، نگاه، ۱۳۹۵، ۲۰۴ص.
۴. اربعین ۱۳۹۳. احمد مسجدجامعی، مدیر اجرایی: زهرا گلشن، مدیر هنری: آیدین قشلاقی، تهران، آوردگاه هنر و اندیشه، ۱۳۹۴، ۱۶۸ص، مصور رنگی.
۵. اربعین امام حسین علیه السلام. حسن نمازی شاهرودی، تهران، دانشوران، ۱۳۷۸، ۱۶ص.
۶. اربعین، پای پیاده ... راهنمای جامع زائران حسینی (ع). محمد مهدی عمویی، تهران، هله، ۱۳۹۵، ۱۲۰ص.
۷. اربعین، چستی؟ چرایی؟ چگونگی؟. محمد رضایی آدریانی، قم، همای غدیر، ۱۳۹۵، ۱۷۶ص.
۸. اربعین حسینی. علی اصغر شاطری، قم، حسینیه آیت الله امامی کاشانی، مجمع متوسلین به آل محمد (ص)، ۱۳۹۵، ۴۸ص.
۹. اربعین حسینی؛ امکان حضور در تاریخی دیگر. اصغر طاهرزاده، اصفهان، لب المیزان، ۱۳۹۵، ۹۰ص.
۱۰. اربعین حسینی: پژوهشی در بازگشت اهل بیت علیهم السلام از شام به کربلا. محمدامین پورامینی، با مقدمه معرفت، قم، حسین (ع)، ۱۳۸۲، ۱۲۴ص.
۱۱. اربعین در فرهنگ اسلامی. تهیه و تنظیم و ترجمه رضا تقوی دامغانی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۶۸.
۱۲. اربعین در فرهنگ شیعه. سیدمحمدحسن حسینی طهرانی، قم، عرش اندیشه، ۱۴۲۶ق=۱۳۸۴، ۱۱۷ص؛ قم، مکتب وحی، ۱۳۹۰، ۱۱۷ص.
۱۳. اربعین سید شهیدان کربلا. اصغر محمدی همدانی، تهران، گلزار کتاب، ۱۳۸۶، ۸۱ص.
۱۴. اربعین شهیدان کربلا تداوم قیام عاشورا. احسان سوقیا، تهران، راه نیکان، ۱۳۹۵، ۳۴۱ص.
۱۵. اربعین و چهل درس از کاروان آزادی آفرین کربلا. مرتضی مهدوی یگانه، تهران، جمهوری، ۱۳۸۷، ۱۲۳ص.

۱۶. **اربعینیان: تجربیات مربوط به پیاده‌روی اربعین.** سید محمود هاشمی دهرسخی، مجری طرح: موسسه فرهنگی قرآن و عترت ندای کلام هادی، اصفهان، آشیانه برتر، ۱۳۹۳، ۹۶ص.
۱۷. **از عاشورا تا اربعین.** حشمت‌الله قنبری همدانی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۹۴، ۱۵۲ص.
۱۸. **از عاشورا تا اربعین.** محمد سرخوش، بوشهر، انتشارات بوشهر، ۱۳۸۸، ۱۳۱ص.
۱۹. **از کربلا تا مدینه محرق القلوب.** احمد بحرینی دشتی اقتباس از کتاب محرق القلوب مهدی نراقی، قم، موسسه انتشارات عصر ظهور، ۱۳۸۴، ۳۵۲ص.
۲۰. **از نجف تا کربلا، گام‌هایی با خدا.** حمیدرضا غیاثوند و سیده‌فرشته وظیفه، تهران، نقطه سر خط، ۱۳۹۴، ۵۴ص.
۲۱. **او یافت مرا: سفرنامه پیاده‌روی اربعین + کمی مزاج.** رضا عیوضی، قم، انتشارات شهید کاظمی، ۱۳۹۵، ۱۷۶ص.
۲۲. **این است آن نیست: روایت‌های داستانی از دنیای اربعین.** تقی شجاعی و دیگران، قم: انتشارات شهید کاظمی، ۱۳۹۵، ۱۳۶ص.
۲۳. **با خاندان وحی: از عاشورا تا اربعین.** حشمت‌الله قنبری همدانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹، ۱۷۳ص.
۲۴. **پیاده آمده‌ام: عکس‌هایی از پیاده‌روی اربعین حسینی.** عکس سیداحسان باقری و علی حیاتی؛ گردآوری و بازنویسی متن محمد کرم‌زاده و سیداحسان باقری، تهران، شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۳، ۱۷۹ص.
۲۵. **پیاده تا بهشت... : خاطرات پیاده‌روی؛ از نجف تا کربلا، اربعین سال ۱۳۹۰؛ از نجف تا کربلا، اربعین سال ۱۳۹۱؛ از نعمانیه تا کربلا، اربعین سال ۱۳۹۲.** سیدحمید مسعودنیا، قم، باقیات، ۱۳۹۳، ۱۷۵ص.
۲۶. **پیاده‌روی اربعین مغناطیس حسینی.** محمودرضا ذکاوت، قم، میراث ماندگار، ۱۳۹۵، ۱۰۴ص.
۲۷. **تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهداء (ع).** محمدعلی قاضی طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فرهنگی شهید آیت‌الله قاضی طباطبائی، ۱۳۶۸، ۹۶۳ص؛ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۳، ۴۸۸ص.
۲۸. **تدائیر پیاده‌روی اربعین.** مرتضی حسینی منش، قم، مهر امیرالمومنین (ع)، ۱۳۹۴، ۱۱۲ص.
۲۹. **توشه اربعین: قطره‌ای از دریای معرفت حسین (ع): شرحی بر زیارت اربعین.** سیدمجتبی حسینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵، ۲۳۶ص.
۳۰. **توصیه‌های معنوی بزرگان برای پیاده‌روی اربعین.** وحید حاجی آقازاده، قم، تولی، ۱۳۹۵، ۴۱ص.

۳۱. ثارالله خون حسین علیه‌السلام در رگ‌های اسلام به ضمیمه تحقیقی درباره اربعین حسینی. حسین عندلیب‌همدانی، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۲، ۵۱۹ص.
۳۲. جاده عشق: گزارشی از سفر کربلا در اربعین. احمد حبیبیان، همدان، برکت کوثر، ۱۳۹۵، ۱۵۰ص.
۳۳. جاذبه‌ی حسینی: گزیده آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی در دو موضوع حضرت زینب کبری (س) و اربعین حسینی. به‌اهتمام: موسسه‌ی فرهنگی لوح و قلم، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴، ۹۶ص.
۳۴. چله وصل. به کوشش ناصر صبا، تهران، شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر، ۱۳۹۴، ۱۶۷ص.
۳۵. چله وصل در اسرار اربعین. سیدعلیرضا موسوی، اصفهان، انتشارات ذکری‌القلوب، ۱۳۹۳، ۱۱۰ص.
۳۶. چهل روز عاشقانه. محمدرضا سنگری، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۱، ۱۴۳ص.
۳۷. خس بی‌سر و پا. حمید حسام، به سفارش حوزه هنری استان همدان، تهران، شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۵، ۱۸۰ص.
۳۸. در مسیر عاشقی (اربعین ۱۴۳۷). ابراهیم محمودی، تهران، ابراهیم محمودی، ۱۳۹۴، ۳۵ص.
۳۹. درسنامه اربعین. مجید جعفرپور، قم، بیت‌الاحزان، ۱۳۹۰، ۲۵۶ص.
۴۰. دو سالانه سوگواره رسانه‌ای پیاده‌روی اربعین حسینی: طریق‌الحسین (ع) آثار برگزیده دو دوره سوگواره رسانه‌ای پیرامون پیاده روی اربعین (۱۴۳۷-۱۴۳۶). دبیر سوگواره حمید افسری، مجری طرح موسسه مهاده رسانه پژوه، تهران، مؤگان حضوری، ۱۳۹۵، ۲۲۷ص.
۴۱. دیوان اربعین الامام‌الحسین (ع). ام‌سرور، قم، انتشارات حضرت عباس علیه‌السلام، ۱۴۳۲ ق. = ۱۳۹۰، ۲۰۰ص.
۴۲. راز بکاء: مصائب حضرت زینب (ع) از واقعه کربلا تا اربعین. مقصود باقری، تبریز، سالار، ۱۳۷۹، ۲۲۴ص.
۴۳. رسم دلدادگی: روایتی ادبی از اربعین حسینی از نگاه جابر ابن عبدالله انصاری. علیرضا مرتضوی، تهران، ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، ۱۳۹۰، ۴۰ص.
۴۴. روایت اربعین (نگاهی اجمالی به پیاده‌روی حسینی). مهدی اسدی‌ملردی و ابوطالب محسنی‌بندپی و رمضانعلی محسنی، کرج، انتشارات ملرد، ۱۳۹۵، ۱۱۵ص.
۴۵. ره توشه راهیان نور: متون علمی - آموزشی مبلغان ویژه اربعین حسینی ۱۴۳۷ ه.ق - ۱۳۹۴ ش. تهیه و تدوین دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی، گروه تامین منابع؛ نویسندگان گروهی از پژوهشگران، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۴، ۱۹۱ص.

۴۶. زیارت اربعین: آینه عرفان و آیت ایمان. با تیبانی از محمدحسن احمدی فقیه، قم، دار التفسیر، ۱۴۲۳ق. / ۱۳۸۱؛ قم، آیات بینات، ۱۴۳۰ق، ۴۸ص.
۴۷. زیارت در اربعین: فضیلت زیارت اربعین حسینی در کربلا. محمدعلی نورانی یگانه‌قمی، قم، اثر قلم، ۱۳۹۲، ۸۷ص.
۴۸. زینب(ع) در حساس‌ترین و درخشانترین دوران زندگی خود یعنی: از عاشورا تا اربعین. بدرالدین نصیری، به کوشش اسدالله مرادی بروجردی، کاشان، حسینیه آیت‌الله امامت کاشانی، مجمع متوسلین به آل محمد(ص)، ۱۳۸۳، ۳۴۹ص.
۴۹. ستون ۱۴۵۲. گردآورنده: کیوان امجدیان، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی مقاومت بسیج، معاونت فرهنگی پرورشی، انتشارات فرآهنگ اندیشه، ۱۳۹۴، ۱۵۷ص.
۵۰. سرای اربعین(راهنمای طرح و تجهیز موكب‌های مراسم اربعین). سیدجواد هاشمی فشارکی، با همکاری مجمع مهندسی، برایستاد مرکزی اربعین حسینی، کمیته فرهنگی آموزشی، کارگروه مراسمات اربعین، تهران، باغ فکر، ۱۳۹۵، ۱۶۸ص.
۵۱. سریر اشک: ماتم‌نامه حسینی از محرم تا اربعین. به کوشش محمد(عارف) موسوی‌نژاد، با مقدمه‌ای از صادق حسینی‌اشکوری، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۷=۱۴۳۰ هـ، ۱۸۲ص.
۵۲. سفرهای به وسعت جغرافیای شیعه. حبیب‌اله خواص، تهران، انتشارات طلیعه ظهور، ۱۳۹۵، ۲۱۱ص.
۵۳. سید من حسینی: روایتی از فتح من در سفر پیاده‌روی اربعین. سید تقی شجاعی، قم، انتشارات شهید کاظمی، ۱۳۹۵، ۲۴۸ص.
۵۴. شرح زیارت اربعین سالار شهیدان همراه با: زیارت عاشورا، دعای توسل، دعای عهد و دعای فرج. یدالله زمانی گندمانی، قم، چلچراغ، ۱۳۹۰، ۱۲۸ص.
۵۵. شرحی از بی‌نهایت (پیاده‌روی عظیم اربعینی حسینی). هوشنگ نظری، کرج، سیادت، ۱۳۹۵، ۹۶ص.
۵۶. شعر اربعین. دفتر تحقیق و پژوهش بنیاد شهید انقلاب اسلامی، زیر نظر نصرالله مردانی، تهران، شاهد، ۱۳۷۷، ۱۶۴ص.
۵۷. صفریه از روز اربعین تا آخر ماه صفر. علی فلسفی خراسانی؛ مصحح جواد ارتشداد، مشهد، جعفری، ۱۴۰۶ق. = ۱۳۶۴، ۳ جلد.
۵۸. فرهنگ‌نامه‌ی اربعین امام حسین علیه‌السلام. سید محمود هاشمی‌دهسرخ‌ی و محمد جعفری‌پور، مجری طرح: موسسه‌ی فرهنگی قرآن و عترت «ندای کلام هادی»، اصفهان، آشیانه برتر، ۱۳۹۵، ۲۰۸ص.

۵۹. الگوهای آسمانی «فاطمه و اربعین حسینی»: مجموعه سخنرانی‌های خطیب توانا حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سید محمدتقی حشمت‌الواعظین طباطبائی قمی. علی تقدیری، قطب‌الدین محمد رستگار، تهران، قطب‌الدین محمد رستگار، ۱۳۸۹، ۲۲۴ص.
۶۰. مجموعه مقالات اربعین. جمعی از نویسندگان، تهیه شده در پژوهشکده حج و زیارت، تهران، نشر مشعر، ۱۳۹۴، ۵۲۰ص.
۶۱. مجموعه مقالات اربعین حسینی (ع). جمعی از نویسندگان، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله، ۱۳۹۴، ۵ جلد.
۶۲. مجموعه مقالات در زمینه عاشورا، اربعین و نوروز. محمدفاضل استرآبادی، قم، انتشارات شیعه‌شناسی، ۱۳۹۲،
۶۳. مدنیت، عقلانیت، معنویت در بستر اربعین. مسعود معینی‌پور، به سفارش انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)، پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۴، ۲۷۰ص.
۶۴. مرثیه‌نامه: اربعین و ورود به مدینه محرم و صفر ۱۳۸۸. مجید عیوضی، تهران، آرام دل، صیام، ۱۳۸۸، ۴۸ص.
۶۵. مردم‌باری در اربعین حسینی: شرحی بر حضور یگان‌های ویژه ناجا در اربعین سالهای ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴. به کوشش مرکز تحقیقات کاربردی فرماندهی یگان‌های ویژه ناجا، با مساعدت حسن کرمی، تبریز، یاس نبی، ۱۳۹۵.
۶۶. مسیر راه بهشت: راهنمای پیاده‌روی زائران اربعین حسینی. علی‌رضا صنعی فرید و عباس مقدم، تهران، کتاب یار مهربان، ۱۳۹۵، ۱۶۰ص.
۶۷. مسیر عاشقی: نجف تا کربلا اربعین ۹۲. مهدی تقوی قادی‌کلانی، تهران، تیرگان، ۱۳۹۳، ۶۱ص.
۶۸. مصائب الحسین (ع) یوم الاربعین. الملائه معصومه حبیب‌الجریدان، بی‌جا، بی‌نا.
۶۹. مصائب حضرت زینب (ع)، از واقعه کربلا تا اربعین. مقصود باقری، تبریز، سالار، ۱۳۷۹، ۱۷۰ص.
۷۰. من ویزا ندارم: روایتی کوتاه از راهپیمایی اربعین حسینی (ع). علی‌اکبر میرزاآقایی (خوانساری)، تهران، سیب صادق، ۱۳۹۵، ۱۸۵ص.
۷۱. منزل به منزل تا بهشت: ویژه‌نامه اربعین ابا عبدالله الحسین (ع).... ناصر شکران امیری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۹۵، ۳۰ص.
۷۲. نخستین اربعین در کربلا. آیه الله قاضی طباطبائی. مقدمه آیه الله جعفر سبحانی، تلخیص و نگارش مهدی شمس‌الدین، تهران، شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه، ۱۳۷۵، ۷۱ص.
۷۳. هشتاد هزار متر عشق: سفرنامه زیارت اربعین با پای پیاده. مهدی نیلی پور، اصفهان، مرغ سلیمان، ۱۳۹۳، ۸۴ص.

۷۴. همایش اربعین جلوه‌ای از زندگی آرمانی شیعه. حبیب‌اله خواص، تهران، انتشارات طلیعه ظهور، ۱۳۹۴، ۲۶۴ص.
۷۵. همراه با آل‌علی(ع) (از عاشورا تا اربعین). حشمت‌الله قنبری همدانی، [برای] سازمان تبلیغات اسلامی، ستاد برگزاری برنامه‌های فرهنگی - تبلیغی سال حضرت امیرالمؤمنین علی(ع)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹، ۱۴۵ص.
۷۶. همراه با زائران اربعین حسینی: (راهنمای زائران اربعین حسینی). حبیب‌اله محمودیان، ایلام، انتشارات زاگرو، ۱۳۹۴، ۹۶ص.
۷۷. همراه من با اربعین: ره توشه‌های معنوی سفر اربعین همراه با تجربه‌های مسیر پیاده‌روی. سیدمحمود هاشمی‌دهسرخ؛ مجری طرح موسسه فرهنگی قرآن و عترت "ندای کلام هادی"، اصفهان: آشیانه برتر، ۱۳۹۴، ۱۲۰ص.
۷۸. یا اهل العالم: پیاده‌روی میلیونی اربعین حسینی از دریچه دوربین. عکس سیداحسان باقری، علی حیاتی؛ گردآوری و بازنویسی متن محمد کرم‌زاده، تهران، بیان معنوی، ۱۳۹۱، ۱۰۸ص.
۷۹. یک عاشورا، دو اربعین. خجسته طاهری‌نیا، بوشهر، بادمهر، ۱۳۹۴، ۱۵۱ص.

کتاب عربی

۸۰. الاربعین الحسينية. محمد اشراقی معروف به ارباب، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، ۱۳۷۹، ۳۵۰ص.
۸۱. الاربعین فی التراث الشیعی. محمد محسن حسینی طهرانی، بیروت، دار المحجّة البيضاء؛ تهران، مکتب وحی، ۱۴۳۱ق، ۱۵۱ص.
۸۲. اربعینة الامام الحسین علیه السلام فی وجدان الاسلام. عدنان عبدالنبی البلداوی، بغداد، ۲۰۰۹م، ۲۳ص.
۸۳. النخب الیقین فی رجوع السبایا لزيارة الاربعین: تاریخیا و فقیهیا. حسن البدوی، بیروت، دار الولاة، م. - ۲۹۵ص.
۸۴. خطوات المتقین فی ثمار زیارة الاربعین. هادی الشیخ طه، کربلا، العتبة العباسیة المقدسة، ۱۴۳۱ق، ۳۰ص.
۸۵. ریاض العارفین فی زیارة الاربعین. عادل علوی، قم، موسسه اسلامی تبلیغ و ارشاد، ۱۴۳۱ق = ۱۳۸۹م، ۱۵۰ص.

٨٦. زيارة الاربعين: دراسة موضوعية في اثبات مشروعيتها. كمال زهر، بيروت، امجاد، ١٤٢٢ق، ص٧٠.
٨٧. زيارة الاربعين دلالات و آفاق... محمد عبدالرضا هادي الساعدي، قم، باقيات، ١٤٣٧ق، ص٢٨٠.
٨٨. شرح زيارة الاربعين للامام الحسين (عليه السلام). السيد حسون البطاط، بيروت، الفيحاء، ٢٠١٣م.
٨٩. فضل زيارة الامام الحسين عليه السلام يوم الاربعين. محمد علي النوراني يگانه الغروي القمي، قم، موسسه دارالتفسير، ١٣٩٣، ص٧٢.
٩٠. الفلسفة زيارة الاربعين : يتناول هذا الكراس العناوين التالية: ١- البعد العقائدي والفكر لزيارة العتبات المقدسة. عدنان ساعدي، قم، بزم قلم، ١٣٩٢، ص٤٨.
٩١. الكاظمية المقدسة و احياء ذكرى اربعينية الامام الحسين عليه السلام لعامي ١٤٣٠هـ - ١٤٣١هـ. كاظمين، العتبة الكاظمية المقدسة، ١٤٣١ق، ص٧٩.
٩٢. مجالس الاربعين في مصيبة راس الحسين (ع). نورالله ذاكر قاضي عسگر، اصفهان، بي نا، ١٣٨٣ق، ص١٣٩.
٩٣. مجلة صدى الاربعين. مجموعة مؤلفين، كربلاء، العتبة العباسية المقدسة، قسم الشؤون الفكرية والثقافية، ١٤٣٤ق.
٩٤. مسير السبايا ويوم الاربعين ويليهِ اربعين الحسين في الادب القريض والشعبي. محمود الشريفى، قم، الشريف الرضى، ١٣٧٣، ص٦٤؛ قم، باقيات، مكتبة فدك، ١٤٢٨ق، ص١٧٦.
٩٥. مسيرة الاربعين الحسينية. على حسين الخباز، كربلاء المقدسة، العتبة العباسية المقدسة - قسم الشؤون الفكرية، ٢٠١٢م.
٩٦. المسيرة المليونية في زيارة الاربعين. عبد مناف عبد محمود الخفاجي، بابل، دار الصادق، ٢٠١٤م، ص١٢٣.
٩٧. المشى الى الامام الحسين عليه السلام. محمود الغريفي البحراني، قم، دارالصديقه الشهيد، سماحه المرجع آية الله العظمى الميرزا جواد التبريزي، ١٤٢٥ق، ص٣٢.
٩٨. من آداب زيارة الاربعين. الشيخ مهدي تاج الدين، كربلاء المقدسة، مكتبة العلامة ابن فهد الحلبي، ٢٠١٣م.
٩٩. النور المبين في شرح زياره الاربعين. مهدي تاج الدين، قم، دار الانصار، ١٤٢٦ق، ص٢٤٨.
١٠٠. والله متم نوره. قم، انتشارات مسجد مقدس جمكران، ١٣٩٥، جلد ٣ (ابن كتاب مجموعه مقالات دومين همايش بين المللي «لقاء الحسين» در كربلاي معلی است)
١٠١. يوم الاربعين عند الحسين عليه السلام. عبدالرزاق الموسوي المقرم، نجف، مطبعة القضاء، ١٣٧٧ق، ص٤٠.

مقالات فارسی

۱۰۲. «۸۰ کیلومتر در راه بهشت؛ مسافران اربعین بخوانند و بدانند». جاده‌های سبز، ش ۱۳۱، آبان ۱۳۹۵، صص ۱۲-۱۳.
۱۰۳. «۸۰ هزار متر عاشقی: گزارشی از پیاده روی امسال اربعین». مهدی مهریویان، خیمه، ش ۱۱۶، دی ۱۳۹۴، صص ۱۷-۲۰.
۱۰۴. «آداب پیاده‌روی اربعین». علیرضا پناهیان، خانه خوبان، ش ۸۱، آبان ۱۳۹۴، صص ۲۸-۲۹.
۱۰۵. «آداب و رسوم عزاداری اربعین در عراق امروز». فرهنگ زیارت، فرج الحطاب، ترجمه محمد مهدی رضایی، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۱۳۷-۱۴۸.
۱۰۶. «آسیب‌شناسی وقایع اربعین ۱۳۴۸ قمری». کاش فالغطاء ترجمه محمد مهدی کرمانی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۲۹۹-۳۱۲.
۱۰۷. «اتحاد مسلمانان پیام سیاسی اربعین است». دو هفته نامه سروش، ش ۱۶۰۷، بیست و دوم آذر ۱۳۹۳، صص ۶۴-۶۵.
۱۰۸. «اربعین». دائرة المعارف تشیع، جلد ۱، صص ۸۴.
۱۰۹. «اربعین امام حسین (ع)». حسین ظفری‌نژاد، ماهنامه پرسمان، ش ۱۰۸، دی ۱۳۹۰، صص ۱۷-۱۸.
۱۱۰. «اربعین از دیدگاه رهبر». ماهنامه سرباز، ش ۲۰۸، دی ۱۳۹۲، صص ۲۴.
۱۱۱. «اربعین از روی عدد: چرا راهپیمایی اربعین این قدر مهم بود؟». منصوره مصطفی‌زاده، خیمه، ش ۱۱۲، اردیبهشت ۱۳۹۴، صص ۲۸-۲۹.
۱۱۲. «اربعین امام حسین علیه السلام». یک گزارش اجمالی. رسول جعفریان، مقالات تاریخی، صص ۱۷۱-۱۷۸.
۱۱۳. «اربعین؛ امتداد عاشورا». احمد نبوی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۷-۱۶.
۱۱۴. «اربعین تداوم قیام حسینی». پیام انقلاب، ش ۹۶، آبان ۶۲، صص ۴-۷.
۱۱۵. «اربعین جوش چشمه جاوید عاشورا». عبدالله اصفهانی، پاسدار اسلام، ش ۴۰۶، آبان و آذر ۱۳۹۴، صص ۲۶-۲۹.
۱۱۶. «اربعین حسین بن علی (چهلمین روز پیکار سپاه حق با لشکر کفر و ننگ)». دانشوران، ش ۳، تیر ۱۳۴۳، صص ۷-۱۰.
۱۱۷. «اربعین حسینی». جواد محدثی، اشارات ایام، ش ۱۶۴، پاییز ۱۳۹۵، صص ۱۲۰-۱۲۳.

۱۱۸. «اربعین حسینی». سیدرضا طاهری، اشارات، ش ۱۴۹، زمستان ۱۳۹۱، صص ۴۹-۶۶.
۱۱۹. «اربعین حسینی». طه نهامی، پیام زن، ش ۲۳۸، دی ۱۳۹۰، صص ۳۰-۳۵.
۱۲۰. «اربعین حسینی». محمدابراهیم محمدی، فرهنگ کوثر، ش ۶۴، زمستان ۱۳۸۴، صص ۲۹-۳۵.
۱۲۱. «اربعین حسینی امکان حضور در تاریخ دیگر». اصغر طاهرزاده، پاسدار اسلام، ش ۴۱۵-۴۱۶، مهر ۱۳۹۵، صص ۱۴-۲۱.
۱۲۲. «اربعین حسینی: پیاده‌روی از منظر روان‌شناسی اجتماعی». اشارات ایام، ش ۱۶۰، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۲۱-۱۲۲.
۱۲۳. «اربعین حسینی تصویری از تاسوعا و عاشورای حسینی». نیکی، ش ۱۵۶، شنبه یکم آذر ۱۳۹۳، صص ۲۸-۲۹.
۱۲۴. «اربعین حسینی؛ حجبی که از ما دریغ شده». منصوره بهشتی، فکته، ش ۱۵۱، آذر ۱۳۹۴ صص ۴-۵.
۱۲۵. «اربعین حسینی در آثار و انظار علما». غلامرضا گلی زواره، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۱۶۹-۱۹۴.
۱۲۶. «اربعین حسینی؛ درس‌ها و پیام‌ها». پیام انقلاب، ش ۳۱، بهمن ۱۳۸۸، صص ۲.
۱۲۷. «اربعین حسینی؛ شکوفه با شکوفه حماسه عاشورا». غلامرضا گلی زواره، مبلغان، ش ۱۹۶، آبان و آذر ۱۳۹۴، صص ۱۰-۱۸.
۱۲۸. «اربعین حسینی و روز زیارتی حضرت اباعبدالله الحسین (ع)». محمود سوری، گلبرگ معرفت، ش ۷۳، فروردین ۱۳۸۵، صص ۳۶-۴۰.
۱۲۹. «اربعین در فرهنگ اسلامی». سیدرضا تقوی دامغانی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۸۵-۱۰۲.
۱۳۰. «اربعین در کلام بزرگان». زائر، ش ۲۴۷، آبان ۱۳۹۵، صص ۹-۱۲.
۱۳۱. «اربعین سید الشهداء (ع)». نصرت‌الله نوریانی، آیین اسلام، ش ۲۷۱، آذر ۱۳۲۸، صص ۱-۲.
۱۳۲. «اربعین نور: اربعین حسینی». گلبرگ معرفت، ش ۶۱، فروردین ۱۳۸۴، صص ۴۹-۵۳.
۱۳۳. «اربعین و بازگشت کاروان حسینی به کربلا». حسین تربتی، مبلغان، ش ۱۷۲، آذر و دی ۱۳۹۲، صص ۲۸-۳۵.
۱۳۴. «اربعین، بلوغ عاشورا». محمدرضا سنگری، رشد معلم، ش ۱۰۲، تابستان ۱۳۷۳، صص ۴۴-۴۵.
۱۳۵. «اربعین، تداوم عاشورا». جواد محدثی، پیام زن، ش ۲۰۳، بهمن ۱۳۸۷، صص ۱۴-۱۵.

۱۳۶. «اربعین، روزی که سرهای مجلسیان درباری فرو افتاد». نشریه صف، ش ۲۵، دی ۱۳۶۰، صص ۱۱-۱۰.
۱۳۷. «اربعین سستی برای شکوفایی انسان تراز تمدن اسلامی». اصغر منتظرالقائم، پاسدار اسلام، ش ۴۰۶، آبان و آذر ۱۳۹۴، صص ۲۲-۲۵.
۱۳۸. «اربعین، میعادگاه عاشقان دلسوخته». زائر، ش ۲۳۳، آذر ۱۳۹۳، صص ۸-۹.
۱۳۹. «اربعین، نگاهی به نقش تاریخ ساز امام سجاد (ع) بعد از فاجعه کربلا». نشریه جهاد، ش ۵۹، آذر ۱۳۶۲، صص ۳۲-۳۳.
۱۴۰. «اربعین؛ یادمان نخستین زیارت امام حسین (ع)». محمدحسین صالح آبادی، خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۴۸-۵۷.
۱۴۱. «اربعین های خونین» محمدرضا زارع خورمیزی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۲۷۹-۲۹۸.
۱۴۲. «اسرار اربعین در تاریخ خلقت». دیدار آشنا، ش ۱۳۵، دی ۱۳۹۰، صص ۱۲-۱۴.
۱۴۳. «اگر اربعین نبود عاشورا گم می شد: مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین ارفع». پاسدار اسلام، ش ۳۶۱، دی ۱۳۹۰، صص ۱۶-۱۹.
۱۴۴. «انتفاضه اربعین ۱۳۹۷ قمری». رعد الموسوی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۳۱۳-۳۲۷.
۱۴۵. «با اربعین حسینی». دوماهنامه نیم رخ، ش ۲۶، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵، صص ۳۸-۳۹.
۱۴۶. «با کاروان اربعین». پگاه حوزه، ش ۳۱۸، دی ۱۳۹۰، صص ۳۶-۳۷.
۱۴۷. «پژوهشی در اربعین حسینی علیه السلام». محسن رنجبر، تاریخ در آینه پژوهش، ش ۵، بهار ۱۳۸۴، صص ۱۵۷-۱۹۲.
۱۴۸. «پیاده‌روی اربعین تولی و تبری در میدان عمل». ناصر رفیعی، خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۶۴-۶۵.
۱۴۹. «پیاده‌روی اربعین بزرگ‌ترین راهپیمایی در طول تاریخ (گفت و گو با حجت الاسلام نجم الدین طبسی)». خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۸۰-۸۲.
۱۵۰. «پیاده‌روی اربعین حسینی در سیره و سخن بزرگان». عبدالرحیم اباذری، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۱۴۹-۱۶۸.

۱۵۱. «پیاده روی اربعین می توانست اسکار رستاخیز باشد: احمدرضا درویش در گفت و گو با محمدرضا زائری». خیمه، ش ۱۱۴، مرداد و شهریور ۱۳۹۴، صص ۱۲-۱۶.
۱۵۲. «پیام آوران عاشورا (بمناسبت اربعین حسینی)». نشریه جهاد، ش ۴۳، آذر ۱۳۶۱، صص ۱۸-۲۲.
۱۵۳. «پیام اربعین در زیارت اربعین». عبدالکریم پاک نیا تبریزی، مبلغان، ش ۱۲۴، دی و بهمن ۱۳۸۸، صص ۱۴-۲۵.
۱۵۴. «تاملی پیرامون اربعین». احسانی، آفاق مهر، ش ۴۸، دی - اسفند ۱۳۹۰، صص ۱۱۸-۱۱۹.
۱۵۵. «تجربه‌های کاربردی برای اعزام کاروان پیاده روی اربعین». خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۸۹-۹۷.
۱۵۶. «تحقیق درباره اولین اربعین». سیدمحمدعلی قاضی طباطبائی، موعود، ش ۸، خرداد و تیر ۱۳۷۷، صص ۲۴-۲۷.
۱۵۷. «تحقیقی درباره اربعین حسینی». محمدتقی سبحانی نیا، تاریخ در آینه پژوهش، ش ۶، تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۴۷-۱۸۲.
۱۵۸. «تحلیل مبنای تاریخی اربعین حسینی». محمد فاضل، رواق اندیشه، ش ۱، خرداد و تیر ۱۳۸۰، صص ۵-۳۲.
۱۵۹. «جایگاه زیارت اربعین در متون حدیثی و فقهی». امین شیرازی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۷۵-۸۶.
۱۶۰. «جلوه‌های حماسه سیاسی در زیارت اربعین». علی حائری مجد، اشارات، ش ۱۵۳، زمستان ۱۳۹۲، صص ۳۸-۳۹.
۱۶۱. «چگونگی پیدایش و برپایی مراسم اربعین حسینی در زنگبار». یاسر کنعانی، اخبار شیعیان، ش ۶۳، بهمن ۱۳۸۹، صص ۳۶.
۱۶۲. «چند تجربه از همراهی با زائران اربعین؛ گفت و گو با محمدرضا محمدی». علیرضا سهلانی، خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۶۶-۶۸.
۱۶۳. «چهل منزل تا کربلا (خاطرات سفر اربعین سال ۱۳۹۳ شمسی)». علیرضا قزوه، فرهنگ اسلامی، ش ۳۰، دی ۱۳۹۴، صص ۲۳۵-۲۷۴.
۱۶۴. «داستان اربعین». هادی محمدیان، کودک، ش ۱۲۵، آبان ۱۳۹۵، صص ۸۰-۸۵.
۱۶۵. «در اربعین چه گذشت». گلستان قرآن، ش ۶۳، اردیبهشت ۱۳۸۰، صص ۲۷.
۱۶۶. «درباره اربعین امام حسین (ع)». سید مهدی میرمسیب، معارف، ش ۱۰۵، آبان و آذر ۱۳۹۳، صص ۲۰-۲۱.

۱۶۷. «درس اربعین». معارف، ش ۱۰۰، آذر و دی ۱۳۹۲، صص ۲۲.
۱۶۸. «درس‌های اربعین برای گردشگری». علی محمدی گل گلاب، جاده‌های سبز، ش ۱۳۱، آبان ۱۳۹۵، صص ۶-۷.
۱۶۹. «دستاورد‌های بین‌المللی میعادگاه جهانی عاشقان حسین (ع)». محمدحسن قدیری اییان، خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۶۹-۷۰.
۱۷۰. «راهپیمایی اربعین زخمی بر دل دشمنان، تعالی بخش روح زائران؛ در گفت و گوی زائر با عبدالحسین خسروپناه عنوان شد». به کوشش فاطمه امیراحمدی، زائر، ش ۲۴۷، آبان ۱۳۹۵، صص ۴۷-۴۸.
۱۷۱. «زیارت اربعین؛ جلوه‌ای نمادین از هویت شیعه». نسیم کاهیرده، خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۴۴-۴۷.
۱۷۲. «زیارت: نهضت پیاده روی اربعین». جواد محدثی، پیام انقلاب، ش ۱۵۸، اسفند ۱۳۶۴، صص ۶۲-۶۵.
۱۷۳. «سخنان مقام معظم رهبری / چهار شاخص اربعین و زیارت اربعین». داود موذنیان، مبلغان، ش ۲۰۸، آبان و آذر ۱۳۹۵، صص ۱۱۹-۱۲۳.
۱۷۴. «سر قداست اربعین حسینی». محمد فاضل استرآبادی، اخبار شیعیان، ش ۱۷، فروردین ۱۳۸۶، صص ۴۰-۴۱.
۱۷۵. «سفر عشق: روایت از پیاده روی اربعین از نجف تا کربلا». سید محمدجعفر محمودی، آفاق مهر، ش ۵۴، آذر و دی ۱۳۹۲، صص ۶-۱۳.
۱۷۶. «سفرنامه اربعین». محمود شریفی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۳۵۹-۳۸۲.
۱۷۷. «سفری از جنس آبی آسمان؛ گفتنی‌ها و شنیدنی‌های پیاده روی اربعین». جاده‌های سبز، ش ۱۳۱، آبان ۱۳۹۵، صص ۷-۱۱.
۱۷۸. «سلام بر کسی که زخم‌هایش التیام یافت». رقیه ندیری، اشارات، ش ۱۵۳، زمستان ۱۳۹۲، صص ۲۴-۳۲.
۱۷۹. «سلام بر تو که وارث تمام انبیایی: نگاهی به زیارت مهم اربعین که خواندنش یکی از نشانه‌های ایمان است». فاطمه مرشدی، خیمه، شماره ۸۳، دی ۱۳۹۰، صص ۹۰-۹۱.
۱۸۰. «سه نمای متفاوت از پیاده روی اربعین». حمیدرضا منتظری، برهان اندیشه، ش ۲، دی ۱۳۹۴، صص ۵۹-۶۰.
۱۸۱. «شیعیان زنگبار و مراسم اربعین». وقف میراث جاویدان، ش ۳۹-۴۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، صص ۹۱-۹۳.

۱۸۲. «طرح پردیس اربعین». خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۸۳-۸۸.
۱۸۳. «عاشورا در زیارت اربعین». نصرالله شریفی، مجموعه عاشورا، صص ۲۰۱-۲۱۱.
۱۸۴. «عطیه دومین زائر اربعین». محمود اقدم، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۲۷۱-۲۷۸.
۱۸۵. «فضیلت پیاده روی برای زیارت معصومین (ع)». سیدعادل علوی، ترجمه حسین شهرستانی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۴۷-۵۸.
۱۸۶. «کربلا با زیارت اربعین ماندگار شد». مریم احمدی شیروان، زائر، ش ۲۳۳، آذر ۱۳۹۳، صص ۲۶-۲۷.
۱۸۷. «گزارش‌های متفاوت از پیاده‌روی اربعین / برداشت‌های یک زبان نفهم». محیا، پیش شماره ۵، خرداد ۱۳۹۵، صص ۲۹-۳۷.
۱۸۸. «مضامین زیارت اربعین». جواد محدثی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۱۰۳-۱۱۴.
۱۸۹. «مطاف دل‌ها (به مناسبت اربعین حسین)». مهدی پیشوایی، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۴۹، ش ۱۱، دی ۱۳۸۸، صص ۵-۸.
۱۹۰. «معراج انسان‌ها در پیاده روی اربعین». عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی، مبلغان، ش ۱۷۲، آذر و دی ۱۳۹۲، صص ۷۴-۸۲.
۱۹۱. «مکتب تکفیر و مکتب اربعین». سوسن شمال‌نسب، فرهنگ اسلامی، ش ۳۰، دی ۱۳۹۴، صص ۲۲۱-۲۳۴.
۱۹۲. «نقش اربعین در احیاء و گسترش نهضت امام حسین (ع)». سیدمحمدرضا حسینی جلالی، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۳۵-۴۶.
۱۹۳. «تکند همراه این زائران زینب (ع) هم بیاید؛ نگاهی به آداب مردم عراق در اربعین حسینی». صدیقه رضوانی نیا، زائر، ش ۲۴۷، آبان ۱۳۹۵، صص ۸۰-۸۱.
۱۹۴. «نگاه فراگیر به اربعین حسینی (گفت و گو با حمیدرضا غریب رضا)». خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۷۱-۷۲.
۱۹۵. «نگاهی اکتشافی به زائران اربعین». زهرا قدیانی، پیام زن، ش ۲۹۳، مهر ۱۳۹۵، صص ۲۲-۲۷.
۱۹۶. «نگاهی به آموزه‌های دعای اربعین». سیدرضا طاهری، اشارات، ش ۸، زمستان ۱۳۹۱، صص ۵۱-۶۲.
۱۹۷. «نگاهی به زیارت اربعین سالار شهیدان (مبتنی بر آثار و اندیشه‌های حکیم الهی آیت الله جوادی آملی)». حسین محمودی، اشارات، ش ۴، زمستان ۱۳۹۰، صص ۴۷-۵۷.

۱۹۸. «نگاهی به کتاب «تحقیق درباره روز اربعین حضرت سید الشهداء (ع)»». کیهان فرهنگی، ش ۸، آبان ۱۳۶۳، صص ۴۳.
۱۹۹. «وداع زیارت اربعین». محمد اصغری نژاد، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۱۱۵-۱۲۷.
۲۰۰. «ویژگیهای امام حسین علیه السلام در زیارت اربعین». عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی، مبلغان، ش ۱۴۸، بهمن ۱۳۹۰، صص ۱۱۴-۱۲۵.
۲۰۱. «هر آنچه برای اربعین لازم دارید». فاطمه مطهری، پیام زن، ش ۲۹۳، مهر ۱۳۹۵، صص ۲۸-۳۱.
۲۰۲. «هر چه ما در این مسیر دیدیم زیبایی بود (میزگردی با حضور زائران اربعین از نقاط مختلف جهان)». خیمه، ش ۱۱۰، آذر ۱۳۹۳، صص ۷۳-۷۹.
۲۰۳. «همایش جهانی اربعین». محمد السند، ترجمه محمدعلی خوشنویس، فرهنگ زیارت، ش ۱۹-۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۹۳، صص ۵۹-۷۴.

مقالات عربی

۲۰۴. «إحياء الإسلام بإحياء قضية الوحدة». حسن يحيى، صدى الاربعين (كربلا، العتبة العباسية المقدسة، قسم الشؤون الفكرية والثقافية، ۱۴۳۴ق.)، صص ۹-۱۲.
۲۰۵. «إحياء أمر أهل البيت (ع) وتعظيم الشعائر الحسينية». السيد أحمد الحسيني، صدى الاربعين (كربلا، العتبة العباسية المقدسة، قسم الشؤون الفكرية والثقافية، ۱۴۳۴ق.)، صص ۱۵-۲۳.
۲۰۶. «اربعين ابوالشهداء عليه آلاف التحية و الثناء». نصرت الله نورباني، آيين اسلام، ش ۲۵۱، ۱۸ آذر ۱۳۲۸، صص ۱-۲.
۲۰۷. «اربعينية الامام الحسين (ع) في وجدان الاسلام». عدنان عبدالنبي البلداوي، صدى الاربعين (كربلا، العتبة العباسية المقدسة، قسم الشؤون الفكرية والثقافية، ۱۴۳۴ق.)، صص ۲۵-۳۲.
۲۰۸. «الأربعون في البحرين: شعائر بدأها المؤمنون منذ واقعة كربلاء». شعائر، ش ۴۵، صفر ۱۴۳۵ق، صص ۸-۱۲.
۲۰۹. «الأربعون في المأثور الإسلامي». الشيخ عبدالجبار الساعدي، ينابيع، ش ۱۰، محرم الحرام - صفر ۱۴۲۷ق، صص ۱۸-۲۲.
۲۱۰. «التأييد الإلهي لزيارة الاربعين». الشيخ مكي فاضل، صدى الاربعين (كربلا، العتبة العباسية المقدسة، قسم الشؤون الفكرية والثقافية، ۱۴۳۴ق.)، صص ۳۳-۴۲.

۲۱۱. «تجدید الحزن فی اربعین». رشید السرای، جنبه الحسین (ع)، ش ۵، محرم الحرام ۱۴۳۵ق.، صص ۶۲-۶۷.
۲۱۲. «زیارة الأربعین من علامات المؤمن». کاظم البهادلی، الفرات، ش ۱۱، صفر ۱۴۲۳ق.
۲۱۳. «زیارة الأربعین هكذا تحدث عنها المعصومون... و التزم الحسینیون». تحقیق احمد الحسینی، شعائر، ش ۹، صفر ۱۴۳۲ق.، صص ۸-۱۲.
۲۱۴. «زیارة الأربعین، نبض وحدة الأمة والأستضعفین». حسین کورانی، شعائر، ش ۴۶، ربیع الول ۱۴۳۵ق.، صص ۶-۷.
۲۱۵. «فی اربعین الامام الحسین (ع)». سلمان هادی آل طعمه، المنبر الحسینی، ش ۲۱-۲۲، ربیع الاول ۱۴۲۸ق.، صص ۲۳۸-۲۴۰.
۲۱۶. «نوح السبایا والصحابه يوم الاربعین». السيد صالح الشهرستاني، صدى الاربعین (کربلا، العتبة العباسية المقدسة، قسم الشؤون الفكرية والثقافية، ۱۴۳۴ق.)، صص ۱۴۷-۱۵۲.

مقالات همایش‌ها

۲۱۷. «تبیین انگیزه‌های معنوی گردشگران در سفرهای معنوی مطالعه موردی رویداد پیاده روی اربعین». محمد هادی همایون، اولین کنفرانس بین المللی گردشگری و معنویت (تهران، دانشگاه علم و فرهنگ، ۱۳۹۴).
۲۱۸. «رهیافت‌های سیاسی از اربعین حسینی». حسن نیک کار، کنفرانس سالانه رویکردهای نوین پژوهشی در علوم انسانی (تهران، ۱۳۹۴).

پایان نامه‌ها

۲۱۹. «ارایه ساختار مناسب مستند دینی - آیینی با مطالعه موردی اربعین حسینی در عراق». حسن امامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی علی اصغر غلامرضایی و مشاوره محمود اربابی، دانشکده صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲.
۲۲۰. «بررسی سیما امام حسین (ع) در زیارت اربعین». اشکان جوانمرد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ۱۳۹۳.
۲۲۱. «پیاده روی اربعین به مثابه ارتباطات آیین شیعی». محسن امین ورزلی، به راهنمایی عبدالله گویان، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات گرایش مطالعات سیاست گذاری، گرایش سیاستگذاری عمومی، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۴.

کتاب انگلیسی

222. To karbala: surveying Religious Shi'a from Iran and Iraq, fotini christia and Elizabeth Dekeyser and Dean knox, USA, Massachusetts Institute of Technology, 2016.

منابع

- ابصار العين، محمد بن طاهر سماوي، ج ١، ص ١٨٥ و ١٦٥.
- «ابن عباس و مكانته في التفسير»، محمدباقر حجتى، اعيان الشيعة، ج ٨.
- الاحتجاج، احمد بن على طبرسى، قم، ١٣٥٢.
- الاحتجاج، محمد بن على طبرسى، تحقيق سيد محمدباقر، نجف، دارالنعمان، بى تا.
- أخبار الدولة العباسية و فيه أخبار العباس و ولده، مؤلف مجهول، به كوشش عبدالعزيز الدورى، عبدالجبار المطلبى، بيروت، دارالطليعة، ١٤١٢ق.
- الأخبار الطوال، احمد بن داود دينورى، تحقيق عبدالمنعم عامر، قم، منشورات الرضى، ١٣٦٨ش.
- اختيار معرفة الرجال، شيخ طوسى، قم، ١٣٧٨ش.
- الإرشاد، محمد بن نعمان، معروف به شيخ مفيد، به كوشش مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، دارالمفيد.
- الاستيعاب في معرفة الأصحاب، يوسف بن عبداللّه قرطبى مشهور به ابن عبدالبر، به كوشش على محمد بجاوى، بيروت، دارالجيل، چاپ اول، ١٤١٢ق.
- أسد الغابة، على بن محمد معروف به ابن اثير جزرى، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٩ق.
- اسد الغابة، على بن محمد معروف به ابن اثير، بيروت، دار احياء التراث العربى، بى تا.
- اسماء بنت ابى بكر، سايت مركز فرهنگ و معارف قرآن www.maarefquran.com.
- الاصابة في تمييز الصحابه، احمد بن على بن حجر عسقلانى، به كوشش عادل احمد عبدالموجود و على محمد محوّض، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٥ق.
- الاصابة، ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، قاهره، ١٣٢٨ق.
- الاعلاق النفيسه، ابن رسته، بيروت، ١٤٠٩ق.
- اعلام النساء، كحاله، بيروت، ١٤٠٤ق.
- الاعلام، زرکلى، بيروت، دارالعلم للملايين، ١٩٨٩م.
- اعيان الشيعة، سيد محسن امين، بيروت، ١٣٩٥ق.
- الاقبال بالاعمال الحسنه، ابن طاووس، على بن موسى، قم، ١٣٨٢ش.
- الامامة و السياسة، ابن قتيبه دينورى، به كوشش على شيرى، قم، شريف رضى، ١٤١٣ق.
- الامامة و السياسة، ابن قتيبه دينورى، قاهره، ١٣٨٨ق / ١٩٦٩م.
- انساب الاشراف، احمد بن يحيى بن جابر البلاذرى، به كوشش سهيل زكار و رياض زرکلى، بيروت، دارالفكر، ١٤١٧ق.
- انساب الاشراف، احمد بن يحيى بن جابر البلاذرى، به كوشش محمدباقر المحمودى، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ١٣٩٤ق.
- اهل بيت در قرآن و سنت، به كوشش محمد محمدى رى شهرى، قم، دارالحديث، ١٣٩٢.

- بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
- البداية و النهاية، اسماعیل بن عمر ابن کثیر دمشقی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ ق.
- بقیة نامه (مجله)، ش ۱، تابستان و پاییز ۱۳۹۴.
- پایگاه اطلاع رسانی حج.
- پایگاه باشگاه خبرنگاران جوان.
- تاریخ الاسلام، محمد بن احمد ذهبی، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
- تاریخ الاسلام، محمد بن احمد ذهبی، قاهره، ۱۳۶۸ ق.
- تاریخ الامم و الملوك (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، به کوشش محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ق.
- تاریخ عاشورا یا مقتل الحسین علیه السلام، سید عبدالرزاق مقرر، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران، نشر عطارد، ۱۳۸۸.
- تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهداء، گروهی از تاریخ پژوهان، به کوشش مهدی پیشوایی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۹.
- التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن شیخ طوسی، مقدمه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، به کوشش احمد قصیر عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، ابو محمد الحسن بن علی ابن شعبه حرانی، ترجمه احمد جنتی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۷.
- تحقیقی در نهضت عاشورا، جمعی از محققین گروه تاریخ، قم، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱ ش.
- ترجمة الامام الحسین علیه السلام، محمد ابن سعد، به کوشش عبدالعزیز الطباطبائی، قم، مؤسسه آل البيت تسمیه من قتل مع الحسین علیه السلام، محمدرضا حسینی جلالی، قم، ۱۴۱۰ ق.
- تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، به کوشش محمدحسین شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- تنقیح المقال فی علم احوال الرجال، عبدالله مامقانی، بی جا، مطبعة الحیدریة، ۱۳۵۲ ق.
- توان نامه (مجله)، آبان - بهمن ۱۳۹۲.
- الثقات، ابن حبان، حیدرآبادکن، ۱۳۹۸ ق.
- خبرگزاری ابنا، ABNA.ir.
- خبرگزاری الکفیل، Alkafeel.net.
- خبرگزاری تسنیم، آبان و آذر ۱۳۹۴.
- خبرگزاری جنوب نیوز، jonoubnews.ir.
- خبرگزاری مهر، ۷ آذر ۱۳۹۴؛ ۴ آذر ۱۳۹۴.

- «خطبه امام حسین علیه السلام در منا»، ویکی شیعه.
- دانشنامه دانش گستر، تهران، مؤسسه دانش گستر، ۱۳۸۹.
- دانشنامه عاشورا و امام حسین علیه السلام، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۰.
- دانشنامه قرآن کریم، ولیمور لیمن، ترجمه محمدحسین وقار، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۱.
- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، به کوشش بهاء الدین خرمشاهی، تهران، دوستان - ناهید، چاپ دوم: ۱۳۸۱.
- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلدهای مختلف، به کوشش سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۷۵-۱۳۹۰.
- دایرةالمعارف تشیع، جلدهای ۱ تا ۹، تهران، نشر شهید محبی، ۱۳۸۱.
- رجال شیخ طوسی، قم، ۱۳۷۲.
- روزنامه ایران، ۲۰ آبان ۱۳۹۵.
- ریاض الاحزان، قم، ۱۳۸۰.
- سایت اربعین، www.Arbaeen.net.
- سایت پایان نامه‌ها، thesis.ui.ac.ir/abstracts.
- سایت تبیان، www.tebyan.net.
- سایت تیترا، www.titrel.ir.
- سایت چالدران نیوز، ۱۴ آذر ۱۳۹۰.
- سایت دایرةالمعارف ظهور، www.tahoor.com.
- سایت دوازده، www.121212.mihanblog.com.
- سایت رجا نیوز، www.Rajanews.com.
- سایت مطالعات شیعه، www.shiastudies.net.
- سایت هدایتگر، www.hedayatgar.ir.
- سخنان حسین بن علی علیه السلام از مدینه تا کربلا، محمدصادق نجمی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
- سعد السعود، سید بن طاووس، قم، ۱۳۶۲.
- سیر اعلام النبلاء، ذهبی، به کوشش شعیب ارنووط و دیگران، بیروت، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م.
- شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن هبة الله مشهور به ابن ابي الحديد، به کوشش محمدابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبة آية الله المرعشي النجفي، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
- شرح نهج البلاغه، ابن ابي الحديد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
- صفة الصفوة، عبدالرحمن بن علی معروف به ابن جوزی، به کوشش محمود فاخوری و محمد رواس قلعجی، بیروت، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.
- الطبقات الكبرى، ابن سعد کاتب واقدی، محمد بن سعد، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق.
- الطبقات الكبرى، ابن سعد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۵ م.

- الطبقات الكبرى، محمد ابن سعد، بیروت، دار صادر، ۱۴۰۵ ق.
- عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، احمد بن علی حسنی معروف به ابن عنبه، تصحیح محمدحسن آل طالقانی، قم، منشورات رضی، ۱۳۶۲.
- عنصر شجاعت، قم، ۱۳۸۵.
- الغدیر، عبدالحسین امینی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۷۹ ق.
- الفتوح، ابومحمد احمد معروف به ابن اعثم، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- الفتوح، اعثم کوفی، به کوشش علی شیری، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۱ ق.
- فرسان الیهیجاء، ذبیح الله محلاتی، تهران، نشر کتاب، ۱۳۹۰ ق.
- قاموس قرآن، سید علی اکبر قریشی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳.
- «قبیله ازد و نقش آن در تحولات تاریخ ایران تا سال ۱۳۲۲ ق»، لیلا خامسی، پایان نامه، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۵ م.
- الکامل فی التاریخ، عزالدین ابی الحسن معروف به ابن الاثیر، تصحیح علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- کتاب سلیم بن قیس الیهلالی، به کوشش محمدباقر انصاری زنجانی خوئینی، بیروت، دارالحوراء، ۱۴۳۰ ق.
- کنز العمال، هندی، بیروت، ۲۰۰۴ م.
- المهوف علی قتلی الطفوف، ابن طاووس، ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر، ۱۴۱۴ ق، به کوشش الشیخ فارس تبریزیان، تهران، دارالاسوة.
- مثیر الاحزان، هبه الله بن نما حلی معروف به ابن نما، قم، مؤسسه الامام مهدی، ۱۴۰۶ ق.
- «محمد بن حنفیه و قیام کربلا»، محمدعلی چلونگر، فصلنامه حوزه و دانشگاه، فروردین ۱۳۸۶، شماره ۳۳.
- مُرُوجُ الذَّهَبِ، مسعودی، قم، ۱۳۸۴.
- مسند الامام الشهدید، به کوشش عزیز الله عطاردی، تهران، نشر عطارد، ۱۳۹۱.
- المسند الصحیح المختصر، مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، به کوشش عبدالباقی، محمد فؤاد، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- المعارف، ابن قتیبہ دینوری، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره، ۱۹۶۰ م.
- معجم المطبوعات، یوسف البیان سرکیس، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۱۰ ق.
- معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم خویی، بیروت، ۱۹۹۴ م.
- معجم مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، به کوشش ندیم مرعشلی، قم، اسماعیلیان، بی تا.
- معلولیت از دیدگاه معصومین علیه السلام، عباس خاک، نشر خاکیان، ۱۳۸۹.
- مقاتل الطالبین، علی بن الحسین ابوالفرج الاصفهانی، به کوشش احمد صقر، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹ ق.
- مقتل الحسین علیه السلام، عبدالرزاق الموسوی المرقم، بیروت، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۹۹ ق.

- مقتل الحسين، ابی مخنف، به کوشش حسن عفاری، قم، مکتبه العلمیه، بی تا.
- من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، به کوشش علی اکبر عفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی مشهور به ابن شهر آشوب، قم، انتشارات علامه، بی تا.
- المنتظم، عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، به کوشش محمد عبدالقادر عطا، مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- منتهی الآمال، عباس قمی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۵.
- منشور حقوق معلولان: توصیه‌های امام علی علیه السلام به مالک اشتر، محمد نوری، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۴.
- منهاج الدعوی، علی قرنی گلپایگانی، قم، کتابفروشی صحفی، ۱۳۴۱.
- ناسخ التواریخ: حضرت سجاد، عباسقلی خان سپهر، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۷.
- نکت الهمیمان فی نکت العمیمان، صلاح الدین خلیل الصفدی، به کوشش احمد زکی، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۳ق.
- نکت الهمیمان، صفدی، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطار، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۷م.
- وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت علیه السلام، ۱۴۰۲ق.
- وفیات الاعیان، ابن خلکان، شمس الدین محمد بن ابی بکر، به کوشش احساس عباس، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- وقعة صفین، منقری، به کوشش محمد عبدالسلام هارون، قاهره، ادارة الطباعة.
- وقعة صفین، نصر بن مزاحم منقری، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.
- یران خورشید (سلحشوران نهضت امام حسین علیه السلام)، غلامرضا بهرامی، قم، چاپ اول، انتظار سبز، ۱۳۸۹ش.
- یران شیدای حسین بن علی علیهما السلام، استاد مرتضی آقا تهرانی.



دفتر فرهنگ معلولین
دار الثقافة للمعوقين
Handicap Cultural Center

قیام حسینی تا اربعین حسینی و حضور متعهدانه معلولان



به کوشش:
دفتر فرهنگ معلولین